



مقامات الحائز



بخش
۳

تعامل مردم و نظام اسلامی

فصل یکم: نظام سیاسی

فصل دوم: نظام اجتماعی

فصل سوم: تشبیه سازی و تشبیه داری

فصل چهارم: امور اقتصادی

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام نظام و حکومت برای جامعه را همانند رشته تسبیح برای دانه‌های آن می‌داند که بهره‌گیری از دانه‌ها بدون آن، ممکن نیست؛^۱ از همین رو در آموزه‌های دینی مطالبی فراوان درباره نظام اسلامی آمده است. در اینجا به بخشی از آن مطالب در چهار فصل اشاره می‌شود:

فصل ۱ نظام سیاسی

اهمیت تشکیل نظام اسلامی

تشکیل نظام اسلامی از ضروریات دین اسلام و مذهب تشیع است؛ چرا که بدون حکومت اسلامی، اجرای احکام اسلامی در امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، نظامی و حتی امور فردی و مذهبی مسلمانان معطل و مختل خواهد شد. تجربه تاریخی و عینی این حقیقت را به وضوح ثابت می‌کند؛ از این رو پیامبر بزرگ اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از هجرت به مدینه، در اولین فرصت به تأسیس نظام و حکومت اسلامی پرداخت.

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام در این باره می‌فرماید: ... هیچ فرقه و ملتی را نمی‌یابیم که پایدار مانده و زندگی کرده باشند، مگر با داشتن فرمانروایی قوامبخش و

۱ . مَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَزْرِ يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ: فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَزْرُ وَ دَهَبَ، ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَدَافِيرِهِ أَبَدًا (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶).

[این از آن روست که] مردم ناچارند برای امر دین و دنیای خود حاکمی داشته باشند تا آنها را سرپرستی کند... و زندگی مردم بدون آن حاکم، قوام و سامان نمی یابد...^۱

اهمیت نیاز به حاکم عادل

وجود حاکم عادل در رأس حکومت اسلامی نیز از مسلمات این دین است و در متون اسلامی به آن تصریح و بر آن تأکید شده است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: ... سه چیز است که مردم هر شهری به آن نیاز دارند تا در امور دنیا و آخرت خود به آن پناه ببرند و اگر این سه را نداشته باشند به نابسامانی در زندگی گرفتار خواهند شد: فقیه دانای پرهیزگار و فرمانروای نیکوکاری که مردم از وی پیروی کنند و پزیشک آگاه مورد اعتماد.^۲

نکته: البته نظام هماهنگ با امور یاد شده در گزو داشتن رهبر جامع عقل نظری و عقل عملی است.

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام هم فرمود: اگر برای مردم، امام و رهبری توانا، امانتدار، نگهبان و پاکدست (عادل) قرار داده نمی شد، آیین نابود می شد و دین از بین می رفت و سنت ها و احکام الهی تغییر می یافت و بدعت گذاران بر آن می افزودند و ملحدان از آن می کاستند و مسلمانان به شبهه دچار می شدند...^۳

۱ . أَنَا لَا نَجِدُ رُفْقَةً مِنَ الْفَرَقِ وَلَا مِلَّةً مِنَ الْمَلِكِ بَقُوا وَعَاشُوا إِلَّا بِقِيَمٍ وَرَيْسٍ وَلِمَا لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ فِي أَمْرِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا... وَلَا قِيَامَ لَهُمْ إِلَّا بِهِ... (عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۲، ص ۱۰۱).

۲ . لَا يَسْتَعِينِي أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنْ ثَلَاثَةٍ يَفْرَعُ إِلَيْهِمْ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ وَآخِرَتِهِمْ، فَإِنْ عَدِمُوا ذَلِكَ كَانُوا هَمَجًا: فِقِيهِ عَالِمٍ وَرِعٍ وَ أَمِيرٍ خَيْرٍ مُطَاعٍ وَ طَيِّبٍ بَصِيرٍ ثِقَةٍ (تحف العقول، ص ۳۱۹).

۳ لَوْ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ إِمَامًا قِيَمًا أَمِينًا حَافِظًا مُسْتَوْدَعًا لَدَرَسَتْ الْمِلَّةُ وَ ذَهَبَ الدِّينُ وَ غَيَّرَتْ السُّنَنُ وَ الْأَحْكَامُ وَ كَرَادَ فِيهِ الْمُتَبَدُّعُونَ وَ نَقَصَ مِنْهُ الْمُملِحِدُونَ وَ سَبَّهُوا ذَلِكَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ... (عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۲، ص ۱۰۱).

اوصاف حاکمان اسلامی

در متون اسلامی حاکمان و کارگزاران به خصلت هایی وصف شده اند که به برخی از آنها در اینجا اشاره می شود:

۱. عدالت محوری: با دقت در کلام معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام در این باره، محوریت این موضوع به وضوح آشکار می گردد؛ چرا که در بیشتر موارد، وصف عدالت برای امام و نیز برای کارگزاران به کار رفته است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: **يَكْ لِحِظَةُ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنْ عِبَادَتِهِ هَفْتَادُ سَالٍ بَرْتَرٍ** است.^۱

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام نیز می فرماید: عدالت سپر نگهبان حکومت هاست.^۲ از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام درباره راز پیروی از اولوالأمر چنین نقل شده است: اگر گفته شود: چرا خدای متعالی اولوالأمر را نصب کرد و اطاعت از او را به همگان فرمان داد؟ در پاسخ گفته می شود: برای علّت های بسیار، از جمله اینکه مردم با مجموعه ای از بایدها و نبایدها محدود شده اند و نباید از این محدوده تجاوز کنند و چون تعدی از آنها موجب فساد آنهاست، این التزام و رعایت حدود، اجرا نمی شود و پایدار نمی ماند مگر آنکه خدا والی امینی را بر مردم برگزیند تا آنان را از این تجاوز باز دارد.^۳

۲. مسؤولیت پذیری: در نظام اسلامی همه اقشار و طبقات مردم در قلمرو کار و مأموریت خود باید مسؤولیت پذیر باشند و این ویژگی در حاکمان و کارگزاران نظام اهمیتی فزون تر دارد.

۱ . سَاعَةٌ مِنْ إِمَامٍ عَدِلٍ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً... (الكافي، ج ۷، ص ۱۷۵).

۲ . الْعَدْلُ جُنَّةُ الدَّوْلِ (غرر الحکم، ص ۳۴۰).

۳ . فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ: فَلِمَ جَعَلَ أَوْلَى الْأَمْرِ وَ أَمَرَ بِطَاعَتِهِمْ؟ قِيلَ: لِجَلَلِ كَثِيرَةِ مِنْهَا أَنْ الْخُلُقَ لَمَّا وَقَفُوا عَلَى حَدِّ مَحْدُودٍ وَ أَمَرُوا أَنْ لَا يَتَعَدَوْا ذَلِكَ الْحَدَّ لِمَا فِيهِ مِنْ فَسَادِهِمْ لَمْ يَكُنْ يَبْتُ ذَلِكَ وَ لَا يَقُومُ إِلَّا بِأَنْ يَجْعَلَ عَلَيْهِمْ فِيهِ أَمِينًا يَمْنَعُهُمْ مِنْهُ (عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۲، ص ۱۰۰).

پیامبر ﷺ می‌فرماید: آگاه باشید! همه شما در برابر تعهدات خود، نگهبان و مسؤولید؛ پس حاکم و کارگزار در مقابل مسؤولیتی که بر عهده دارد، در برابر مردم مسؤول و متعهد است.^۱

از آن گرامی ﷺ آمده است که هر کس رهبری قومی را بر عهده داشته باشد، روز قیامت در حالی می‌آید که دو دستانش به گردنش بسته شده است، پس اگر در میان مردم به امر خدا رفتار کرده بود، خدای سبحان او را آزاد می‌کند و اگر ظالم باشد، در آتش دوزخ افکنده می‌شود و تحولی بد و بازگشتی زشت است.^۲

۳. خیرخواهی برای مردم: امیرمؤمنان ﷺ در خطبه‌ای خطاب به مردم فرمود: ای مردم! به راستی من بر شما حقی دارم و شما نیز بر من حقی دارید؛ اما حق شما بر من این است که خیرخواه شما باشم.^۳

۴. مهربانی با مردم: امام سجاد ﷺ فرمود: حاکم باید همانند پدری مهربان برای مردم باشد.^۴

۵. بخشندگی: حضرت امیرمؤمنان ﷺ فرمود: برترین حاکمان و کارگزاران کسانی‌اند که سه ویژگی به آنها داده شده باشد: مهربانی، بخشش و عدالت.^۵

۱. أَلَا كَلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، فَالْأَمِيرُ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ... (ارشاد القلوب، ص ۱۸۴).

۲. مَنْ تَوَلَّى عِرَاقَةَ قَوْمِ أَبِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَدَاهُ مَغْلُوبَتَانِ إِلَى عُنُقِهِ، فَإِنْ قَامَ فِيهِمْ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَطْلَقَهُ اللَّهُ وَ إِنْ كَانَ ظَالِمًا هُوِيَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَ بَسَّ الْمَصِيرُ (الفقيه، ج ۴، ص ۱۸).

۳. أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ؛ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ... (نهج البلاغة، خطبه ۳۴).

۴. وَ تَكُونُ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ (الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۱).

۵. أَفْضَلُ الْمُلُوكِ مَنْ أُعْطِيَ ثَلَاثَ خِصَالٍ: الرَّأْفَةَ وَ الْجُودَ وَ الْعَدْلَ (تحف العقول، ص ۳۱۹).

۶. ساده‌زیستی: ساده‌زیستی حاکمان و کارگزاران موجب آرامش و اعتماد امت اسلامی به رهبران می‌شود؛ از این رو حضرت امیرمؤمنان ﷺ در بخشی از نامه تاریخی خویش به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره چنین می‌نویسد: ... پیشوای شما (علی بن ابی‌طالب)، از دنیا به دو لباس کهنه و از خوراک به دو قرص نان بسنده کرده است. آگاه باشید که شما هرگز توان آن را ندارید؛ ولی با زهد، پارسایی و تلاش و پاکی و استواری مرا یاری کنید. به خدا سوگند من از دنیای شما، طلا و نقره‌ای نیندوخته و از غنایم و ثروت‌های آن، ذخیره نکرده و برای این لباس کهنه‌ام بدلی آماده نساختم‌ام و از زمین آن، یک وجب به خود اختصاص نداده و از این دنیا جز خوراک ناچیز بهره‌ای نبرده‌ام.^۱

وظایف حاکمان و کارگزاران

رهبران و کارگزاران نظام اسلامی در برابر مردم وظایفی دارند. این وظایف در جهت رشد و تعالی بندگان خدا و حمایت از جان و مال و آبروی آنان است و در اینجا بر مهم‌ترین آنها مرور می‌شود:

۱. دانش‌افزایی: حاکمان در نظام اسلامی وظیفه دارند با تأسیس مراکز آموزشی و پژوهشی، مانند مهد کودک، دبستان، دبیرستان، دانشگاه و... مقدمات تربیت صحیح و رفع جهل و تعلیم علوم و فنون در عرصه‌ها و رشته‌های گوناگون را برای امت اسلامی فراهم سازند و آنها را به سمت تسخیر قله رفیع دانش سوق دهند.

۱. إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ. أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ، فَوَاللَّهِ مَا كَثُرْتُ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبْرًا وَ لَا اِدْخَرْتُ مِنْ غَنَائِمِهَا وَفَرًّا وَ لَا أَعْدَدْتُ لِيَالِي نَوْبِي طَمْرًا وَ لَا حُرْتُ مِنْ أَرْضِهَا شَبْرًا وَ لَا أَخَذْتُ مِنْهُ إِلَّا كَقَوْتِ أَتَانٍ ذَبْرَةَ... (نهج البلاغة، نامه ۴۵).

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام در این باره فرمود: ... و اینکه شما را آموزش دهد تا جهل از میان شما برچیده شود و شما را با ادب آشنا کند تا فرهیخته گردید.^۱
در حدیث دیگری امام عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: بر حاکم اسلامی است که حدود اسلام و ایمان را به مردمی که ولایت او را پذیرفته‌اند، بیاموزد.^۲

۲. امیدبخشی و تحیرزدایی: از مهم‌ترین وظایف حاکم و کارگزار این است که هنگام فتنه و سختی روزگار و در اوضاعی که امت دچار گمراهی و سردرگمی است، نور امید را در دل‌های آنان بیفشاند و مردم را از ناامیدی، تفرقه و تحیررهایی بخشند. امیرمؤمنان، علی عَلَيْهِ السَّلَام در وصف رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان حاکم و راهبر امت اسلامی فرمود: ... خدا با فرستادن پیامبر، مردم را از جهالت، گمراهی و سرگردانی رهانید.^۳

در جای دیگر فرمود: ... او طیبی بود که برای درمان مردم همواره در گردش بود. مرهم‌هایش توانبخش و ابزار طبابت او همواره آماده بود تا هر جا نیاز شد، آن را به کار گیرد؛ دل‌های نابینا و حیران را بصیرت دهد. گوش‌های ناشنوا را شنوا کند و زبان‌های لال را به گفتن به هنگام سرگردانی و غفلت وا دارد.^۴

تحیرزدایی حاکمان اسلامی از امت چنان مهم است که اگر تبلیغ و ارشاد و نصیحت و تذکر مؤثر واقع نشده جا دارد برای تحقق آن از سر و جان گذشت؛ چنان‌که سالار شهیدان تاریخ بشر، حضرت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام چنین

۱. تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).
 ۲. عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُعَلِّمَ أَهْلَ وَلايَتِهِ حُدُودَ الْإِسْلَامِ وَ الْإِيْمَانَ (غرر الحکم، ص ۳۴۱).
 ۳. فَهَدَاهُمْ بِهِ مِنَ الصَّلَاةِ وَ أَنْقَذَهُمْ بِمَكَانِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ (نهج البلاغه، خطبه ۱، بند ۴۳).
 ۴. طَيْبٌ دَوَّارٌ بِطَيْبِهِ، قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ، يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبٍ عُمِّيٍّ وَ آذَانٍ صُمٍّ وَ أَلْسِنَةٍ بُكْمٍ، مُتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸).

کرد.^۱ در بخشی از زیارت اربعین آن حضرت می‌خوانیم: «... او خون دل خویش را داد تا بندگان تو را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند».^۲
۳. در دسترس مردم بودن: دسترسی آسان مردم به حاکمان و کارگزاران در نظام اسلامی برای حل مشکلات، مایه نجات حاکمان از آتش است.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هر کس کاری از کارهای مردم را بر عهده گیرد و عدالت پیشه کند و در خود را بر روی مردم بگشاید و موانع بین خود و آنها را از میان بردارد و خدمت به مردم را ملاک کار و نظر قرار دهد، خدا را سزاست که او را در روز قیامت از هراس خطر آتش دوزخ امان دهد و به بهشت درآورد.^۳

۴. تزکیه نفس و تهذیب: پاک‌سازی جان با تخلیه از رذایل اخلاقی و تخلیه به فضایل نفسانی بر هر مسلمانی لازم و ضروری و بر رهبران و کارگزاران نظام اسلامی لازم‌تر است.

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: کسی که رهبری مردم را می‌پذیرد، باید پیش از آنکه به تعلیم و تربیت دیگران پردازد به تربیت خود همت گمارد و باید تربیت عملی او پیش از تربیت زبانی او باشد. کسی که معلم و مربی خویش باشد، به احترام و تکریم سزاوارتر است از کسی که معلم و مربی دیگران است.^۴

۱. هر چند امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، حاکمیت ظاهری امت اسلامی را بر عهده نداشت؛ ولی چون رهبری و امامت واقعی مردم - طبق فرمان خدا و وصیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بر عهده او بود، به این وظیفه مهم پرداخت و چراغی فروزان، فراروی امت اسلامی روشن کرده است.

۲. وَ بَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الصَّلَاةِ (مصباح المتعجد، ص ۵۸۹، زیارت اربعین امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام).
 ۳. مَنْ تَوَلَّى أَمْرًا مِنْ أُمُورِ النَّاسِ فَعَدَلَ وَ فَتَحَ بَابَهُ وَ رَفَعَ سِتْرَهُ وَ نَظَرَ فِي أُمُورِ النَّاسِ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عِزٌّ وَ جَلٌّ أَنْ يُؤْمِنَ رُوعَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ (الأمالي، صدوق، ص ۲۴۵).
 ۴. مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ (نهج البلاغه، حکمت ۷۳).

۵. حفظ اسرار مردم: حاکمان و کارگزاران نظام اسلامی، افزون بر حفظ حرمت مردم وظیفه دارند عیوب و اسرار آنان را بپوشانند و از هتك حرمت آنان جلوگیری کنند؛ بلکه در صورت آشکار شدن عیب‌ها باید آنها را تطهیر و کار مؤمن را حمل بر صحت کنند.

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام در عهدنامه خویش به مالک اشتر فرمود: باید دورترین مردم از تو و مبغوض‌ترین آنان نزد تو کسانی باشند که در پی عیب‌های مردم هستند. طبیعی است که در مردم عیوبی هست و حاکم باید بیش از دیگران در پوشش آنها بکوشد. پس در پی عیوب مخفی مردم نباش. تو تنها وظیفه داری عیوبی را که برایت آشکار شده است، تطهیر نمایی و خدا خود درباره عیوبی که بر تو آشکار نشده، داوری خواهد کرد. تا می‌توانی عیب و راز دیگران را بپوشان تا خدا راز تو را از مردم بپوشاند.^۱

۶. چشم‌پوشی از خطاها: چشم‌پوشی از خطاها و لغزش‌های مردم و احسان در حق نیکوکاران از دیگر وظایف حاکمان و کارگزاران در نظام اسلامی است.

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام به مالک فرمود: به همان اندازه که دوست داری خدا در حق تو عفو و گذشت داشته باشد، از عفو و گذشت خود به مردم ببخش.^۲

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام هم فرمود: بر حاکم لازم است سه چیز را درباره خاص و عام رعایت کند:

أ. دادن پاداش نیکو به نیکوکاران تا به کارهای خیر تشویق شوند.

۱. وَ لِيُكُنْ أَبْعَدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَ أَشْنَاهُمْ عِنْدَكَ أَطْلَبُهُمْ لِمَعَايِبِ النَّاسِ، فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا الْوَالِي أَحَقُّ مَنْ سَرَّهَا فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا، فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ وَ اللَّهُ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ، فَاسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ، يَسْتُرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سِرَّهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ (نهج البلاغه، نامه ۵۳، بند ۲۴ - ۲۵).

۲. فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَ تَرْضَى أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ (نهج البلاغه، نامه ۵۳، بند ۹ - ۱۰).

ب. چشم‌پوشی از گناه خطاکاران تا توبه کنند و از راه خطا بازگردند.

ج. تألیف قلوب همه قشرهای مردم با احسان و انصاف.^۱

امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام نیز درباره وظایف حاکم می‌فرماید: وظیفه تو در برابر مردم این است که در میان مردم به عدالت رفتار کنی و با آنان همانند پدر مهربان باشی و از خطای نادانان چشم‌پوشی و در کیفر آنان شتاب نکنی و در برابر این نعمتی که خدا به تو داده و تو را به حاکمیت آنان برگزیده، شکرگزار باشی [و هر دو گروه سزاوار بهره‌برداری از عدل و صیانت از ظلم‌اند].^۲

۷. محبت به مردم: امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام در عهدنامه مالک اشتر خطاب به او فرمود: ... از اعماق دلت نسبت به مردم احساس رحمت داشته باش و به آنها محبت کن و لطف را از آنان دریغ مدار. برای آنان همچون گرگی درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری؛ زیرا مردم دو دسته‌اند: یا برادران دینی توآند یا غیرمسلمان و همانند تو انسان‌اند [و هر دو گروه سزاوار بهره‌برداری از عدل و صیانت از ظلم‌اند].^۳

۸. حراست از مرزها: حاکم اسلامی وظیفه دارد با به کارگیری ابزارها و امکانات مناسب از مرزهای جغرافیایی کشور اسلامی حراست کند و کوتاهی در این کار به آسیب‌پذیری و نابودی نظام اسلامی می‌انجامد. امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام

۱. ثَلَاثَةٌ تَجِبُ عَلَى السُّلْطَانِ لِلْخَاصَّةِ وَ الْعَامَّةِ: مُكَافَأَةُ الْمُحْسِنِ بِالْإِحْسَانِ لِيَزِدَادُوا رَغْبَةً فِيهِ وَ تَعَمُّدُ ذُنُوبِ الْمُسِيءِ لِيَتُوبَ وَ يَرْجِعَ عَنْ عَيْبِهِ وَ تَأْلُفُهُمْ جَمِيعًا بِالْإِحْسَانِ وَ الْإِنْصَافِ (تحف العقول، ص ۳۱۹).

۲. أَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهُمْ صَارُوا رَعِيَّتَكَ لِضَعْفِهِمْ وَ قُوَّتِكَ، فَيَجِبُ أَنْ تَعْدِلَ فِيهِمْ وَ تَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ وَ تَغْفِرَ لَهُمْ جَهْلَهُمْ وَ لَا تَعَاجِلُهُمْ بِالْعُقُوبَةِ وَ تَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى مَا آتَاكَ مِنَ الْقُوَّةِ عَلَيْهِمْ (الفتاوى، ج ۲، ص ۶۲۱).

۳. وَ أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا صَارِيًا تَعْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَحَّ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ (تحف العقول، ص ۱۲۶-۱۲۷).

فرمود: برای حاکم سزاوار نیست در حفظ مرزها کوتاهی کند.^۱

همان بزرگوار در سخنی دیگر در دفاع از مرز اسلامی در برابر هجوم شامیان در خطاب به کوفیان چنین فرمود: فرصت‌ها را از کف مدهید و بلاد دوردست کشور اسلامی را نگهبانی کنید. آیا نمی‌بینید که آتش جنگ در بلاد شما شعله‌ور و چگونه حیات شما هدف تیر دشمن است.^۲

۹. گزینش صالحان برای مسؤولیت‌ها: به کارگیری افراد صالح و متعهد در مدیریت نظام اسلامی از وظایف حاکمان است و مدیریت کارگزاران و مدیران ناصالح در نهایت به ناکارآمدی نظام می‌انجامد. امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: سزاوار نیست برای حاکمان در سه مورد کوتاهی کنند: حراست از مرزها و رسیدگی به حقوق پایمال شده و گزینش شایستگان برای مسؤولیت‌های مختلف.^۳

۱۰. حمایت از محرومان: دفاع از محرومان و مظلومان و حقوق آنان از وظایف روشن نظام اسلامی و حاکمان و کارگزاران آن به شمار می‌آید. حضرت امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام گفتند: خدا از حاکم اسلامی پیمان گرفته است که در برابر پر خوری ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکند.^۴

۱۱. عدم اعتنا به سخن چینیان: حضرت امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام به مالک اشتر فرمود: ... ای مالک! در تصدیق سخن چینیان و چاپلوسان هرگز شتاب مکن؛

۱. لَيْسَ يُحِبُّ لِلْمُلُوكِ أَنْ يَفْرَطُوا فِي ثَلَاثٍ: فِي حِفْظِ الثُّغُورِ... (تحف العقول، ص ۳۱۹).

۲. ... وَخُدُوا مَهْلَ الْأَيَّامِ وَحُوطُوا فَوَاصِي الْإِسْلَامِ أَلَا تَرَوْنَ إِلَىٰ بِلَادِكُمْ تُغْزَىٰ وَإِلَىٰ صَفَاتِكُمْ تُرْمَىٰ؟! (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۸).

۳. لَيْسَ يُحِبُّ لِلْمُلُوكِ أَنْ يَفْرَطُوا فِي ثَلَاثٍ: فِي حِفْظِ الثُّغُورِ وَتَقْقِدِ الْمَطَالِمِ وَاخْتِيَارِ الصَّالِحِينَ لِأَعْمَالِهِمْ (تحف العقول، ص ۳۱۹).

۴. ... وَمَا أَخَذَ اللَّهُ مِنْ أَوْلِيَاءِ الْأَمْرِ مِنْ أَنْ لَا يُقَارُوا عَلَىٰ كِظَّةِ ظَالِمٍ وَلَا سَعَبِ مَظْلُومٍ... (الأمالي، طوسي، ص ۳۷۴).

زیرا آنان حيله‌گر و فریبکارند، هرچند خود را همانند خیرخواهان جلوه می‌دهند.^۱

۱۲. پرهیز از ظلم و دروغ و خیانت: پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر کس رهبری مردم را بر عهده بگیرد و به آنان خیانت کند، خدا بهشت را بر او حرام می‌کند.^۲

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: خدا حاکمان ظالم را به سبب ستمگری نابود می‌کند.^۳

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هرگاه حاکمان دروغ بگویند، باران نمی‌بارد و هرگاه سلطان ستم کند، دولت سست و بی اعتبار می‌گردد.^۴

وظایف مردم در برابر حاکم اسلامی

چنان‌که حاکمان و کارگزاران اسلامی در برابر مردم وظایفی دارند، مردم نیز در مقابل حکومت و حاکمان اسلامی وظایف و تکالیفی دارند که در سخنان معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام به آنها اشاره و بر آنها تأکید شده است. در اینجا به چند نمونه از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. وفاداری به نظام اسلامی: یاری و وفاداری از جمله حقوق حاکم عادل بر توده مردم است. امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام در خطبه‌ای با برشمردن این حقوق و وظایف فرمود: ای مردم! اما حقی که من بر عهده شما دارم، وفاداری به بیعتی است که با من داشته‌اید.^۵

۱. لَا تَعْجَلَنَّ إِلَىٰ تَصْدِيقِ سَاعٍ، فَإِنَّ السَّاعِيَ غَاشٌّ وَإِنْ تَسَبَّهَ بِالنَّاصِحِينَ (نهج البلاغه، نامه ۵۳، بند ۲۷).

۲. مِنْ اسْتَرَعَىٰ رَعِيَّةً فَعَشَّهَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۲، ص ۲۲۷).

۳. يُهْلِكُ اللَّهُ سَيِّئًا لَيْسَتْ: الْأَمْرَاءَ بِالْجَوْرِ... (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۴).

۴. إِذَا كَذَبَ الْوَلَاءُ حُسَّ الْمَطَرُ وَإِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَانَتْ الدَّوْلَةُ... (الأمالي، مفید، ص ۳۱۰).

۵. أَيُّهَا النَّاسُ... أَمَا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلْفَوْا بِالْبَيْعَةِ (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).

۲. یاری کردن حاکمان: از عناصر محوری و مهم حفظ نظام اسلامی، اطاعت از حاکم معصوم عَلَيْهِ السَّلَام در عصر حضور و نصرت ولی فقیه در دوران غیبت است. امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: ... از دیگر وظایف شما در برابر من این است که چون شما را برای کاری فراخوانم اجابت کرده، از دستوره‌های من پیروی کنید.^۱

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: بنگرید به فردی از شما که حدیث ما را روایت می‌کند و در فهم حلال و حرام و احکام و معارف ما صاحب نظر است و آنها را خوب می‌فهمد؛ پس حکم او نافذ است و به حاکمیت او راضی باشید، چون من او را بر شما حاکم و داور قرار دادم، پس هر گاه حکم کرد و پذیرفته نشد، حکم خدا سبک شمرده شده و حکم ما رد شده است و هر کس حکم ما را رد کند، خدا را رد کرده است و این شرک به خداست.^۲

نکته: مراد از شرک، شرک عملی است نه اعتقادی. توجّه عملی به حکم قضایی و ولایی حاکم بر همگان واجب و نقض آن بر همه حرام است، اعم از خود حاکم و جامعه اسلامی.

۳. نصیحت و مشارکت سیاسی: در فرهنگ اسلام مردم وظیفه دارند نسبت به حاکمان، ضمن وفاداری ناصحانه و خالصانه نصیحت (خیرخواهی) داشته باشند و این کار عملی نیست مگر با حضور همه جانبه مردم در اداره امور که ثمره آن رشد و تعالی حکومت اسلامی است؛ از این رو رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حجة الوداع مردم را در مسجد خیف گرد آورد و برای آنان خطبه‌ای جامع

۱. فَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ... وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ، وَالطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُّكُمْ (الغارات، ج ۱، ص ۲۴؛ نهج البلاغة، خطبة ۳۴).
 ۲. أَنْظَرُوا إِلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْتَرَضُوا بِهِ حَكْمًا، فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا، فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ فَإِنَّمَا بِحُكْمِ اللَّهِ اسْتُخِفَّ وَعَلَيْنَا رُدُّهُ وَالرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى حَدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (عوالي اللئالي، ج ۳، ص ۱۹۲).

خواند^۱ و در آن فرمود: سه چیز است که مسلمان در آنها خیانت نمی‌کند [و با قلبش آنها را می‌پذیرد]: ۱. خالصانه کار کردن برای خدا؛ ۲. وفاداری خالصانه و نصیحت و خیرخواهی برای حاکمان و پیشوایان مسلمان؛ ۳. حضور و مشارکت همیشگی در اجتماع مسلمانان که [در این صورت] دعای امامان شامل حال آنان است.^۲

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: یکی از حقوق من بر شما این است که [با حضور خالصانه و همه جانبه خود در اداره امور] در آشکار و نهان خیرخواه و دلسوز من باشید.^۳

۴. دعا برای سربلندی حاکمان: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: سه چیز از حقوق حاکمان بر مردم است: ۱. پیروی از آنان؛ ۲. خیرخواهی برای آنان در آشکار و نهان؛ ۳. دعا برای پیروزی و صلاح آنان.^۴

۵. همکاری اطلاعاتی: هنگامی که قوم «بنو ناجیه» از حضرت امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام سربلندی کردند آن گرامی شخصی به نام عبدالله بن قعین را مأمور تعقیب آنان کرد. او پس از تحقیق، به امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام به صورت رمزی گزارش داد که آنها از کوفه کوچ کرده‌اند. سپس امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام در بخشنامه‌ای به همه کارگزاران و فرمانداران شهرها چنین نوشت: این، نامه‌ای است از بنده خدا امیرمؤمنان به همه کارگزاران حکومتی که این نامه بر آنها خوانده می‌شود: گروهی که با ما بیعت کرده و از کوفه گریخته‌اند. گمان

۱. ر.ك: تفسير القمي، ج ۲، ص ۴۴۷؛ تفسير كنز الدقائق، ج ۴، ص ۱۸۸.
 ۲. ثَلَاثٌ لَا يَغُلُّ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَالنَّصِيحَةُ لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَاللُّزُومُ لِجَمَاعَتِهِمْ، فَإِنْ دَعَوْتَهُمْ مُحِيطَةً مِنْ وَرَائِهِمْ (الكافي، ج ۱، ص ۴۰۳).
 ۳. فَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ... النَّصْحُ لِي فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ (الغارات، ج ۱، ص ۲۴).
 ۴. ثَلَاثٌ خِلَالِهَا تَجِبُ لِلْمُلُوكِ عَلَى أَصْحَابِهِمْ وَرَعِيَّتِهِمْ: الطَّاعَةُ لَهُمْ وَالنَّصِيحَةُ لَهُمْ فِي الْمَغِيبِ وَالْمَشْهَدِ وَالدُّعَاءُ بِالنَّصْرِ وَالصَّلَاحِ (تحف العقول، ص ۳۱۹).

می‌کنیم به سوی بصره رفته باشند. از مردم درباره آنها پرس‌وجو کنید و در همه اطراف و مناطق دیده‌بانانی قرار دهید و در نهایت اخبار رسیده را گزارش کنید.^۱

امام رضا علیه السلام فرمود: سیره پیامبر صلی الله علیه و آله چنین بود، هرگاه سپاهی را به جایی می‌فرستاد و به فرمانده آن اعتماد نبود، آن حضرت فردی مورد اعتماد را همراه سپاه می‌فرستاد تا اوضاع و احوال سپاه و فرمانده آن را زیر نظر داشته و به آن گرامی گزارش دهد.^۲

گفتنی است: برای این کار حساس، هر کسی گزینش نمی‌شود؛ بلکه کسانی که صلاحیت لازم، مانند صداقت و دینداری دارند، می‌توانند این رسالت را بر عهده بگیرند. حضرت امیرمؤمنان علیه السلام خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: برای کنترل کارگزاران خود دیده‌بانانی از اهل صدق و وفا تعیین کن.^۳

۶. اعراض از حاکمان باطل: در فرهنگ اسلامی دوری از خدای سبحان و تخلف از راه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله انحراف از صراط مستقیم است و هرگونه حکومتی که به اجازه اهل بیت علیهم السلام نباشد و به نیابت از آنان نینجامد، طاغوت معرفی شده است؛ بنابراین پیروی از آن حکومت، پیروی از طاغوت و مایه گمراهی است؛ از این رو امام باقر علیه السلام به یکی از اصحابش فرمود: ای

۱. مِنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى مَنْ قَرَأَ كِتَابِي هَذَا مِنَ الْعُمَّالِ؛ أَمَا بَعْدُ، فَإِنَّ رِجَالاً لَنَا عِنْدَهُمْ بَيْعَةٌ خَرَجُوا هِرَابًا نَطَّطُوهُمْ وَجْهًا نَحْوَ بِلَادِ الْبَصْرَةِ فَاسْأَلْ عَنْهُمْ أَهْلَ بِلَادِكَ وَاجْعَلْ عَلَيْهِمُ الْعُيُونَ فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ مِنْ أَرْضِكَ ثُمَّ اكْتُبْ إِلَيَّ بِمَا يَنْتَهِي إِلَيْكَ عَنْهُمْ (الغارات، ج ۱، ص ۲۲۵).

۲. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا بَعَثَ جَيْشًا فَاتَّهَمَ أَمِيرًا بَعَثَ مَعَهُ مِنْ ثِقَاتِهِ مَنْ يَتَجَسَّسُ لَهُ خَبْرَهُ (وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۶۰).

۳. وَابْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ (نهج البلاغة، نامه ۵۳).

ابوالصباح! از دوستی با غیر ما اهل بیت و گرایش به آنها پرهیز؛ زیرا هر دوستی با غیر اهل بیت و گرایش به آنان به نوعی دوستی با طاغوت است.^۱

پاداش‌ها و کیفرها

رعایت وظایف کارگزاران و مردم آثار و پاداش‌هایی دارد و کوتاهی در آنها نیز کیفر و عذاب خواهد داشت.

در اینجا بر برخی روایات مربوط به این پاداش‌ها و کیفرها مرور می‌شود:

۱. پاداش حاکمان عادل: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حاکم و کارگزار عادل و متواضع، سایه خدا و نسیم قدرت او در زمین است، پس اگر خیرخواه خود و مردم باشد، خدا او را در روزی که سایه‌ای جز سایه او نیست به عنوان [مهمان] وارد بر خود محشور کند^۲؛ همچنین آن حضرت گفتند: محبوب‌ترین مردم و نزدیک‌ترین آنان به خدا در روز قیامت، حاکم عادل است.^۳

حضرت امام صادق علیه السلام نیز گفتند: سه گروه را خدا بدون حساب وارد بهشت می‌کند: امام و پیشوای دادگر و تاجر درستکار و راستگو و پیری که عمرش را در عبادت خدا صرف کرده باشد.^۴

۲. آثار پیروی از حاکمان عادل: امام زین‌العابدین علیه السلام فرمود: پیروی از حاکمان و کارگزاران دادگر، کمال عزت است.^۵

۱. يَا أَبَا الصَّبَّاحِ! إِيَّاكُمْ وَالْوَلَائِحَ، فَإِنَّ كُلَّ وَلِيحَةٍ دُونَنَا فَهِيَ طَاغُوتٌ (تفسير العياشي، ج ۲، ص ۸۳).

۲. الْوَالِي الْعَادِلُ الْمَتَوَاضِعُ، ظَلَّ اللَّهُ وَرِيحُهُ فِي أَرْضِهِ، فَمَتَى نَصَحَ فِي نَفْسِهِ وَفِي عِبَادِ اللَّهِ حَشْرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَفَدَهُ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ... (الآداب الدينية، ص ۱۵۱).

۳. أَحَبُّ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَقْرَبُهُمْ مِنَ اللَّهِ مَجْلِسًا إِمَامًا عَادِلًا (روضة الواعظين، ص ۴۶۷).

۴. ثَلَاثَةٌ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ...: فِيمَا مَعَهُ عَادِلٌ وَتَاجِرٌ صَدُوقٌ وَشَيْخٌ أَفْنَى عُمُرِهِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ... (كتاب الخصال، ص ۸۰).

۵. ... وَ طَاعَةُ اللَّهِ وَوَلَاةُ الْعَدْلِ تَمَامُ الْعِزِّ... (الكافي، ج ۱، ص ۲۰).

امام باقر علیه السلام نیز فرمود: خدا می فرماید: از مردمی که در قلمرو حکومت اسلامی و حاکمیت کارگزار عادل زندگی و از آن پیروی می کنند، به طور قطع در می گذرم و گناهانشان را می بخشم؛ اگرچه آن ملت در کارهای خود ظالم و بدکار باشند؛ زیرا زندگی در نظام عدل و انصاف مایه اصلاح امت و رجوع آنها از ستم به دادگری و از سیئه به حسنه است.

۳. پیامدهای تحقیر حاکم اسلامی: با توجه به جایگاه رفیع حکومت و حاکمان اسلامی، کوچک شمردن آنان نکوهیده و دارای پیامدهایی ناگوار است.

امام صادق علیه السلام فرمود: عاقل نباید هیچ کس را کوچک شمارد و سزاوارترین کسانی که نباید تحقیر شوند، سه گروه اند: عالمان، فرمانروایان و برادران دینی... هر کس حاکم [اسلامی] را کوچک شمارد، دنیایش تباه می شود...^۲

در حدیث دیگری گفتند: سه گروه اند که حق آنها را انکار نمی کند مگر منافق مشهور به نفاق: پیران مسلمان، حاملان قرآن و پیشوای دادگر.^۳

۴. کیفر حاکمان جائز: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مبعوض ترین مردم نزد خدا و گرفتار به شدیدترین عذاب، حاکم و کارگزار ستمگر است.^۴

۱. ... وَ لَأَعْلُوْنَ عَنْ كُلِّ رَعِيَةٍ فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ الرَّعِيَةُ فِي أَنْفُسِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً (الكافي، ج ۱، ص ۳۷۶).

۲. الْعَاقِلُ لَا يَسْتَحْفُ بِأَحَدٍ وَأَحَقُّ مَنْ لَا يَسْتَحْفُ بِهِ ثَلَاثَةٌ: الْعُلَمَاءُ وَالسُّلْطَانُ وَالْإِخْوَانُ، لِأَنَّهُ مَنْ اسْتَحَفَّ بِالْعُلَمَاءِ أَفْسَدَ دِينَهُ وَمَنْ اسْتَحَفَّ بِالسُّلْطَانِ أَفْسَدَ دُنْيَاهُ وَمَنْ اسْتَحَفَّ بِالْإِخْوَانِ أَفْسَدَ مَرْوَتَهُ (تحف العقول، ص ۳۲۰).

۳. ثَلَاثَةٌ لَا يَجْهَلُ حَقَّهُمْ إِلَّا مُنَافِقٌ مَعْرُوفٌ بِالنِّفَاقِ: ذُو الشَّيْبَةِ فِي الْإِسْلَامِ وَحَامِلُ الْقُرْآنِ وَالْإِمَامُ الْعَادِلُ (الكافي، ج ۲، ص ۶۵۸).

۴. ... إِنْ أَبْغَضَ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ وَأَشَدَّهُمْ عَذَابًا إِمَامٌ جَائِرٌ (روضة الواعظين، ص ۴۶۶).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شفاعت من به دو گروه نمی رسد: حاکم ستمکار و...^۱

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: کسی که حکومتش ظالمانه باشد، دولتش پایان می گیرد و زایل می شود.^۲

حضرت امام صادق علیه السلام گفتند: ... سه گروه را خدا بی حساب به دوزخ می برد: پیشوای ستمگر؛ بازرگان دروغ گو؛ پیرمرد زناکار.^۳

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: سه دسته اند که خدا در روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و به آنان نظر [رحمت] نمی کند و به عذابی دردناک مبتلا خواهند شد: پیرمرد زناکار، پادشاه ستمگر و تهی دست متکبر.^۴

۵. کیفر تصدیق حاکمان جائز: همان گونه که حاکمان ظالم مورد شفاعت پیامبر قرار نمی گیرند و در جهنم گرفتار عذابی شدید خواهند شد، یاوران آنان نیز سرنوشتی مشابه وضع آنها خواهند داشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به کعب بن عجره فرمود: ای کعب! به زودی پس از من حاکمان و کارگزارانی [ستمگر] می آیند. هر کس با آنان باشد و دروغ های آنان را تصدیق کند و در ظلم آنان یاریشان کند از من نیست و من نیز از او نیستم و هرگز در حوض [کوثر] بر من وارد نخواهد شد...^۵

۱. صِنْفَانِ لَا تَنَالُهُمَا شَفَاعَتِي: سُلْطَانٌ غَشُومٌ وَعَسُوفٌ وَعَالٍ فِي الدِّينِ مَارِقٌ مِنْهُ غَيْرُ ثَابِتٍ وَلَا نَازِعٍ (قرب الإسناد، ص ۳۱).

۲. مَنْ جَارَتْ وَلايَتُهُ رَأَيْتَ دَوْلَتَهُ (غرر الحکم، ص ۳۴۶).

۳. ... وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ الَّذِينَ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ النَّارَ بِغَيْرِ حِسَابٍ: فِيمَا مَجَائِرٍ وَتَاجِرِ كَذُوبٍ وَشَيْخِ زَانٍ (کتاب الخصال، ص ۸۰).

۴. ثَلَاثَةٌ لَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَرْكَبُهُمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ: شَيْخُ زَانٍ وَ مَلِكٌ جَبَّارٌ وَ مَقْلٌ مُخْتَالٌ (الكافي، ج ۲، ص ۳۱۱).

۵. ... عَنْ كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ قَالَ: خَرَجَ إِلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ... فَقَالَ: إِنَّهُ سَيَكُونُ بَعْدِي أَمْرَاءٌ فَمَنْ دَخَلَ عَلَيْهِمْ فَصَدَّقَهُمْ بِكُذِبِهِمْ، وَأَعَانَهُمْ عَلَى ظُلْمِهِمْ فَلَيْسَ مِنِّي وَلَسْتُ مِنْهُ وَلَنْ يَرِدَ عَلَيَّ الْحَوْصُ ... (المعجم الكبير، ج ۱۹، ص ۱۳۴).

۶. زشتی تفاخر حاکمان: امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: از بدترین حالات زمامداران و حاکمان نزد صالحان این است که به آنان گمان تفاخر دوستی برده شود و کارشان تکبر تلقی شود.^۱
۷. پیامد ستمگری حاکمان: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرگاه حاکمان ستم کنند، باران کم می‌شود.^۲
- امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام هم فرمود: سه نفر زندگی را برای آدمی تیره و تار می‌کنند: پیشوای ستمگر و همسایه بد و خانم بی‌شرم بد دهن.^۳
۸. حقگویی نزد سلطان ستمگر: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: آگاه باشید! ترس از مردم شما را از بازگو کردن حقی که می‌دانید، باز ندارد. بدانید که برترین جهاد، گفتن سخن حق در برابر زمامدار ستمگر است.^۴
۹. حاصل فساد حاکمان: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: از امت من دو دسته‌اند که اگر صالح باشند، امت من به صلاح می‌گریند و اگر فاسد باشند، امت من فاسد می‌شوند. پرسیدند: ای رسول خدا! آن دو کیان‌اند؟ پاسخ داد: فقیهان و حاکمان.^۵

۱. إِنَّ مِنْ أَسَخَفِ حَالَاتِ الْوَلَاةِ عِنْدَ صَالِحِ النَّاسِ أَنْ يُظَنَّ بِهِمْ حُبُّ الْفَخْرِ وَيُوضَعَ أَمْرُهُمْ عَلَى الْكِبَرِ (الكافي، ج ۸، ص ۳۵۵).
۲. ... إِذَا جَارَ الْحُكَّامَ قَلَّ الْمَطَرُ... (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۱۱۵).
۳. ثَلَاثَةٌ تَكْذُرُ الْعَيْشَ: السُّلْطَانُ الْجَائِرُ وَالْجَائِرُ السَّوُّءُ وَالْمَرْأَةُ الْبَدِيَّةُ (تحف العقول، ص ۳۲۰).
۴. أَلَا لَا يَمْنَعَنَّ رَجُلًا مَهَابَةً النَّاسِ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِالْحَقِّ إِذَا عَلِمَهُ، أَلَا إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ كَلِمَةً حَقًّا عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ (کنز العمال، ج ۱۵، ص ۹۲۳).
۵. صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتْ أُمَّتِي وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَتْ أُمَّتِي قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَنْ هُمَا؟ قَالَ: الْفُقَهَاءُ وَالْأُمَرَاءُ (كتاب الخصال، ص ۳۶).

فصل ۲ نظام اجتماعی

مناسبات اجتماعی، عمدتاً در محور حقوق مردم است که دو قسمت دارد:

۱. استیفای حقوق متقابل، یعنی اگر کسی به دیگری بد کرد، او می‌تواند طبق آیات: ﴿فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ مِثْلَ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ﴾^۱، «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا مِثْلَ مَا عُوْقِبْتُمْ بِهِ»^۲ عادلانه وی را کیفر کند. در اینجا، اصل حاکم ﴿جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا﴾^۳ است؛ اما با این وضع، جامعه را نمی‌توان اداره کرد؛ یعنی اگر کسی بخواهد بدی را با بدی پاسخ دهد، نتیجه‌اش پرونده‌های میلیونی در دستگاه قضایی است. این قانون، گرچه حق است و اجرای آن در مواردی ضرورت دارد؛ ولی نمی‌توان جامعه و کشور را تنها با آن اداره کرد؛ زیرا قانون که تعامل متقابل حقوقی افراد با یکدیگر است، جامعه را ساکت می‌کند، ولی ساکن و آرام نمی‌کند.

۲. عفو و تعامل در مسائل و حقوق انسانی، همان دینی که می‌گوید: پاداش بدی، بدی است؛ ﴿جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا﴾، در بحث‌های اخلاقی می‌فرماید: بدی را با نیکی پاسخ دهید؛ و خدا در این آیه مردم را به کنار آمدن با یکدیگر توصیه می‌کند و همگان را به عفو و گذشت و تخفیف در مجازات

۱. پس هر کس بر شما تعدی کرد، شما نیز به مثل آن بر او تعدی کنید (سوره بقره، آیه ۱۹۴).
۲. و اگر می‌خواهید آنان را در برابر عقوبت‌هایی که به شما رسانده‌اند مجازات کنید، مانند همان عقوبتی که به شما رسیده است آنان را سزا دهید؛ نه بیشتر (سوره نحل، آیه ۱۲۶).
۳. سزای بدی، بدی همانند آن است (سوره شوری، آیه ۴۰).

فرا می خواند ﴿وَيَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ﴾^۱؛ علت آن این است که جامعه را با اخلاق می توان به کمال رساند.

پس تنها عدل کافی نیست، گرچه جامعه انسانی به عدل نیاز لزومی دارد که ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ﴾^۲، اما عدل کف تمذّن است و سطح تمذّن احسان است که آیه یاد شده، امر به احسان ﴿وَالْإِحْسَانَ﴾^۳ را به دنبال دارد؛ یعنی جامعه را با احسان و تعامل می توان اداره کرد و مواردی چون صلّه رحم، گذشت، انفاق، صدقه، اصلاح ذات البین، دستگیری از محرومان، توجّه به حقوق همگان و... از مصادیق احسان است. آموزه های اسلامی در این قسمت توصیه های فراوانی دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. اتحاد و همبستگی

وحدت و اجتماع بر گرد محور دین و پیشوای دادگر در اسلام اهمیّت ویژه ای دارد؛ حتی نماز که نماد عبادت است، ترجیحاً یا لزوماً به جماعت گزارده می شود؛ چنان که نماز عید فطر و قربان (در عصر غیبت) و نمازهای واجب یومیّه ترجیحاً و نماز جمعه لزوماً به جماعت گزارده می شوند. قرآن می فرماید: به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.^۴

رسول خدا ﷺ فرمود: شیطان، گرگ انسان است؛ چنان که گرگ همواره گوسفندان و مانده و دورافتاده از گله را می درد، پس از دسته بندی های (سیاسی و فرقه ای) بپرهیزید و بر شما باد به شرکت در جماعت و مجالس عمومی و حضور در مساجد.^۵

۱ . [خردمندان مؤمن] بدی را با نیکی می زدایند (سوره رعد، آیه ۲۲).

۲ و ۳ . سوره نحل، آیه ۹۰.

۴ ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳).

۵ . إِنَّ الشَّيْطَانَ ذَنْبُ الْإِنْسَانِ، كَذَّبِ الْغَنَمِ؛ يَأْخُذُ الشَّاةَ الْقَاصِيَةَ وَالنَّاجِيَةَ؛ فَإِيَّاكُمْ وَالشُّعَابَ، وَعَلَيْكُمْ، بِالْجَمَاعَةِ، وَالْعَامَّةِ وَالْمَسْجِدِ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۳۰۹).

در جای دیگر فرمود: وحدت سیاسی بر محور پیشوای عادل نعمتی است که هیچ کس ارزش آن را نمی داند؛ بنابراین جدایی از گروه مؤمنان نه تنها عامل تقرب نیست، بلکه عامل گرفتاری به دست شیطان است.

آثار وحدت و محبت

اصلاح میان مردم - که در قرآن^۱ بر آن تأکید شده است - و دوری از تفرقه آثار مثبت دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی دارد که در اینجا به چند نمونه از آن اشاره می شود:

خشم شیطان: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هرگاه دو مسلمان از یکدیگر جدا شوند [قهر باشند]، شیطان پیوسته شادمان است و چون آن دو آشتی کردند، زانوان شیطان به لرزش می افتد و بندهایش از هم جدا می شود و فریاد برمی آورد: وای بر من از هلاکتی که بدان گرفتار شدم.^۲

برتری از نماز و روزه مستحب: رسول خدا ﷺ فرمود: اصلاح میان دو نفر از نمازها و روزه های [مستحب] برتر است.^۳

سبقت به سوی بهشت: اگر دو مسلمان سه روز با هم قهر باشند... هر يك از آن دو که برای آشتی پیش قدم شود و با برادرش سخن بگوید، در روز حساب رسی زودتر به بهشت می رود.^۴

۱ قَدْ تَرَبَّعَتِ الْأُمُورُ بِهِمْ فِي ظِلِّ سُلْطَانِ قَاهِرٍ... وَيَأْوُونَ إِلَى كَنَفِهَا بِنِعْمَةٍ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَهَا قِيَمَةً (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، بند ۱۰۰ و ۱۰۴).

۲ . سوره حجرات، آیات ۹-۱۰.

۳ . لَا يَزَالُ إِبْلِيسُ فَرِحًا مَا اهْتَجَرَ الْمُسْلِمَانِ فَإِذَا التَّقِيَا اضْطَلَّكَ رُكْبَتَاهُ وَتَخَلَّعَتْ أَوْصَالُهُ وَ نَادَى: يَا وَيْلَهُ، مَا لَقِيَ مِنَ النَّبُورِ (الكافي، ج ۲، ص ۳۴۶).

۴ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ (ثواب الأعمال، ص ۱۴۸).

۵ . أَيُّمَا مُسْلِمَيْنِ تَهَاجَرَا فَمَكَّنَّا ثَلَاثًا... فَأَيُّهُمَا سَبَقَ إِلَى كَلَامِ أَخِيهِ كَانَ السَّابِقَ إِلَى الْجَنَّةِ يَوْمَ الْحِسَابِ (الكافي، ج ۲، ص ۳۴۵).

ممنوعیت تفرقه افکنی و فتنه و فساد

پرهیز از تفرقه، فتنه و فساد اجتماعی از مسائل بسیار مهم اسلام در بُعد اخلاق اجتماعی به شمار می آید و تفرقه زدایی آثار مثبتی چون آرامش، وحدت، محبت و پیشرفت مادی و معنوی برای افراد و جامعه دربر دارد؛ از همین رو همواره مورد توجه و اهتمام رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام بوده است و آن بزرگواران پیوسته مردم را به این امر مهم تشویق کرده اند.

روزی پیامبر اکرم ﷺ از اصحابش پرسید: آیا از چیزی به شما خبر دهم که از نماز و روزه و زکات برتر است؟ گفتند: آری ای رسول خدا! پیامبر ﷺ فرمود: آن چیز اصلاح میان مردم است؛ زیرا تیره شدن روابط مردم، دین را ریشه کن می کند؛ همچنین رسول خدا ﷺ فرمود: ای مردم! از خدا بترسید و پیوندتان را با یکدیگر اصلاح کنید.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: شیطان پیوسته میان مؤمنان اختلاف می افکند؛ پس رحمت خدا بر کسی که میان دو نفر از دوستان ما الفت و صمیمیت پدید آورد. ای گروه مؤمنان! با هم الفت یابید و به هم محبت ورزید.^۲

خطر تفرقه افکنی و جدایی از اجتماع

تفرقه افکنان با پیروی از گام های شیطان به لغزش و انحراف دچار می شوند و کسی که بیراهه می رود و به اختلافات دامن می زند، گویا حتماً انتظار عذاب

۱. أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّدَقَةِ وَالصَّلَاةِ؟ قَالُوا: بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ: صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ وَفَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ وَهِيَ الْحَالِقَةُ (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۱، ص ۳۹).
۲. فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ (عيون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۶).
۳. إِنَّ الشَّيْطَانَ يُغْرِي بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ... فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَلْفَ بَيْنٍ وَلَيْسَ لَنَا. يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ! تَأَلَّفُوا وَتَعَاطَفُوا (الكافي، ج ۲، ص ۳۴۶).

الهی را می کشد: هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ^۱ آیا تفرقه افکنان منتظرند که عذاب خدا در پوشش های ابر بر آنان فرود آید!

تفرقه افکنان گرچه ممکن است در دعاهای زبانی بگویند، خدایا! ما را عذاب نکن، ولی با زیان حال و زمینه ای که فراهم کرده اند از خدا عذاب می خواهند؛ چون نه تنها با پیروی از راه های شیطان به خویشتن ستم می کنند، بلکه جامعه انسانی و اسلامی را به تفرقه کشانده، عذاب الهی را برای خود می خرند؛ از همین رو آنان در دنیا و برزخ و آخرت عذاب می شوند و حکم عذابشان قطعی است.

امیرمؤمنان، حضرت علی علیه السلام ضمن دعوت همگان به نعمت بزرگ اتحاد و برادری، درباره خطرهای تفرقه و جدایی از اجتماع فرمود:

۱. با جمعیت انبوه همراه باشید؛ زیرا دست خدا با جماعت است و از تفرقه پرهیزید؛ زیرا همان گونه که گوسفند وامانده از رمه از سرپرستی چوپان محروم و گرفتار گرگ می شود، انسان جدا شده از جامعه نیز از حمایت و هدایت اولیای الهی محروم و طعمه شیطان می شود.^۲

۲. خدای سبحان نه در گذشته و نه در آینده با اختلاف و تفرقه به کسی خیری نرسانده و نمی رساند. این جمله بیان صرف تجربه و تاریخ نیست، بلکه سنت الهی است؛ چون آن حضرت در این جمله افزون بر گذشته، از آینده نیز خبر می دهد که هرگز بشر با اختلاف به جایی نرسیده و نخواهد رسید و این با سنت خدا هماهنگ خواهد بود.^۳

۱. سورة بقره، آیه ۲۱۰.

۲. وَ الزُّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ، فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ، فَإِنَّ السَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ السَّادَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).

۳. فَإِيَّاكُمْ وَ التَّلَوْنَ فِي دِينِ اللَّهِ، فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ فُرْقَةٍ فِيمَا تُحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفُرْقَةٍ خَيْرًا مِمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶، بند ۳۳ - ۳۴).

۳. کینه‌توزی و اختلاف همانند تیغ تیزی است که هر روز آن را بر پایه و بدنه دین بکشند؛ آنگاه دین نمی‌روید و همه آثار آن محو می‌شود؛ چنان‌که با کشیدن تیغ بر سر، مویی نمی‌ماند.^۲

نهی از قهر و دشمنی

رسول خدا ﷺ فرمود: برای مسلمان جایز نیست بیش از سه روز از برادر مسلمان خود قهر کند؛^۳ همچنین فرمود: دشمن همدیگر نشوید و حسد و کینه نورزید و از یکدیگر روی نگردانید. ای بندگان خدا! با هم برادر باشید. جایز نیست برای مسلمان بیش از سه شب با برادر دینی خود قهر باشد.^۴

آثار تفرقه و دشمنی

خشنودی شیطان: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: وقتی دو مسلمان با هم قهر می‌کنند، شیطان شادمان می‌شود.^۵
امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز در روایتی فرمود: شیطان پیوسته میان دو نفر مؤمن دشمنی می‌افکند تا یکی از آن دو از گناهِش بازگردد؛ پس چون به گناه ادامه دادند، شیطان راحت بر پشت می‌خوابد و می‌گوید: کامیاب شدم.^۶

۱. وَ لَا تَبَاغَضُوا، فَإِنَّهَا الْحَالِقَةُ (نهج البلاغه، خطبه ۸۶، بند ۱۲).

۲. تسنیم، ج ۱۰، ص ۲۹۷.

۳. لَا يَجِلُّ لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ (کتاب الخصال، ص ۱۸۳؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۶۳).

۴. لَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَ كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا وَ لَا يَجِلُّ لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ لِيَالٍ (مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۹۷).

۵. لَا يَزَالُ إِبْلِيسُ فَرِحًا مَا اهْتَجَرَ الْمُسْلِمَانِ (الکافی، ج ۲، ص ۳۴۶).

۶. إِنَّ الشَّيْطَانَ يُعْرِي بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ مَا لَمْ يَرْجِعْ أَحَدُهُمَا عَنْ ذَنْبِهِ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ اسْتَلْقَى عَلَى قَفَاهُ وَ قَالَ: فُرْتُ (ارشاد القلوب، ص ۱۷۹).

خروج از اسلام و ولایت خدا: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدرش و او از پیامبر نقل کرد که رسول خدا ﷺ فرمود: هرگاه دو مسلمان سه روز با هم قهر باشند و آشتی نکنند، از اسلام خارج می‌شوند^۱ و میان آن دو پیوند دینی نیست.^۲

ورود به دوزخ: رسول خدا ﷺ فرمود: هرکس سه روز از برادرش قهر کند، پس او در آتش جهنم خواهد بود، مگر اینکه خدا با کرامت خود کار او را جبران کند.^۳

به منزله برادرکشی: رسول خدا ﷺ فرمود: قهر کردن از برادر دینی به منزله ریختن خون اوست.^۴

سزاوار لعنت و دوری: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: دو مرد با قهر از هم جدا نمی‌شوند جز اینکه یکی از آن دو سزاوار بیزاری خدا و رسول او و لعنت و دوری از رحمت حق می‌گردد و چه بسا هر دو آنان مستحق چنین کیفری شوند.^۵

عدم قبولی اعمال: رسول خدا ﷺ به ابوذر فرمود: ای ابوذر! از قهر و دشمنی با برادر دینی خود بپرهیز؛ زیرا عمل انسان در زمان قهر بودن پذیرفته نمی‌شود.^۶

۱. خروج از اسلام در اینجا به معنای کفر و شرک نیست؛ بلکه خروج از جمعیت یکپارچه مسلمانان و اجتماع آنان است.

۲. أَيُّمَا مُسْلِمِينَ تَهَاجَرَا فَمَكَّنَّا ثَلَاثًا لَا يَصْطَلِحَانِ إِلَّا كَانَا خَارِجِينَ مِنَ الْإِسْلَامِ وَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُمَا وَلَا يَهُةً (الکافی، ج ۲، ص ۳۴۵).

۳. مَنْ هَجَرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ فَهُوَ فِي النَّارِ إِلَّا أَنْ يَتَدَارَكَهُ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ (کنز العمال، ج ۹، ص ۴۷).

۴. هَجَرَ الْمُسْلِمِ أَخَاهُ كَسَفَكَ دَمَهُ (الجامع الصغير، ج ۲، ص ۷۱۱).

۵. لَا يَفْتَرِقُ رَجُلَانِ عَلَى الْهَجْرَانِ إِلَّا اسْتَوْجَبَ أَحَدُهُمَا الْبِرَاءَةَ وَ اللَّعْنَةَ وَ رَبَّمَا اسْتَحَقَّ ذَلِكَ كِلَاهُمَا (الکافی، ج ۲، ص ۳۴۴).

۶. يَا أَبَا ذَرٍّ! إِنَّكَ وَ هِجْرَانِ أَحْيِكَ، فَإِنَّ الْعَمَلَ لَا يُتَقَبَّلُ مَعَ الْهَجْرَانِ (مشكاة الأنوار، ص ۲۰۹).

سخن ساختگی برای آشتی

رسول خدا ﷺ در وصایایی به امیرمؤمنان ﷺ فرمود: ای علی! سخن تصنعی در سه چیز رواست: نیرنگ در جنگ، وعده دادن به همسر و اصلاح میان مردم.^۱

نکته: حرمت دروغ از مسلمات شرع مقدس است؛ ولی استثنای سخن تصنعی در این حدیث - هرچند در واقع صدق نباشد - بدین سبب است که مصلحت پیروزی بر دشمن در جنگ و بازسازی مردم از فساد و فتنه در موضوع اصلاح، امری روشن است؛ ولی جواز وعده دادن به همسر هرچند نتوان بدان عمل کرد، بدین جهت است که در واقع خبر دروغ نیست؛ خلاصه آنکه ۱. حرمت کذب، مانند حرمت ظلم، ذاتی غیر قابل تغییر نیست؛ بلکه در حد اقتضاست، نه علت تام؛ یعنی هرچند کذب نیز مفسده دارد، چنانچه با مصلحت مهم‌تری تزامم^۲ پیدا کند، به جهت رعایت آن مصلحت مهم‌تر قابل چشم‌پوشی است و دروغ گفتن حرمت ندارد؛ مانند آنکه با یک دروغ بتوان جلو کشته شدن بی‌گناهی را گرفت و راه دیگری نیز برای جلوگیری از آن وجود نداشته باشد. ۲. دروغ در مورد خبر است؛ مثلاً کسی بگوید: فلانی چنین کاری را انجام داده است، در حالی که آن شخص، آن کار را انجام نداده است؛ ولی اگر فردی به دیگری فرمان دهد که این کار را انجام بده، یا وعده دهد که انجام می‌دهم، این سخن، چون از قبیل خبر نیست بلکه انشاست، صدق و کذب در آن راه ندارد.

۱. يَا عَلِيُّ! ثَلَاثٌ يَحْسُنُ فِيهِنَّ الْكَيْدُ: الْمَكِيدَةُ فِي الْحَرْبِ وَعِدَّتُكَ زَوْجَتِكَ وَالْإِصْلَاحُ بَيْنَ النَّاسِ (الفتیه، ج ۴، ص ۵۹).
 ۲. واژه «تزامم» واژه‌ای فقهی - اصولی است و به این معناست که دو مصلحت یا مطلب را نمی‌توان در مقام عمل، در یک جا جمع کرد و اجرایی کرد.

۲. آزادی انسان‌ها

حضرت امیرمؤمنان ﷺ در خطبه‌ای گفتند: خدا حضرت محمد ﷺ را برانگیخت تا مردم را از بندگی بندگان خارج و آزاد کند و به پرستش خدا درآورد؛ همچنین فرمود: «بنده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفریده است»؛ نیز گفتند: مردم همه آزاد آفریده شده‌اند.^۳

امام صادق ﷺ نیز فرمود: خدا همه کارهای مؤمن را به خود او واگذاشت؛ ولی به او اجازه ذلت و خواری نداد.^۴

حدود آزادی

حدود آزادی انسان در فکر و عمل را احکام شرع، مانند مباح و مستحب و مکروه معین می‌کند و در امور واجب یا حرام، آدمی مأمور به انجام دادن وظایف دینی خود است. رسول خدا ﷺ فرمود: همه امت من آزادند؛ جز آنان که آشکارا گناه می‌کنند.^۵ امیرمؤمنان ﷺ نیز فرمود: بدترین والی و زمام‌دار کسی است که بی‌گناهان از او بترسند.^۶

عبدالله بن قعین از دی گوید: خیریت بن راشد ناجی در صفین با حضرت امیرمؤمنان علی ﷺ بود. او پس از جنگ همراه سی نفر از یارانش نزد آن حضرت آمد و گفت: «نه، به خدا سوگند از فرمان تو اطاعت نمی‌کنم و پشت

۱. فَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بَعَثَ مُحَمَّدًا ﷺ بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ عِبَادِهِ إِلَى عِبَادَتِهِ... (الكافي، ج ۸، ص ۳۸۶).
 ۲. لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا (نهج البلاغه، نامه ۳۱).
 ۳. النَّاسُ كُلُّهُمْ أَحْرَارٌ (الكافي، ج ۶، ص ۱۹۵).
 ۴. إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أَمْرَهُ كُلَّهَا وَلَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا (الكافي، ج ۵، ص ۶۳).
 ۵. كُلُّ أُمَّتِي مُعَافَى إِلَّا الْمُجَاهِرُونَ (صحيح البخاري، ج ۷، ص ۸۹).
 ۶. شَرُّ الْوَلَاةِ مَنْ يَخَافُهُ الْبَرِيُّ (غرر الحكم، ص ۳۴۵).



سرت نماز نمی گزارم و فردا از تو جدا می شوم...»؛ آنگاه بازگشت. من پشت سرش رفتم تا به خانه خود رفت و همان سخنان را در حضور دیگر یارانش نیز گفت. روز بعد نزد حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام رفتم و نزدیکش نشستم و آنچه شنیده بودم به او گفتم. آن حضرت عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: او را واگذار! اگر حق را پذیرفت و بازگشت از او می پذیریم. گفتم: ای امیرمؤمنان! چرا هم اکنون او را نمی گیری که از او پیمان بگیری؟ فرمود: اگر ما با هر کسی که مورد اتهام است، چنین کنیم، زندانها از آنان پر می شود و رأی من این نیست که به مردم حمله و آنان را زندانی کنم و عقوبت دهم تا از عقیده باطلشان بازگردند و به من تمایل یابند.^۱ آن حضرت درباره فرقه بنو ناجیه فرمود: من با اتهام بی تحقیق، کسی را دستگیر نمی کنم و با ظن و گمان کسی را کیفر نمی کنم و جز با کسی که با من مخالفت و آشکارا دشمنی کرده نمی جنگم؛ آن هم پس از اینکه او را دعوت و حجت را بر او تمام کنم. اگر از کارش دست برداشت و بازگشت ما هم از او می پذیریم و اگر جز به جنگ با ما تن نداد، برای جنگ با او از خدا کمک می جویم و با او می جنگیم.^۲

۱. كَانَ الْخُرَيْبِيُّ بْنُ رَاشِدٍ أَحَدَ بَنِي نَاجِيَةَ قَدْ شَهِدَ مَعَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام صَفِينَ فَجَاءَ إِلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام بَعْدَ انْقِضَاءِ صَفِينِ وَبَعْدَ تَحْكِيمِ الْحَكَمَيْنِ فِي ثَلَاثِينَ مِنْ أَصْحَابِهِ يَمْسِيهِ بَيْنَهُمْ حَتَّى قَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ لَا أُطِيعُ أَمْرَكَ وَلَا أَصْلِي خَلْفَكَ وَإِنِّي غَدًا لَمُقَارِبٌ لَكَ... فَخَرَجَ الْخُرَيْبِيُّ مِنْ عِنْدِهِ مُنْصَرِّفًا إِلَى أَهْلِهِ. قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ قُعَيْنٍ: فَعَجَلْتُ فِي أَثَرِهِ مُسْرِعًا... فَأَرَدْتُ الرَّجُوعَ... أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام... فَدَنَوْتُ مِنْهُ فَجَلَسْتُ وَرَأَاهُ فَأَصَغَى إِلَيَّ بِرَأْسِهِ فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا سَمِعْتُهُ مِنَ الْخُرَيْبِيِّ... فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: دَعُهُ فَإِنْ قَبِلَ الْحَقَّ وَرَجَعَ عَرَفْنَا لَهُ ذَلِكَ وَقَبَلْنَا مِنْهُ، فَقُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! فَلِمَ لَا تَأْخُذُهُ الْآنَ فَتَسْتَوْتِي مِنْهُ؟ فَقَالَ: إِنَّا لَوْ فَعَلْنَا هَذَا بِكُلِّ مَنْ يَتَّبِعُهُ مِنَ النَّاسِ مَلَائِكَةُ السُّجُونِ مِنْهُمْ وَلَا أَرَانِي يَسْعُرُنِي الْوُثُوبُ بِالنَّاسِ وَالْحَبْسُ لَهُمْ وَعُقُوبَتُهُمْ حَتَّى يُظْهِرُوا لِي الْخِلَافَ (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۲۸ - ۱۲۹).

۲. إِنِّي لَا أَخْذُ عَلَى التَّهْمَةِ وَلَا أَعَاقِبُ عَلَى الظَّنِّ وَلَا أَقَاتِلُ إِلَّا مَنْ خَالَفَنِي وَنَاصَبَنِي وَأَظْهَرَ الْعِدَاوَةَ لِي ثُمَّ لَسْتُ مُقَاتِلَهُ حَتَّى أَدْعُوهُ وَأُعَدِّرَ إِلَيْهِ فَإِنْ تَابَ وَرَجَعَ قَبَلْنَا مِنْهُ وَإِنْ أَبَى إِلَّا الْإِعْتِرَامَ عَلَيَّ حَرَبْنَا اسْتَعْنَا بِاللَّهِ عَلَيْهِ وَنَاجَرْنَاهُ (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۴۸).

۳. امنیت عمومی و دوری از هرج و مرج

حفظ امنیت عمومی مردم و مبارزه با هرج و مرج از وظایف مهم حکومت اسلامی است تا اختلال نظام - که از مفسد بزرگ است - پیش نیاید. امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام یکی از ابعاد امامت را به سامان آمدن نظام مسلمانان، صلاح دنیا و عزت مؤمنان دانسته است.^۱ تحقق این امور در گرو امنیت همه جانبه برای مردم است.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرکس برای ترساندن مسلمانی با نگاه تند به او بنگرد، خدا در قیامت که پناهگاهی جز پناه او نیست او را می ترساند؛ همچنین آن حضرت به نقل از خدای متعالی فرمود: هرکس به دوست من اهانت کند [و از وی سلب امنیت کند]، به جنگ با من برخاسته است.^۲ در حدیث آمده است که مسلمان را نترسانید؛ زیرا ترساندن مسلمان، ستمی بزرگ است.^۳

امنیت جانی و مالی: حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام در نامه ای به یکی از عوامل جمع آوری مالیات فرمود: با تقوای خدای بی شریک برو و هیچ مسلمانی را مترسان و از ملک او اگر خوشایند او نیست، عبور نکن و بیش از حق خدا در مالش از او نگیر. وقتی به قومی رسیدی نزدیک آب آنها فرود آی و به خانه هایشان نرو؛ سپس به آهستگی و متانت به سمتشان برو. به نزد آنان که رسیدی بر آنها سلام کن؛ ولی تحیت تو ناقص و ابتر نباشد؛ سپس به آنان بگو:

۱. إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَصَلَاحُ الدُّنْيَا وَعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ (الكافي، ج ۱، ص ۲۰۰).

۲. مَنْ نَظَرَ إِلَى مُؤْمِنٍ نَظْرَةً لِيُخَيِّفَهُ بِهَا أَخَافَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ (الكافي، ج ۲، ص ۳۶۸).

۳. مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ أَرَصَدَ لِمُحَارَبَتِي (الكافي، ج ۲، ص ۳۵۱).

۴. لَا تُرَوِّعُوا الْمُسْلِمَ، فَإِنَّ رُوعَةَ الْمُسْلِمِ ظُلْمٌ عَظِيمٌ (كتر العمال، ج ۱۶، ص ۱۱).

بندگان خدا! دوست و خلیفه خدا مرا به سوی شما فرستاده تا حق خدا را از اموال شما بگیرم. آیا در اموال شما حق خدا هست که آن را به ولی او بپردازید؟ اگر کسی گفت: نه، به او رجوع نکن و اگر کسی گفت: هست، همراهش برو بدون اینکه او را بترسانی یا تهدیدش کنی.^۱

امنیت حیثیتی و آبرویی: رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس به دوست من اهانت کند، مرا به جنگ خود خوانده است^۲؛ همچنین آن حضرت فرمود: هر کسی بنده مؤمنی را خوار کند، خدا او را خوار می‌کند.^۳

امنیت حریم خصوصی افراد: رسول خدا ﷺ فرمود: اگر تو در پی کشف اسرار و لغزش‌های مردم باشی، آنان را به فساد کشانده‌ای، یا نزدیک است آنان را فاسد کنی.^۴

ابن عباس به نقل از پیامبر ﷺ می‌گوید: هر کس به سخن گروهی گوش فرا دهد که آنان این کار را خوش ندارند، روز قیامت در گوش‌های او مسی گذاخته ریخته می‌شود.^۵

۱. انطَلِقُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا تُرْوَعَنَّ مُسْلِمًا وَلَا تَجْتَازَنَّ عَلَيْهِ كَارِهًا وَلَا تَأْخُذَنَّ مِنْهُ أَكْثَرَ مِنْ حَقِّ اللَّهِ فِي مَالِهِ، فَإِذَا قَدِمْتَ عَلَى الْحَيِّ فَاَنْزِلْ بِمَائِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُخَالِطَ آبِيَاءَهُمْ، ثُمَّ امْضُ إِلَيْهِمْ بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ حَتَّى تَقُومَ بَيْنَهُمْ فَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَلَا تُخْدِجْ بِالْتَّحِيَّةِ لَهُمْ، ثُمَّ تَقُولُ: عِبَادَ اللَّهِ! أَرْسَلَنِي إِلَيْكُمْ وَوَلِيُّ اللَّهِ وَخَلِيفَتُهُ لَأَخَذَ مِنْكُمْ حَقَّ اللَّهِ فِي أَمْوَالِكُمْ، فَهَلْ فِي أَمْوَالِكُمْ مِنْ حَقِّ فِتْوَادِهِ إِلَى وَلِيِّهِ؟ فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ: لَا، فَلَا تُرَاجِعْهُ وَإِنْ أَنْعَمَ لَكَ مُنْعِمٌ فَانْطَلِقْ مَعَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُخَيِّفَهُ أَوْ تُوعِدَهُ (نهج البلاغه، نامه ۲۵).

۲. مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَةِ (الكافي، ج ۱، ص ۱۴۴).
 ۳. مَنْ أَدَلَّ مُؤْمِنًا أَدَلَّهُ اللَّهُ (الأمالي، طوسي، ص ۱۸۲).
 ۴. إِنَّكَ إِنْ اتَّبَعْتَ عَوْرَاتِ النَّاسِ أَوْ عَثْرَاتِ النَّاسِ أَفْسَدْتَهُمْ أَوْ كِدْتَ أَنْ تُفْسِدَهُمْ (السنن الكبرى، ج ۸، ص ۳۳۳).
 ۵. مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ يُصَبُّ فِي أذُنَيْهِ الْأَنْتُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۲۹۸).

حضرت امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: بدترین مردم کسی است که از لغزش‌های دیگران در نمی‌گذرد و اسرار آنان را نمی‌پوشاند^۱؛ نیز فرمود: کسی که از دیگران عیب بجوید، خدا عیب‌هایش را آشکار می‌کند.^۲

کیفر ایجاد ناامنی^۳

رسول خدا ﷺ فرمود: اهانت و بدگویی به مؤمن، فسق و جنگیدن با او کفر و غیبت کردن از وی گناه خدای سبحان و حرمت مالش، مانند حرمت خون اوست.^۴

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هر کس به اندازه يك کلمه به زیان مؤمنی کار کند در حالی خدای خود را دیدار می‌کند که بر پیشانی او نوشته است: «ناامید از رحمت خدا».^۵

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هر کس مؤمنی را از سلطانی بترساند که از او آزار خواهد دید، گرچه آزاری نبیند در جهنم خواهد بود و اگر آزار دید، همراه با فرعون و دودمان فرعون در جهنم خواهد بود^۶؛ همچنین آن حضرت فرمود: هرگاه فردی به برادر مؤمنش أُف (تندی اندک) بگوید از حریم ولایت و دوستی او بیرون رفته است.^۷

۱. شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْفُو عَنِ الزَّلَّةِ وَلَا يَسْتُرُ الْعَوْرَةَ (غرر الحکم، ص ۲۴۵).
 ۲. مَنْ تَبَعَ عَوْرَاتِ النَّاسِ كَشَفَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ (غرر الحکم، ص ۴۲۱).
 ۳. سَبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ وَأَكْلُ لَحْمِهِ مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَحُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ (الفقيه، ج ۴، ص ۴۱۸).
 ۴. مَنْ أَهَانَ عَلَى مُؤْمِنٍ بِسَطْرٍ كَلِمَةٍ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَبَيَّنَّ عَيْنَيْهِ مَكْتُوبٌ «أَيْسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» (الأمالي، طوسي، ص ۱۹۸).
 ۵. مَنْ رَوَعَ مُؤْمِنًا بِسُلْطَانٍ لِيُصِيبَهُ مِنْهُ مَكْرُوهٌ فَلَمْ يُصِبْهُ فَهُوَ فِي النَّارِ وَمَنْ رَوَعَ مُؤْمِنًا بِسُلْطَانٍ لِيُصِيبَهُ مِنْهُ مَكْرُوهٌ فَأَصَابَهُ فَهُوَ مَعَ فِرْعَوْنَ وَآلِ فِرْعَوْنَ فِي النَّارِ (الكافي، ج ۲، ص ۳۶۸).
 ۶. إِذَا قَالَ الرَّجُلُ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ «أُف» خَرَجَ مِنْ وَلَائِيهِ (الكافي، ج ۲، ص ۳۶۱).

۴. استقلال و نفی ذلت‌پذیری

رسول خدا ﷺ فرمود: اسلام دین برتر است و چیزی بر آن برتری نخواهد یافت و کافران به منزله مردگان‌اند؛ نه مانع ارث می‌شوند و نه ارث می‌برند.^۱

امام صادق ع فرمود: خدا اختیار همه کارها را به مؤمن وا گذاشته؛ ولی ذلت‌پذیری را به وی وانگذاشته است. آیا نشنیده‌ای که خدای متعالی می‌گوید: همه عزت از آن خدا و پیامبرش و مؤمنان است؟^۲ آن حضرت در ادامه این حدیث گفتند: پس مؤمن عزیز است و ذلیل نیست. مؤمن از کوه نفوذناپذیرتر است؛ زیرا از کوه با ضربه‌های کلنگ کاسته می‌شود؛ اما با هیچ ابزاری نمی‌توان از ایمان مؤمن کاست.^۳

۵. مشارکت سیاسی و انتخابات

بر مسلمانان لازم است برای تعیین سرنوشت اجتماعی خود، مشارکت سیاسی داشته باشند و در اموری چون انتخابات برای برگزیدن افراد صالح، باتقوا و کاردان برای اداره امور جامعه و کشور بی‌تفاوت نباشند؛ چرا که بی‌تفاوتی در این امور مهم، به حاکمیت اشرار و بدان و کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی و رواج ظلم و فساد خواهد انجامید. رسول خدا ﷺ فرمود:

هرگاه کارگزاران شما اشرار و ثروتمندان بخیل باشند و امور زندگیتان با شورا

۱. الإسلامُ يعلو ولا يُعلى عليه و الكفار بمنزلة الموتى لا يحجبون ولا يرثون (الفيقه، ج ۴، ص ۳۳۴).

۲. إن الله فوّض إلى المؤمن أموره كلها و لم يفوض إليه أن يكون ذليلاً؛ أما تسمع الله عز و جل يقول: ﴿و لله العزّة و لسو له و للمؤمنين﴾ [سوره منافقون، آیه ۸]. (تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۱۷۹).

۳. ... فالْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزاً وَ لَا يَكُونُ ذَلِيلًا، قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ؛ لِأَنَّ الْجَبَلَ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ وَ الْمُؤْمِنَ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ بَشْيْءٍ (تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۱۷۹).

و مشورت سامان‌نگیرد، درون زمین (مردن) برای شما برتر از زندگی بر روی زمین است.^۱

حضرت امیرمؤمنان ع درباره تأثیر مشارکت مردم گفتند: اگر انبوه آن جماعت نبود، یا گرد آمدن یاران، حجت را بر من تمام نمی‌کرد... زمام (حکومت) را بر گردنش می‌افکنم (حکومت را نمی‌پذیرفتم).^۲

مشارکت سیاسی و بیعت: مشارکت سیاسی گاه به گونه بیعت است؛ چنان‌که حضرت امیر ع فرمود: و اما حق من بر شما این است که به بیعت خود با من (و حضور در صحنه) وفادار و در آشکار و نهان خیرخواه من باشید و هرگاه شما را برای حضور در صحنه خواندم، پاسخ مثبت دهید و هرگاه فرمانتان دادم، بپذیرید.^۳

نکته: بیعت از بیع است و در بیع، فروشنده، کالا را در برابر بها می‌فروشد و دیگر حقی در آن کالا ندارد، مگر با اذن صاحب آن. کسی که بیعت کرد، نباید در شؤون کشور بدون اذن حکومت دینی دخالت کند.

۶. مشورت‌دهی

مشورت‌دهی به حاکمان اسلامی می‌تواند از ابعاد مشارکت سیاسی در عرصه‌های اجتماعی باشد. امیرمؤمنان ع فرمود: از گفتن حق و مشورت عادلانه خودداری نکنید؛ زیرا من در نظر خود [به عنوان يك انسان و جدای از

۱. وَ إِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ شَرًّاؤُكُمْ وَ أَعْيَاؤُكُمْ بِخَلَاءِكُمْ وَ لَمْ يَكُنْ أَمْرُكُمْ سُورَى بَيْنَكُمْ فَبَطْنُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ ظَهْرَهَا (روض الجنان، ج ۵، ص ۱۲۶).

۲. لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ وِيَامِ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ... لِأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا... (نهج البلاغه، خطبه ۳ «شقیقه»).

۳. وَ أَمَا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَ النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ وَ الْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَ الطَّاعَةُ حِينَ أَمْرُكُمْ (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).

عصمت و حفاظت الهی] از احتمال خطای در رفتار ایمن نیستیم؛ جز آنکه خدا مرا کفایت و حفظ کند.^۱

مصدق دیگر مشارکت مردمی را می‌توان در اصل مسلم اسلامی «امر به معروف و نهی از منکر» دانست. امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: همه نیکی‌ها و جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر بیش از قطره‌ای (آب دهان) در برابر دریای خروشان و عمیق نیست.^۲

۷. قیام در برابر ظلم

شایسته است مسلمان ضدّ ستم قیام کند و این از مهم‌ترین آموزه‌های دینی به شمار می‌آید و قیام سالار شهیدان تاریخ بشر، حضرت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در برابر ستم امویان ناپاک از نمونه‌های بارز آن است. آن حضرت در این باره خطاب به امت اسلامی چنین فرمود: آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل خودداری نمی‌گردد؟ در چنین وضعی سزاوار است که مؤمن از جانانش بگذرد و به دیدار پروردگارش بشتابد.^۳

آن حضرت در ادامه فرمود: آگاه باشید: این ناپاک، پسر ناپاک مرا میان دو چیز (جنگ یا پذیرش ذلت) مخیر گذاشته است؛ اما ذلت از ما بسیار دور است.^۴

۱. فَلَا تَكْفُوا عَنْ مَقَالَةٍ بِحَقِّ أَوْ مَسُورَةٍ بَعْدِلٍ، فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَرُوقٍ أَنْ أُخْطِئَ وَلَا آمَنْ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي إِلَّا أَنْ يَكْفِيَنِي اللَّهُ مِنْ نَفْسِي... (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

۲. وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَفَفْتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّي (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴).

۳. أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَنْتَاهِي عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحَقَّقًا... (تحف العقول، ص ۲۴۵).

۴. أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَيْنِ بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مَنَا الذَّلَّةَ (الملهوف، ص ۹۷).

تبری از ظالمان و طاغوتیان

تبری از طاغوت از وظایف مسلمانی است. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام در این باره به یکی از یاران خود فرمود: ای ابوالصبح! از دوستی باطن‌گرایانه با غیر ما اهل بیت بپرهیز؛ زیرا هر دوستی با غیر اهل بیت [به نوعی] دوستی با طاغوت است.^۱

ابان بن تغلب گفت: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام شنیدم که می‌فرمود: ای گروه جوانان! از خدا بترسید و دنباله‌رو این رؤسا (حاکمان بنی عباس) نباشید. آنان را رها کنید تا خوار شوند. آنان را دوست و رازدار خود قرار ندهید که به خدا سوگند ما اهل بیت برای شما از آنان بهتریم.^۲

عدم همکاری با ظالمان

همکاری با ظالمان برای مسلمان روا نیست، حتی اگر ستمگر در کاری به ظاهر عبادی مانند ساختن مسجد وارد شود، در این‌گونه کارها هم از هرگونه همدستی با ستمگر باید پرهیز کرد. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: آنان (ستمگران) را در ساختن مسجد کمک نکنید.^۳

زیاد بن ابی سلمه از اصحاب امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام بدون کسب اجازه از آن حضرت در دستگاه حکومت عباسی وارد شد. حضرت از علت آن پرسید. او گفت: هزینه زندگی من سنگین است، زیرا من جوانمرد و عائله‌مند هستم و پس‌اندازی نیز ندارم. امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: ای زیاد! اگر از کوه بلندی

۱. يَا أَبَا الصَّبَاحِ! إِنَّاكُمْ وَالْوَلَائِحِ، فَإِنَّ كُلَّ وَلِيَجَةٍ دُونَنَا فَهِيَ طَاغُوتٌ (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۸۳).

۲. يَا مَعْشَرَ الْأَحْدَاثِ! اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَأْتُوا الرُّؤَسَاءَ، دَعْوَهُمْ حَتَّى يَسِيرُوا أَذْنَابًا لَا تَتَّخِذُوا الرِّجَالَ وَوَلَائِحَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنَا وَاللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْهُمْ (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۸۳).

۳. لَا تُعْنَهُمْ عَلَى بِنَاءِ مَسْجِدٍ (تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۳۸).

سقوط کنم و بدنم پاره پاره شود، نزد من بهتر است از اینکه با ظالمان همکاری و همراهی کنم، مگر اینکه از این راه غمی را از دل مؤمنی بزدایم یا مؤمن گرفتاری را نجات داده یا بدهکاری او را بپردازم.^۱

صفوان بن مهران یکی دیگر از یاران امام کاظم علیه السلام بود که کاروان‌های تجاری داشت و شماری از شترانش را به هارون (خلیفه عباسی) کرایه داده بود. او خود نقل می‌کند: روزی خدمت امام کاظم علیه السلام رسیدم. آن حضرت به من گفتند: صفوان! همه کارهای تو نیکو و زیباست، جز يك کار. عرض کردم: فدایت شوم کدام يك؟ فرمود: شترانت را به این مرد (هارون) کرایه داده‌ای. گفتم: به خدا سوگند! من آن را برای ترویج فسق و فجور و لهو و لعب کرایه نداده‌ام؛ بلکه برای زیارت بیت الله است و خودم مستقیماً به آن نمی‌پردازم، بلکه غلامانم را همراه او می‌فرستم. امام کاظم علیه السلام پرسید: آیا دوست داری، هارون و دوستانش زنده بمانند تا کرایه شترانت را بدهند؟ گفتم: آری! آن حضرت فرمود: هرکس بقای ستمکاران را دوست داشته باشد از آنان به شمار می‌آید و هر که از آنان باشد به آتش دوزخ درمی‌آید.^۲

۱. ... قَالَ لِي وَلِمَ؟ قُلْتُ: أَنَا رَجُلٌ لِي مَرْوَةٌ وَعَلَيَّ عِيَالٌ وَ لَيْسَ وَرَاءَ ظَهْرِي شَيْءٌ، فَقَالَ لِي: يَا زَيْدًا! لِأَنَّ أَسْفَطَ مِنْ خَالِي فَانْقَطَعَ قِطْعَةً قِطْعَةً أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَوَلَّى لِأَحَدٍ مِنْهُمْ عَمَلًا أَوْ أَطًا بِسَاطٍ أَحَدِهِمْ إِلَّا لِمَاذَا؟ قُلْتُ: لَا أَدْرِي جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَقَالَ: إِلَّا لِتَفْرِجَ كُرْبَةَ عَن مَوْمِنٍ أَوْ فَكَّ أَسْرَهُ أَوْ قَضَاءِ دَيْنِهِ (الكافي، ج ۵، ص ۱۰۹-۱۱۰).

۲. صفوان بن مهران الجمال، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه السلام فَقَالَ لِي: يَا صَفْوَانُ كُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ حَسَنٌ جَمِيلٌ مَا خَلَا شَيْئًا وَاحِدًا، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَيُّ شَيْءٍ؟ قَالَ إِكْرَاؤُكَ جِمَالِكَ مِنْ هَذَا الرَّجُلِ - يَعْنِي هَارُونَ - قُلْتُ: وَ اللَّهُ مَا أَكْرَيْتُهُ أَنَسْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا لِلصَّيْدِ وَلَا لِلْهَوَىٰ وَ لِكَيْتِي أَكْرَيْتُهُ لِهَذَا الطَّرِيقِ - يَعْنِي طَرِيقَ مَكَّةَ - وَ لَا أَنْوَلَاهُ بِنَفْسِي وَ لِكَيْتِي أَبْعَثُ مَعَهُ غِلْمَانِي، فَقَالَ لِي: يَا صَفْوَانُ! أَيْقَعُ كِرَاؤُكَ عَلَيْهِمْ؟ قُلْتُ: نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ. قَالَ: فَقَالَ لِي: أَ تَحِبُّ بَقَاءَهُمْ حَتَّى يَخْرُجَ كِرَاؤُكَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: مَنْ أَحَبَّ بَقَاءَهُمْ فَهُوَ مِنْهُمْ وَ مَنْ كَانَ مِنْهُمْ كَانَ وَرَدَ النَّارِ (وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۸۲).

۸. مرزداري و اهميت آن

شایسته است مسلمانان، مرز کشور اسلامی را از نفوذ بیگانگان حفظ کرده، برای مرزبانان دعا کنند. در اهمیت و ارزش مرزداري همین بس که امام سجّاد علیه السلام در یکی از دعاهاى صحیفه سجّادیه به خدا عرض می‌کند: خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و مرزهای کشور مسلمانان را به عزت خویش محفوظ بدار و پاسداران آن را به نیروی خود پشتیبان باش و از دارایی خود بخشش فراوان به آنها عطا کن. شمار آنان را فراوان و سلاحشان را بُرّان کن و حوزه مأموریت آنها را محکم و استوار نگهدار و جایگاه آنان را حراست کن. میان آنان اتحاد و دوستی برقرار کن و کارهایشان را سروسامان ده و لوازم مورد نیاز و مواد غذایی... آنها را پی در پی فراهم کن و هزینه زندگی آنها را تنها خود بر عهده بگیر و با یاری خود آنان را حمایت کن.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: يك شب نگهبانی در راه خدا از هزار شب عبادت بهتر است؛ آن هم شب‌هایی که روزهایش را روزه بگیرد.^۲

در حدیثی دیگر آمده است که يك روز مرزبانی در راه خدا از يك ماه نماز و روزه [مستحب] بهتر است، و کسی که در حال مرزبانی در راه خدا بمیرد، برای او تا روز قیامت پاداش مجاهد [در راه خدا] نوشته می‌شود.^۳

۱. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ حَصِّنْ تُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ وَ أَيْدِ حُمَاتِنَا بِقُوَّتِكَ وَ أَسْبِغْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جِدَّتِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ كَثِّرْ عِدَّتَهُمْ وَ اشْحَذْ أَشْلِحَتَهُمْ وَ اخْرُسْ حَوَزَتَهُمْ وَ أَمْنِعْ حَوْصَتَهُمْ وَ أَلْفِ جَمْعَهُمْ وَ دَبِّرْ أَمْرَهُمْ وَ وَاثِرْ بَيْنَ مِيرِهِمْ وَ تَوَحَّدْ بِكِفَايَةِ مُؤْنِهِمْ وَ اعْضُدَّهُمْ بِالنَّصْرِ (صحیفه کامله سجّادیه، دعای ۲۷).

۲. حَرَسُ لَيْلَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ لَيْلَةٍ يُقَامُ لَيْلُهَا وَ يُصَامُ نَهَارُهَا (کنز العمال، ج ۴، ص ۲۹۷).

۳. رِبَاطُ يَوْمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ شَهْرٍ وَ صِيَامِهِ وَ مَنْ مَاتَ مُرَابِطًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَانَ لَهُ أَجْرٌ مُجَاهِدٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (عوالي اللئالي، ج ۱، ص ۸۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۸).

آثار معنوی مرزداری

حضرت رسول خدا ﷺ گفتند: کسی که هنگام نگیبانی و مرزداری از دنیا برود، ثواب کارش برای وی جریان خواهد داشت و از نعمت‌های جاری برخوردار خواهد بود و از فرشته آزمونگر (در قبر) در امان خواهد بود.^۱

در حدیث دیگر از آن حضرت آمده است که هرکس بمیرد، نامه عملش بسته می‌شود، مگر کسی که هنگام مرزداری در راه خدا بمیرد که ثواب عمل او تا روز قیامت برای وی رشد داده می‌شود و از امتحان و سؤال قبر نیز در امان است.^۲

دعای امام سجاد علیه السلام برای مرزبانان

۱. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَصِّنْ تُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ وَآيِدْ حُمَاتَهَا بِقُوَّتِكَ وَأَسْبِغْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جِدَّتِكَ؛ خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و سرحد کشور مسلمانان را به عزت و قدرت خود محفوظ دار و نگاهداران آن را به نیروی خود تقویت فرما و از دارایی خود به ایشان فراوان ببخش.

۲. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَثِّرْ عِدَّتَهُمْ وَأَشْحَذْ أَسْلِحَتَهُمْ وَأَحْرُسْ حَوَازِيَهُمْ وَامْنَعْ حَوْمَتَهُمْ وَأَلْفْ جَمْعَهُمْ وَدَبِّرْ أَمْرَهُمْ، وَوَاتِرْ بَيْنَ مِيرِهِمْ، وَتَوَحَّدْ بِكَفَايَةِ مُؤَنِّيهِمْ، وَاعْضُدْهُمْ بِالنَّصْرِ، وَاعْنَهُمْ بِالصَّبْرِ، وَالطُّفْ لَهُمْ فِي الْمَكْرِ؛ خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و شمار آنان را فراوان و سلاح آنها را بران کن و حوزه آنها را پاس دار و جایگاه آنان را حفظ کن و میان آنان الفت انداز و کار ایشان را سامان ده و آذوقه

۱. وَإِنْ مَاتَ مُرَابِطًا جَرَى عَلَيْهِ عَمَلُهُ وَأُجِرِيَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ وَأَمِنَ مِنَ الْفَتَانِ (کنز العمال، ج ۴، ص ۲۸۴).

۲. كُلُّ مَيِّتٍ يُحْتَمَى عَلَى عَمَلِهِ إِلَّا الَّذِي مَاتَ مُرَابِطًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ يُنَمَى لَهُ عَمَلُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَيَأْمَنُ فِتْنَةَ الْقَبْرِ (سنن الترمذی، ج ۳، ص ۸۹).



آنها را پی در پی بفرست. هزینه معیشت آنان را تنها خود متکفل باش و به یاری خود بازوی آنان را قوی گردان و به شکیبایی مدد کن و چاره‌سازی به ایشان آموز.

۳. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَرَّفُهُمْ مَا يَجْهَلُونَ، وَعَلَّمُهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَبَصَّرُهُمْ مَا لَا يُبْصِرُونَ؛ خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و هر چه را نمی‌شناسند به آنها بشناسان و هر چه نمی‌دانند به آنها تعلیم ده و هر چه بینشان بدان نمی‌رسد، به آنها بنمای.

۴. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمْ الْخِدَاعَةَ الْعَرُورَ، وَامْحُ عَن قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفُتُونِ، وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ نُصْبَ أَعْيُنِهِمْ، وَكُوحٌ مِنْهَا لِابْصَارِهِمْ مَا أَعَدَدْتَ فِيهَا مِنْ مَسَاكِنِ الْخُلْدِ وَمَنَازِلِ الْكِرَامَةِ وَالْحُورِ الْحَسَنِ وَالْأَنْهَارِ الْمُطْرِدَةِ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرِيَةِ وَالْأَشْجَارِ الْمُتَدَلِّيَةِ بِصُنُوفِ الشَّمْرِ حَتَّى لَا يَهُمَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِدْبَارِ، وَلَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ عَنْ قَرْنِهِ بِفِرَارٍ؛ خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و هنگام لقای دشمن یاد دنیای مکار و فریبده را از خاطر آنها ببر و از دل آنها اندیشه مال فتنه‌انگیز را محو کن و بهشت را پیش چشم آنان مجسم گردان و آنچه را در بهشت آماده کرده‌ای، از مسکن‌های جاوید و منزلگاه‌های کرامت و حور نیکو روی و جوی‌های روان و نوشیدنی‌های گوناگون و درختان پر بار و دارای اقسام میوه‌ها پیش چشم ایشان ممثل ساز تا هیچ يك آهنگ بازگشتن نکند و اندیشه گریختن از هم‌آورد خود به دل راه ندهد.

۵. اللَّهُمَّ أَقْلِلْ بِذَلِكَ عِدْوَهُمْ، وَأَقْلِمْ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ، وَفَرِّقْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَسْلِحَتِهِمْ، وَأَخْلَعْ وَتَأْتِقْ أَفْتِدَتِهِمْ، وَبَاعِدْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَرْوَدَتِهِمْ، وَحَيِّرْهُمْ فِي سُبُلِهِمْ، وَصَلِّ لَهُمْ عَن وَجْهِهِمْ، وَأَقْطَعْ عَنْهُمْ الْمَدَدَ، وَأَنْقُصْ مِنْهُمْ الْعَدَدَ، وَامْلَأْ أَفْتِدَتَهُمُ الرَّعْبَ، وَأَقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنِ الْبَسْطِ، وَأَخْزِمِ أَلْسِنَتَهُمْ عَنِ النُّطْقِ، وَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ وَنَكَّلْ بِهِمْ مَنْ وَرَاءَهُمْ، وَأَقْطَعْ بِخَزِيئِهِمْ أَطْمَاعَ مَنْ بَعْدَهُمْ؛ خدایا! بدین کار، دشمن آنها را سست گردان و ناخن آنها را برچین و میان آنها و

سلاح جنگ جدایی افکن و بند دل آنها را بگسل و میان آنها و توشه آنان فاصله افکن و در راهها سرگردانشان ساز و از مقصودشان بازدار و مدد را از آنها بپر و شماره آنان را اندک گردان و دل‌هایشان را از هراس سرشار کن و دستان آنان را چنان ببند که هرگز نتوانند گشود و زبان آنها را چاک زن که سخن نتوانند گفت و به پراکندگی ایشان دنباله‌های آنها را هم پراکنده ساز و اینان را عبرت آنان گردان و به سبب زیون گشتن اینها امید دیگران را قطع کن.

۶. اللَّهُمَّ عَقِّمْ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ، وَيَبِّسْ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ، وَاقْطَعْ نَسْلَ دَوَابِّهِمْ وَ أَنْعَامِهِمْ، لَا تَأْذُنْ لِسَمَائِهِمْ فِي قَطْرِ، وَلَا لِأَرْضِهِمْ فِي نَبَاتٍ؛ خدایا! زنانشان را نازای و پشت مردانشان را خشک گردان و نسل چارپایان سواری و شیرده آنها را ببر و آسمانشان را رخصت باریدن مده و زمینشان را اجازت رویدن نده.

۷. اللَّهُمَّ وَقُوْ بِذَلِكَ مَحَالَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَحَصِّنْ بِهِ دِيَارَهُمْ، وَثَمَّرْ بِهِ أَمْوَالَهُمْ، وَقَرِّعْهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِكَ، وَ عَنِ مُنَابَذَتِهِمْ لِلْخَلْقِ بِكَ حَتَّى لَا يُعْبَدَ فِي بَقَاعِ الْأَرْضِ غَيْرَكَ، وَلَا تُعَفَّرَ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ جَبْهَةٌ دُونَكَ؛ و بدین کارها پشت مسلمانان را قوی گردان و کشورشان را به دژی محکم استوار دار و مال آنان را بارور کن و آنان را از جنگ فارغ ساز تا عبادت کنند و از کارزار آسوده‌شان کن تا با تو در خلوت به راز و نیاز پردازند تا در هیچ جای زمین غیر تو پرستیده نشود و پیشانی برای هیچ کس جز توبه خاک سوده نگردد.

۸. اللَّهُمَّ اغْزِبْ كُلَّ نَاحِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنْ يَبَارِئُهُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، وَ أَمِدْهُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرْدِفِينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطِعِ التُّرَابِ قِتْلًا فِي أَرْضِكَ وَ أَسْرًا، أَوْ يُقِرُّوا بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ؛ خدایا! در هر ناحیه مسلمانان را به دفع مشرکانی که در برابر آنان اند برانگیز و با فرشتگان خود پیوسته مددشان کن که آنان را تا پایان زمین هزیمت دهند یا کشته شوند یا گرفتار گردند یا اقرار کنند که تویی خدا و غیر تو معبودی سزاوار پرستش نیست. تویی تنها که شریک و انباز نداری.

۹. اللَّهُمَّ وَاعْمُمْ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَ الرُّومِ وَ التُّرْكِ وَ الْخَزَرِ وَ الْحَبَشِ وَ الثُّوبَةِ وَ الرَّنَجِ وَ السَّقَالِيَةِ وَ الدِّيَالِمَةِ وَ سَائِرِ أُمَّمِ الشُّرْكِ، الَّذِينَ تَخْفَى أَسْمَاؤُهُمْ وَ صِفَاتُهُمْ، وَ قَدْ أَحْصَيْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَ أَشْرَفْتَ عَلَيْهِمْ بِقُدْرَتِكَ؛ خدایا! این نفرین، همه دشمنان تو را در همه شهرها فراگیرد؛ از هند و روم و ترک و خزر و حبشه و نوبه و زنگبار و سقلاییان و دیلمان و دیگر امت‌های مشرک که نام و نشان آنها پنهان است و تو آنها را یکان یکان می‌شناسی و به قدرت خویش بر آنان سلطه‌داری.

۱۰. اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ عَنْ تَنَاوُلِ أَطْرَافِ الْمُسْلِمِينَ، وَ خُذْهُمْ بِالنَّقْصِ عَنِ تَنْقُصِهِمْ، وَ ثَبِّطْهُمْ بِالْفُرْقَةِ عَنِ الْاِحْتِشَادِ عَلَيْهِمْ؛ خدایا! مشرکان را سرگرم یکدیگر کن تا پیرامون مسلمانان نگردند و آنها را به جای تنقص و کم آوردن مسلمانان به نقص بگیر. [تا از تنقیص مسلمانان باز مانند] و میان آنها پریشانی افکن تا از گرد آمدن بر مسلمانان منصرف شوند.

۱۱. اللَّهُمَّ أَخْلِ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمْنَةِ، وَ أَبْدَانَهُمْ مِنَ الْقُوَّةِ، وَ أَذْهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الْاِحْتِيَالِ، وَ أَوْهِنْ أَرْكَانَهُمْ عَنِ مُنَازَلَةِ الرِّجَالِ، وَ جَبِّنْهُمْ عَنِ مُقَارَعَةِ الْأَبْطَالِ، وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ بِيَأْسٍ مِنْ بَأْسِكَ كَفَعْلِكَ يَوْمَ بَدْرٍ، تَقْطَعُ بِهِ دَابِرَهُمْ وَ تَحْصُدُ بِهِ شَوْكَتَهُمْ، وَ تُفَرِّقُ بِهِ عَدَدَهُمْ؛ خدایا! دل آنها را از آرامش تهی و بدن آنها را از نیرو خالی کن و راه چاره را به رویشان ببند و اندام آنان را سست گردان که نبرد با مردان نتوانند و ترس در دل آنها افکن که کارزار پهلوانان را نخواهند و لشکری از فرشتگان با آن غذایی که خود می‌دانی بر آنها فرست؛ چنان‌که در روز بدر فرستادی تا بیخ آنها را برآوری و خار [شوکت و جلال ظاهری] آنها را از پیش پای مسلمانان درو کنی و جمع آنان را پریشان گردانی.

۱۲. اللَّهُمَّ وَ امْزُجْ مِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ، وَ اطْعِمْتَهُمْ بِالْأَدْوَاءِ، وَ اِزِمِ بِلَادَهُمْ بِالْخُسُوفِ، وَ أَلْحِ عَلَيْهِمُ بِالْقُدُوفِ، وَ اقْرَعِهَا بِالْمُحُولِ، وَ اجْعَلْ مِيرَهُمْ فِي أَحْصِ أَرْضِكَ وَ أَبْعِدْهَا عَنْهُمْ، وَ اَمْنَعْ حُصُونَهَا مِنْهُمْ، أَصْبِهِمْ بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ وَ السَّقَمِ الْأَلِيمِ؛ خدایا! آب آنها را به وبا بیالای و خوراک آنان را به بیماری‌ها بیامیز و شهرهای

آنها را به فرو رفتن در زمین و ریختن سنگ‌های آسمانی پیوسته ویران کن و به خشکی مبتلا ساز و خواربار آنها را در خالی‌ترین و دورترین زمین‌ها قرار ده و قلعه‌های زمین را بر ایشان فرو بند و به گرسنگی پیوسته و بیماری دردناک دچارشان کن.

۱۳. اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ، أَوْ مُجَاهِدٍ جَاهَدَهُمْ مِنْ أَتْبَاعِ سُنَّتِكَ لِيَكُونَ دِينُكَ الْأَعْلَى وَ حِرْبُكَ الْأَقْوَى وَ حَظُّكَ الْأَوْفَى فَلَقَّهِ الْيُسْرَ، وَ هَيَّئْ لَهُ الْأَمْرَ، وَ تَوَلَّهُ بِاللُّجْحِ، وَ تَخَيَّرْ لَهُ الْأَصْحَابَ، وَ اسْتَقْوِ لَهُ الظَّهْرَ، وَ أَسْبِغْ عَلَيْهِ فِي النَّفَقَةِ، وَ مَتَّعْهُ بِالنَّشَاطِ، وَ أَطْفِ عَنهُ حَرَارَةَ الشَّوْقِ، وَ أَجِرْهُ مِنْ عَمِّ الْوَحْشَةِ، وَ أُنْسِهِ ذِكْرَ الْأَهْلِ وَ الْوَلَدِ؛ خدایا! هر مرد سلحشور از اهل دین تو و جنگجویی از پیروان سنت تو که با ایشان درآویزد و کارزار کند تا پایه دین تو فراتر رود و طرفداران تو نیرومندتر گردند و بهره دستان تو افزون‌تر شود، او را از آسایش برخوردار و کار او را به سامان کن و به پیروزی رسان و یاران شایسته برای او برگزین و پشت او را قوی گردان و نفقه را بر او فراوان فرو ریز و او را از خرمی بهره‌مند ساز و سوز شوق شهر و فرزند را در دل او فرو نشان و از اندوه تنهایی پناهش ده و اندیشه همسر و فرزند را از یاد او ببر.

۱۴. وَ أَثَّرْ لَهُ حُسْنَ النِّيَّةِ، وَ تَوَلَّهُ بِالْعَافِيَةِ، وَ أَصْحِبْهُ السَّلَامَةَ، وَ أَعْفِهِ مِنَ الْجُبْنِ، وَ أَلْهَمْهُ الْجُرْأَةَ، وَ أَرْزُقْهُ الشَّدَّةَ، وَ أَيْدِهِ بِالنُّصْرَةِ، وَ عَلِّمَهُ السَّيْرَ وَ السَّنْنَ، وَ سَدِّدْهُ فِي الْحُكْمِ، وَ اعِزِّلْ عَنهُ الرِّيَاءَ، وَ خَلِّصْهُ مِنَ السُّمْعَةِ، وَ اجْعَلْ فِكْرَهُ وَ ذِكْرَهُ وَ ظَعْنَهُ وَ إِقَامَتَهُ، فِيكَ وَ لَكَ؛ و نیت او را نیکو گردان و او را با تن‌درستی و سلامت یاری کن و هراس دشمن را از دل او ببر و دل‌آوری در دل او قرار ده و او را پهلوان زورمند گردان و به یاری خود نیرو ده و روش درست و سنت صحیح بیاموز و راه صواب بنمای و او را از خودنمایی و نامجویی دور کن و فکر و ذکر و جنبش و آرامش او را در راه خود و برای خود قرار ده.

۱۵. فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِي عَيْنِهِ، وَ صَغِّرْ شَأْنَهُمْ فِي قَلْبِهِ، وَ أَدِلْ لَهُ مِنْهُمْ، وَ لَا تُدِلَّهُمْ مِنْهُ، فَإِنْ خَتَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَ قَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوَّكَ بِالْقَتْلِ، وَ بَعْدَ أَنْ يَجْهَدَ بِهِمُ الْأَسْرَ، وَ بَعْدَ أَنْ تَأْمَنَ

أَطْرَافُ الْمُسْلِمِينَ، وَ بَعْدَ أَنْ يُؤَلَّى عَدُوَّكَ مُدْبِرِينَ؛ و چون با دشمنان تو که هم دشمن اویند، هم‌اورد شود، آنها را در نظر او اندک نمای و کار آنها را در دل او کوچک گردان و او را بر آنها چیره ساز و آنان را بر او چیره مکن؛ پس اگر فرجام او را به نیک‌بختی مقرر نمودی و شهادت را روزی او کردی، پس از آن، وی را به این سعادت رسان که بیخ دشمن تو را به کشتن برکنده و به اسیر گرفتن زبون کرده باشد و گرداگرد کشور مسلمانان را امن گردانیده و دشمن گریزان پشت کرده باشد.

۱۶. اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ، أَوْ تَعَهَّدَ خَالِفِيهِ فِي غَيْبَتِهِ، أَوْ أَعَانَهُ بِطَائِفَةٍ مِنْ مَالِهِ، أَوْ أَمَدَّهُ بِعِتَادٍ، أَوْ شَحَذَهُ عَلَى جِهَادٍ، أَوْ أَتْبَعَهُ فِي وَجْهِهِ دَعْوَةً، أَوْ رَعَى لَهُ مِنْ وَرَائِهِ حُرْمَةً، فَاجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزناً بوزنٍ وَ مِثْلاً بِمِثْلٍ، وَ عَوْضَةً مِنْ فِعْلِهِ عَوْضاً حَاضِراً يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَى بِهِ، إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أَجْرَيْتَ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَ أَعَدَدْتَ لَهُ مِنْ كِرَامَتِكَ؛ خدایا! هر مسلمانی که در غیبت مجاهدی یا مرزرداری سرای او را رسیدگی و بازماندگان او را تکفل کند یا او را به پاره‌ای از مال خود یاری دهد و ساز راه او آماده کند و او را در جهاد چابک سازد و نسبت به کاری که در پیش دارد او را به دعا بدرقه کند و حرمت او را در نبودش رعایت کند، پس مانند اجر آن به همان اندازه و همان صفت بدین عطا کن و به جای عمل او پاداشی نقد مقرر کن که از سود کرده خود بهره‌مند و بدان عمل شادمان گردد، تا هنگام آن ثواب بزرگ فرا رسد که از فضل خود برای او مقرر داشته و از کرامت خود آماده کرده‌ای.

۱۷. اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ، وَ أَحَزَنَهُ تَحَرُّبُ أَهْلِ الشُّرْكِ عَلَيْهِمْ فَنَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ، أَوْ أَبْطَأَتْ بِهِ فَاقَةٌ، أَوْ أَخْرَهُ عَنهُ حَادِثٌ، أَوْ عَرَّضَ لَهُ دُونَ إِرَادَتِهِ مَانِعٌ فَكَتَبَ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ، وَ أَوْجِبَ لَهُ ثَوَابَ الْمُجَاهِدِينَ، وَ اجْعَلْهُ فِي نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ؛ خدایا! هر مسلمانی که به کار اسلام دل بسته و از اتفاق مشرکان بر ضد مسلمانان اندوهگین است و قصد جنگ و آهنگ جهاد با آنان دارد، ولی ناتوانی او را در خانه نشانیده یا تنگ‌دستی او را بازداشته یا پیشامد دیگری پای او را بسته و مانعی در پیش اراده او پدیدار گشته است، نام او را در زمره

پارسایان درج کن و ثواب مجاهدان برای او لازم شمار و او را در سلسله شهیدان و شایستگان قرار ده.

۱۸. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاةً عَالِيَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ، مُشْرِفَةً فَوْقَ التَّحِيَّاتِ، صَلَاةً لَا يَتَّهَى أَمَدُهَا، وَلَا يَنْقَطِعُ عَدَدُهَا كَأَتَمِّ مَا مَضَى مِنْ صَلَوَاتِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، إِنَّكَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ الْمُبْدِيُّ الْمُعِيدُ الْفَعَالُ لِمَا تُرِيدُ؛ خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست؛ درودی برتر از هر درود و برتر از هر تحیت؛ درودی که مدت آن به انجام نرسد و شمار آن پایان نیابد، کامل تر از همه رحمت‌ها که بر یکی از دوستان خود پیش از این فرستاده‌ای که تویی عطا دهنده، ستوده، آغاز کننده خلق و بازگرداننده آنها که هر چه می‌خواهی به جای می‌آوری.

۹. قانونگرایی

مسلمان باید در برابر قانون اسلامی خاضع باشد، هرچند اجرای آن به ظاهر، به زیان او باشد که البته در واقع و با نگاه عمومی به جامعه، به سود او و همگان است؛ از این رو رسول خدا ﷺ گفتند: حدی (قانونی) که در زمین جاری شود، مؤثرتر از شصت سال عبادت است.^۲ در حدیث دیگری گفتند: اجرای حدی از حدود الهی پربرکت‌تر از چهل روز بارش باران است.^۳ بر پایه حدیثی دیگر آن حضرت از واسطه‌گری در تعطیل قانون الهی به شدت نهی کرد و فرمود: هر کس در اجرای قانون الهی واسطه‌گری کند تا مانع اجرای آن بشود، خدای بزرگ او را در قیامت عذاب می‌کند.^۴

۱. صحیفه کامله سجادیه، دعای ۲۷.

۲. حَدُّ يُقَامُ فِي الْأَرْضِ أَرْكَى مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً (مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۹).

۳. إِقَامَةُ حَدِّ خَيْرٌ مِنْ مَطَرِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً (الكافي، ج ۷، ص ۱۷۴).

۴. عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ نَهَى عَنِ الشَّفَاعَةِ فِي الْحُدُودِ وَقَالَ: مَنْ شَفَعَ فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ لِيُبْطَلَهُ وَسَعَى فِي إِبْطَالِ حُدُودِ اللَّهِ تَعَالَى عَذَبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۴۴۳).

حضرت امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ به مالک اشتر فرمود: حق را نسبت به هر کس، نزدیک باشد یا دور (خویشاوند و بیگانه) رعایت و اجرا کن و در این باره شکیباش و این شکیبایی را به حساب خدا بگذار؛ هرچند این رفتار با خویشاوندان و اطرافیان باشد و عاقبت آن را - با همه دشواری که دارد - ملاحظه کن که سرانجام آن پسندیده و پایانش فرخنده و مبارک است.^۱ نکته: ممکن است همه حدود یکسان نباشند و اجرای حد کیفری از ویژگی‌ای برخوردار باشد که تفصیل آن در فقه آمده است.

قانون در سیره پیامبر و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

در سیره عملی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است که زنی از قبیله‌ای سرشناس (بنو مخزوم) مرتکب گناهی شد و آن حضرت دستور اجرای حد داد. اسامه بن زید نزد پیامبر آمد و درخواست بخشش کرد. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: به خدا سوگند اگر دخترم دزدی کند، دست او را قطع می‌کنم و در اجرای حدود و قانون الهی هیچ فرقی میان مردم نمی‌گذارم. آن حضرت در ادامه، سیاست‌های نادرست و قانون‌گریزی امت‌های پیشین را نکوهش کردند و چنین گفتند: بدبختی امت‌های پیشین در این بود که اگر فرد بلند پایه‌ای از آنان دزدی می‌کرد او را می‌بخشوند و اگر فرد ضعیف و گمنامی دزدی می‌کرد، حکم خدا را درباره او جاری می‌ساختند.^۲

۱. وَالزَّيْمُ الْحَقُّ مَنْ لَزِمَهُ مِنَ الْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ وَكُنْ فِي ذَلِكَ صَابِراً مُحْتَسِباً وَأَقِمْ ذَلِكَ مِنْ قَرَابَتِكَ وَخَاصَّتِكَ حَيْثُ وَقَعَ وَابْتَغِ عَاقِبَتَهُ بِمَا يَنْتَقِلُ عَلَيْكَ مِنْهُ فَإِنَّ مَعَبَّةَ ذَلِكَ مَحْمُودَةٌ (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۲. إِنَّمَا أَهْلِكَ الَّذِينَ قَبْلَكُمْ، أَنْتُمْ كَأَنْتُمْ إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكُوهُ، وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ وَأَيُّمُ اللَّهِ لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ ابْنَةَ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَهَا (صحيح البخاري، ج ۴، ص ۱۵۱).

در سیره امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام نیز آمده است که وقتی آن حضرت با درخواست مردم حکومت را پذیرفت، در خطبه‌ای بر قانونگرایی خویش تأکید کرد و فرمود: بدانید اگر من درخواست شما را پذیرفتم با شما آن‌گونه رفتار می‌کنم که خود می‌دانم و به گفته گوینده و ملامت سرزنش کننده‌ای گوش نمی‌سپارم.^۱

آن حضرت وقتی با ضربت ابن ملجم ملعون در بستر افتاد، فرزندان خویش را فرا خواند و حدود الهی و عمل به قانون در رفتار با قاتلش را به آنان گوشزد کرد و فرمود: ای پسران عبدالمطلب! شما را نینم که خون مسلمانان را فراوان بریزید و بگویند که امیرمؤمنان کشته شد. بدانید که در برابر خون من جز کشته من نباید کسی کشته شود. بنگرید! اگر من از این ضربت او به شهادت رسیدم، او را تنها يك ضربت بزنید و دست و پا و دیگر اندام‌های او را نبرید.^۲

۱۰. حق الناس

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: خدای سبحان حقوق بندگان را بر حقوق خویش مقدم کرده است و رعایت حقوق مردم به ادای حقوق خدا خواهد انجامید^۳؛ همچنین گفتند: ستم برخی بندگان بر برخی دیگر (بدون ادای حق الناس) بخشوده نمی‌شود.^۴

۱. وَاعْلَمُوا أَنِّي إِذْ أُجِبْتُكُمْ رَبَّيْتُ بِكُمْ مَا أَعْلَمُ وَلَمْ أُضِغْ إِلَيْ قَوْلِ الْقَائِلِ وَعَتَبِ الْعَاتِبِ (نهج البلاغه، خطبه ۹۲).
۲. يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَا أُلْفِينَكُمْ تَخَوْصُونَ دِمَاءَ الْمُسْلِمِينَ خَوْصًا تَقُولُونَ قَتَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَلَا لَا تَقْتُلُنَّ بِي إِلَّا قَاتِلِي. انظُرُوا إِذَا أَنَا مِتُّ مِنْ ضَرْبَتِهِ هَلِيهِ فَاضْرِبُوهُ ضَرْبَةً بِضَرْبَتِهِ وَلَا تُمَثِّلُوا بِالرَّجُلِ (نهج البلاغه، نامه ۴۷).
۳. جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدَّمَةً لِحُقُوقِهِ [عَلَى حُقُوقِهِ]، فَمَنْ قَامَ بِحُقُوقِ عِبَادِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّيًّا إِلَى الْقِيَامِ بِحُقُوقِ اللَّهِ (غرر الحکم، ص ۴۸۰).
۴. أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَبْرُكُ فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).

کمترین و لازم‌ترین حقوق

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: کم‌ترین حقوق برادرت بر تو این است که هر آنچه را برای خودت می‌پسندی، برای او نیز پسندی و آنچه برای خود نمی‌پسندی، بر او نیز روا نداری^۱ و نیز فرمود: مؤمن بر مؤمن هفت حق دارد. واجب‌ترین آنها این است که آدمی تنها حق را بگوید، هرچند به زیان خود یا پدر و مادرش باشد.^۲

پیامد تجاوز به حقوق

به نقل امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام، خدای متعالی فرمود: به عزت و جلالم سوگند، از ستم هیچ ستمگری نخواهم گذشت؛ گرچه به اندازه دست بردن زدن یا فشار دادن دستی از روی ستم باشد.^۳ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هرکس آبرو و حیثیت مؤمنی را بشکند، باید آن را ترمیم کند.^۴

۱۱. ضرورت عدالت

عدالت نیاز هر جامعه و مایه نشاط و شادابی مردم است و جامعه بی‌عدالت، پیشرفت و توسعه ندارد. عدالت در فرهنگ اسلام و تشیع ارزش و اهمیت والایی دارد. حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام گفتند: سه چیز مورد نیاز همه مردم است: امنیت، عدالت و حاصلخیزی [فراوانی و ارزانی].^۵

۱. أَيْسَرُ حَقٍّ مِنْهَا أَنْ تُحِبَّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَتَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ (الأمالي، طوسي، ص ۹۸).
۲. إِنَّ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ سَبْعَ حُقُوقٍ فَأَوْجِبُهَا أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ حَقًّا وَإِنْ كَانَ عَلَى نَفْسِهِ أَوْ عَلَى وَالِدَيْهِ (بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۲۳).
۳. إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - إِذَا بَرَزَ لِخَلْقِهِ أَقْسَمَ قَسَمًا عَلَى نَفْسِهِ، فَقَالَ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا يَجُوزُنِي ظَلْمٌ ظَالِمٍ وَ لَوْ كَفَّ بِكَفِّ وَ لَوْ مَسَحَهُ بِكَفِّ (المحاسن، ص ۷).
۴. مَنْ كَسَرَ مُؤْمِنًا فَعَلَيْهِ جَبْرُهُ (الكافي، ج ۲، ص ۴۵).
۵. ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ يَحْتَاجُ النَّاسُ طَرًّا إِلَيْهَا: الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ (تحف العقول، ص ۳۲۰).

عدالت حاکمان

عدالت رهبران جامعه اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا مردم نیز در عدالت‌پیشگی از آنان پیروی می‌کنند. حضرت امام صادق علیه السلام گفتند: با فضیلت‌ترین حاکمان و رهبران کسانی‌اند که سه ویژگی مهربانی، سخاوت و عدالت به آنان عطا شده باشد.^۱

امیرمؤمنان علیه السلام، تسلط بر خود را عامل شکوفایی عدالت در انسان و گرایش دیگران به انسان دانسته و فرمود: زمانی که حکم تو بر خودت نافذ شد [و عدالت را درباره خود اجرا کردی]، توده مردم به سبب عدالت‌پیشگی‌ات به تو روی می‌آورند.^۲

پیامبر یکی از نشانه‌های عدالت را چنین می‌شناساند که انسان هرچه را برای خود نمی‌پسندد، برای دیگران هم بد شمارد و هر چیزی را برای خود می‌پسندد، برای دیگران هم دوست بدارد. در این صورت در دادگری عادل و در عدل، اهل قسط خواهد بود.^۳

سفارشی به عدالت

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: در داوری عدالت پیشه کنید.^۴ همچنین فرمود: آن که به داوری می‌پردازد، باید در اشاره و نگاه به طرفین دعوا و جایگاه نشستن آنان مواسات و همسانی را رعایت کند.^۵

۱. أَفْضَلُ الْمُلُوكِ مَنْ أَعْطَى ثَلَاثَ خِصَالٍ: الرَّأْفَةَ وَالْجُودَ وَالْعَدْلَ (تحف العقول، ص ۳۱۹).
۲. إِذَا نَفَذَ حُكْمَكَ فِي نَفْسِكَ تَدَاعَتْ أَنْفُسُ النَّاسِ إِلَى عَدْلِكَ (غرر الحکم، ص ۳۴۳).
۳. مَا كَرِهْتَهُ لِنَفْسِكَ فَافْكُرْهُ لِغَيْرِكَ وَمَا أَحْبَبْتَهُ لِنَفْسِكَ فَاحْبِبْهُ لِأَخِيكَ، تَكُنْ عَادِلًا فِي حُكْمِكَ مُقْسِطًا فِي عَدْلِكَ (تحف العقول، ص ۱۴).
۴. إِذَا حَكَمْتُمْ فَأَعْدِلُوا (الأمالي، طوسی، ص ۲۰۸).
۵. مَنْ ابْتُلِيَ بِالْقَضَاءِ فَلْيُؤَاسِ بَيْنَهُمْ فِي الْإِشَارَةِ وَفِي النَّظَرِ وَفِي الْمَجْلِسِ (الكافي، ج ۷، ص ۴۱۳).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه بد قومی‌اند آنان که برای خدا عدالت و قسط را برپا نمی‌دارند.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاه‌های خود را میان اصحاب عادلانه قسمت می‌کرد و در مجلس، مساوی به روی آنان می‌نگریست.^۲

آثار عدالت

ورود به بهشت: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس متولی امور مردم باشد و عدالت پیشه کند... بر خداست او را در روز قیامت از هراس و عذاب ایمن کند و وی را به بهشت درآورد.^۳

پیروزی بر دشمن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر زمامداری که عدالتش در جامعه فراگیر شود، پیروزی بر دشمن نصیب او می‌شود.^۴ امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: عدالت را بر سخت‌گیری و انتقام مقدم بدار تا به دوستی دست‌یابی.^۵ نکته: تقدیم عدل بر سخت‌گیری، از قبیل ترجیح خوب‌تر بر خوب نیست؛ بلکه از سنخ تقدیم حق بر باطل است؛ مگر آن سخت‌گیری که در اجرای حدود الهی است که آن نیز عدل و حق است.

سپر محکم: در حدیثی عدالت، سپر نگهدار و بهشت ماندگار شناسانده شده است.^۶

۱. بِئْسَ الْقَوْمُ قَوْمٌ لَا يَقُومُونَ لِلَّهِ تَعَالَى بِالْقِسْطِ (النوادر، ص ۲۶).
۲. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقْسِمُ لِحَظَاتِهِ بَيْنَ أَصْحَابِهِ، فَيَنْظُرُ إِلَى ذَا وَ يَنْظُرُ إِلَى ذَا بِالسَّوِيَّةِ (الكافي، ج ۲، ص ۶۷۱).
۳. مَنْ تَوَلَّى أَمْرًا مِنْ أُمُورِ النَّاسِ فَعَدَلَ... كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُؤْمِنَ رَوْعَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ (الأمالي، صدوق، ص ۲۴۵).
۴. ... وَ مَنْ عَمَّ عَدْلُهُ نُصِرَ عَلَى عَدُوِّهِ (کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۳۵).
۵. قَدَّمَ الْعَدْلَ عَلَى الْبَطْشِ تَطَفُّرًا بِالْمَحَبَّةِ (شرح نهج البلاغة، ابن أبي الحديد، ج ۲۰، ص ۲۷۸).
۶. الْعَدْلُ جَنَّةٌ وَاقِيَةٌ وَ جَنَّةٌ بَاقِيَةٌ (عوالي اللئالي، ج ۱، ص ۲۹۳).

نجات دهنده از آتش: در حدیثی دیگر عدالت در شمار عوامل نجات از عذاب الهی آمده است. حضرت امام باقر علیه السلام گفتند: ... یکی از سه نجات بخش، سخن عادلانه در حال خشنودی و غضب است.^۱

کیفر ترک عدالت

حسرت در قیامت: امام صادق علیه السلام فرمود: ولایت ما جز با عمل به دست نمی آید و به راستی شدیدترین حسرت در روز قیامت از آن مردی است که از عدالت سخن بگوید، ولی در عمل بر خلاف آن رفتار کند.^۲

بدگمانی در جامعه: در جامعه ای که عدالت در آن برقرار است، بدگمانی و سوء ظن معنا ندارد و خوب است در همه چیز حمل به صحت شود مگر اینکه خلاف آن ثابت شده باشد.

حضرت امام هادی علیه السلام گفتند: در دوران غلبه عدالت پیشگی بر ستمگری، بدگمانی به دیگران نارواست و در زمان چیرگی ستمگری بر عدالت، اعتماد و خوشبینی به دیگران خطاست، مگر آنکه به بدی یا خوبی کسی علم داشته باشی.^۳

۱۲. دعوت به خیر و نیکی

شایسته است مسلمانان بر اساس وظیفه اجتماعی خود، یکدیگر را به خوبی ها و ترک بدی ها فرا خوانند تا همگان به خیر و صلاح گرایند. حارث بن

۱. أَمَّا الْمُتَنَجِّاتُ ... وَ كَلِمَةُ الْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَ السَّخَطِ (کتاب الخصال، ص ۸۴).
 ۲. وَإِنْ وَلَا تَبْتَ لَا تَذَرُكَ إِلَّا بِالْعَمَلِ وَإِنْ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَ إِلَى غَيْرِهِ (مصادقة الإخوان، ص ۳۵).
 ۳. إِذَا كَانَ زَمَانُ الْعَدْلِ فِيهِ أَغْلَبَ مِنَ الْجَوْرِ فَحَرَامٌ أَنْ تَنْظُرَ بِأَحَدٍ سُوءًا حَتَّى يَعْلَمَ ذَلِكَ مِنْهُ وَ إِذَا كَانَ زَمَانُ الْجَوْرِ أَغْلَبَ فِيهِ مِنَ الْعَدْلِ فَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَنْظُرَ بِأَحَدٍ خَيْرًا مَا لَمْ يَعْلَمَ ذَلِكَ مِنْهُ (اعلام الدین، ص ۳۱۲).



مغیره می گوید: شبی در میان راه امام صادق علیه السلام به من برخورد کرد و فرمود: ای حارث! آگاه باشید که به یقین دانشمندان شما جور گناهان سفیهانتان را می کشند. پس از رفتن آن حضرت در پی ایشان رفتم و دوباره به محضرشان رسیدم و گفتم: جانم فدایت! گفته شما مرا نگران کرد. چگونه بار گناه جاهلان را عالمان و دانشمندان باید بر دوش کشند؟ گفتند: آری چنین است. وقتی یکی از شیعیان کاری ناپسند می کند که مایه اذیت ما و سبب عیبجویی مردم از ما [و شیعیان] می شود و شما از آن آگاه می شوید، چرا به سراغ او نمی روید و او را نکوهش نمی کنید و وی را دعوت به خیر نمی کنید و با گفتاری رسا (استدلال و برهان) با او سخن نمی گوید؟ عرض کردم: چون از ما نمی پذیرد. آن حضرت فرمود: اگر چنین است، وی را از اجتماع خود برانید و از همنشینی با او پرهیزید.^۱

دعوت درونی

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: آگاه باشید! هرکس از درون خویش واعظ هشدار دهنده ای نداشته باشد، از جانب خدای سبحان نگهدارنده ای ندارد.^۲

۱. عن الحارث بن المغيرة، قال: لَقِيتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي بَعْضِ طُرُقِ الْمَدِينَةِ لَيْلًا، فَقَالَ لِي: يَا حَارِثُ! فَقُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ: أَمَا لَتَحْمِلَنَّ ذُنُوبَ سَفَهَائِكُمْ عَلَى عُلَمَائِكُمْ، ثُمَّ مَضَى. قَالَ: ثُمَّ أَتَيْتُهُ فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، لِمَ قُلْتَ: لَتَحْمِلَنَّ ذُنُوبَ سَفَهَائِكُمْ عَلَى عُلَمَائِكُمْ؟ فَقَدْ دَخَلْتَنِي مِنْ ذَلِكَ أَمْرٌ عَظِيمٌ، فَقَالَ لِي: نَعَمْ مَا يَمْنَعُكُمْ إِذَا بَلَغَكُمْ عَنِ الرَّجُلِ مِنْكُمْ مَا تَكْرَهُونَهُ مِمَّا يَدْخُلُ عَلَيْنَا بِهِ الْأَذَى وَالْعَيْبُ عِنْدَ النَّاسِ أَنْ تَأْتُوهُ فْتَوْبُوهُ وَ تَعْطُوهُ وَ تَقُولُوا لَهُ قَوْلًا بَلِيغًا؟ فَقُلْتُ لَهُ: إِذَا لَا يَقْبَلُ مِنَّا وَ لَا يُطِيعُنَا. قَالَ: فَقَالَ: فَإِذَا فَاهَجَرُوهُ عِنْدَ ذَلِكَ وَ اجْتَنَبُوا مُجَالَسَتَهُ (کتاب السرائر، ج ۳، ص ۵۹۸).
 ۲. أَلَا وَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظٌ، لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ (بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۳۳۵؛ شرح نهج البلاغه، ابن أبي الحديد، ج ۴، ص ۱۱۰).

شیوه دعوت به خیر

امام عسکری علیه السلام فرمود: هرکس برادر خود را پنهانی موعظه (دعوت به خیر) کند، او را زینت داده است و هرکس برادر خود را آشکارا و در حضور مردم موعظه (دعوت به خیر) کند، او را تحقیر و ضایع کرده است.^۱

برخی آثار موعظه

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای متعالی در روز قیامت عذاب را از سه گروه برمی دارد: کسی که به قضای او راضی باشد، آن که خیرخواه مسلمانان باشد و کسی که مردم را به خیر و صلاح راه نماید.^۲

اوصاف موعظه پذیران

سعادت‌مندی: امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: سعادت و نیک‌بختی (دنیا و آخرت) از آن کسی است که از دیگران پند گیرد.^۳

خردمندی: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: پس به راستی که عاقل و خردمند با تعلیم و تربیت‌های سازنده پند می‌پذیرد؛ ولی چارپایان جز با زدن پند نمی‌پذیرند.^۴

منزلت واعظان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در روز قیامت برترین مقام و منزلت نزد خدا از آن

۱. مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ سَانَهُ (تحف العقول، ص ۴۸۹).

۲. ثَلَاثَةٌ رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ الْعَذَابَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: الرَّاضِي بِقَضَاءِ اللَّهِ وَالنَّاصِحُ لِلْمُسْلِمِينَ وَالِدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ (ارشاد القلوب، ص ۱۹۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۳۱).

۳. السَّعِيدُ مَنْ وَعَظَ بَعِيرَهُ (نهج البلاغه، خطبه ۸۶).

۴. فَإِنَّ الْعَاقِلَ يَتَّعِظُ بِالْأَدَابِ وَالْبَهَائِمَ لَا تَتَّعِظُ إِلَّا بِالضَّرْبِ (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

کسانی است که در دنیا بیش از دیگران به خیرخواهی و موعظه دیگران پردازد.^۱

۱۳. مشورت و شورا

شایسته است مسلمانان، کارهای مهم به ویژه امور اجتماعی را با مشورت انجام دهند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که زمام‌داران شما، نیکان شما باشند و توانگران شما سخاوتمندان و کارهایتان بر اساس مشورت انجام گیرد، پس روی زمین از درون آن برای شما بهتر است (: سزاوار زندگی هستید)؛ ولی اگر حاکمانتان پست و ثروتمندانتان بخیل باشند و امور زندگی را به زنانتان بسپارید، درون زمین از روی آن برایتان بهتر است.^۲

حضرت امیرمؤمنان علیه السلام نیز گفتند: خودکامه خودرأی، نابود می‌شود و مشورت کننده با دیگران در عقل آنان شریک می‌شود.^۳

وظیفه مشاور

امام سجّاد علیه السلام در رساله حقوق درباره وظایف مشاور فرمود: حق مشورت خواه این است که اگر عقیده و نظری داری از او دریغ نداری و اگر درباره محور مشورت چیزی نمی‌دانی، او را به دانایی راهنمایی کنی.^۴

۱. إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَشَاهُهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ (الكافي، ج ۲، ص ۲۰۸).

۲. إِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ خَيْرًاؤُكُمْ وَأَغْنِيَاؤُكُمْ سَمَحَاءُكُمْ وَأَمْرُكُمْ سُورَى بَيْنَكُمْ فَظَهَرُ الْأَرْضِ خَيْرًاؤُكُمْ مِنْ بَطْنِهَا وَإِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ شَرًّاؤُكُمْ وَأَغْنِيَاؤُكُمْ بُخَلَاءُكُمْ وَأَمْرُكُمْ إِلَى نِسَائِكُمْ فَبَطْنُ الْأَرْضِ خَيْرًاؤُكُمْ مِنْ ظَهْرِهَا (تحف العقول، ص ۳۶).

۳. مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَمَنْ سَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱).

۴. حَقُّ الْمُسْتَشِيرِ إِنْ عَلِمْتَ أَنْ لَهُ رَأْيًا أَسْرَتْ عَلَيْهِ وَإِنْ لَمْ تَعْلَمْ أَرْشَدَتْهُ إِلَى مَنْ يَعْلَمُ (کتاب الخصال، ص ۵۷۰).

ویژگی‌های مشاور

امیرمؤمنان علیه السلام در عهدنامه خود به مالک اشتر فرمود: با سه گروه مشورت نکن: بخیلی که تو را از فضل و بخشش باز می‌دارد و از فقر و نیاز می‌ترساند و ترسویی که گام‌های تو را از اقدام سست می‌کند و حریصی که به ناروا حرص و آزر را در نگاه تو می‌آراید.^۱

برخی آثار مشورت

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مشورت کننده‌ای نیست که به رشد (راه راست و مطلوب) هدایت نشود.^۲

امیرمؤمنان علیه السلام نیز در احادیثی فرمود: هیچ پشتیبان و تکیه‌گاهی همچون مشورت نیست^۳، مشورت سرچشمه هدایت است^۴، مشورت اندیشه‌های صحیح دیگران را برایت به ارمغان می‌آورد و تو را هدایت می‌کند.^۵

۱۴. شهادت دادن

مسلمان وظیفه دارد آنچه را دیده است، در صورت نیاز شهادت دهد. امام صادق علیه السلام فرمود: برای هیچ کس سزاوار نیست که هرگاه برای شهادت بر کاری فرا خوانده شود که شاهدش بوده بگوید، شهادت نمی‌دهم.^۶

۱. لا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْدِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَيَعِدُّكَ الْفَقْرَ وَلَا جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ وَلَا حَرِيصًا يَزِينُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ (نهج البلاغه، نامه ۵۳).
۲. مَا مِنْ رَجُلٍ يُشَاوِرُ أَحَدًا إِلَّا هُدِيَ إِلَى الرَّشْدِ (مجمع البيان، ج ۹، ص ۵۱).
۳. لَا ظَهِيرَ كَالْمَشَاوِرَةِ (نهج البلاغه، حکمت ۵۴).
۴. الْأَسْتِشَارَةُ عَيْنُ الْهُدَايَةِ (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱).
۵. الْمَشُورَةُ تَجْلِبُ لَكَ صَوَابَ غَيْرِكَ (غرر الحکم، ص ۴۴۱).
۶. لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ إِذَا دُعِيَ إِلَى شَهَادَةٍ لِيَشْهَدَ عَلَيْهَا أَنْ يَقُولَ لَا أَشْهَدُ لَكُمْ (تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۲۷۵).

امام کاظم علیه السلام نیز فرمود: هرگاه کسی تو را برای شهادت بر دین یا حقی فرا خواند، روا نیست آن را به تأخیر بیندازی.^۱

شهادت ناحق

امام صادق علیه السلام از پدران خود از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: هر کس به زیان دیگری شهادت ناحق دهد، به زبانش آویخته می‌شود و در پایین‌ترین جایگاه دوزخ با منافقان خواهد بود.^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هیچ مسلمانی برای تصاحب مال دیگری به دروغ شهادت نمی‌دهد، مگر اینکه خدا در همان دم فرمان دوزخی شدن او را می‌دهد.^۳

کتمان شهادت و پیامد آن

سزاوار نیست که مسلمان از شهادت به حق، دوری و آن را کتمان کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس از شهادتش بازگردد و آن را کتمان کند، خدا در قیامت در برابر چشم همه بندگان از گوشت خودش به او می‌خوراند و در حالی او را به دوزخ می‌برد که زبان خود را می‌جود.^۴

۱. إِذَا دَعَاكَ الرَّجُلُ لِشَهَادَةٍ لَهُ عَلَى دِينٍ أَوْ حَقٍّ لَمْ يَبْغِ لَكَ أَنْ تَقَاعَسَ عَنْهُ (الکافی، ج ۷، ص ۳۸۰).
۲. مَنْ شَهِدَ شَهَادَةً زُورٍ عَلَى أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ عُلِقَ بِلسَانِهِ مَعَ الْمُتَأَفِّقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ (وسائل الشيعة، ج ۲۷، ص ۳۲۵).
۳. مَا مِنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ شَهِدَ شَهَادَةً زُورٍ عَلَى مَالِ رَجُلٍ مُسْلِمٍ لِيَقْطَعَهُ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مَكَانَهُ ضَنْكًا إِلَى النَّارِ (نواب الأعمال، ص ۲۲۵).
۴. وَمَنْ رَجَعَ عَنْ شَهَادَتِهِ وَكَتَمَهَا أَطْعَمَهُ اللَّهُ لَحْمَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ وَيُدْخِلُهُ النَّارَ وَهُوَ يَلُوكُ لِسَانَهُ (نواب الأعمال، ص ۲۸۳).

پیامبر ﷺ فرمود: هرکس شهادتی را پنهان دارد یا به دروغ شهادتی دهد تا بی جهت خون مسلمان بیگناهی را پایمال کند یا مال مسلمانی را به ناحق تصرف کند، در قیامت در حالی وارد محشر می شود که در پیش رویش تا آنجا که چشم کار می کند تاریک است و در چهره اش زخم و خراشی است و همه مردم او را با نام و نشان می شناسند.^۱

نکته: اصل همه این مطالب سودمند، رهنمود قرآن حکیم است که کتمان شهادت در محکمه عدل را گناه دل می شمارد: ﴿وَمَنْ يَكْتُمهَا فَإِنَّهُ آتِمٌ قَلْبُهُ﴾.^۲

آثار شهادت به حق

امام باقر ﷺ فرمود: اگر کسی به حق شهادت دهد تا حق مسلمانی را احیا کند، در روز قیامت در حالی به عرصه محشر می آید که در پیش روی او تا آنجا که چشم کار می کند، روشنایی و نور است و همه مردم او را به نام و تبار می شناسند.^۳

۱۵. اهمیت وصیت

اصل وصیت در آموزه های دینی، کاری شایسته و از نگاه فقه مستحب است و در مواردی که حق الله یا حق الناس بر عهده آدمی باشد واجب است وصیت

۱. مَنْ كَتَمَ شَهَادَةً أَوْ شَهِدَ بِهَا لِيُهْدَرَ بِهَا دَمٌ أَمْرِيٍّ مُسْلِمٍ أَوْ لِيُزَوَى مَالٌ أَمْرِيٍّ مُسْلِمٍ أَتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْجْهِ ظُلْمَةٌ مَدَّ الْبَصَرَ وَفِي وَجْهِهِ كُدُوحٌ يَعْرِفُهُ الْخَلَائِقُ بِاسْمِهِ وَنَسَبِهِ... (الأمالی، صدوق، ص ۴۸۲).

۲. سوره بقره، آیه ۲۸۳.

۳. ... وَمَنْ شَهِدَ شَهَادَةً حَقًّا لِيُحْيِيَ بِهَا حَقَّ أَمْرِيٍّ مُسْلِمٍ أَتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْجْهِ نُورٌ مَدَّ الْبَصَرَ تَعْرِفُهُ الْخَلَائِقُ بِاسْمِهِ وَنَسَبِهِ (الكافی، ج ۷، ص ۳۱۸).

کند تا آن حقوق ادا شود. رسول خدا ﷺ فرمود: سزاوار نیست مسلمان شب بیارامد، مگر اینکه وصیت نامه اش زیر سرش باشد^۱ و نیز فرمود: کسی که بی وصیت از دنیا برود، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.^۲

عدالت در وصیت: امام باقر ﷺ فرمود: کسی که در وصیتش عدالت ورزد، چنان است که همان اموال را در زمان حیات خود در راه خدا صدقه داده باشد و کسی که در وصیتش ستم و تجاوز کند، روز قیامت در حالی خدا را دیدار می کند که از وی روی گردان است.^۳

حضرت صادق ﷺ به نقل از رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که هنگام مرگش درست وصیت نکند عقل، و جوانمردی اش کمبود دارد.^۴

وصیت به ثلث

روا بودن وصیت به مال، در مقدار بیش از ثلث، به اجازه وارثان بستگی دارد. هرچند وصیت به ثلث کاری شایسته است؛ ولی شایسته تر از آن انفاق مال در راه خدا در حال حیات و زندگی است. قرآن می فرماید: ﴿وَمَا تَقْدَمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾.^۵ به هر روی طبق نقل امام صادق ﷺ، پیش از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، براء بن معرور انصاری - که در مدینه

۱. مَا يَنْبَغِي لِأَمْرِيٍّ مُسْلِمٍ أَنْ يَبِيتَ لَيْلَةً إِلَّا وَوَصِيَّتُهُ تَحْتَ رَأْسِهِ (المقنعة، ص ۶۶۶).

۲. مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ وَصِيَّةٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً (المقنعة، ص ۶۶۶).

۳. مَنْ عَدَلَ فِي وَصِيَّتِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ تَصَدَّقَ بِهَا فِي حَيَاتِهِ وَمَنْ جَارَ فِي وَصِيَّتِهِ لَفِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَنْهُ مُعْرِضٌ (الفقيه، ج ۴، ص ۱۸۴).

۴. مَنْ لَمْ يُحْسِنِ الْوَصِيَّةَ عِنْدَ مَوْتِهِ كَانَ نَقْصًا فِي عَقْلِهِ وَرُؤْيَاهُ (فلاح السائل، ص ۶۶).

۵. هرکار خیری برای آخرت خود پیش می فرستید، آن را نزد خدا نیکوتر از آنچه کرده اید خواهید یافت (سوره مزمل، آیه ۲۰).

می زیست - مرگش فرارسید، وقتی چنین دید، وصیت کرد که یک سوم مالش را [برای امور خیر] مصرف کنند و این کار رایج و سنت شد.^۱

پیامبر ﷺ فرمود: خدا ثلث اموالتان را به هنگام مرگتان به شما صدقه داد؛ تا بر حسناتان بیفزاید^۲؛ نیز از معصوم عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده هر که یک سوم مالش را [برای کارهای خیر] وصیت کند، اگر زکات بدهکار باشد [و یادش رفته باشد]، به جای آن محاسبه می شود.^۳

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هر که [بخشی از مالش را برای کارهای خیر] وصیت کند و وصیتش ظالمانه نباشد و به کسی (وارث) زبانی هم نرساند، این وصیت همانند صدقه در حال حیاتش است.^۴

از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام درباره وصیت به یک سوم یا یک چهارم مال (برای هزینه آن در امور خیر یا میت) پرسیده شد، آن حضرت با تأیید آن فرمود: وصیت به یک سوم مال همان چیزی است که پدرم آن را انجام داده است.^۵

مذمت ترک وصیت به ثلث: به نقل امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام، خدای متعالی می گوید: پسر آدم! سه نعمت بزرگ به تو عطا کردم؛ زشتی ها و عیب هاییت را

۱ . كَانَ الْبِرَاءُ بْنُ مَعْرُورٍ الْأَنْصَارِيُّ بِالْمَدِينَةِ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِمَكَّةَ، وَ أَنَّ حَضْرَةَ الْمَوْتِ، وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَالْمُسْلِمُونَ يُصَلُّونَ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ، فَأَوْصَى الْبِرَاءُ بْنُ مَعْرُورٍ (إِذَا دُفِنَ) أَنْ يُجْعَلَ وَجْهُهُ إِلَى تَلْقَاءِ النَّبِيِّ ﷺ إِلَى الْقِبْلَةِ وَأَوْصَى بِثُلْثِ مَالِهِ فَجَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ (الفقيه، ج ۴، ص ۱۸۷؛ وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۲۷۱).

۲ . إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى تَصَدَّقَ عَلَيْكُمْ عِنْدَ وَفَاتِكُمْ بِثُلْثِ أَمْوَالِكُمْ زِيَادَةً فِي حَسَنَاتِكُمْ (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۹۶).

۳ . مَنْ أَوْصَى بِالْثُلْثِ، أُحْسِبَ لَهُ مِنْ زَكَاتِهِ (الكافي، ج ۷، ص ۵۸).

۴ مَنْ أَوْصَى وَ لَمْ يَجِفْ وَ لَمْ يُصَارَ كَانَ كَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فِي حَيَاتِهِ (الكافي، ج ۷، ص ۶۲).

۵ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام عَمَّا يَقُولُ النَّاسُ: فِي الْوَصِيَّةِ بِالثُّلْثِ وَالرُّبْعِ عِنْدَ مَوْتِهِ؛ أَسَىءٌ صَحِيحٌ مَعْرُوفٌ؛ أَمْ كَيْفَ صَنَعَ أَبُوكَ!؟ فَقَالَ: الثُّلْثُ، ذَلِكَ الْأَمْرُ الَّذِي صَنَعَ أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ (الكافي، ج ۷، ص ۱۱).

پنهان کردم که اگر بستگان می دانستند به خاکت نمی سپردند. نعمت را توسعه دادم و از تو قرض خواستم؛ ولی خیری را از پیش نفرستادی! تا زمان مرگ، به تو مهلت دادم که ثلثی بگذاری؛ ولی اقدامی نکردی!^۱

۱۶. اهمیت رازداری و حفظ آبرو

حفظ آبرو و اسرار مسلمانان از مسائل مهم اجتماعی و از عوامل اثرگذار بر وحدت جامعه اسلامی است و در آیات و احادیث پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام بر آن فراوان تأکید شده است. قرآن از تجسس در امور دیگران نهی کرده است.^۲ در وصیت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام چنین آمده است: ای علی! هشت گروه اند که اگر به آنان اهانت شود، نباید جز خود کسی را سرزنش کنند ... از جمله کسی که در موضوعی سرّی میان دو نفر بی اجازه آنان وارد شود.^۳

همان حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در خطبه ای به اصحاب خود فرمود: از مسلمانان غیبت نکنید و در پی کشف عیوب و زشتی های آنان نباشید؛ چون هر کس در پی کشف عیوب برادرش باشد، خدا عیوب او را آشکار می کند.^۴

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام به یکی از اصحابش فرمود: اسرار خود را به دوستت هم

۱ . إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ: ابْنِ آدَمَ! تَطَوَّلْتُ عَلَيْكَ بِثَلَاثٍ: سَتَرْتُ عَلَيْكَ مَا لَوْ يَعْلَمُ بِهِ أَهْلُكَ مَا وَارَوْكَ، وَ أَوْسَعْتُ عَلَيْكَ؛ فَاسْتَقْرَضْتُ مِنْكَ فَلَمْ تُقَدِّمْ خَيْرًا، وَ جَعَلْتُ لَكَ نَظْرَةً عِنْدَ مَوْتِكَ فِي ثُلْثِكَ؛ فَلَمْ تُقَدِّمْ خَيْرًا (الفقيه، ج ۴، ص ۱۸۱؛ وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۴۴۷).

۲ . ﴿وَلَا تَجَسَّسُوا﴾ (سوره حجرات، آیه ۱۲).

۳ . يَا عَلِيُّ! ثَمَانِيَةٌ إِنْ أَهَيْتُوا فَلَا يَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ: ... وَ الدَّاحِلُ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي سِرِّ لَمْ يُدْخِلَاهُ فِيهِ ... (الفقيه، ج ۴، ص ۳۵۵).

۴ . لَا تَعْتَابُوا الْمُسْلِمِينَ وَ لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ، فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَةَ أَخِيهِ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۱۵).

نگو، مگر اسراری که اگر دشمنت نیز آنها را بداند، برایت زیانبار نباشد؛ چون دوست آدمی ممکن است روزی به دشمن بدل شود.^۱

پاداش رازداری

رازداری و کتمان اسرار و پوشاندن عیوب برادران دینی، آثار مثبت دنیوی و اخروی دارد که در کلام گهربار معصومان علیهم السلام به برخی از آنها اشاره شده است:

امیرمؤمنان علیه السلام خطاب به مالک فرمود: تا می‌توانی عیوب و زشتی‌های مردم را بپوشان تا خدا هم عیب تو را بپوشاند؛ عیبی که دوست داری از مردم مخفی بماند.^۲

امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید: کسی که اسرار برادر مسلمان خود را بپوشاند، در روز قیامت که جز سایه خدا هیچ سایه‌ای نیست، زیر سایه عرش خدا قرار می‌گیرد.^۳

کیفر عیب‌جویی از دیگران

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در مدینه مردمانی بودند که خودشان عیب نداشتند؛ ولی از عیب‌های دیگران سخن گفتند و خدا عیبی از آنها را [بعد از ابتلاء] آشکار کرد که تا هنگام مرگ با آن عیوب شناخته می‌شدند؛^۴ نیز فرمود:

۱. لا تطلع صديقك من سرك إلا على ما لو اطلع عليه عدوك لم يضرك، فإن الصديق قد يكون عدواً يوماً ما (الأمالی، صدوق، ص ۶۷۰).

۲. فاستر العورة ما استطعت، يستر الله منك ما تحب ستره من رعبتك (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۳. ثلاثة يستظلون بظل عرش الله يوم لا ظل إلا ظله: رجل زوج أخاه المسلم أو أخدمه أو كتم له سراً (مسائل علی بن جعفر علیه السلام، ص ۳۴۳).

۴. وكان في المدينة أقوام لا عيوب لهم فتكلموا في عيوب الناس، فأظهر الله لهم عيوباً لم يرأوا يعرفون بها إلى أن ماتوا (الأمالی، طوسی، ص ۴۴).

در پی کشف اسرار و زشتی‌های مردم نباشید؛ زیرا کسی که در پی زشتی برادرش باشد، خدا هم زشتی او را دنبال می‌کند و هرکس خدا بدی‌های او را دنبال کند او را درون خانه‌اش رسوا می‌کند.^۱

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: هرکس از گناه و عیب برادر مؤمن خود آگاه شود و آن را آشکار کند و کتمان نکند و برای او طلب مغفرت نکند، نزد خدا مانند انجام دهنده همان گناه است و به پیامد آن مبتلاست و خدا گناه آن مؤمن را می‌بخشد و کیفرش همان آشکار شدن گناه او در دنیاست و گناه او در آخرت پنهان می‌ماند.^۲

۱۷. تأمین نیاز مردم

یاری‌رسانی به مردم و دست‌گیری از آنان و تأمین نیازهای مادی و معنوی آنها از وظایف بسیار مهم هر مسلمان است و در بعضی روایات معادل ده طواف خانه کعبه یا چند عمره و چند شبانه روز اعتکاف به شمار آمده است. در این بخش به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

معادل نه هزار سال روزه و عبادت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس برای برآوردن نیاز برادر مسلمان خود بکوشد گویا نه هزار سال با روزه‌داری روزها و شب زنده‌داری شب‌هایش خدا را عبادت کرده است.^۳

۱. لا تتبعوا عوراتهم، فإنه من تتبع عورة أخيه تتبع الله عورته و من تتبع الله عورته يفضحه في جوف بيته (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۱۵).

۲. من اطلع من مؤمن على ذنب أو سيئة فافشى ذلك عليه ولم يكتمها ولم يستغفر الله له كان عند الله كعاملها و عليه وزر ذلك الذي أفشاه عليه و كان مغفوراً لعاملها و كان عقابه ما أفشى عليه في الدنيا مستور عليه في الآخرة (الإختصاص، ص ۳۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۳۴ - ۱۳۵).

۳. من سعى في حاجة أخيه المسلم فكأنما عبد الله عز وجل تسعة آلاف سنة صائماً نهاره قائماً ليلاً (الفتية، ج ۲، ص ۱۹۰).

معادل ده طواف کعبه: حضرت امام صادق علیه السلام گفتند: برآوردن نیاز مؤمن از ده طواف خانه خدا برتر است.^۱

معادل هزار حج و...: امام صادق علیه السلام فرمود: برآوردن نیاز مؤمن از هزار حج پذیرفته شده، آزاد کردن هزار برده برای خشنودی خدا و تجهیز و انفاق هزار اسب با زین و لجامشان در راه خدا ارزشمندتر است.^۲

معادل دو ماه روزه و اعتکاف در مسجد حرام: امام صادق علیه السلام در حدیثی دیگر فرمود: هر کس در راه برآوردن نیاز برادر مسلمان خود بکوشد و خدا هم نیاز وی را به دست او برآورد، ثواب یک حج، یک عمره و دو ماه اعتکاف و دو ماه روزه در مسجد حرام برایش می نویسد و اگر بکوشد ولی خدا آن حاجت را به دست او برنیاورد، فقط ثواب یک حج و یک عمره برای او می نویسد.^۳

معادل بیست حج و انفاق صد هزار دینار: حضرت امام صادق علیه السلام گفتند: رفع نیاز مؤمن نزد خدا از بیست حج که در هر یک صد هزار دینار یا درهم هزینه شود، محبوب تر است.^۴

۱ . قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ طَوَافِ وَ طَوَافِ حَتَّىٰ عَدَّ عَشْرًا (الکافی، ج ۲، ص ۱۹۴).

۲ . قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ حِجَّةٍ مُتَبَلِّغَةٍ بِمَنَاسِكِهَا وَ عَتَقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ لَوْجِهَ اللَّهِ وَ حُمْلَانِ أَلْفِ قَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِسُرْجِهَا وَ لُجْمِهَا (الأمالی، صدوق، ص ۲۳۷).

۳ . مَنْ سَعَىٰ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَاجْتَهَدَ فِيهَا فَأَجْرِي اللَّهُ عَلَىٰ يَدَيْهِ قَضَاءَهَا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً وَ اعْتِكَافَ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ صِيَامَهُمَا، وَإِنْ اجْتَهَدَ فِيهَا وَ لَمْ يُجِرِ اللَّهُ قَضَاءَهَا عَلَىٰ يَدَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً (الکافی، ج ۲، ص ۱۹۸).

۴ . لَقَضَاءُ حَاجَةِ امْرِئٍ مُّؤْمِنٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ عَشْرِينَ حِجَّةً كُلِّ حِجَّةٍ يُتَّقَىٰ فِيهَا صَاحِبُهَا مِائَةَ أَلْفٍ (الکافی، ج ۲، ص ۱۹۳).

نکته: البته تفاوت مراتب ثواب و درجات فیض خدا به تفاوت مورد نیاز، کیفیت اضطرار نیازمند، اختلاف احوال مخاطبان، تفاوت مراتب اخلاص و نیز کیفیت اموال به دست آمده و صرف شده و مانند آن خواهد بود.

برخی آثار رفع نیاز مردم

دوری از عذاب خدا: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای متعالی بندگان دارد که آنها را برای رفع نیازهای مردم اختصاص داده است. مردم در نیازمندی‌هایشان به آنان پناه می‌برند. اینان از عذاب الهی در امان‌اند.^۱

نشان شیعه بودن: امام صادق علیه السلام فرمود: شیعیان ما را به دو خصلت بیازمایید. اگر این دو خصلت را نداشتند، حتماً از آنان دوری کنید. مفضل بن عمر پرسید: آن دو کدام‌اند؟ پاسخ دادند: مواظبت بر نماز اول وقت و احسان و یاری رساندن به برادران دینی، گرچه اندک باشد.^۲

آمزش گناهان و ترفیع درجات: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکسی نیاز مسلمانی را برآورد، خدا ده حسنه برای او می‌نویسد، ده گناه از او می‌بخشد و ده درجه مقام او را بالا می‌برد و در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه خدای متعالی نیست، او را در سایه خود قرار می‌دهد.^۳

۱ . إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ عِبَادًا اخْتَصَّهُمْ بِخَوَائِجِ النَّاسِ يُفْعَلُ النَّاسُ إِلَيْهِمْ فِي خَوَائِجِهِمْ. أَوْلَيْكَ الْآمِنُونَ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۳۵۸).

۲ . اخْتَبِرْ شِيعَتَنَا فِي خَصْلَتَيْنِ، فَإِنْ كَانَتَا فِيهِمْ وَإِلَّا فَاعْزُبْ ثُمَّ اعْزُبْ. قُلْتُ: مَا هُمَا؟ قَالَ: الْمُحَافَظَةُ عَلَى الصَّلَوَاتِ فِي مَوَاقِعِهِنَّ وَ الْمَوَاسَاةُ لِلْإِخْوَانِ وَإِنْ كَانَ الشَّيْءُ قَلِيلًا (مصادقة الإخوان، ص ۳۶).

۳ . مَنْ قَضَىٰ لِمُسْلِمٍ حَاجَةً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ وَ أَظْلَمَهُ اللَّهُ فِي ظِلِّ يَوْمٍ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ (مصادقة الإخوان، ص ۵۴).

دفع گرفتاری از خانواده: امام باقر علیه السلام فرمود: هر مؤمنی که نیاز گرفتاری را برآورد، خدا هفتاد و سه حاجت او را برآورده می‌سازد: هفتاد و دو حاجت در آخرت و یکی در دنیا و کمترین پاداش دنیایی او این است که گرفتاری را از او و مال و خانواده و فرزندانش دفع می‌کند و کمترین پاداش آخرتی او این است که درهای بهشت بر روی او گشوده و به او گفته می‌شود: از هر دری که می‌خواهی، وارد شو. آن امام همام علیه السلام گفتند: از هر دری وارد شود، به سوی ما می‌آید.^۱

افزایش روزی: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: آیا از چیزهایی که روزی را می‌افزاید به شما خبر دهم؟ عرض کردند: آری، ای امیرمؤمنان! فرمود... یاری کردن برادر دینی که روزی را افزایش می‌دهد.^۲

دوام روزی: پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: خدا اقوامی را به برخورداری از نعمتی اختصاص می‌دهد که به سود مردم است. این نعمت را تا هنگامی در میان آنان نگه می‌دارد که آن را بذل کنند و هرگاه از بذل آن سرباز زدند، خدا نعمت را از آنان می‌گیرد و به دیگران می‌دهد.^۳

امیرمؤمنان علیه السلام هم به جابر فرمود: ای جابر! کسی که نعمت‌های خدا بر او افزون شود، رویکرد مردم به او برای رفع نیاز افزون گردد. اگر آنچه خدا بر او واجب کرده انجام دهد، نعمت‌ها را پایدار خواهد کرد و اگر در انجام دادن

۱. أَيُّمَا مُؤْمِنٍ لَجَأَ إِلَيْهِ مَكْرُوبٌ فَقَضَى حَاجَتَهُ قَضَى اللَّهُ لَهُ ثَلَاثًا وَسَبْعِينَ حَاجَةً، ائْتَيْنِ وَسَبْعِينَ حَاجَةً فِي الْآخِرَةِ وَوَاحِدَةً فِي الدُّنْيَا وَإِنَّ أَدْنَى مَا يَكُونُ فِي الدُّنْيَا أَنْ يَدْفَعَ عَنْ نَفْسِهِ وَوَالِهِ وَآهْلِهِ وَوَلَدِهِ وَإِنَّ أَدْنَى مَا يَكُونُ مِنَ الْآخِرَةِ أَنْ تُفْتَحَ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ، فَيَسْأَلُ لَهُ: ادْخُلْ مِنْ أَيِّهَا شِئْتَ. قَالَ: أَيْنَ يَدْخُلُ إِلَيْنَا لِنَبْدَأَ بِرُزُقِ الْوَاعِظِينَ، (ص ۳۸۸).

۲. أَلَا أُتْبِكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! قَالَ: ... وَمُؤَاسَاةَ الْأَخِ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ (معاني الأخبار، ص ۱۲۴).

۳. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَقْوَامًا يَخْتَصُّهُمْ بِالنَّعْمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ وَيُفْرِّغُ فِيهِمْ مَا بَدَّلُوها، فَإِذَا مَنَعُوها نَزَعَهَا مِنْهُمْ فَحَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۳۵۸).



وظیفه الهی خود کوتاهی کند، آن نعمت‌ها را در معرض زوال و نابودی قرار داده است.^۱

آسایش در دنیا و آخرت: حضرت امام صادق علیه السلام گفتند: مؤمن تنگ‌دستی که گرفتاری برادر مؤمن خود را برطرف کند، خدا در دنیا و آخرت تأمین نیازهایش را بر او آسان می‌کند.^۲

دستیابی به بهشت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس نیاز مؤمنی را برآورد، خدا نیازهای فراوانی را برای او تأمین می‌کند که کمترین آنها بهشت است.^۳

امام سجّاد علیه السلام نیز فرمود: هرکس نیاز برادر مؤمن خود را برآورد، به برآوردن حاجت خدا آغاز کرده است و خدا صد نیاز او را برآورد که در یکی از آنها بهشت است.^۴

قرب به خدای سبحان: امام صادق علیه السلام فرمود: با یاری کردن برادرانتان به خدا نزدیک شوید.^۵

محبوب خدا شدن: به نقل امام صادق علیه السلام، خدا می‌گوید: مردم عیال من اند و محبوب‌ترین آنان کسانی اند که در رفع نیازمندی‌های مردم بکوشند.^۶

۱. دَخَلَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام، فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: ... يَا جَابِرُ! مَنْ كَثُرَتْ نِعْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ كَثُرَتْ حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْهِ، فَإِنْ فَعَلَ مَا يَجِبُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَضَهَا لِلدَّوَامِ وَالْبَقَاءِ وَإِنْ قَصَرَ فِيمَا يَجِبُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَضَهَا لِلزَّوَالِ وَالْفَنَاءِ (التفسير المنسوب الى الإمام العسكري علیه السلام، ص ۴۰۳).

۲. أَيُّمَا مُؤْمِنٍ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً وَهُوَ مُعْسِرٌ يَسِّرَ اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (الكافي، ج ۲، ص ۲۰۰).

۳. مَنْ قَضَى لِمُؤْمِنٍ حَاجَةً قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ كَثِيرَةً أَذْنَاهُنَّ الْجَنَّةَ (قرب الإسناد، ص ۵۶).

۴. مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ حَاجَةً فَبِحَاجَةِ اللَّهِ بَدَأَ وَقَضَى اللَّهُ بِهَا مِائَةَ حَاجَةٍ فِي إِحْدَاهُنَّ الْجَنَّةَ (وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۳۴۲).

۵. تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ [تعالی] بِمُؤَاسَاةِ إِخْوَانِكُمْ (كتاب الخصال، ص ۸؛ روضة الواعظين، ص ۳۸۶).

۶. قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: خَلَقِي عِيَالِي فَأَحْبِبُّهُمْ إِلَيَّ... وَأَسْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِ (مصداقة الإخوان، ص ۷۱).

اتصال به ولایت خدا: حضرت امام کاظم علیه السلام گفتند: برادر مؤمنی که برای رفع نیاز خود نزد برادر مؤمنش می آید، رحمتی از سوی خداست که به سوی او سوق داده است. اگر او درخواست یاد شده را پذیرفت، این کارش وی را به ولایت ما اهل بیت پیوند داده است که به ولایت خدا متصل است.^۱

فرمان روایی در بهشت: حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: خدا بندگان دارد که در بهشت فرمان روایی می کنند. گفته شد: ای رسول خدا! آنان کیان اند؟ پاسخ دادند: کسانی که نیاز مؤمنی را برطرف کنند و این کار میان خودشان مخفی بماند.^۲

کیفر بی توجهی به نیاز مردم

همان گونه که یاری کردن مردم و رفع نیاز آنان پاداشی دنیوی و اخروی دارد، بی اعتنایی در زمینه رفع مشکل و نیازمندی های مردم نیز پیامدهایی ناگوار و کیفرهایی متعدد در پی دارد که در روایات به آنها اشاره شده است. در این بخش به چند مورد بسنده می شود:

خروج از ولایت الهی: امام کاظم علیه السلام فرمود: کسی که برادری دینی به او پناه برد و او در حالی که قدرت دارد به برادرش پناه ندهد (و او را یاری نکند)، به راستی ولایت خدا را قطع کرده است.^۳

۱. مَنْ آتَاهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فِي حَاجَةٍ فَإِنَّمَا هِيَ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - سَأَلَهَا إِلَيْهِ، فَإِنْ قَبِلَ ذَلِكَ فَقَدْ وَصَلَهُ بِوَلَايَتِنَا وَهُوَ مَوْصُولٌ بِوَلَايَةِ اللَّهِ (الكافي، ج ۲، ص ۱۹۶).
 ۲. إِنَّ اللَّهَ عِبَادًا يُحَكِّمُهُمْ فِي جَنَّتِهِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يُحَكِّمُهُمُ اللَّهُ فِي جَنَّتِهِ؟ قَالَ: مَنْ قَضَى لِمُؤْمِنٍ حَاجَةً بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ (مصادقة الإخوان، ص ۵۵).
 ۳. مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِهِ مُسْتَجِيرًا بِهِ فِي بَعْضِ أحوَالِهِ فَلَمْ يُجِرْهُ بَعْدَ أَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ فَقَدْ قَطَعَ وَلايَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (الكافي، ج ۲، ص ۳۶۶ - ۳۶۷).



خروج از ولایت اهل بیت علیهم السلام: امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود به نام رفاعه فرمود: ای رفاعه! به خدا، پیامبر و علی ایمان نیاورده، کسی که برادر مؤمنش برای رفع نیاز خود نزد او آید و او با روی گشاده از وی استقبال نکند؛ پس اگر نیازش به دست او برآورده می شود، در رفع آن شتاب کند و اگر خودش نمی تواند نیاز او را برآورد، بکوشد تا از طریق فردی دیگر نیاز او را تأمین کند؛ پس اگر جز این پیش آید، میان ما و او ولایتی نیست.^۱

گرفتار لعنت ابدی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که نیاز نیازمندی را برنیآورد در حالی که می تواند، گناه او مانند گناه باج گیر است. در این هنگام مالک بن عوف برخاست و پرسید: ای رسول خدا! گناه باج گیر در چه حدی است؟ پاسخ دادند: باج گیر در هر روز و شب مورد لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم است و هر کسی را خدا لعنت کند، یآوری ندارد.^۲

گرفتار گناه شدن: امام صادق علیه السلام فرمود: بدان کسی که مال خود را در راه اطاعت خدا صرف نکند، به هزینه کردن آن در راه معصیت خدا گرفتار می شود و هرکس در راه برآوردن نیاز ولی خدا قدم برندارد، خدا او را به گام زدن در جهت رفع گرفتاری دشمنان خدا مبتلا می کند.^۳

۱. يَا رِفَاعَةُ! مَا آمَنَ بِاللَّهِ وَلَا بِمُحَمَّدٍ وَلَا بِعَلِيِّ مَنْ إِذَا آتَاهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فِي حَاجَةٍ فَلَمْ يَضْحَكْ فِي وَجْهِهِ، فَإِنْ كَانَتْ حَاجَتُهُ عِنْدَهُ سَارِعًا إِلَى قَضَائِهَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ تَكَلَّفَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ حَتَّى يَقْضِيَهَا لَهُ، فَإِذَا كَانَ بِخِلَافِ مَا وَصَفْتُهُ فَلَا وَلايَةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۳۴).
 ۲. مَنْ مَنَعَ طَالِبًا حَاجَتَهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى قَضَائِهَا فَعَلَيْهِ مِثْلُ خَطِيئَةِ عَشَارِ، فَقَامَ إِلَيْهِ مَالِكُ بْنُ عَوْفٍ فَقَالَ: وَمَا يَبْلُغُ مِنْ خَطِيئَةِ عَشَارِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: عَلَى الْعَشَارِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلايَةَ لَعْنَةِ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ وَ مَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا (وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۳۹۰).
 ۳. وَ اعْلَمْ أَنَّهُ مَنْ لَمْ يُنْفِقْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ ابْتِلَى بِأَنْ يُنْفِقَ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنْ لَمْ يَمْشِ فِي حَاجَةِ وَلِيِّ اللَّهِ ابْتِلَى بِأَنْ يَمْشِيَ فِي حَاجَةِ عَدُوِّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (الفتاوى، ج ۴، ص ۴۱۲).

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که از انفاق حقّی در راه خدا مانع شود، دو چندان آن را در راه باطل هزینه خواهد کرد.^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که مالش را با اراده و اختیار خود از خوبان دریغ دارد، خدا مالش را به ناچار هزینه اشرا خواهد کرد.^۲

عذاب قبر: امام کاظم علیه السلام فرمود: کسی که برادر مؤمنش جهت درخواست حاجت نزد او آید و او نیازش را برنیآورد در حالی که قدرت دارد، خدا در قبرش ماری آتشین بر وی مسلط می‌کند که تا قیامت او را نیش می‌زند.^۳

عذاب روز قیامت: این کیفر در روایات با تعبیرهایی گوناگون آمده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

در زنجیر بودن در قیامت: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس که برادر مؤمنش از روی تنگ‌دستی از وی کمک بخواهد و او با وجود توانایی (از نزد خود یا دیگری) او را یاری نکند، خدا در روز قیامت او را در حالی محشور می‌کند که دست‌هایش به گردنش بسته شده و تا پایان حساب‌رسی مردم بدین حال می‌ماند.^۴

سیاه شدن چهره در محشر: امام صادق علیه السلام فرمود: هر مؤمنی که با وجود توان رفع نیاز به دست خود یا دیگری، نیاز مؤمن دیگری را برطرف نکند،

۱. مَنْ مَنَعَ حَقًّا لِّلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْفَقَ فِي بَاطِلٍ مِّثْلَيْهِ (الكافي، ج ۳، ص ۵۰۶).

۲. مَنْ مَنَعَ مَالَهُ مِنَ الْأَخْيَارِ اخْتِيَارًا صَرَفَ اللَّهُ مَالَهُ إِلَى الْأَشْرَارِ اضْطِرَارًا (جامع الأخبار، ص ۱۷۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۳۵-۴۳۶).

۳. مَنْ أَنَاهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فِي حَاجَةٍ... وَإِنْ رَدَّهُ عَنْ حَاجَتِهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى قَضَائِهَا سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ شُجَاعًا مِنْ نَارٍ يَنْهَشُهُ فِي قَبْرِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (الكافي، ج ۲، ص ۱۹۶).

۴. مَنْ سَأَلَهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ حَاجَةً مِنْ ضَرٍّ فَمَنَعَهُ مِنْ سَعَةٍ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهَا مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُولَةً يَدُهُ إِلَى عُنُقِهِ حَتَّى يَفْرُغَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلْقِ (مشكاة الأنوار، ص ۱۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۸۷).

خدا روز قیامت او را با چهره‌ای سیاه و چشمانی کبود و در حالی که دست‌هایش به گردنش آویخته محشور می‌کند و گفته می‌شود: این خائنی است که به خدا و رسولش خیانت کرده است؛ آنگاه او را به سوی آتش دوزخ روانه می‌کنند.^۱

واگذاری به خود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس ماعون (لوازم زندگی در منزل و...) را از همسایه‌اش دریغ کند، خدا در روز قیامت خیرش را از او دریغ می‌کند و او را به خود وا می‌گذارد و چه بسیار بد است حال کسی که خدا او را به خودش وا گذارد.^۲

محرومیت از سکونت در بهشت: امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمنی که خانه‌ای داشته باشد و مؤمن دیگری به سکونت در آن نیازمند باشد و وی دریغ ورزد، خدا به فرشتگان می‌فرماید: بنده من نسبت به بنده دیگرم در جهت سکونت در دنیا بخل ورزید. به عزت و جلالم سوگند او هرگز در بهشت ساکن نخواهد شد.^۳

محرومیت از طعام بهشتی: امام صادق علیه السلام فرمود: هر مؤمنی برادر مؤمن خود را از مالش محروم کند، در حالی که او به آن نیاز دارد، خدا طعام بهشتی را به او نمی‌چشاند و او از شراب ظهور بهشتی هم نمی‌نوشد.^۴

۱. أَيُّمَا مُؤْمِنٍ مَنَعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسَوِّدًا وَجْهَهُ مُزْرَقَةً عَيْنَاهُ مَغْلُولَةً يَدَاهُ إِلَى عُنُقِهِ، فَيَقَالُ: هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ (الكافي، ج ۲، ص ۳۶۷).

۲. مَنْ مَنَعَ الْمَاعُونَ جَارَهُ مَنَعَهُ اللَّهُ خَيْرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَكَّلَهُ إِلَى نَفْسِهِ، فَمَا أَسْوَأَ حَالَهُ (مكارم الأخلاق، ص ۴۳۰).

۳. أَيُّمَا مُؤْمِنٍ كَانَتْ لَهُ دَارٌ فَاحْتَاجَ مُؤْمِنٌ إِلَى سُكْنَاهَا فَمَنَعَهُ إِيَّاهَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَلَأْتُكَ بِبَخْلِ عَبْدِي عَلَى عَبْدِي بِسُكْنِي الدُّنْيَا وَعِزِّي وَجَلَالِي لَا يَسْكُنُ جَنَانِي أَبَدًا (المحاسن، ص ۱۰۱).

۴. أَيُّمَا مُؤْمِنٍ حَسَسَ مُؤْمِنًا عَنْ مَالِهِ وَهُوَ مُحْتَاجٌ إِلَيْهِ لَمْ يُدِقْهُ اللَّهُ مِنْ طَعَامِ الْجَنَّةِ وَلَا يَشْرَبُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ (وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۳۸۹).

محرومیت از شفاعت پیامبر ﷺ: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هرگاه خدا به بنده اش نعمتی دهد، نیازهای مردم را به سوی او سوق می دهد، اگر او بی منت و تحقیر نیازشان را برآورد، در بهشت فردوس سکونت می یابد؛ ولی اگر نیاز مردم را برطرف نساخت، در آتش دوزخ سکونت می یابد و در روز قیامت به شفاعت رسول خدا ﷺ دست نمی یابد.^۱

۱۸. اصلاح روابط

اصلاح ذات بین به معنای زدودن دشمنی ها و تبدیل آن به آشتی و دوستی و صمیمیت است که از مهم ترین برنامه های اسلامی است. خدا در قرآن می فرماید: از خدا پروا کنید و میان خود صلح و آشتی برقرار سازید.^۲ و اگر زنی از ناسازگاری یا روی گردانی شوهرش بیم داشته باشد، بر آن دو گناهی نیست که [او با گذشت از بخشی از حقوقش] میان خودشان صلح و سازش برقرار کنند و سازش بهتر از جدایی است.^۳ و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر پیکار کنند، میان آنان صلح و سازش برقرار سازید؛ پس اگر یکی از آن دو گروه بر دیگری ستم و تعدی کرد، با آن گروه که ستم می کند، بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد و حکم او را گردن نهد. پس اگر بازگشت و حکم خدا را گردن نهاد، میان آن دو گروه صلحی عادلانه برقرار کنید.^۴ همه مؤمنان - چه آنان که با

۱. إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً صَيَّرَ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْهِ، فَإِنْ قَضَاهَا مِنْ غَيْرِ اسْتِخْفَافٍ مِنْهُ أُسْكِنَ الْفِرْدَوْسَ وَإِنْ لَمْ يَقْضِهَا أُسْكِنَ نَارَ جَهَنَّمَ... وَلَمْ يَنْلُ شَفَاعَةَ رَسُولِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (مشكاة الأنوار، ص ۳۳۳).

۲. ﴿... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ...﴾ (سوره انفال، آیه ۱).

۳. ﴿وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ...﴾ (سوره نساء، آیه ۱۲۸).

۴. ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبَغَى حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ تِ قَاتِلُوا بِالْعَدْلِ...﴾ (سوره حجرات، آیه ۹).

یکدیگر در ستیزند و چه غیر آنان - جز این نیست که با یکدیگر برادرند؛ پس بر شما فرض است که میان دو گروه از برادرانتان که با یکدیگر در ستیزند، صلح و سازش برقرار کنید.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: برترین صدقه، اصلاح میان مردم است.^۲

در تعلیمات اسلامی اصلاح چنان اهمیتی دارد که امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ در بستر شهادت به فرزندان خود و به همه مؤمنان گفتند: من از جدتان رسول خدا ﷺ شنیدم که می گفتند: اصلاح میان خودتان از عموم نمازها و روزه ها^۳ برتر است.^۴

پیامبر ﷺ در بیان دیگری در اهمیت این موضوع فرمود: آیا شما را به چیزی برتر از نماز و روزه و صدقه آگاه نکنم؟ آن چیز اصلاح میان مردم است؛ زیرا تیره شدن رابطه میان مردم کشنده و دین برانداز است.^۵

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ خطاب به شاگرد خود مفضل بن عمر (مسئول امور مالی امام) فرمود: اگر میان دو نفر از شیعیان ما نزاعی پیش آمد با هزینه کردن از مال من میان آن دو آشتی برقرار کن.^۶

۱. ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ﴾ (سوره حجرات، آیه ۱۰).

۲. أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ (کنز العمال، ج ۳، ص ۵۸).

۳. به گفته شیخ طوسی رحمته الله مراد، نماز و روزه مستحب است (بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۴۴).

۴. أَوْصِيَكُمْ مَا وَجَّعَ لَدِي وَأَهْلِي وَمَنْ بَلَغَهُ... وَصَلَاحُ ذَاتِ بَيْنِكُمْ، فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمْ ﷺ يَقُولُ: صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

۵. أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّدَقَةِ وَالصَّلَاةِ؟ قَالُوا: بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ: صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ وَفَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ وَهِيَ الْحَالِقَةُ (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۱، ص ۳۹).

۶. إِذَا رَأَيْتَ بَيْنَ اثْنَيْنِ مِنْ شِيعَتِنَا مُنَازَعَةً فَأَقْدِمْهَا مِنْ مَالِي (الكافي، ج ۲، ص ۲۰۹).

۱۹. میانجی‌گری در کار خیر

شایسته است مسلمانان در انجام دادن کار خیر و برآوردن حاجت دیگران، وساطت کرده و مشکلات آنان را حل کنند. رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین مردم کسی است که به مردم سود برساند، آنان را به هم نزدیک کند و در امر خیر آنها را یاری کند.^۱

در حدیثی دیگر فرمود: کسی که حاجتی را از برادر مؤمن خود برآورد، مانند کسی است که در همه دوران زندگی خود به خدا خدمت کرده است.^۲

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: کسی که اندوهی از مؤمنی بزداید، خدا اندوهش را بزداید و هر که عیب مؤمنی را بپوشاند، خدا عیبش را بپوشاند و مادامی که در حال کمک کردن به دیگران است خدا او را یاری می‌کند.^۳

وساطت پیامبر ﷺ

به نقل امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، روزی رسول اکرم ﷺ با علی عَلَيْهِ السَّلَام برای خرید پیراهن به بازار رفتند. در راه کنیزی را دیدند که می‌گریست. علت را پرسیدند. کنیز گفت: ای رسول خدا! سرپرست من چهار درهم برای خرید به من داده بود که گم شد و از این رو جرأت بازگشت به خانه را ندارم. آن حضرت چهار درهم به او داد و فرمود به خانه بازگرد. ... هنگام بازگشت باز همان کنیز را مشاهده کردند. پیامبر ﷺ فرمود: چرا به خانه خود نرفتی؟ گفت: چون دیر کردم، می‌ترسم اهل خانه مرا بزنند. فرمود: پیشاپیش من حرکت کن و راه

۱. خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ وَوَصَلَ وَأَعَانَ (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۹۰).

۲. مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً كَانَ كَمَنْ خَدَّمَ اللَّهَ عُمُرَهُ (اعلام الدین، ص ۱۴۸).

۳. مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَتَهُ وَمَنْ سَتَرَ عَلَى مُؤْمِنٍ سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ عَوْرَتَهُ وَلَا يَزَالُ اللَّهُ فِي عَوْنِهِ مَا دَامَ فِي عَوْنِ أَخِيهِ (عوالي اللئالی، ج ۱، ص ۳۷۴).

خانه‌ات را به من نشان بده. پیامبر ﷺ آمد تا بر در خانه ایستاد و گفتند: سلام بر شما ای اهل خانه! این کنیز دیر کرده است، او را نیاز دارید. آنان عرض کردند: او به برکت آمدن شما آزاد است.^۱

واسطه‌گری برای ازدواج

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: بهترین شفاعت آن است که میان دو نفر در ازدواج میانجی‌گری کنی تا خدا آن دو را گرد هم آورد.^۲

پاداش وساطت در ازدواج

بهره‌مندی از لطف خدا در قیامت: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هر کس زمینه ازدواج مجردی را فراهم کند، از کسانی است که خدا در روز قیامت به او نگاه [لطف‌آمیز] می‌کند.^۳

ازدواج با همسران بهشتی: رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس در ازدواج حلالی بین دو نفر اقدام کند تا اینکه خدا آن دو را گرد هم آورد، خدا در روز

۱. ... فَمَشَى مَعَهُ إِلَى السُّوقِ لِيَتَبَعَ قَمِيصًا، فَنَظَرَ إِلَى جَارِيَةٍ قَاعِدَةٍ عَلَى الطَّرِيقِ تَبْكِي، فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَمَا سَأْنُكَ؟ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ! إِنَّ أَهْلِي أَعْطَوْنِي أَرْبَعَةَ دَرَاهِمَ لِأَشْتَرِي لَهُمْ حَاجَةً فَصَاعَتْ فَلَا أَجْسُرُ أَنْ أَرْجِعَ إِلَيْهِمْ، فَأَعْطَاهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَرْبَعَةَ دَرَاهِمَ وَقَالَ: ارْجِعِي إِلَى أَهْلِكَ وَمَضَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ... وَرَجَعَ إِلَى مَتْرَلِهِ، فَإِذَا الْجَارِيَةُ قَاعِدَةٌ عَلَى الطَّرِيقِ تَبْكِي، فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا لَكَ لَا تَأْتِينَ أَهْلَكَ؟ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ! إِنِّي قَدْ أَبْطَأْتُ عَلَيْهِمْ أَخَافُ أَنْ يَضْرِبُونِي، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَرِي بَيْنَ يَدَيَّ وَدَلِّيْنِي عَلَى أَهْلِكَ وَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَتَّى وَقَفَ عَلَى بَابِ دَارِهِمْ، ثُمَّ قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدَّارِ! ... إِنَّ هَذِهِ الْجَارِيَةَ أَبْطَأَتْ عَلَيْكُمْ فَلَا تُؤْذَوْهَا، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ! هِيَ حُرَّةٌ لِمَمْشَاكَ ... (كتاب الخصال، ص ۴۹۱).

۲. أَفْضَلُ الشَّفَاعَاتِ أَنْ تَشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي نِكَاحٍ حَتَّى يَجْمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا (الكافي، ج ۵، ص ۳۳۱).

۳. مَنْ زَوَّجَ أَعْرَبَ كَانَ مِمَّنْ يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (الكافي، ج ۵، ص ۳۳۱).

قیامت همسری از حورعین به ازدواج او درآورد.^۱

ثواب يك سال عبادت برای هر گام و سخن او: رسول خدا ﷺ فرمود: هرکس در کار ازدواج دو نفر اقدام کند و خدا نیز آن دو را گرد هم آورد، خدا در برابر هر قدمی که وی در این راه برداشته و هر سخنی که گفته ثواب يك سال عبادت می دهد.^۲

بهره‌مندی از سایه عرش خدا: حضرت امام کاظم علیه السلام گفتند: سه گروه روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه خدا نیست، زیر سایه عرش خدا قرار می گیرند: کسی که زمینه ازدواج برادر مسلمان خود را فراهم آورد یا به او خدمت کند یا راز او را بپوشاند.^۳

۲۰. عدم مشارکت در کار خلاف

واسطه‌گری در کارهای خلاف شرع و قانون، گناهی بزرگ و دور از شأن مسلمان و مرتکب آن در کیفر گناه شریک است. رسول خدا ﷺ فرمود: هرکس به کار بدی فرمان دهد یا راهنمایی یا اشاره کند در [گناه] آن شریک است.^۴ در حدیث دیگری فرمود: هرکس میان خانم و آقایی در کاری حرام قوادی و واسطه‌گری کند، خدا بهشت را بر او حرام می کند و جایگاهش دوزخ و چه بد جایی است و او همواره تا هنگام مرگ مورد خشم خداست.^۵

۱ . مَنْ عَمِلَ فِي تَرْوِيجِ حَلَالٍ حَتَّى يَجْمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا زَوْجَهُ اللَّهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ (جامع الأخبار، ص ۱۰۲).

۲ ... وَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ خَطَايَا وَ كَلِمَةٍ تَكَلَّمَ بِهَا عِبَادَةٌ سَنَةً (جامع الأخبار، ص ۱۰۲).

۳ . ثَلَاثَةٌ يَسْتَظِلُّونَ بِظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: رَجُلٌ زَوَّجَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ أَوْ أَخْدَمَهُ أَوْ كَتَمَ لَهُ سِرًّا (مسائل علی بن جعفر علیه السلام، ص ۳۴۳).

۴ ... وَ مَنْ أَمَرَ بِسُوءٍ أَوْ دَلَّ عَلَيْهِ أَوْ أَشَارَ بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ (کتاب الخصال، ص ۱۳۸).

۵ . وَ مَنْ قَادَ بَيْنَ امْرَأَةٍ وَ رَجُلٍ حَرَامًا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَا وَاهُ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا وَ لَمْ يَزَلْ فِي سَخَطِ اللَّهِ حَتَّى يَمُوتَ (وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۵۱).

۲۱. دفاع از مظلومان

یاری رساندن به مظلومان و مستمندان و محرومان از مسائل بسیار مهم در فرهنگ اسلام و تشیع است و در روایات معصومان علیهم السلام به گونه‌ای خاص مورد تأکید قرار گرفته است، حتی مسافرت طولانی برای این کار نیز توصیه شده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: برای یاری ستم‌دیده پنج میل راه بیما و برای یاری ستم‌دیده دادخواه شش میل.^۱

امیرمؤمنان علیه السلام نیز فرمود: یار ستم‌دیدگان و دشمن ستمگران باش.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن کسی است که... به ستم‌دیده یاری رساند و به تهنی دست ترحم کند. جانش از خودش در سختی، و مردم از او در راحتی باشند... و هر کس را که به او یاری رساند کمک کند...^۳

پاداش یاری مظلوم

حضرت امام صادق علیه السلام گفتند: یاری رسانیدن به مؤمن مظلوم از يك ماه روزه و اعتکاف در مسجد حرام برتر است.^۴

رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که حق ستم‌دیده را از ستمگر بستاند، در بهشت همنشین من است.^۵

۱ . سِرٌّ خَمْسَةَ أَمْيَالٍ أَنْصُرَ مَظْلُومًا، سِرٌّ سِتَّةَ أَمْيَالٍ أَعِثُّ مَلْهُوفًا (مصادقة الإخوان، ص ۵۸).

۲ . كُنْ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا وَ لِلظَّالِمِ حَصْمًا (غرر الحکم، ص ۴۸۱).

۳ يَنْصُرُ الْمَظْلُومَ وَ يَرْحَمُ الْمُسْكِينَ، نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ... وَ يُسَاعِدُ مَنْ سَاعَدَهُ... (الكافي، ج ۲، ص ۲۳۱).

۴ . مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُعِينُ مُؤْمِنًا مَظْلُومًا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَ اعْتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۰).

۵ . مَنْ أَخَذَ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ كَانَ مَعِي فِي الْجَنَّةِ مُصَاحِبًا (كتر الفوائد، ج ۱، ص ۱۳۵).

۲۲. امر به معروف و نهی از منکر

هر کاری را که دین و عقل نیکو بشناسند، معروف است. منکر نیز چیزی است که بر پایه نقل و عقل زشت و ناشناخته باشد؛ بنابراین همه واجبات و مستحبات معروف‌اند و امر به معروف، فرمان دادن به دیگران در محور واجبات و مستحبات است و نهی از منکر، بازداشتن دیگران از کارهایی است که نزد نقل و عقل ناپسند باشد و آنها محرمات و مکروهات‌اند.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

امر به معروف و نهی از منکر از اصلی‌ترین ارزش‌های دینی است. به نقل قرآن کریم حضرت ختمی نبوت ﷺ در کتاب‌های تورات و انجیل به امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر معرفی شد^۱ و نیز لقمان به پسرش فرمود: ای پسرک من! نماز را برپا دار و به کار شایسته - که دین و خرد آن را به نیکی می‌شناسند - فرمان ده و از کار ناشایست نهی کن و بر مصیبت و رنجی که به تو رسیده شکبیا باش [و بدان] که صبر و شکیبایی برخاسته از اراده جدی و تصمیم قاطع در کارهاست.^۲

این دو از مهم‌ترین وظایف مؤمنان و بارزترین ویژگی جامعه اسلامی است؛ زیرا خدای متعالی می‌فرماید: و باید از میان شما گروهی باشند که مردم را به نیکی فرا خوانند و آنان را به کار پسندیده وادارند و از کار زشت و نکوهیده نهی کنند.^۳ شما بهترین امتید که به سود مردم درآمدید؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید...^۴

۱. ﴿... يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ... يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ (سوره اعراف، آیه ۱۵۷).

۲. ﴿يُنَبِّئُ أَقِيمَ الصَّلَاةِ وَ أَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزِيمِ الْأُمُورِ﴾ (سوره لقمان، آیه ۱۷).

۳. ﴿وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (سوره آل عمران، آیه ۱۰۴).

۴. ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ (سوره آل عمران، آیه ۱۱۰).

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در حدیث

حجت خدا بر مردم: حضرت رسول خدا ﷺ گفتند: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای احمد! اسلام ده بخش است و کسی که از این امور، سهمی نداشته باشد، زیان دیده است... ششمین آنها جهاد است که عزت می‌آورد و هفتمین آنها امر به معروف است که نوعی وفاداری شمرده می‌شود و هشتمین آنها نهی از منکر است که حجت خدا بر مردم به شمار می‌آید.^۱

روش صالحان: حضرت امام باقر ع گفتند: امر به معروف و نهی از منکر راه انبیا و روش صالحان و فریضه‌ای بزرگ است که سایر واجبات به آن قوام می‌یابد، راه‌ها امن می‌شود، کسب و کارها حلال می‌گردد و حقوق مردم به آنها بازگردانده می‌شود و زمین آباد می‌شود.^۲

نشان شیعیان: حضرت امام کاظم ع گفتند: رسول خدا ﷺ انگشت را به انگشت دست راست خود می‌کرد و این نشان شیعیان ماست و با آن شناخته می‌شوند و [از دیگر نشانه‌های شیعیان ما] مراقبت بر اوقات نماز، دادن زکات، احسان و یاری برادران و امر به معروف و نهی از منکر است.^۳

۱. جَاءَنِي جَبْرَائِيلُ، فَقَالَ لِي: يَا أَحْمَدُ! الْإِسْلَامُ عَشْرَةٌ أَشْهُمٌ وَ قَدْ خَابَ مَنْ لَا سَهْمَ لَهُ فِيهَا: ... السَّادِسَةُ الْجِهَادُ وَ هُوَ الْعِزُّ وَ السَّابِعَةُ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ هُوَ الْوَفَاءُ وَ الثَّامِنَةُ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ هِيَ الْحُجَّةُ (علل الشرائع، ص ۲۴۹).

۲. إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَجَلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ... (الكافي، ج ۵، ص ۵۵).

۳. ... وَ قَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَتَخَمُّ بِبِوَسْمِهِ وَ هُوَ عَلَامَةٌ لِشِيعَتِنَا يُعْرِفُونَ بِهِ وَ بِالْمَحَافِظَةِ عَلَى أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ وَ مُوَاسَاةِ الْإِخْوَانِ وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ (علل الشرائع، ص ۱۵۸).

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

این فریضه مراحل گوناگونی دارد که به تناسب مخاطب و مقتضای زمان و مکان تغییر می‌یابد و در احادیث معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به این مراحل عملی، زبانی و قلبی اشاره شده است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرکس از شما منکری دید، پس باید با دستش جلوی آن را بگیرد، پس اگر نمی‌تواند با زبانش و اگر آن را هم نمی‌تواند با قلبش [از آن بیزار باشد].^۱

کمترین حد نهی از منکر: امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: کمترین حد نهی از منکر آن است که با مردم گناهکار با چهره‌ای در هم کشیده و ترشروی بر خورد کنید؟^۲ نیز گفتند: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ما فرمان داد که با اهل گناه با ترشروی برخورد کنیم.^۳

امر به معروف و نهی از منکر در اماکن: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: حق مجالس [حضور در اماکن عمومی] را به جا آورید. عرض شد: حق مجالس چیست؟ فرمود: چشم‌هایتان را از نامحرمان بپوشانید، پاسخ سلام را بدهید، نابینایان را هدایت و امر به معروف و نهی از منکر کنید.^۴

آثار و پاداش امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

از زمره صالحان و مؤمنان بودن: به خدا و روز واپسین ایمان دارند و به کار

۱. مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيَعِزَّهُ بِيَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ (عوالي اللثالی، ج ۱، ص ۴۳۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۹۲).
۲. أَدْنَى الْإِنْكَارِ أَنْ تَلْقَى أَهْلَ الْمَعَاصِي بِوَجْهِهِ مُكْفَهَرَةً (تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۱۷۶؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۴۳).
۳. أَمَرْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ تَلْقَى أَهْلَ الْمَعَاصِي بِوَجْهِهِ مُكْفَهَرَةً (وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۴۳).
۴. أَعْطُوا الْمَجَالِسَ حَقَّهَا. قِيلَ: وَمَا حَقُّهَا؟ قَالَ: غَضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَرُدُّوا السَّلَامَ وَارْتَدُّوا الْأَعْمَى وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ (مكارم الأخلاق، ص ۲۶).

پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند بازمی‌دارند و در انجام کارهای نیک شتاب می‌کنند و آنان از شایستگان‌اند.^۱

به راستی خدا از مؤمنان، جان و مالشان را در برابر اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است... مؤمنان... مردم را به کار پسندیده فرا می‌خوانند و از کار ناپسند بازمی‌دارند و در هر حال پاسدار مقررات الهی‌اند؛ اینان را - ای پیامبر - به بهشت و سعادت بزرگ نوید ده.^۲

برخوردری از یاری خدا: قطعاً خدا کسانی را که او را یاری می‌دهند، یاری خواهد کرد... همانان که اگر در زمین به ایشان قدرت دهیم [تا بتوانند روش زندگی اجتماعی خود را برگزینند... و] به آنچه شایسته است فرمان می‌دهند و...^۳

برخوردری از رحمت الهی: مردان و زنان باایمان بر یکدیگر ولایت دارند؛ از این رو یکدیگر را به کار شایسته فرمان می‌دهند و از کار ناپسند نهی می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و از خدا و پیامبرش اطاعت می‌کنند. اینانند که به زودی خدا رحمت خود را شامل حالشان می‌کند و هیچ‌کس نمی‌تواند مانع آن شود؛ چرا که خدا مقتدری شکست‌ناپذیر و کارهایش همه از روی حکمت است.^۴

۱. يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ (سوره آل عمران، آیه ۱۱۴).
۲. إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ... * ... الْأَمْوَالُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (سوره توبه، آیات ۱۱۱ - ۱۱۲).
۳. * ... وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ... * الَّذِينَ إِنْ مَكَنْتُمْ فِي الْأَرْضِ... وَ آمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ... (سوره حج، آیات ۴۰ - ۴۱).
۴. وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (سوره توبه، آیه ۷۱).

رستگاری: و باید از میان شما گروهی باشند که مردم را به نیکی فراخوانند و آنان را به کار پسندیده وادارند و از کار زشت و نکوهیده نهی کنند. اینان اند که نیک بخت خواهند بود.^۱

آثار امر به معروف و نهی از منکر در روایات

داشتن دنیا و آخرت: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: هرکس در او سه ویژگی باشد، دنیا و آخرتش بسامان است: کسی که امر به معروف کند و خود نیز به آن معروف عمل کند، نهی از منکر کند و خود نیز از آن مورد نهی دوری جوید و از حدود الهی نگهبانی کند.^۲

آرامش و امنیت اجتماعی: حضرت امام باقر علیه السلام گفتند: به راستی که با (امر به معروف و نهی از منکر) ... راهها امنیت می یابد، کسبها حلال می شود، حقوق غصب شده بازگردانده می شود و زمین آباد می گردد و از دشمنان دادخواهی می شود و امور سامان می یابد.^۳

عزتمندی: امام صادق علیه السلام فرمود: امر به معروف و نهی از منکر دو آفریده خدا هستند؛ پس هر کس به آنها کمک [و عمل] کند، خدای سبحان او را عزیز کند و هر کس آنها را خوار کند، خدا خوارش سازد.^۴

۱. ﴿وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (سوره آل عمران، آیه ۱۰۴).

۲. ... مَنْ كُنَّ فِيهِ ثَلَاثٌ خِصَالٍ سَلِمَتْ لَهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ: مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقَمَّ بِهِ وَنَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَانْتَهَى عَنْهُ وَحَافِظَ عَلَى حُدُودِ اللَّهِ (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۶).

۳. إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَدَاهِبُ وَ تَجَلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَطَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُتَّصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ (الكافي، ج ۵، ص ۵۵ - ۵۶).

۴. الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى، فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ خَدَلَهُمَا خَدَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى (تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۱۷۷).

شکوفایی امور: امیرمؤمنان علیه السلام در وصیتی به فرزندش محمد حنفیه فرمود: فرزندم! ... امر به معروف کن تا از اهل معروف باشی و با صالحان محشور شوی؛ زیرا تمامیت امور نزد خدای متعالی به امر به معروف و نهی از منکر است.^۱

ورود به بهشت: بادیه نشینی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: به کاری راهنمایی ام کن که با آن داخل بهشت شوم. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: گرسنه را غذا بده، تشنه را سیراب کن و امر به معروف و نهی از منکر انجام بده.^۲

پیامدهای ترک این دو فریضه

زوال برکات: حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: مردم تا هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و همدیگر را در احسان، نیکوکاری و تقویاری می کنند، پیوسته در خیر و خوبی اند؛ پس هرگاه چنین نباشند، خیر و برکت از آنها برداشته می شود.^۳

سلطه ناهلان و نداشتن دادرس: رسول خدا در بخش دیگر این حدیث فرمود: اگر مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، بعضی از آنها (نااهلان ستمگر) بر بعضی دیگر سلطه می یابند و یاوری در زمین و در آسمان ندارند.^۴

۱. ... وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ... فَإِنَّ اسْتِمَامَ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ (القیه، ج ۴، ص ۳۸۷).

۲. جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، فَقَالَ: دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ أَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ. قَالَ: أَطْعِمِ الْجَائِعَ وَ اسْقِ الظَّمَانَ وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۰۵).

۳. لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى، فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتِ (تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۱۸۱).

۴. قَالَ... فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ... وَ سَلَطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ (تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۱۸۱).

عدم قبولی دعا: امام کاظم علیه السلام فرمود: یا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید یا خدای متعالی بدانتان را بر شما مسلط می‌کند؛ آن‌گاه صالحانان دعا می‌کنند و مستجاب نمی‌شود.^۱ به همین مضمون از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است.^۲

مرده در میان زندگان: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: هرکس با قلب، زبان و دست خود نهی از منکر را ترک کند، مرده‌ای در میان زنده‌هاست.^۳

دشمنی با خدا: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر کسی کار ناپسندی را ببیند و با داشتن توانایی از آن مانع نشود، دوست داشته که خدا نافرمانی شود و هرکس دوست داشته باشد که [از فرمان] خدا سرپیچی شود به یقین دشمنی با خدا را آشکار ساخته است.^۴

روا شمردن گناه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه امر به معروف اندک شد، به حریم تجاوز می‌شود.^۵

۲۳. بدعت ستیزی

کلمه بدعت، یعنی نوآوری و این عمل گاهی حق و صدق و خیر و حسن است و زمانی باطل و کذب و شر و قبیح است.^۶ مقصود از آن در اینجا آن

۱ . لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيْسَتْ عَمَلِنَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَتَدْعُوا خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ (عوالي اللئالی، ج ۳، ص ۱۹۰).

۲ . الکافی، ج ۲، ص ۳۷۴.

۳ . مَنْ تَرَكَ إِنْكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ الْأَحْيَاءُ (تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۸۱).

۴ . وَ إِذَا رَأَى الْمُنْكَرَ فَلَمْ يُنْكِرْهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَقَدْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصَى اللَّهُ [عز و جل] وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصَى اللَّهُ فَقَدْ بَارَزَ اللَّهَ [عز و جل] بِالْعِدَاوَةِ (الکافی، ج ۵، ص ۱۰۸).

۵ وَ إِذَا قَلَّ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ اسْتَبِيحَ الْحَرِيمُ ... (ارشاد القلوب، ص ۳۹).

۶ . برای توضیح آن رک: تسنیم، ج ۱۰.

است که دین، تام و کامل است و از هر عیب متزه و از هر نقص مبراست و اگر چیزی بر آن افزوده شود یا چیزی از آن کاسته گردد، چنین نوآوری مذمومی بدعت نامیده می‌شود و بدعت‌گذاری در آیات و روایات زیادی شدیداً نکوهش شده و درباره آن تهدید شده و پیامدهای زیانباری دارد.

برخورد با بدعت‌گذاران

مبارزه جدی با بدعت‌گذاران از وظایف دانشمندان و از عبادت‌های مهم شمرده می‌شود.

خدا به پیامبرش صلی الله علیه و آله فرمان می‌دهد، چنین به مبارزه با بدعت‌گذاران برخیزد: بگو: در آنچه به من وحی شده است، طعام حرامی را نمی‌یابم که بر خورنده‌ای که آن را می‌خورد، حرام شده باشد، مگر اینکه مردار باشد یا خونی ریخته شده یا گوشت خوک باشد که پلید است، یا دامی که آن را به نافرمانی سر بریده، همان که هنگام ذبحش نام غیر خدا را بر آن برده‌اند. و هر کس به خوردن یکی از اینها ناچار شود، به شرط آنکه ناچاری او بر اثر ستمکاری و سرکشی نباشد، بر او حلال می‌شود؛ چرا که خدا آمرزنده و مهربان است.^۱

در روایات، شیوه‌هایی برای مبارزه با بدعت و بدعت‌گذاران توصیه شده است: دوری و اعراض؛ براءت و نفرت؛ سب و لعن؛ روشنگری و افشاگری و تهدید و ارباب.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از اهل تشکیک و بدعت - که پس از من می‌آیند - آشکارا بیزاری بجوئید، فراوان آنان را سب کنید و با بیان انحراف‌های آنان،

۱ . قَوْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَوْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَ وَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ (سوره بقره، آیه ۷۹) و رک: سوره انعام، آیات ۱۳۸ - ۱۳۹.

۲ . قَوْلٌ لَا أَجِدُ فِي مَا أَوْحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاطِلٍ وَ لَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (سوره انعام، آیه ۱۴۵).

بترسانیدشان تا به فساد در دین طمع نورزند و مردم از آنان دوری جویند و بدعت‌هایشان را فرا نگیرند. خدا با این کارها برای شما حسنات می‌نویسد و درجاتتان را در آخرت بالا می‌برد.^۱

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: سه چیز است که دوری جستن از آنها بر هر کس لازم است: نزدیک شدن به اشرار، گفت‌وگو با زنان [نامحرم با احتمال آسیب] و همنشینی با اهل بدعت^۲؛ همچنین فرمود: با اهل بدعت همراهی و همنشینی نکنید که نزد مردم یکی از آنها به شمار می‌آید؛ [زیرا] حضرت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفتند: انسان بر دین دوست و همنشین خویش است.^۳

بدعت‌ستیزی عالمان

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرگاه بدعت میان امت من آشکار شد، پس بر عالم واجب است دانش خود را آشکار کند و اگر چنین نکند، لعنت خدا بر او باد؛^۴ همچنین گفتند: عالم بر عابد هفتاد درجه برتری دارد که فاصله میان هر دو درجه، هفتاد سال دویدن اسب است. راز این فضیلت آن است که چون شیطان بدعت را در میان مردم می‌گذارد، تنها عالم است که آن را می‌شناسد و

۱. إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الرَّبِّ وَالْبِدْعِ مِنْ بَعْدِي فَأَظْهِرُوا الْبِرَاءَةَ مِنْهُمْ وَأَكْثَرُوا مِنْ سَبِّهِمْ وَالْقَوْلَ فِيهِمْ وَالْوَقِيعَةَ وَبَاهْتُوهُمْ كَيْلًا يَطْمَعُوا فِي الْفَسَادِ فِي الْإِسْلَامِ وَيَحْذَرُهُمُ النَّاسُ وَلَا يَتَعَلَّمُوا مِنْ بَدْعِهِمْ يَكْتُبِ اللهُ لَكُمْ بِذَلِكَ الْحَسَنَاتِ وَيَرْفَعُ لَكُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ فِي الْآخِرَةِ (الكافي، ج ۲، ص ۳۷۵).

۲. ثَلَاثٌ يَجِبُ عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ تَجَنُّبُهَا: مُقَارَنَةُ الْأَشْرَارِ وَ مُحَادَاةُ النَّسَاءِ وَ مَجَالَسَةُ أَهْلِ الْبِدْعِ (تحف العقول، ص ۳۱۹).

۳. لَا تَصْحَبُوا أَهْلَ الْبِدْعِ وَلَا تُجَالِسُوهُمْ فَتَصِيرُوا عِنْدَ النَّاسِ كَوَاحِدٍ مِنْهُمْ، قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ (الكافي، ج ۲، ص ۳۷۵).

۴. إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللهِ (الكافي، ج ۱، ص ۵۴).

آن را می‌زداید [دیگران را هم بیدار می‌کند تا از آن دوری جویند]؛ ولی عابد به عبادت خود می‌پردازد [و به نجات گمراه شدگان توجهی ندارد].^۱

پاداش بدعت‌ستیزان

رفعت درجه در بهشت: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرگاه اهل بدعت را دیدید، بیزاری خود از آنان را آشکار کنید... و آنان را بترسانید تا مردم از آنها برحذر باشند و بدعت‌هایشان را نیاموزند و خدا برای شما در برابر این کار حسنات می‌نویسد و درجات شما را در آخرت بالا می‌برد.^۲

امنیت و ایمان: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرکس بدعت‌گذاری را بترساند، خدا قلبش را از امنیت و ایمان پر می‌کند.^۳

یقین و رضا: رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرکس از روی نفرت از بدعت‌گذار دوری کند، خدا قلبش را از یقین و رضا سرشار می‌کند.^۴

پیامدهای بدعت

زیانکاری و گمراهی: به یقین کسانی که فرزندان خود را به بی‌خردی و نادانی برای تقرب به خدایان خود کشتند و آنچه را خدا روزی آنها کرده بود از

۱. فَضَّلُ الْعَالِمُ عَلَى الْعَابِدِ سَبْعُونَ دَرَجَةً بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ حُضْرُ الْقُرْسِ سَبْعِينَ عَامًا. ذَلِكَ لِأَنَّ الشَّيْطَانَ يَضَعُ الْبِدْعَةَ لِلنَّاسِ فَيُبْصِرُهَا الْعَالِمُ فَيَزِيلُهَا وَالْعَابِدُ يَقْبَلُ عَلَى عِبَادَتِهِ (منية المرید، ص ۱۰۰).

۲. ... وَ بَاهْتُوهُمْ كَيْلًا يَطْمَعُوا فِي الْفَسَادِ فِي الْإِسْلَامِ وَيَحْذَرُهُمُ النَّاسُ وَلَا يَتَعَلَّمُوا مِنْ بَدْعِهِمْ يَكْتُبِ اللهُ لَكُمْ بِذَلِكَ الْحَسَنَاتِ وَيَرْفَعُ لَكُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ فِي الْآخِرَةِ (الكافي، ج ۲، ص ۳۷۵).

۳. مَنْ أَرَعَبَ صَاحِبَ بَدْعَةٍ مَلَأَ اللهُ قَلْبَهُ أَمْنًا وَ إِيْمَانًا (كتر العمال، ج ۳، ص ۸۲).

۴. مَنْ أَعْرَضَ عَنِ صَاحِبِ بَدْعَةٍ بَعْضًا لَهُ مَلَأَ اللهُ قَلْبَهُ يَقِينًا وَ رِضًا (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۲، ص ۱۱۶).

روی دروغ بستن به خدا بر خود حرام ساختند، زیان کردند. قطعاً آنان گمراه شدند و هدایت یافته نبودند.^۱

ستمکاری: پس اگر چنین نکردند، بدان که بر خدا دروغ بسته‌اند، و هر کس پس از آشکار شدن حقیقت بر خدا دروغ بندد، چنین کسانی ستمکار خواهند بود.^۲

محرومیت از رستگاری: قطعاً کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند، نیک‌بخت نخواهند شد.^۳

محرومیت از محبت خدا: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاکیزه را که خدا برای شما حلال کرده بر خود و دیگران حرام نکنید و بدین وسیله از حدود الهی نگذیرید که خدا تجاوزگران را دوست نمی‌دارد.^۴

محرومیت از هدایت: و کیست ستمکارتر از آن که بر خدا دروغی بندد تا مردم را ندانسته به گمراهی افکند. شما ستمکارید و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند.^۵

ترك سنت: امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: هیچ بدعتی گذارده نشد، مگر اینکه با آن سنتی [دینی] ترك شد.^۶

۱ . ﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفِيًّا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ حَرَمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ (سوره انعام، آیه ۱۴۰).

۲ . ﴿فَمَنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (سوره آل عمران، آیه ۹۴).

۳ . ﴿... إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ﴾ (سوره نحل، آیه ۱۱۶).

۴ . ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ (سوره مائده، آیه ۸۷).

۵ . ﴿... فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (سوره انعام، آیه ۱۴۴).

۶ . مَا أَحْدَثْتُ بِدَعْوَةٍ إِلَّا تَرَكْتُ بِهَا سُنَّةَ (الكافي، ج ۱، ص ۵۸).

نابودی اسلام: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر کسی نزد بدعت‌گذاری رفت و او را احترام کرد، پس به راستی در نابودی اسلام کوشیده است.^۱

سزاوار لعنت الهی: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرگاه بدعت در میان امت ظاهر شد، پس بر عالم لازم است علم خود را آشکار کند و اگر با آن مبارزه نکند، لعنت خدا بر او باد.^۲

گرفتار گمراهی و آتش جهنم: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هر بدعتی گمراهی است و راه هر گمراهی به آتش می‌انجامد.^۳

عذاب دردناک: قطعاً کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند، نیک‌بخت نخواهند شد... و برای آنان عذابی دردناک خواهد بود.^۴

۲۴. تعاون و همیاری

تعاون و همیاری در کارهایی است که اهمیت فراوانی دارد. خدا می‌فرماید: شما مؤمنان یکدیگر را در نیکوکاری و تقوایبشگی یاری دهید و در گناه و تجاوز به یکدیگر کمک نکنید.^۵

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: مردم تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر کنند و در کارهای نیک و پرهیزگاری همدیگر را یاری دهند، پیوسته در خیرند.^۶

۱ . مَنْ مَشَى بِدَعْوَةٍ فَوْقَهُ فَقَدْ سَعَى فِي هَدْمِ الْإِسْلَامِ (الفقيه، ج ۳، ص ۵۷۲).

۲ . إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ (الكافي، ج ۱، ص ۵۴).

۳ . كُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَ كُلُّ ضَلَالَةٍ سَبِيلُهَا إِلَى النَّارِ (الكافي، ج ۱، ص ۵۶).

۴ . ﴿... إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ * ... وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (سوره نحل، آیات ۱۱۶ - ۱۱۷).

۵ . ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ العُدْوَانِ﴾ (سوره مائده، آیه ۲).

۶ . لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى... (تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۱۸۱).

امیرمؤمنان علیه السلام در واپسین لحظه‌های عمر پربرکت خود پیوسته می‌فرمود: همدیگر را بر کارهای نیک و پرهیزگاری یاری دهید و در گناه و دشمنی، یار همدیگر نباشید.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: مسلمان برادر مسلمان است؛ به وی ستم نمی‌کند... و می‌سزد که برای پیوند با یکدیگر بکوشند و بر مهرورزی به هم، همیاری کنند.^۲

۲۵. تشکلهای عمومی و علمی

گره برخی معضلات اجتماعی یا فرهنگی و علمی بی‌مشورت و اقدام جمعی گشوده نمی‌شود؛ از این رو در اسلام به تشکلهای علمی و دینی و اجتماعی سفارش شده است.

خدا درباره مشورت و همفکری مؤمنان می‌گوید: [آنان] کسانی‌اند که دعوت پروردگارشان را اجابت می‌کنند و نماز را بر پا می‌دارند و کارهایشان را با مشورت با یکدیگر انجام می‌دهند و...^۳

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیش از بعثت در پیمانی به نام حلف الفضول که از مقدس‌ترین پیمان‌ها و تشکلهای بود، شرکت کرد تا از ستم‌دیدگان دفاع کند و درباره آن گفتند: در خانه عبدالله بن جدعان در پیمانی شرکت کردم که دوست ندارم به جای آن شتران سرخ [گران‌قیمت] داشته باشم و اکنون در اسلام اگر به آن پیمان دعوت شوم، حتماً اجابت می‌کنم.^۴

۱. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ الْوَفَاةِ: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (سوره مائده، آیه ۲) (الدعوات، ص ۲۴۹).

۲. الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ... وَيَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْإِجْتِهَادُ فِي التَّوَاصُلِ وَ التَّعَاوُنِ عَلَى التَّعَاطُفِ (الكافي، ج ۲، ص ۱۷۴).

۳. هُوَ الَّذِي اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آمَرَهُمْ بِشُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (سوره شوری، آیه ۳۸).

۴. شَهِدْتُ فِي دَارِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُدْعَانَ جِلْفًا مَا أَحْبَبْتُ أَنْ لِي بِهِ حُمْرَ النَّعَمِ وَلَوْ أَدْعَىٰ بِهِ فِي الْإِسْلَامِ لِأَجْبَتُ (السنن الكبرى، ج ۶، ص ۳۶۷).

هیئت‌های مذهبی

امام باقر علیه السلام به اصحاب خود فرمود: گرد هم آیید و با یکدیگر گفت‌وگو [علمی] کنید که در این صورت فرشتگان شما را احاطه می‌کنند. خدا رحمت کند کسی را که امر [ولایت] ما را زنده کند.^۱

امام صادق علیه السلام به اصحاب خود فرمود: پرهیزگاری پیشه کنید و برادرانی نیکوکار و دوست‌دار در راه خدا باشید و نسبت به هم دلجویی کنید و مهربان باشید. با یکدیگر دیدار کنید و با هم [درباره علوم اسلامی] بحث کنید و آن را زنده نگه دارید.^۲

همچنین امام صادق علیه السلام به فضیل فرمود: آیا با یکدیگر می‌نشینید و گفت‌وگوی [علمی] می‌کنید؟ فضیل گفت: آری، فدایت شوم. آن حضرت فرمود: به راستی من این‌گونه مجالس را دوست می‌دارم. امر [فرهنگ و معارف] ما را زنده کنید. خدا رحمت کند کسی را که امر ما را زنده کند. ای فضیل! اگر کسی ما را یاد کند یا نزد او یاد شویم و از چشمانش به اندازه بال مگسی اشک جاری شود، خدا گناهان او را می‌بخشد، گر چه از کف دریا افزون‌تر باشد.^۳

۱. اجْتَمِعُوا وَ تَذَاكَرُوا، تَحْفَ بِكُمْ الْمَلَائِكَةُ، رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا (مصادقة الإخوان، ص ۳۹؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۲).

۲. اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا إِخْوَانًا بَرَّةً مُحْتَابِينَ فِي اللَّهِ مُتَوَاصِلِينَ مُتَرَاجِمِينَ، تَرَاوَرُوا وَ تَلَاقُوا وَ تَذَاكَرُوا أَمْرَنَا وَ أَحْيَوْهُ (مصادقة الإخوان، ص ۳۵).

۳. قَالَ لِفُضَيْلٍ: تَجْلِسُونَ وَ تَحَدِّثُونَ؟ قَالَ: نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ. قَالَ: إِنْ تَلَكَ الْمَجَالِسَ أُحْيِيهَا، فَأَحْيُوا أَمْرَنَا، رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا. يَا فَضَيْلُ! مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الذُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَيْدِ الْبَحْرِ (قرب الإسناد، ص ۱۸).

۲۶. کارگران و کارفرمایان

برتری کارگران

بر پایه روایتی، حضرت عیسی خطاب به حواریان خود گفتند: برتر از شما حواریان کسی است که با دست خود کار می کند و از دستاورد کسبش می خورد.^۱

هنگامی که رسول خدا ﷺ از جنگ تبوک بازگشت، سعد انصاری به استقبال آن حضرت شتافت. پیامبر با او مصافحه کرد و چون زبری و خشنی دست های او را احساس کرد از کارگر انصاری پرسید: چرا دست های این چنین کوفته و خشن است؟ سعد گفت: ای رسول خدا! با بیل و طناب کار می کنم و هزینه زندگی خانواده ام را تأمین می کنم. پیامبر دست او را بوسیدند و گفتند: این دستی است که آتش جهنم به آن نخواهد رسید.^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: پاکیزه ترین درآمد کار با دست است.^۳
نکته: کارگری غیر از مزدوری است؛ آدمی هرگز به اجیر شدن و مزدور دیگری بودن ترغیب نشده است. آنچه مورد اهتمام اسلام است، اصل کار کردن است و لازمه آن این است که هرکس برای خود کار کند و در تجارت، صنعت، زراعت، باغداری، دامداری و... مستقل باشد.^۴

۱... أَفْضَلُ مِنْكُمْ مَنْ يَعْمَلُ بِيَدِهِ وَيَأْكُلُ مِنْ كَسْبِهِ (بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۲۷۶).
۲. أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَمَّا أَقْبَلَ مِنْ غَزْوَةِ تَبُوكَ اسْتَقْبَلَهُ سَعْدُ الْأَنْصَارِيِّ، فَصَافَحَهُ النَّبِيُّ ﷺ ثُمَّ قَالَ لَهُ: مَا هَذَا الَّذِي أَكْنَبَ يَدَيْكَ؟ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَضْرِبُ بِالْمَرِّ وَالْمِسْحَاةِ فَأَنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِي، فَقَبِلَ يَدَهُ رَسُولُ اللَّهِ وَقَالَ: هَذِهِ يَدٌ لَا تَمْسُهَا النَّارُ (اسد الغابة، ج ۲، ص ۱۸۵).
۳. أَطْيَبُ الْكَسْبِ عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۱۷۰؛ رك: مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۴).

۴. گاهی اصل کار مشروع نیست، مانند شراب سازی، ترویج فساد و... در این صورت انجام دادن آن کار برای خود یا دیگری گناه و حرام است و گاهی اصل کار جایز است، در این

گزینش کارمندان

امیرمؤمنان علیه السلام در عهدنامه خویش به مالک اشتر درباره گزینش کارمندان و همکاران می نویسد: در استخدام کارمندان و کارگزاران نظر کن. آنها را با آزمودن به کار بگیر و دل بخواهی و بی ضابطه استخدامشان نکن؛ زیرا این دوروش، مجموعه ای از خیانت و ظلم را به همراه دارد.^۱

وظایف کارفرمایان

کارفرما با محاسبه اوضاع کاری و جلب رضای کارگر دو وظیفه دارد: تعیین مزد: رسول خدا ﷺ فرمود: هرگاه خواستید کارگری را به کار بگیرید، مزدش را به او بگویید.^۲

پرداخت به موقع مزد: پیامبر ﷺ فرمود: دستمزد کارگر را پیش از خشکیدن عرق او پردازید.^۳

آثار ظلم به کارگر

نپرداختن تمام حقوق کارگر یا بخشی از آن یا نپرداختن به موقع آن، ظلم به کارگر شمرده می شود و در روایات، تعبیرهایی هشدار دهنده درباره آن آمده است؛ مانند:

← فرض، توصیه آموزه های دین این است هر کس برای خود کار کند و اجیر دیگری شدن کراهت دارد (الفقیه، ج ۳، ص ۱۷۴)؛ مگر این که ضرورت اقتضا کند که در این صورت کار کردن برای دیگری عیبی ندارد.
۱. ثُمَّ انظُرْ فِي أُمُورِ عَمَّا لِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِيَارًا وَلَا تَوَلَّهِمْ مُحَابَاةً وَآثَرَةً، فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شُعَبِ الْعَجُورِ وَالْخِيَانَةِ (نهج البلاغة، نامه ۵۳).
۲. إِذَا اسْتَأْجَرَ أَحَدُكُمْ أَجِيرًا فَلْيُعَلِّمَهُ أَجْرَهُ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۶۷).
۳. أَعْطُوا الْأَجِيرَ أَجْرَهُ قَبْلَ أَنْ يَجِفَّ عَرَقُهُ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۱۷۵).

گناه بزرگ است: پیامبر ﷺ فرمود: ستم به کارگران در پرداختن کارمزد، از گناهان بزرگ است.^۱

موجب عدم آموزش گناهان است: رسول خدا ﷺ فرمود: خدا بخشاینده همه گناهان است، مگر گناه بدعت گذار در دین، غاصب مزد کارگر و آن که آزادی را به بردگی بفروشد.^۲

موجب استحقاق لعنت: رسول خدا ﷺ فرمود: لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر کسی باد که مزد کارگری را نپردازد. خدا در روز قیامت از او هیچ مال و معادلی را نمی پذیرد.^۳

موجب محرومیت از بوی بهشت: در حدیثی آمده است: هرکس به ستم مزد اجیری را نپردازد، خدا اعمالش را باطل کرده، بوی بهشت را بر وی حرام می کند.^۴ البته کسی که از بوی بهشت محروم باشد، از خود بهشت حتماً بی بهره خواهد بود.

۲۷. ارزش و اهمیت مدارا

در فرهنگ اسلامی، مدارا با مردم جایگاه والایی دارد و معصومان ﷺ بر آن تأکید کرده و آن را اساس عقل دانسته اند.

پیامبر ﷺ فرمود: اساس عقل پس از ایمان به خدا، مدارا کردن با مردم است؛ مدارایی که به وانهادن حق نینجامد^۵؛ همچنین فرمود: خدای سبحان

۱. ظَلَمُ الْأَجِيرِ أَجْرَهُ مِنَ الْكِبَائِرِ (بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۷۰).
۲. إِنَّ اللَّهَ غَافِرٌ كُلُّ ذَنْبٍ إِلَّا مَنْ أَحْدَثَ دِينًا أَوْ غَصَبَ أَجْرَهُ أَوْ رَجُلًا بَاعَ حُرًّا (عیون أخبار الرضا ﷺ، ج ۲، ص ۳۳).
۳. مَنْ حَبَسَ أَجِيرًا أَجْرَهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَرْفًا وَعَدْلًا (تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۷۶).
۴. وَمَنْ ظَلَمَ أَجِيرًا أَجْرَهُ أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ وَحَرَّمَ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ (الفقیه، ج ۴، ص ۱۲).
۵. رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ، مُدَارَاةُ النَّاسِ فِي غَيْرِ تَرْكِ حَقِّ (تحف العقول، ص ۴۲).

همان گونه که مرا به ادای واجبات فرمان داد، به مدارا کردن با مردم واداشت.^۱

۲۸. اهمیت امانت داری

پیامبر ﷺ فرمود: به پرشماری نماز، روزه، حج، کار نیک و سر و صدای نماز شب آدمیان ننگرید؛ بلکه به راست گویی و امانت داری آنان بنگرید.^۲

امام موسی کاظم ﷺ فرمود: زمینیان تا آنگاه که به یکدیگر مهر می ورزند و امانت را پاس می دارند، مورد رحمت خدای سبحان اند.^۳

امام صادق ﷺ می فرماید: بر شما باد به ورع، اجتهاد و ادای امانت.^۴ در اهمیت امانت داری همین بس که امام سجّاد ﷺ به اصحاب خویش فرمود: بر شما باد به ادای امانت. اگر قاتل پدرم مرا بر شمشیری که با آن او را کشت امین شمارد، قطعاً به او باز می گردانم.^۵

پیامبر ﷺ فرمود: امانت ها را بازگردانید، هرچند به کشندگان پیامبران.^۶

اجر و پاداش امانت داری

امانتداری از بهترین اعمال صالح است که در احادیث معصومان ﷺ به برخی از آن ثوابها اشاره شده است؛ چنان که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: به

۱. أَمْرُنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمْرُنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ (الكافي، ج ۲، ص ۱۱۷).
۲. لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجِّ وَالْمَعْرُوفِ وَطَنَطْنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ، انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ (الأمالي، صدوق، ص ۳۰۳).
۳. إِنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمَرْحُومُونَ مَا تَحَابُّوا وَأَدَّوْا الْأَمَانَةَ... (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۲).
۴. يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ... (تفسیر العیاشی، ص ۲۸۶).
۵. عَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ؛ فَلَئِنْ قَاتَلَ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ﷺ أَيْدِيَّ السَّيْفِ الَّذِي قَتَلَهُ بِهِ لِأَدَيْتَهُ إِلَيْهِ (الأمالي، صدوق، ص ۵۰۸).
۶. أَدَّوْا الْأَمَانَاتِ وَلَوْ إِلَى قَتَلَةِ الْأَنْبِيَاءِ (تحف العقول، ص ۱۰۴).

راستی نزدیک‌ترین شما به من در قیامت و سزاوارترین شما به شفاعت من، راستگوترین و امانت‌دارترین شماست...^۱

پیامبر ﷺ فرمود: امانت‌داری بی‌نیازی و خیانت فقر می‌آورد.^۲

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام خطاب به اصحاب خود فرمود: آیا خبر دهم به شما... از چیزی که مایه افزایش روزی است؟ اصحاب گفتند: آری، ای امیرمؤمنان. فرمود: امانت‌داری مایه افزایش روزی است.^۳

نشانه ایمان و تقوا

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در معرفی مؤمن فرمود: مؤمن کسی است که مؤمنان او را بر اموال و جان‌هایشان امین شمارند.^۴

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: اهل تقوا نشانه‌هایی دارند که با آنها شناخته می‌شوند... و یکی از آنها ادای امانت است.^۵

کیفر خیانت در امانت

خیانت در امانت پیامدهایی ناگوار و آثاری منفی دارد:

پیامبر ﷺ فرمود: کسی که رهبری جمعی را بر عهده بگیرد، پس آن را با

۱. إِنَّ أَقْرَبَكُمْ مِنِّي غَدًا وَأَوْجِبُكُمْ عَلَيَّ شَفَاعَةً أَصْدَقُكُمْ لِسَانًا وَأَدَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ... (الأمالي، صدوق، ص ۵۰۸).

۲. الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الْغِنَاءَ وَالْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ (قرب الإسناد، ص ۵۵).

۳. أَلَا أُنبئكم... بِمَا يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! قَالَ: ... وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ (جامع الأخبار، ص ۱۲۴).

۴. أَلَا أُنبئكم بِالْمُؤْمِنِ؟ الْمُؤْمِنُ مَنِ اتَّمَمَهُ الْمُؤْمِنُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ (المحاسن، ص ۲۸۵).

۵. لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلَامَاتٌ يُعْرَفُونَ بِهَا... وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ... (كتاب الخصال، ص ۴۸۳).



امانت‌داری و خیرخواهی همراه نکند، رحمت خدا که سراسر هستی را فرا گرفته بر وی تنگ می‌شود؛ همچنین آن حضرت فرمود: آن که امانت‌دار نیست، ایمان ندارد.^۱

۲۹. ارزش و اهمیت نیکوکاری

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خدای متعالی به داود پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام چنین وحی کرد: بنده‌ای از بندگانم در روز قیامت کار نیک می‌آورد، پس او را در بهشت حاکم می‌سازم. داود پرسید: آن کار نیک چیست؟ خدا گفت: اندوهی از مؤمنی می‌زداید، اگر چه با دانه‌ای خرما یا نیمی از آن باشد. داود گفت: شایسته است کسی که تو را بشناسد، امیدش را از تو نبرد.^۲

آداب نیکوکاری

قرآن حکیم پاداش احسان و نیکی را نیکی می‌داند. معنای دقیق آن این است که اگر کسی نسبت به شما نیکی کرد و شما نیز مشابه آن را درباره او روا داشتید، کار شما عدل است نه احسان؛ ولی اگر افزون بر کار او شما دوباره نسبت به او نیکی کنید، کار شما می‌شود احسان که می‌تواند جزای احسان او باشد و این احسان آدابی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. أَيُّمَا رَاعٍ اسْتُرْعِيَ رَعِيَةً فَلَمْ يَحْطُهَا بِالْأَمَانَةِ وَالنَّصِيحَةِ ضَاقَتْ عَلَيْهِ رَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۴۶۶).

۲. ... لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ (الجعفریات، ص ۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۱۹۸).

۳. أَوْحَى اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - إِلَى دَاوُدَ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام: أَنْ يَا دَاوُدُ! إِنَّ عَبْدًا مِنْ عِبَادِي كَيَأْتِيَنِي بِالْحَسَنَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَحْكُمُهُ بِالْجَنَّةِ. فَقَالَ دَاوُدُ: وَمَا تِلْكَ الْحَسَنَةِ؟ قَالَ: كُرْبَةٌ يُفْسِدُهَا عَنْ مُؤْمِنٍ بِقَدْرِ تَمْرَةٍ أَوْ بَشِقِ تَمْرَةٍ، فَقَالَ دَاوُدُ: يَا رَبِّ! حَتَّى لِمَنْ عَرَفَكَ أَنْ لَا يَقْطَعَ رَجَاءَهُ مِنْكَ

(قرب الأسناد، ص ۵۶؛ رك: مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۹۵).

جزای نیکی با نیکی: رسول خدا ﷺ فرمود: چون کسی به شما نیکی کرد، آن را با نیکی جبران کنید. اگر نداشتید سپاسگزار او باشید؛ زیرا سپاسگزاری گونه‌ای از پاداش است.^۱

نیکی به همه: رسول خدا ﷺ فرمود: اوج خردمندی پس از ایمان به خدا دوستی با مردم و نیکوکاری نسبت به هر نیکوکار و بدکار است.^۲

امام رضا علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به همگان، اعم از شایستگان و ناهلان نیکی کنید؛ اگر کسی را نیافتی که درخور و شایسته دریافت نیکی باشد، تو به نیکی کردن سزاوری.^۳

نیکی در برابر بدی: رسول خدا ﷺ فرمود: آیا شما را از بهترین خلق [خصلت] دنیا و آخرت آگاه نکنم؟ درگذشتن از کسی که به شما ظلم کرده است، نیکی و احسان به کسی که به شما بدی کرده و بخشیدن به کسی که از شما دریغ داشته است.^۴

تعجیل، تقلیل و ترک منت: امام صادق علیه السلام فرمود: نیکوکاری کامل نمی‌شود، جز با سه خصلت: شتاب در آن، کم شمردن بسیار آن و منت ننهادن.^۵

۱. مَنْ أَتَىٰ إِلَيْكُمْ مَعْرُوفًا فَكَافِئُوهُ، فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَاتُّنُوهُ، فَإِنَّ الثَّنَاءَ جَزَاءُ (تحف العقول، ص ۴۹).
 ۲. رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ وَاصْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۵).
 ۳. اصْطَنِعِ الْخَيْرَ إِلَى مَنْ هُوَ أَهْلُهُ وَ إِلَى مَنْ هُوَ غَيْرَ أَهْلِهِ؛ فَإِنْ لَمْ تُصِبْ مَنْ هُوَ أَهْلُهُ فَانْتَ أَهْلُهُ (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۵).
 ۴. أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ خَلَائِقِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؟ الْعَمُو عَمَّنْ ظَلَمَكُمْ وَ الْإِحْسَانُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكُمْ وَ إِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَكُمْ (الزهدي، ص ۱۵).
 ۵. لَا يَتِمُّ الْمَعْرُوفُ إِلَّا بِثَلَاثٍ خِلَالٍ: تَعْجِيلُهُ وَ تَقْلِيلُ كَثِيرِهِ وَ تَرْكُ الْاِمْتِنَانِ بِهِ (تحف العقول، ص ۳۲۳).

مخفی بودن: امام صادق علیه السلام فرمود: نیکوکاری به صلاح نمی‌گراید، جز با سه چیز: اندک شمردن آن، مخفی کردن آن و شتاب در آن؛ زیرا آنگاه که تو آن را اندک بشماری، نزد دریابنده بزرگش کرده‌ای و چون آن را بیوشانی آن را به کمال رسانده‌ای و هنگامی که شتاب کردی، گوارایش کرده‌ای.^۱
 امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: هرگاه احسان و نیکی کردی، آن را بپوشان.^۲

پاداش نیکوکاری

خیر دنیا: امیرمؤمنان علیه السلام می‌گفتند: خیری در دنیا نیست، مگر برای دو کس: آن که هر روز بر احسان خود می‌افزاید و کسی که گناهانش را با توبه جبران می‌کند.^۳

جذب دل‌ها: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: هر که احسان و نیکی کند، دل‌ها به سوی وی گرایش یابد.^۴

مصونیت از لغزش: حضرت امیرمؤمنان علیه السلام گفتند: نیکوکاری، آدمی را از سقوطِ خواری‌زا نگاه می‌دارد.^۵

جلوگیری از مرگ بد: حضرت رسول خدا ﷺ گفتند: نیکوکاری از مرگ بد پیش‌گیری می‌کند.^۶

۱. رَأَيْتُ الْمَعْرُوفَ لَا يَصْلُحُ إِلَّا بِثَلَاثٍ خِصَالٍ: تَصْغِيرِهِ وَ تَسْتَبْرَاهُ وَ تَعْجِيلِهِ، فَإِنَّكَ إِذَا صَغَّرْتَهُ عَظَمْتَهُ عِنْدَ مَنْ تَصْنَعُهُ إِلَيْهِ وَ إِذَا سَتَرْتَهُ تَمَمْتَهُ وَ إِذَا عَجَلْتَهُ هَنَأْتَهُ وَ إِنْ كَانَ غَيْرُ ذَلِكَ سَخَفْتَهُ وَ نَكَدْتَهُ (الكافي، ج ۴، ص ۳۰).
 ۲. إِذَا صَنَعْتَ مَعْرُوفًا فَاسْتُرْهُ (غرر الحکم، ص ۳۸۸).
 ۳. إِنَّ عَلِيًّا علیه السلام كَانَ يَقُولُ: لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِأَحَدِ الرَّجُلَيْنِ: رَجُلٍ يَزِدَادُ كُلَّ يَوْمٍ إِحْسَانًا وَ رَجُلٍ يَتَذَارَكُ سَيِّئَةً بِالتَّوْبَةِ (روضه الواعظین، ص ۴۴۸).
 ۴. مَنْ بَدَّلَ مَعْرُوفَهُ مَالَتْ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ (غرر الحکم، ص ۴۴۹).
 ۵. صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تَقِي مَصَارِعَ الْهَرَوَانِ (غرر الحکم، ص ۳۸۶).
 ۶. إِنْ صَنِيعَ الْمَعْرُوفِ لِيُدْفَعُ مِيتَةَ السَّوْءِ (دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۳۳۱).

برکت در خانه: به نقل امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: برکت به سوی خانه‌ای که از آن نیکی می‌تراود، از فرو رفتن کارد در کوهان شتر (که نرم و نفوذپذیر است) و شتاب سیلاب از فراز کوه به عمق دره شتابان‌تر است.^۱

افزایش رزق و آبادی شهرها: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: نیکوکاری و حسن همجواری بر نعمت‌ها می‌افزاید و شهرها را آباد می‌سازد.^۲

عمر طولانی: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: نیکی و خوش خلقی شهرها را آباد می‌کنند و بر عمرها می‌افزایند.^۳

ورود به بهشت: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: خدای سبحان در روز قیامت به فقیران می‌گوید: بنگرید و چهره‌ها را جست‌وجو کنید، پس هر کس به شما نیکی کرده دستش را گرفته و به بهشتش درآورد؛ همچنین گفتند: برداشتن خاشاکی از چهره برادرت ده حسنه و لبخند زدن به رویش يك حسنه دارد و نخستین کسی که به بهشت درمی‌آید، اهل نیکوکاری است.^۴

دوری از آتش جهنم: حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام خطاب به خدا عرض کرد: خدایا! پاداش کسی که آزارش را از مردم باز دارد و به آنان نیکی کند، چیست؟ خدا گفت: ای موسی! در روز قیامت آتش به او خطاب می‌کند: هیچ راهی به سوی تو ندارم.^۵

۱. إِنَّ الْبَرَكَهَ أَسْرَعُ إِلَى الْبَيْتِ الَّذِي يُمْتَارُ مِنْهُ الْمَعْرُوفُ مِنَ الشَّفْرَةِ فِي سَنَامِ الْبَعِيرِ أَوْ مِنَ السَّيْلِ إِلَى مُنْتَهَاهُ (الكافي، ج ۴، ص ۲۹).

۲. الْبِرُّ وَحُسْنُ الْجَوَارِ زِيَادَةٌ فِي الرِّزْقِ وَ عِمَارَةٌ فِي الدِّيَارِ (مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۲۵).

۳. الْبِرُّ وَحُسْنُ الْخُلُقِ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ (الكافي، ج ۲، ص ۱۰۰).

۴. أَنَّ اللَّهَ يَقُولُ لِلْفُقَرَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: انظُرُوا وَ تَصَفَّحُوا وَجُوهَ النَّاسِ، فَمَنْ أَتَى إِلَيْكُمْ مَعْرُوفاً فَخَذُوا بِيَدِهِ وَ أَدْخَلُوهُ الْجَنَّةَ (وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۲۹۱).

۵. نَزَعَكَ الْقَدَاءَ عَنْ وَجْهِ أَخِيكَ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ تَبَسُّمُكَ فِي وَجْهِهِ حَسَنَةٌ وَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَهْلُ الْمَعْرُوفِ (الدعوات، ص ۱۰۸).

۶. قَالَ مُوسَى: إِلَهِي! فَمَا جَزَاءُ مَنْ كَفَّ أَدَاهُ عَنِ النَّاسِ وَ بَدَّلَ مَعْرُوفَهُ لَهُمْ؟ قَالَ: يَا مُوسَى! يُنَادِيهِ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا سَبِيلَ لِي عَلَيْكَ (الأمالي، صدوق، ص ۲۰۸).

محبوب خدا شدن: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر کار نیکی صدقه است و آن که به کار خیری راه‌نمایی می‌کند، همچون فاعل آن است و خدا کمک به بیچاره را دوست می‌دارد.^۱

دعا برای نیکوکاران

امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: حق کسی که به تو نیکی کرده آن است که از او سپاسگزاری کنی و نیکی‌هایش را یاد کنی و از او به نیکی سخن بگویی و در پیشگاه خدا خالصانه دعایش کنی.^۲

پاداش نیکی‌ها

امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: اما حق کسی که به تو نیکی کرده... آن است که اگر می‌توانی، اکنون نیکوکاری او را با نیکی پاداش دهی و چنانچه اکنون نمی‌توانی در کمین فرصتی باش و خود را برای آن آماده ساز.^۳

نیکی به ناهلان

در وصیت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام آمده است: ای علی! چهار چیز تباہ می‌شود: خوردن در حال سیری، افروختن چراغ در فضای روشن، بذرافشانی در زمین شوره‌زار و نیکی به نالایق.^۴

۱. كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ وَ الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ وَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ إِعَانَةَ اللَّهْفَانِ (الكافي، ج ۴، ص ۲۷).

۲. وَ أَمَا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَشْكُرَهُ وَ تَذْكُرُ مَعْرُوفَهُ وَ تَكْسِبُهُ الْمَقَالَةَ الْحَسَنَةَ وَ تُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (الفتاوى، ج ۲، ص ۶۲۲-۶۲۳).

۳. ... ثُمَّ إِنَّ أَمْرًا مَكَافَأَتُهُ بِالْفِعْلِ كَأَفَاتِهِ وَإِلَّا كُنْتَ مُرْصِداً لَهُ مُوطئاً نَفْسَكَ عَلَيْهَا (تحف العقول، ص ۲۶۵).

۴. يَا عَلِيُّ! أَرْبَعٌ يَذْهَبْنَ صَلاَلاً: الْأَكْلُ بَعْدَ الشَّبَعِ وَ السَّرَاجُ فِي الْقَمَرِ وَ الزَّرْعُ فِي الْأَرْضِ السَّيْحَةِ وَ الصَّنِيعَةُ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهَا (تحف العقول، ص ۹).

۳۰. مشارکت با مؤمنان

رسول خدا ﷺ فرمود: مؤمن سراسر سود است؛ اگر همراهش شوی، سودت رساند و اگر با او مشورت کنی، سودت دهد و اگر شریکش شوی، سودت رساند و همه چیز او سودمند است.^۱

شریک صالح

امام سجّاد علیه السلام فرمود: از سعادت مرد آن است که تجارتخانه‌اش در شهر خودش باشد و یاران و شریکانش شایسته باشند.^۲

حقوق شریک

امام سجّاد علیه السلام فرمود: اما حق شریک آن است که در نبودش کفایتش کنی و در بودش مراعاتش کنی و بی‌رأی او تصمیم‌گیری و بی‌مشورت با او عمل نکنی و مالش را حفظ کنی و در امور جزئی و کلی از خیانت پرهیزی؛ زیرا دست [قدرت] خدا با دو شریک است، مادامی که به یکدیگر خیانت نکنند.^۳

۱. الْمُؤْمِنُ مَنفَعَةٌ؛ إِنْ مَاشَيْتَهُ نَفَعَكَ وَإِنْ شَاوَرْتَهُ نَفَعَكَ وَإِنْ شَارَكَتَهُ نَفَعَكَ وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ مَنفَعَةٌ (الجامع الصغير، ج ۲، ص ۶۶۲).

۲. إِنْ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ مَتَجِرُهُ فِي بِلَادِهِ وَيَكُونَ خُلَطَاؤُهُ صَالِحِينَ (الغني، ج ۳، ص ۱۶۴).

۳. ... أَمَّا حَقُّ الشَّرِيكِ فَإِنْ غَابَ كَافِيَتُهُ وَإِنْ حَضَرَ رَعِيَتُهُ وَلَا تَحْكُمُ دُونَ حُكْمِهِ وَلَا تَعْمَلُ بِرَأْيِكَ دُونَ مُنَاطَرَتِهِ وَتَحْفَظُ عَلَيْهِ مَالَهُ وَلَا تَخُنُهُ فِيمَا عَزَّ أَوْ هَانَ مِنْ أَمْرِهِ، فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - عَلَى الشَّرِيكَيْنِ مَا لَمْ يَتَخَاوَنَا (وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۱۷۷).

حقوق همنشین

امام سجّاد علیه السلام می‌فرماید: حقّ کسی که با تو همنشینی و معاشرت دارد آن است که او را نفربیی و به او خیانت نکنی و سخنش را انکار نکرده اغفالش نکنی و مانند دشمنان با او برخورد نکنی. اگر به تو اعتماد کرد، او را بر خود مقدم بداری و بدانی که خیانت کردن برای منفعت‌طلبی به آن که به تو اعتماد کرده، ریاست.^۱

حقوق طلبکار

امام سجّاد علیه السلام درباره حقوق طلبکار فرمود: حقّ طلبکاری که حقّ خود را از تو درخواست می‌کند آن است که اگر داشته باشی به وقت طلب او را پردازی و کارش راه بیاندازی و بی‌نیازش کنی و پاسخ رد به او ندهی و تأخیر نیندازی؛ چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تأخیر بدهی از شخص بی‌نیاز ظلم است و اگر نداری با خوشرفتاری او را راضی کنی و به نیکی مهلت بطلبی و با لطافت او را بازگردانی.^۲

۳۱. اهمیت سودرسانی

رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین مردم کسی است که مردم از او سود ببرند.^۳

۱. ... وَأَمَّا حَقُّ الْخَلِيطِ فَإِنَّ لَا تَعْرَهُ وَلَا تَعُشَّهُ وَلَا تَكْذِبُهُ وَلَا تُغْفَلُهُ وَلَا تَخْدَعُهُ وَلَا تَعْمَلُ فِي انْتِقَاضِهِ عَمَلَ الْعَدُوِّ الَّذِي لَا يَبْقَى عَلَى صَاحِبِهِ وَإِنْ اطمَآنَ إِلَيْكَ اسْتَقْصَيْتَ لَهُ عَلَى نَفْسِكَ وَ عَلِمْتَ أَنَّ عَيْنَ الْمُسْتَرْسِلِ رِيًّا (تحف العقول، ص ۲۶۸).

۲. ... وَأَمَّا حَقُّ الْغَرِيمِ الطَّالِبِ لَكَ فَإِنْ كُنْتَ مُوسِرًا أَوْفَيْتَهُ وَ كَفَيْتَهُ وَ أَعْنَيْتَهُ وَ لَمْ تَرُدَّهُ وَ تَمَطَّلُهُ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَطَّلُ الْغَنِيِّ ظُلْمٌ وَإِنْ كُنْتَ مُعْسِرًا أَرْضَيْتَهُ بِحُسْنِ الْقَوْلِ وَ طَلَبْتَ إِلَيْهِ طَلْبًا جَمِيلًا وَ رَدَدْتَهُ عَنْ نَفْسِكَ رَدًّا لَطِيفًا (تحف العقول، ص ۲۶۷).

۳. خَيْرُ النَّاسِ مَنْ انْتَفَعَ بِهِ النَّاسُ (مشكاة الأنوار، ص ۲۱۲؛ رك: الغني، ج ۴، ص ۳۹۸).

آثار سودرسانی

محبوب و برگزیده خدا شدن: حضرت امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتند: خدا بندگان دارد که برای سودرسانی به بندگان خدا نعمت‌ها را به آنها اختصاص می‌دهد؛ پس مادامی که آن را به دیگران می‌بخشد نعمت‌ها را در دستشان باقی می‌گذارد [و از آنها سلب نمی‌کند] و هرگاه آن را از دیگران بازدارند، از آنان می‌ستاند و به دیگران می‌دهد.^۱

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: محبوب‌ترین مردم نزد خدا کسی است که به خانواده‌اش سود رساند.^۲

بهره‌مندی از ثواب مجاهدان: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرکس برای کمک‌رسانی به برادر مؤمن خود گام بردارد، ثواب جهادگران در راه خدا را دارد.^۳

ثبات قدم در قیامت: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: کسی که در کمک‌رسانی به برادران دینی و دفع زیان یا جلب سود آنان را یاری کند، خدا قدم‌هایش را در روزی که قدم‌ها می‌لغزد ثابت نگه می‌دارد.^۴

۱. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عِبَادًا يَخُصُّهُمْ بِالنِّعَمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ فَيَقْرُهَا فِي أَيْدِيهِمْ مَا بَدَلُوهَا، فَإِذَا مَنَعُوهَا نَزَعَهَا مِنْهُمْ ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِ (بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۸).

۲. أَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْفَعُهُمْ لِعِيَالِهِ (قرب الإسناد، ص ۵۷).

۳. مَنْ مَسَى فِي عَوْنِ أَخِيهِ وَ مَنَعَهُ فَلَهُ ثَوَابُ الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (ثواب الأعمال، ص ۲۸۸).

۴. مَنْ كَانَ وَصُولًا لِإِخْوَانِهِ بِشَفَاعَةٍ فِي دَفْعِ مَغْرَمٍ أَوْ جَرِّ مَعْنَمٍ تَبَّتْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَدَمِيهِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ (وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۳۴۲).



فصل

شهرسازی و شهرداری

۱. چهره شهر اسلامی

درباره شهرسازی اسلامی باید به دو نکته سودمند توجه شود:

أ. اهداف ساختن بناها: در جامعه اسلامی با اهداف مختلف، بناهایی گوناگون ساخته می‌شوند: بناهای شخصی و اماکن عمومی که شامل مراکز فرهنگی، مذهبی، بهداشتی، خدماتی و دولتی مدیریتی است. فایده وجود بناهای شخصی محافظت از سرما و گرما، سلامت ساکنان، تأمین آزادی‌های فردی، حفظ هویت فکری و اعتقادی و به گونه کلی برای آسایش و آرامش است.^۱ حکمت وجود هر يك از بناهای عمومی منافع عمومی مربوط به آن، به این ترتیب است: ترویج دانش و فرهنگ، حفظ و ترویج شعائر دینی، حفظ و گسترش بهداشت، ارائه خدمات به مردم و اداره جامعه و حفظ اهداف نظام اسلامی که باید در چهره عمومی بناها و اماکن شهر، نمایان باشد.

برای دستیابی به این اهداف باید به مبانی و قواعد مربوط به آن توجه

۱. ﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَ مِنْ أَصْوَابِهَا وَ آبَارِهَا وَ أَشْعَارِهَا أَثْنَا وَ مَتْنًا إِلَى حِينٍ * وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْهَا خَلْقَ ظِلَالًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَ جَعَلَ لَكُمْ سَرَبِيلَ تَقِيكُمْ الْحَرَّ وَ سَرَبِيلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ﴾ (سوره نحل، آیات ۸۰ - ۸۱).

شود؛ برای مثال، برای تأسیس بناهای شخصی باید به قاعده «تسلیط» (تسلط هرکس بر اموال خود) توجه شود که محور تأمین آزادی‌های فردی در زندگی شخصی است؛ ولی اگر نتیجه عمل به این قاعده، ضرررسانی به دیگران (مانند همسایگان و عابران) باشد، قاعده عدم اضرار، مقدم بر آن بوده و مانع از نفوذ آن است و آزادی‌های شخصی افراد را محدود می‌کند؛ همچنین برای ساختن اماکن دینی باید به قاعده «لزوم تعظیم شعائر دینی» و نیز به قاعده «حرمت توهین به دین» و زمان و مکان مربوط به دین توجه شود و نیز برای بهره‌گیری از اماکن عمومی لازم است حرمت هر یک از خانم و آقا و نیز حقوق کودک و جوان و میان‌سال و سالمند رعایت شود؛ بنابراین تأسیس بناها و تأمین امکانات بهداشتی، رفاهی آنان باید به گونه‌ای باشد که حریم زن و مرد نامحرم حفظ شود و اصل عدم اختلاط خانم و آقا ملحوظ گردد، حتی در تأسیس و نصب بالابرها در برج‌ها و ساختمان‌های بلند، به گونه‌ای تدبیر شود که حکم اطاق در بسته و خلوت را برای خانم و آقا نامحرم پیدا نکند.

ب. شکل بناها: در نگاه اسلام برای همه زمان‌ها و مکان‌ها شکل یکسان و خاصی برای تأسیس بناها معین نشده است؛ بلکه مناسب است براساس اوضاع زمانی و مکانی و تأمین اهداف مورد نظر اسلام، بناها تأسیس شوند؛ از همین‌رو در حدیثی از پیامبر ﷺ چنین آمده است: شهرهایتان را به لحاظ مکان و نمای زیبا به گونه‌ای بسازید که چشم‌نواز بوده و چشم‌انداز داشته باشد.^۱

۱. وَ ابْنُوا مَدَائِنَكُمْ مُشْرِفَةً (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۱۳) واژه مشرفه، در لغت این‌گونه معنا شده است: ذَاتَ شَرَفٍ، أي ذات قدر و قيمة و رفعة یرفع الناس أبصارهم للنظر إليها و یستشرفونها (النهاية، ابن اثیر، ج ۲، ص ۴۶۱).

۲. شهرداری (خدمات عمومی)

نگهداری شهر و روستا با ارائه خدمات عمومی از نیازهای عمومی جامعه است که در فرهنگ اسلام به آن توجه شده است. هرچند یکی از موارد صرف مالیات‌های واجب (خمس و زکات) و اموال عمومی، خدمات عمومی است، تأمین این هزینه از سوی افراد، از کارهای خیر و صدقات جاری دانسته شده و بر پاداش دنیوی و اخروی آن در آیات و روایات تأکید شده است. برای تأمین هزینه مواردی چون مراکز علمی، فرهنگی، عبادی، بهداشتی و درمانی و همچنین برای تأسیس اماکن عمومی چون خیابان، پل و پارکینگ پاداش‌هایی در روایات آمده است که در این فصل به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود.

البته در گذشته چیزهایی در سفر و حضر مورد نیاز مردم بوده که امروزه موضوع آنها دگرگون و عناوین دیگری جایگزین آنها شده است، گرچه تغییر موضوع در این موارد، اثری در حکم ندارد؛ چنان‌که در گذشته کاروانسراها مورد نیاز مردم بوده و تأسیس آنها از مصادیق خیر شمرده می‌شد و امروزه استراحتگاه‌های بین راهی با امکانات مناسب و توقفگاه‌ها در شهر و روستا و همچنین اماکن مشابه مورد نیازند و خیرات به شمار می‌آیند.

اموال بیت المال یا اموال عمومی

اموالی که در بیت المال انباشته شود، مجموع درآمدهای عمومی، مانند زکات، خمس، فیه، انفال، مالیات، خراج، جزیه و مانند آن است که از ثروت‌های عمومی به شمار می‌آید و نگهداری آن بر عهده نظام اسلامی است. در مصرف آن نیز نظام اسلامی افزون بر نیازهای دفاعی و هزینه‌های اجرایی خود به خدمات عمومی جامعه توجه می‌کند و به ساختن اماکن رفاهی، کوچه

و خیابان، بوستان، تأمین روشنایی، آب‌رسانی، تأسیس مراکز آموزشی، فرهنگی، عبادی، بهداشتی و... می‌پردازد که هر یک در رفع نیازهای مادی و معنوی شهروندان تأثیر به‌سزایی دارد و با این درآمدهای عمومی و هزینه کردن آنها، چهره شهر اسلامی به فضایی مطلوب بدل می‌شود؛ از این‌رو بخشی از خدمات عمومی در شهر و روستا از درآمد عمومی تأمین می‌شود که پرداخت آن الزامی است. در فرهنگ اسلامی به اموال بیت المال و ثروت‌های عمومی و نگهداری و کیفیت هزینه کردن آن، اهتمام زیادی داده شده است.

بهره‌گیری از اموال بیت المال مقررات خاص خود را دارد. توزیع عادلانه اموال عمومی از حکمت‌های وجودی تشکیل حکومت و قوه مجریه است و هیچ کس بدون استحقاق، حق بهره‌گیری شخصی از آن را ندارد؛ بدین جهت شارع مقدس قوانین شدیدی برای پیشگیری از سوء استفاده از اموال عمومی وضع کرده و مراقبت بیشتر از آن را از مسؤولان خواسته است. رهنمودهای اسلام و پیشوایان دین درباره اهمیت و تقسیم عادلانه اموال عمومی، بیش از آن است که در اینجا بتوان بدان پرداخت. تنها به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

دقت در مصرف اموال عمومی

امیرمؤمنان علیه السلام به فرمانداران خود نوشت که نوک قلم‌های خود را باریک کنند و از فاصله سطرها بکاهند و جملات غیر لازم را حذف کنند و اصل مطلب را با عباراتی کوتاه بنویسند و از قلم‌فرسایی پرهیزند؛ زیرا اموال مسلمانان زیان رساندن را بر نمی‌تابد.^۱

۱. انَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام كَتَبَ إِلَى عَمَّالِهِ: أَدِفُوا أَقْلَامَكُمْ وَقَارِبُوا بَيْنَ سَطْرِكُمْ وَاحْذَرُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ وَاقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي وَإِيَّاكُمْ وَالْإِكْتَارَ، فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ (كتاب الخصال، ص ۳۱۰).

امیرمؤمنان علیه السلام در عهدنامه به مالک اشتر علت اهتمام و دقت در صرف اموال بیت المال را شرکت و سهامداری عمومی دانسته، می‌فرماید: ... پرهیز از اینکه چیزی را که همه مردم در آن سهیم‌اند به خود یا کسانی خاص اختصاص دهی [و در اختیار آنان بگذاری].^۱

در سخنی دیگر به برخی از موارد اموال عمومی اشاره کرده و فرمود: مسلمانان در سه چیز با یکدیگر شریک‌اند: گیاهان صحرا (مراتع)، آب و آتش [انرژی].^۲

استفاده از اموال شخصی نه از بیت المال

پرهیز از تصرف در اموال بیت المال به قدری مهم است که حتی به پیامبران علیهم السلام نیز توصیه شده که از آن پرهیزند؛ امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: خدا به حضرت داود علیه السلام وحی کرد که تو بنده خوبی هستی؛ ولی از اموال بیت المال بهره می‌بری و با دست خود کار نمی‌کنی. آن حضرت گفت: داود چهل روز گریست و خدا آهن را برای وی نرم کرد و هر روز یک زره جنگی می‌بافت و به هزار درهم می‌فروخت... و بدین‌گونه داود از بیت المال بی‌نیاز شد.^۳



۱. وَمِنْ كِتَابِ لَهُ علیه السلام كَتَبَهُ لِلْأَشْتَرِ النَّخَعِيِّ لَمَّا وُلَاهُ عَلَى مِصْرَ: ... إِيَّاكَ وَالْأَسْتِثْنَاءَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أُسْوَةٌ (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۲. الْمُسْلِمُونَ شُرَكَاءُ فِي ثَلَاثَةٍ: فِي الْكَلَاءِ وَالْمَاءِ وَالنَّارِ (الجامع الصغير، ج ۲، ص ۶۶۸).

۳. أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ علیه السلام أَنَّكَ نِعِمَّ الْعَبْدُ لَوْلَا أَنَّكَ تَأْكُلُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ وَلَا تَعْمَلُ بِيَدِكَ شَيْئًا. قَالَ: فَبَكَى دَاوُدُ علیه السلام أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى الْحَدِيدِ أَنْ لِي لِعَبْدِي دَاوُدَ، فَأَلَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْحَدِيدَ، فَكَانَ يَعْمَلُ كُلَّ يَوْمٍ دِرْعًا فَيَبِيعُهَا بِأَلْفِ دِرْهَمٍ، فَعَمِلَ ثَلَاثِمِائَةَ وَسِتِّينَ دِرْعًا فَبَاعَهَا بِثَلَاثِمِائَةِ وَسِتِّينَ أَلْفًا وَاسْتَعْنَى عَنِ بَيْتِ الْمَالِ (الكافي، ج ۵، ص ۷۴).

ویژگی‌های خزانه‌دار اموال عمومی (بیت المال)

با توجه به اهمیت حفظ اموال عمومی، لازم است متصدی آن نیز فردی مورد اعتماد باشد. امیرمؤمنان علی سَلَّمَ به هر یک از کارگزاران زکات و اموال عمومی می‌نویسد: کسی را بر اموال مردم نگمار، مگر اینکه به دین‌داری او اعتماد داشته باشی؛ کسی که با اموال مسلمانان با رفق و ملایمت رفتار کند و به دست سرپرست آنان برساند تا وی میان همه قسمت کند و جز افراد خیرخواه و مهربان و امین را بر بیت المال نگمار.^۱

مصارف بیت المال

حفظ اموال بیت المال لازم و تصرف نابجا در آن ممنوع است؛ ولی در مواردی هزینه کردن آن ضرورت دارد؛ مانند پرداخت حقوق مأموران اجرایی، نظامی، دفاعی و قضایی و هزینه زندگی نیازمندان، یتیمان، و خدمات عمومی. امیرمؤمنان علی سَلَّمَ فرمود: حکومت ناچار از فرمان‌رواست و حقوق او را باید پردازد، نیازمند عریف [مسئول نظم و امنیت عمومی] است و حقوق او را باید پردازد و حسابدار لازم دارد و حقوق او را باید پرداخت کند و به قاضی نیاز دارد و حقوق او را باید از بیت المال پردازد و نهادن حقوق قاضی بر عهده کسانی که او برای آنان قضا و داوری می‌کند، خوشایند نیست.^۲

۱. وَ لَا تَأْتِنَنَّ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ تَبُوْا بِدِينِهِ رَافِقًا بِمَالِ الْمُسْلِمِيْنَ حَتَّى يُوْصَلَهُ إِلَىٰ وَلِيِّهِمْ فَيَقْسِمَهُ بَيْنَهُمْ وَ لَا تُوَكَّلْ بِهَا إِلَّا نَاصِحًا شَفِيْقًا وَ اَمِيْنًا حَفِيْظًا (نهج البلاغه، نامه ۲۵).

۲. لَا بُدَّ مِنْ اِمَارَةٍ وَ رِزْقٍ لِلْاَمِيْرِ وَ لَا بُدَّ مِنْ عَرِيْفٍ وَ رِزْقٍ لِلْعَرِيْفِ وَ لَا بُدَّ مِنْ حَاسِبٍ وَ رِزْقٍ لِلْحَاسِبِ وَ لَا بُدَّ مِنْ قَاضٍ وَ رِزْقٍ لِلْقَاضِي وَ كَرِهَ اَنْ يَكُوْنَ رِزْقُ الْقَاضِي عَلٰى النَّاسِ الَّذِيْنَ يَفْضِيْ لَهُمْ وَ لَكِنْ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ (دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۵۳۸).

حبيب بن ابی‌ثابت درباره مصرف بیت المال برای یتیمان می‌گوید: از همدان و حلوان (نزدیک بغداد) برای امیرمؤمنان سَلَّمَ عسل و انجیر آوردند. آن حضرت به نقیبان و بزرگان اصحابش فرمان داد تا یتیمان را حاضر کنند. سپس سر مشک‌های عسل را در اختیار آنان گذاشت تا از آن استفاده برند و خود عسل‌ها را میان مردم قسمت می‌کرد. به حضرت عرض شد: چرا باید یتیمان از سر مشک‌های عسل با انگشت بردارند و بلیسند؟ پاسخ دادند: امام، پدر یتیمان است و من به حساب پدرها روا داشتم که با انگشت بخورند.^۱

البته رعایت عاطفه آمیخته با مراعات بهداشت خواهد بود و امام سَلَّمَ هم چنین کرده است.

آثار تصرف بیهوده در بیت المال

پیامبر اکرم سَلَّمَ فرمود: زمانی که امت من غنایم را ثروت خود و امانت را غنیمت خود و صدقه را زیان بشمارند و مرد از همسر خود اطاعت و از مادر خویش نافرمانی کند و به دوستان خود نیکی و به پدر جفا کند و در مساجد صدا بلند شود، بلا بر آنان نازل می‌شود.^۲

رسول خدا سَلَّمَ فرمود: پنج گروه مورد لعن من و هر پیامبر مستجاب الدعوه‌اند: کسی که بر کتاب خدا بیفزاید، آن که سنت مرا ترك کند،

۱. جَاءَ اِلَى اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ سَلَّمَ عَسَلٌ وَ تَيْنٌ مِنْ هَمْدَانَ وَ حُلُوَانَ فَامَرَ الْعُرَفَاءَ اَنْ يَأْتُوْا بِالْيَتَامَى فَامْكَنَهُمْ مِنْ رُءُوسِ الْاَرْقَاقِ يَلْعَقُوْنَهَا وَ هُوَ يَقْسِمُهَا لِلنَّاسِ قَدْحًا قَدْحًا، فَقِيْلَ لَهُ: يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ! مَا لَهُمْ يَلْعَقُوْنَهَا؟ فَقَالَ: اِنَّ الْاِمَامَ اَبُو الْيَتَامَى وَ اِنَّمَا اَلْعَقْتُهُمْ هَذَا بِرِعَايَةِ الْاَبَاءِ (الكافي، ج ۱، ص ۴۰۶).

۲. اِذَا عَمِلْتَ اُمَّتِيْ خَمْسَ عَشْرَةَ حَخْصَلَةً حَلَّ بِهِمُ الْبَلَاءُ: اِذَا كَانَ الْفِيءُ دَوْلًا وَ الْاَمَانَةُ مَغْنَمًا وَ الصَّدَقَةُ مَغْرَمًا وَ اطَاعَ الرَّجُلُ امْرَاَتَهُ وَ عَصَى اُمَّةً وَ بَرَّ صَدِيْقَهُ وَ جَفَا اَبَاهُ وَ اَرْتَفَعَتِ الْاَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ ... (ارشاد القلوب، ص ۷۱).

کسی که قَدَرِ الهی را تکذیب کند، آن که حلال شمرد از عترت من چیزی را که خدا حرام کرده است و کسی که اموال عمومی را به خود اختصاص دهد و آن را برای خویش حلال شمارد.^۱

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: ... باران‌ها زمین را سیراب می‌کند... و به سبب آنها... در بسیاری از سرزمین‌ها زحمت آبرسانی از نقطه‌ای به نقطه دیگر برطرف می‌شود. درگیری‌ها و ستم‌هایی که از این راه پیش می‌آید نیز از میان می‌روند، مگر هنگامی که صاحبان جاه و قدرت آب را (آب بارانی که از رحمت الهی و اموال عمومی است) به خود اختصاص دهند و ضعیفان را از آن محروم سازند.^۲

۳. برخی از مصادیق خدمات عمومی

أ. صدقه و کمک مالی برای رفع نیازهای مردم

اسلام با تدبیری ویژه نیاز نیازمندان جامعه را از راه صدقه، وقف، کفارات و مانند آنها تأمین و اساس خدمت‌رسانی به مردم مستمند را نهادینه و استوار کرده و بدین وسیله به تأمین حداقلی هزینه زندگی محرومان و آسیب‌پذیران جامعه پرداخته است.

صدقه و یاری مادی و معنوی به نیازمندان و تهی‌دستان وظیفه شرعی همه مردم به ویژه ثروتمندان است. در روایات آثار فردی و اجتماعی دنیوی و نیز

۱. حَمْسَةٌ لَعْنَتُهُمْ وَ كُلُّ نَبِيٍّ مَجَابٍ: الزَّائِدُ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ التَّارِكُ لِسُنَّتِي وَ الْمُكَذِّبُ بِقَدْرِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَجِلُّ مِنْ عَتْرَتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ الْمُسْتَأْثِرُ بِالْفَيْءِ وَ الْمُسْتَجِلُّ لَهُ (الكافي، ج ۲، ص ۲۹۳).
 ۲. ... فَلَا مَطَارَ هِيَ الَّتِي تُطَبُّ الْأَرْضَ... وَ بِهَا يَسْقُطُ عَنِ النَّاسِ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْبُلْدَانِ مَوْوَنَةٌ سِيَاقِ الْمَاءِ مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ وَ مَا يَجْرِي فِي ذَلِكَ بَيْنَهُمْ مِنَ التَّشَاوُجِ وَ التَّظَالُمِ حَتَّى يَسْتَأْثِرَ بِالْمَاءِ ذَوُو الْعِزَّةِ وَ الْقُوَّةِ وَ يُحْرِمَهُ الضُّعَفَاءُ (توحيد المفضل، ص ۱۴۹-۱۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۳، ص ۱۲۶).

پادشاه‌های اخروی فراوانی برای صدقه و کمک‌های مردمی بیان شده است. صدقه سرمایه ایمان، تجارت پرسود، بهترین وسیله نیکوکاری، سپری در برابر آتش، مایه رفع بلا و گرفتاری، وسیله روزی تهی‌دستان و آزمون ثروتمندان و... شمرده شده که در اینجا به پاره‌ای از روایات و پیام آنها و سیره عملی پیشوایان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام اشاره می‌شود:

ارزش صدقه

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام نقل کرد: روزی دیناری صدقه دادم. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ به من فرمود: آیا می‌دانی صدقه از دست مؤمن بیرون نمی‌رود مگر اینکه او با آن، از دهان (دام) هفتاد شیطان رها می‌شود؟ صدقه تا در دست پروردگار متعالی قرار نگیرد، به دست سائل نمی‌رسد. مگر این آیه نمی‌گوید: آیا نمی‌دانند که خدا توبه بندگان را می‌پذیرد و صدقات آنان را دریافت می‌کند؟^۱

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: بهترین مال و بهترین اندوخته هر کس صدقه اوست؛^۲ همچنین گفتند: زمین قیامت سراسر آتش است، جز زیر سایبان صدقه.^۳

زمان صدقه

صدقه در همه زمان‌ها خوب و مؤثر است؛ لیکن در برخی زمان‌ها اثری ویژه دارد که به آنها توصیه شده است؛ مانند:

۱. تَصَدَّقْتُ يَوْمًا بدينارٍ، فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ: أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ صَدَقَةَ الْمُؤْمِنِ لَا تَخْرُجُ مِنْ يَدِهِ حَتَّى يُفَكَّ بِهَا عَنْ لَحْيَيْ سَبْعِينَ شَيْطَانًا وَ مَا تَقَعُ فِي يَدِ السَّائِلِ حَتَّى تَقَعَ فِي يَدِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى. أَلَمْ يَقُلْ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَ يَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ﴾ [سوره توبه، آیه ۱۰۴] ... (تفسير العياشي، ج ۲، ص ۱۰۷).
 ۲. خَيْرُ مَالِ الْمَرْءِ وَ ذَخَائِرِهِ الصَّدَقَةُ (عيون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۲، ص ۶۱).
 ۳. أَرْضُ الْقِيَامَةِ نَارٌ مَا خَلَا ظِلُّ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّ صَدَقَتَهُ تُظِلُّهُ (الكافي، ج ۴، ص ۳).

پیش از غذا: امیرمؤمنان علیه السلام در وصیت به امام حسن علیه السلام به هنگام شهادت فرمود: هرگز طعام نخور، مگر اینکه از همان طعام صدقه داده باشی...^۱

آغاز صبح و شب: امام صادق علیه السلام فرمود: روزتان را با صدقه آغاز کنید؛ زیرا بلاها صدقه را پیشی نمی‌جویند، کسی که ابتدای روز صدقه بدهد، خدا شری را که از آسمان در آن روز نازل می‌شود از او دفع می‌کند و اگر در آغاز شب صدقه بدهد، خدا شر آنچه در آن شب از آسمان فرود می‌آید از او دفع می‌کند.^۲

همان گرامی علیه السلام فرمود: هر کس صدقه صبحگاهی بدهد، خدا نحوست آن روز را از او برطرف می‌گرداند.^۳

روز جمعه: حضرت امام صادق علیه السلام گفتند: پدرم در میان خاندانش از همه کم درآمدتر و پرهزینه‌تر بود؛ ولی همواره روز جمعه یک دینار صدقه می‌دادند و می‌گفتند: صدقه روز جمعه به سبب فضیلت آن روز افزون‌تر از دیگر ایام است.^۴

۱. ... ثُمَّ إِنِّي أَوْصِيكَ يَا حَسَنُ ... وَلَا تَأْكُلَنَّ طَعَامًا حَتَّى تَصَدَّقَ مِنْهُ قَبْلَ أَكْلِهِ (الأمالي، مفید، ص ۲۲۱-۲۲۲).

۲. بَاكُرُوا بِالصَّدَقَةِ، فَإِنَّ الْبَلَاءَ لَا تَنْخَطِّأَهَا وَمَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ أَوَّلَ النَّهَارِ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ شَرَّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، فَإِنْ تَصَدَّقَ أَوَّلَ اللَّيْلِ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ شَرَّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ (الفتاوى، ج ۲، ص ۶۷).

۳. مَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ إِذَا أَصْبَحَ دَفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ نَحْسَ ذَلِكَ الْيَوْمِ (الفتاوى، ج ۲، ص ۲۶۹).

۴. كَانَ أَبِي أَقْلَ أَهْلِ بَيْتِهِ مَالًا وَأَعْظَمَهُمْ مَثْوَةً. قَالَ: وَكَانَ يَتَصَدَّقُ كُلَّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ بَدِينَارٍ وَكَانَ يَقُولُ: الصَّدَقَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ تُضَاعَفُ لِفَضْلِ الْجُمُعَةِ عَلَى غَيْرِهِ مِنَ الْأَيَّامِ (ثواب الأعمال، ص ۱۸۵).

امام صادق علیه السلام درباره مردی که قصد کار نیکی چون صدقه، روزه و مانند آن داشت، چنین فرمود: پسندیده است که کار خیر خود را روز جمعه انجام دهد؛ چون کار خیر در روز جمعه دو برابر پاداش دارد.^۱

ابتدای سفر: حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام درباره کراهت سفر در برخی از روزها پرسید. امام علیه السلام فرمود: سفرت را با صدقه آغاز کن و [در آغاز سفر یا در مسیر] هرگاه یادت آمد آیه الکرسی را بخوان.^۲

راوی می‌گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه یکی از شما از سرایش بیرون می‌رود، صدقه‌ای بدهد و بگوید:

اللَّهُمَّ أَظْلِنِي مِنْ تَحْتِ كَنَفِكَ وَهَبْ لِي السَّلَامَةَ فِي وَجْهِي هَذَا ابْتِغَاءَ السَّلَامَةِ وَالْعَافِيَةِ وَالْمَغْفِرَةِ وَصَرِّفْ أَنْوَاعَ الْبَلَاءِ. اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُ لِي أَمَانًا فِي وَجْهِي هَذَا وَحِجَابًا وَسِتْرًا وَمَانِعًا وَحَاجِزًا مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمَحْدُورٍ وَجَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ، إِنَّكَ وَهَّابٌ جَوَادٌ مَاجِدٌ كَرِيمٌ؛ خدایا! مرا در سایه حمایت خود پناه ده و به من در این مسیر و مقصود سلامت بده. این [صدقه] برای درخواست سلامت، عافیت، آموزش و بازگرداندن بلاهای گوناگون است. خدایا! پس آن را برای من سبب امنیت در همین مسیر و حجاب و پوشش و مانع و بازدارنده از هر ناخوشایند و خطر و تمام بلاها قرار بده؛ چرا که تو بخشنده گشاده دست با عظمت و بزرگواری هستی.

وقتی آن صدقه را دادی و این دعا را خواندی، همواره در پناه صدقه‌ات هستی و بلایی از آسمان نازل نمی‌شود، جز آنکه صدقه‌ات آن را از تو برطرف می‌کند و نیز بلایی از پیش رو برایت پیش نمی‌آید، مگر آنکه صدقه آن را بازمی‌گرداند و هیچ موجود مودی زمینی از سمت‌های گوناگون قصد اذیت تو

۱. فِي الرَّجُلِ يُرِيدُ أَنْ يَعْمَلَ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ مِثْلَ الصَّدَقَةِ وَالصَّوْمِ وَنَحْوِ هَذَا، قَالَ: يُسْتَحَبُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَإِنَّ الْعَمَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يُضَاعَفُ (الفتاوى، ج ۱، ص ۴۲۳).

۲. افْتَبِحْ سَفْرَكَ بِالصَّدَقَةِ وَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ إِذَا بَدَأَ لَكَ (الكافي، ج ۴، ص ۲۸۳).

را نمی‌کند، جز اینکه صدقه آن را در هم می‌شکند.^۱

وقت افطار: امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس هنگام افطار با یک گرده نان نیازمندی را صدقه دهد، خدا گناهِش را می‌آمرزد و برای او ثواب آزادی برده‌ای از نسل حضرت اسماعیل علیه السلام می‌نویسد.^۲

در ماه رجب: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیدند: کسی بر اثر ضعف یا بیماری یا بانویی که [بر اثر عادت ماهیانه] نمی‌تواند روزه ماه رجب بگیرد، چه کند تا به ثواب آن دست یابد؟ فرمود: هر روز [به اندازه] یک گرده نان به مسکین صدقه بدهد. سوگند به کسی که جانم در قبضه قدرت اوست، هرگاه کسی این گونه صدقه بدهد به ثواب روزه ماه رجب، بلکه بیشتر دست می‌یابد، به گونه‌ای که اگر همه خلق از آسمانیان و زمینیان برای محاسبه ثوابش گرد هم آیند به محاسبه یک دهم فضیلت‌ها و درجات بهشتی آن راه نمی‌یابند.^۳

در ماه شعبان: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در ماه شعبان صدقه دهد، خدا صدقه‌اش را می‌پروراند؛ چنان‌که یکی از شما بچه حیوان از شیر

۱. إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ مِنْ مَنْزِلِهِ فَلْيَتَصَدَّقْ بِصَدَقَةٍ وَ لْيُقِلْ: ... فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ وَ قُلْتَهُ لَمْ تَرَلْ فِي ظِلِّ صَدَقَتِكَ مَا تَرَلْ بَلَاءٍ مِنَ السَّمَاءِ إِلَّا وَ دَفَعَهُ عَنْكَ وَ لَا اسْتَقْبَلَكَ بَلَاءٌ فِي وَجْهِكَ إِلَّا وَ صَدَمَهُ عَنْكَ وَ لَا أَرَادَكَ مِنْ هَوَامِّ الْأَرْضِ شَيْءٌ مِنْ تَحِيكَ وَ لَا عَنْ يَمِينِكَ وَ لَا عَنْ يَسَارِكَ إِلَّا وَ قَمَعَتَهُ الصَّدَقَةُ (بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۳۰۵).

۲. مَنْ تَصَدَّقَ وَ قَتَ إِفْطَارِهِ عَلَى مَسْكِينٍ بِرَغِيفٍ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذَنْبَهُ وَ كَتَبَ لَهُ ثَوَابَ عِتْقِ رَقَبَةٍ مِنْ وَ لِدِ إِسْمَاعِيلَ (فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۹۶؛ وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۱۶).

۳. قِيلَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ! فَمَنْ عَجَزَ عَنْ صِيَامِ رَجَبٍ لِضَعْفٍ أَوْ لِعَلَّةٍ كَانَتْ بِهِ أَوْ امْرَأَةً غَيْرَ طَاهِرٍ يَصْنَعُ مَا ذَا لِيَنَالَ مَا وَصَفْتَ؟ قَالَ: يَتَصَدَّقُ كُلُّ يَوْمٍ بِرَغِيفٍ عَلَى الْمَسْكِينِ وَ الَّذِي تَفْسِي بِيَدِهِ، إِنَّهُ إِذَا تَصَدَّقَ بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ كُلُّ يَوْمٍ يَنَالَ مَا وَصَفْتُ وَ أَكْثَرَ، إِنَّهُ لَوِ اجْتَمَعَ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ كُلُّهُمْ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ عَلَى أَنْ يَقْدَرُوا قَدْرَ ثَوَابِهِ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ مَا بَلَغُوا عَشْرَ مَا يُصِيبُ فِي الْجَنَانِ مِنَ الْفَضَائِلِ وَ الدَّرَجَاتِ (الأمالي، صدوق، ص ۵۳۹ - ۵۴۰).

گرفته خود را پرورش می‌دهد، تا در قیامت آن را در حالی دریافت می‌کند که صدقه او همانند کوه احد بزرگ شده است.^۱

در ماه رمضان: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس در ماه رمضان صدقه‌ای بدهد، خدا او را می‌آمرزد.^۲

مصادیق صدقه

صدقه مصادیق فراوانی دارد. برخی از آنها عبارت‌اند از:

کار خوب: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کار خوبی صدقه است. آنچه آدمی با آن آبروی خود را نگه دارد، برای او صدقه نوشته می‌شود.^۳

آبرسانی و آب‌دهی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین کاری که از نمونه‌های صدقه است، آبرسانی است و بهترین چیزی که می‌توان صدقه داد، آب است.^۴

نکته: آبیاری مزرعه و باغ و سیراب کردن گیاه و حیوان و انسان به عنوان «سقی الماء» از برجسته‌ترین مصادیق صدقه است و نیز مطلق آب دادن خواه برای نوشیدن، خواه برای پرورش گیاه خواه برای شست‌وشو و خواه برای بنایی و مانند آن باشد، همگی به عنوان «صدقه الماء» از بهترین مصادیق صدقه است.

شنواندن ناشنوا: امام صادق علیه السلام فرمود: شنواندن سخن به ناشنوا بی‌اظهار ناراحتی و درهم کشیدن چهره، صدقه‌ای گواراست.^۵

۱. مَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فِي شَعْبَانَ رَبَّاهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ كَمَا يُرَبِّي أَحَدُكُمْ فَصِيلَهُ حَتَّى يُوْفِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ قَدْ صَارَتْ لَهُ مِثْلَ أُحُدٍ (الأمالي، صدوق، ص ۶۲۸).

۲. مَنْ تَصَدَّقَ فِي هَذَا الشَّهْرِ بِصَدَقَةٍ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ (الأمالي، صدوق، ص ۵۴).

۳. كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ. مَا وَفَى بِهِ الْمَرْءُ عَرَضَهُ كُتِبَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ (الدعوات، ص ۱۰۷).

۴. أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ سَقْيُ الْمَاءِ وَ أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ صَدَقَةُ الْمَاءِ (بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۶۹).

۵. إِسْمَاعُ الْأَصَمِّ مِنْ غَيْرِ تَصَجُّرٍ صَدَقَةٌ هَيِّئَةً (نواب الأعمال، ص ۱۳۹-۱۴۰).

نشر علم: پیامبر ﷺ فرمود: مردم چیزی همانند دانشی که آن را می‌گسترند، صدقه نمی‌دهند.^۱

مدارا با مردم: پیامبر ﷺ فرمود: مدارا کردن با مردم صدقه است.^۲

نکته: چون هر يك از این روایات در صدد بیان يك مصداق است، نه آنکه صدقه منحصر به آن باشد، به همین جهت تعارضی بین آنها نخواهد بود.

آداب صدقه

قصد قربت: پیامبر ﷺ به امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ وصیت کرد: ای علی! در سخن گفتن سودی نیست، مگر با عمل. صدقه بی نیت [خالص] نیز سودی ندارد.^۳

صدقه از پاکیزه‌ترین مال: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره آیه ﴿أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ﴾^۴ فرمود: در دوران جاهلیت مردم درآمدهایی ناروا و ناپاک داشتند. وقتی اسلام آوردند، خواستند با صدقه دادن مالشان را پاک کنند. خدای بزرگ پذیرفت، مگر صدقه‌ای را که از پاکیزه‌ترین درآمد آنان باشد؛^۵ زیرا مهم‌ترین وظیفه درباره مال ناپاک، برگرداندن آن به صاحب اصلی آن است.

صدقه با دست خود: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره برترین صدقه پرسیدند. فرمود: صدقه دهی در حالی که سالم و آزمند و امیدوار به دوام زندگی باشی و

۱. مَا تَصَدَّقَ النَّاسُ بِصَدَقَةٍ مِثْلَ عِلْمٍ يُنْشَرُ (منیة المرید، ص ۱۰۵).

۲. مُدَارَاةُ النَّاسِ صَدَقَةٌ (روضه الواعظین، ص ۳۸۰).

۳. يَا عَلِيُّ! لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ... وَلَا فِي الصَّدَقَةِ إِلَّا مَعَ النَّيَّةِ (الفضیه، ص ۴۴۲).

۴. سوره بقره، آیه ۲۶۷.

۵. فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ﴾ فَقَالَ: كَانَ الْقَوْمُ قَدْ كَسَبُوا مَكَايِبَ سُوءٍ فِي الْجَاهِلِيَّةِ، فَلَمَّا أَسْلَمُوا أَرَادُوا أَنْ يُخْرِجُوهَا مِنْ أَمْوَالِهِمْ لِيَتَصَدَّقُوا بِهَا، فَأَبَى اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - إِلَّا أَنْ يُخْرِجُوا مِنْ أَطْيَبِ مَا كَسَبُوا (الكافي، ج ۴، ص ۴۸).

از تهیدستی بهراسی. صدقه را به تأخیر مینداز تا آنگاه که نفس به حلقوم رسید، بگویی: این برای فلان و این برای بَهمان...^۱

صدقه پنهانی: از پیامبر ﷺ درباره صدقه برتر پرسیدند. فرمود: کمک پنهانی به تهی دست به هنگام تنگدستی.^۲

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرمود: صدقه پنهانی گناه و خطا را می‌زداید و خشم پروردگار را فرو می‌نشانند.^۳

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: چهار چیز از گنج‌های نیکی است: پنهان کردن نیاز، پنهان کردن صدقه، پنهان کردن درد و رنج و پنهان کردن مصیبت و گرفتاری.^۴

آزمودن قناعت فقیر: حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتند: پدرم این‌گونه بود که در مواردی درخواست کننده را می‌آزمود تا قناعت او را دریابد و چون سائل نزد وی می‌آمد، سر گوسفند [قربانی] را به وی می‌داد. اگر می‌پذیرفت، به وی می‌فرمود: آن را بگذار و از گوشت [قربانی] به وی می‌داد؛ اما اگر نمی‌پذیرفت او را رها می‌کرد و چیزی به او نمی‌داد.^۵

۱. سُئِلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: أَنْ تَتَصَدَّقَ وَأَنْتَ صَاحِبٌ سَاحِحٌ تَأْمَلُ الْبَقَاءَ وَتَخَافُ الْفَقْرَ وَلَا تُمَهِّلُ حَتَّى إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ قُلْتَ لِفُلَانٍ كَذَا وَ لِفُلَانٍ كَذَا أَلَا وَ قَدْ كَانَ لِفُلَانٍ (الدعوات، ص ۱۰۷).

۲. قُلْتُ: فَأَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: جُهْدٌ مِنْ مَقِيلٍ إِلَى فَقِيرٍ فِي سِرٍّ (معاني الأخبار، ص ۳۳۳).

۳. إِنْ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ... صَدَقَةُ السِّرِّ، فَإِنَّهَا تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ وَ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ (علل الشرائع، ص ۲۴۷).

۴. أَرْبَعٌ مِنْ كُنُوزِ الْبَيْتِ: كِتْمَانُ الْحَاجَةِ وَ كِتْمَانُ الصَّدَقَةِ وَ كِتْمَانُ الْوَجَعِ وَ كِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ (تحف العقول، ص ۲۹۵).

۵. قَالَ وَ كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ رُبَّمَا اخْتَبَرَ السُّؤَالَ لِيَعْلَمَ الْقَانِعَ مِنْ غَيْرِهِ فَإِذَا وَقَفَ بِهِ السَّائِلُ أَعْطَاهُ الرَّأْسَ، فَإِنْ قَبِلَهُ قَالَ: دَعَهُ وَ أَعْطَاهُ اللَّحْمَ فَإِنْ لَمْ يَقْبَلْهُ تَرَكَهُ وَ لَمْ يُعْطِهِ شَيْئًا (دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۸۵).

صدقه همسر با هماهنگی شوهر: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: حق مرد بر همسرش آن است که بی اجازه شوهرش از خانه او صدقه ندهد و...^۱؛ البته اگر صدقه از مال خود همسر باشد، نیازی به اذن شوهر نیست.

آثار صدقه

رفع نیازمندی: امام باقر علیه السلام فرمود: نیکی و صدقه پنهانی نیازمندی را می‌زداید و بر عمر می‌افزاید و هفتاد گونه مرگ بد و ناگوار را از انسان دور می‌کند.^۲

دفع نحوست: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: هر گاه شب را به صبح آوردی، صدقه‌ای بده تا نحوست آن روز را از تو دور کند و هر گاه روز را به شب آوردی، صدقه‌ای بده تا نحوست آن شب را از تو دور کند.^۳

آنان که به خدای سبحان و قضا و قدر الهی معتقد نیستند، یا درک درستی از قضا و قدر الهی ندارند، ناچار به خرافاتی مانند شانس خوب یا بد، نحوست و بدقدمی، تطییر و مانند آن تن می‌دهند؛ چنان‌که آل فرعون اگر به مشکلی گرفتار می‌شدند به جای آنکه آن را آزمون الهی بدانند، به عنوان «طیره» آن را به موسای کلیم علیه السلام و همراهان وی نسبت داده، آنان را به نحوست و بدقدمی طعن می‌زدند و هرگاه خیر و نیکی‌ای به آنها می‌رسید، خود را شایسته آن پنداشته، می‌گفتند: این خوبی، برای ماست و بر اساس استحقاق و لیاقت،

۱. أَنَّ امْرَأَةً سَأَلَتْهُ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَيَّ رَوْجَتِهِ؟ فَقَالَ: أَنْ لَا تَتَّصِدَّقَ مِنْ بَيْتِهِ

إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ... (دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۱۶).

۲. الْبُرِّ وَالصَّدَقَةِ السَّرِّيَّانِ الْفَقْرَ وَيَزِيدَانِ فِي الْعُمْرِ وَيُدْفَعَانِ عَنِ سَبْعِينَ مِائَةَ سُوءِ الزَّهْدِ،

ص ۳۳).

۳. إِذَا أَصْبَحْتَ فَصَدَّقْ بِصَدَقَةٍ تَذْهَبُ عَنْكَ نَحْسَ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَإِذَا أَمْسَيْتَ فَصَدَّقْ بِصَدَقَةٍ

تَذْهَبُ عَنْكَ نَحْسَ تِلْكَ اللَّيْلَةِ (قرب الإسناد، ص ۵۷؛ رك: الدعوات، ص ۱۱۲).

بهره ما شده است: **فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَّيَّرْتُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ**^۱.

یادآوری این نکته، سودمند است که خطور ذهنی خرافاتی، مانند شانس خوب یا بد، نحس و بدقدمی، تطییر و مانند آن کفاره اخلاقی دارد؛ یعنی چنانچه کسی در قلبش خطور کرد که فلان شخص بدقدم است یا فلان رخداد نحس است، کفاره اخلاقی این خطورها بر پایه حدیث نبوی، توکل بر خداست.^۲ اگر در این روایات آمده که برای نحوست صدقه بدهید در واقع این کار، توکل بر خدا و اقدامی متوکانه در برابر آن خرافات است.

حسن بن مسعود می‌گوید: در حالی خدمت امام هادی علیه السلام رسیدم که انگشتم خراشیده بود و شانهام بر اثر برخورد با سواره‌ای آسیب دیده بود و در میان جمعیتی نیز وارد شده بودم که به سبب ازدحام قسمتی از لباسم پاره شده بود؛ پس گفتم: ای روزا! چه شومی! خدا شرت را از من بگرداند. آن امام علیه السلام به من فرمود: ای حسن! تو نیز که با ما رفت و آمد داری، گناهت را به گردن بی‌گناه می‌اندازی؟ حسن گوید [پس از این تذکر امام] به خود آمدم و به خطایم پی بردم؛ پس گفتم: ای مولای من! از خدا آمرزش می‌طلبم. امام فرمود: ای حسن! روزگار را چه گناهی است که شما هرگاه در آن به سزای کردار خود می‌رسید، آن را شوم می‌شمارید؟ حسن گفت: برای همیشه از خدا پوزش می‌طلبم و این، توبه من است ای پسر رسول خدا! امام هادی علیه السلام فرمود: به خدا سوگند [شوم دانستن روزگار] سودتان نبخشد؛ بلکه خدا به سبب سرزنشتان از روزگار با اینکه بر آن مذمتی نیست، کيفرتان می‌کند. ای حسن! آیا نمی‌دانی که ثواب دهنده و کيفر دهنده و پاداش دهنده برای هر

۱. سورة اعراف، آیه ۱۳۱.

۲. كَفَّارَةُ الطَّيْرَةِ التَّوَكُّلُ (الكافي، ج ۸، ص ۱۹۸).

۳. رك: تسنيم، ج ۷، ص ۶۸۲.

کاری زود یا دیر [در دنیا و آخرت] خداست؟ گفتم ای آقایم! چرا. فرمود [این عمل را] تکرار نکن و برای روزگار هیچ اثری در حکم خدا قرار مده. حسن گفت: باشد ای سرور من.^۱ خلاصه آنکه: ۱. زمان ظرف رخدادهای تاریخی است. ۲. چیزهایی که در زمان انجام می‌گیرد، گاهی موجب کامروایی بعضی و ناکامی برخی هست. ۳. گاهی يك رخداد دو چهره دارد و گاهی دو رخداد متفاوت نسبت به دو نفر تأثیر گوناگون دارند؛ بنابراین نمی‌توان ظرف را نحس (ناخوشایند) دانست؛ چنان که نمی‌توان آن را سَعَد (خوشایند) پنداشت. ۴. جریان قمر در برج عقرب و مانند آن از اوقات ویژه راجع به نحس و سَعَد خود زمان نیست و تشریح آن از حوصله بحث کنونی بیرون است.

فرو نشاننده خشم خدا: پیامبر اکرم ﷺ فرمود: نیکی، از پیشامدهای ناگوار پیش‌گیری می‌کند و صدقه خشم پروردگار را فرو می‌نشاند.^۲

افزایش دهنده مال و عمر: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: صدقه در شب، خشم پروردگار را فرو می‌نشاند، گناه بزرگ را می‌زداید و حساب‌رسی قیامت را آسان می‌سازد و صدقه در روز، مال را ثمربخش می‌کند و بر عمر آدمی می‌افزاید.^۳

۱. قَالَ الْحَسَنُ بْنُ مَسْعُودٍ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَام: وَقَدْ نَكَيْتُ إِصْبِعِي وَتَلَقَّانِي رَاكِبٌ وَصَدَمَ كَيْفِي وَدَخَلْتُ فِي رَحْمَةٍ فَخَرَفُوا عَلَيَّ بَعْضُ ثِيَابِي، فَقُلْتُ: كَفَانِي اللَّهُ شَرِّكَ مِنْ يَوْمٍ، فَمَا أَيْشَمَكَ! فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: لِي: يَا حَسَنُ! هَذَا وَأَنْتَ تَغْشَانَا تَرْمِي بِذَنْبِكَ مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ؟ قَالَ الْحَسَنُ: فَأَتَابَ إِلَيَّ عَقْلِي وَتَبَيَّنْتُ حَطِيئِي فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ! أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ. فَقَالَ: يَا حَسَنُ! مَا ذَنْبُ الْأَيَّامِ حَتَّى صِرْتُمْ تَتَشَامُونَ بِهَا إِذَا جُوزَيْتُمْ بِأَعْمَالِكُمْ فِيهَا؟ قَالَ الْحَسَنُ: أَنَا أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ أَبَدًا وَهِيَ تَوْبَتِي، يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! قَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: وَاللَّهِ مَا يَنْفَعُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُعَاقِبُكُمْ بِدَمِّهَا عَلَى مَا لَا دَمَ عَلَيْهَا فِيهِ، أَمَا عَلِمْتَ يَا حَسَنُ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُثِيبُ وَ الْمُعَاقِبُ وَ الْمُجَازِي بِالْأَعْمَالِ عَاجِلًا وَ آجَلًا؟ قُلْتُ: بَلَى يَا مَوْلَايَ! قَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: لَا تَعُدْ وَ لَا تَجْعَلْ لِلْأَيَّامِ صُنْعًا فِي حُكْمِ اللَّهِ. قَالَ الْحَسَنُ: بَلَى يَا مَوْلَايَ (تحف العقول، ص ۴۸۲-۴۸۳).

۲. إِنَّ الْمَعْرُوفَ يَمْنَعُ مَصَارِعَ السُّوءِ وَ إِنَّ الصَّدَقَةَ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ (قرب الإسناد، ص ۳۷).
 ۳. إِنَّ صَدَقَةَ اللَّيْلِ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ وَ تَمْحُو الذَّنْبَ الْعَظِيمَ وَ تُهَوِّنُ الْحِسَابَ وَ صَدَقَةُ النَّهَارِ تُثِيرُ الْمَالَ وَ تَزِيدُ فِي الْعُمُرِ (الكافي، ج ۴، ص ۹).

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: روزی خود را با صدقه فرود آورید؛ همچنین فرمود: صدقه جز افزایش مال اثری بر آن ندارد [از آن نمی‌کاهد]؛ پس صدقه بدهید تا خدا رحمتان کند؛^۱ نیز فرمود: هیچ مسلمانی از مال پاک صدقه نمی‌دهد، جز اینکه در دست خدای رحمان می‌نهد و خدا آن را برایش پرورش می‌دهد تا دستش را لبریز کند.^۲

نجات از بلا و بیماری: پیامبر ﷺ فرمود: خدا با صدقه هفتاد مرگ بد را از انسان دور می‌کند.^۳

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرمود: صدقه داروی درمان کننده است.^۴

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام هم فرمود: بیمارانتان را با صدقه درمان کنید، بلا را با دعا از خود دور سازید، روزی را با صدقه فرود آورید که صدقه روزی را از دهان هفتصد شیطان بیرون می‌کشد و چیزی بر شیطان گرانبارتر از صدقه دادن به مؤمن نیست. صدقه پیش از آنکه در دست بنده خدا قرار گیرد، در دست پروردگار متعالی قرار می‌گیرد.^۵

معاذ بن مسلم می‌گوید: خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام بودم و از درد و رنج سخن به میان آمد. همچنین فرمود: بیمارانتان را با صدقه درمان کنید و حتی

۱. اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ (الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۱).

۲. ... وَ الصَّدَقَةُ لَا تَزِيدُ الْمَالَ إِلَّا كَثْرَةً، فَتَصَدَّقُوا بِرَحْمَتِكُمْ اللَّهُ (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۲۶).

۳. لَيْسَ مِنْ مُسْلِمٍ يَتَصَدَّقُ بِصَدَقَةٍ مِنْ طَيِّبٍ إِلَّا وَضَعَهَا فِي كَفِّ الرَّحْمَنِ فَيُرِيهَا لَهُ حَتَّى يَمْلَأَ كَفَّهُ (مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۴۶).

۴. إِنَّ اللَّهَ لَيَدْرَأُ بِالصَّدَقَةِ سَبْعِينَ مِثَّةً مِنَ السُّوءِ (الدعوات، ص ۱۸۱).

۵. الصَّدَقَةُ دَوَاءٌ مُنْجِحٌ (نهج البلاغة، حکمت ۷).

۶. دَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ اذْفَعُوا الْبَلَاءَ بِالْدُعَاءِ وَ اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ، فَإِنَّهَا تَفُكُّ مِنْ بَيْنِ لِحْيَيْ [لِحْيَيْ] سَبْعِمِائَةَ شَيْطَانٍ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ هِيَ تَفْعُ فِي يَدِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَبْلَ أَنْ تَفْعَ فِي يَدِ الْعَبْدِ (الكافي، ج ۴، ص ۳).

طعام روزانه خود را صدقه بدهید؛ چه بسا به فرشته مرگ دستور قبض روح بنده‌ای داده می‌شود؛ ولی با صدقه دادن آن بنده آن دستور پس گرفته می‌شود.^۱
عامل عبور از صراط: امام صادق ع می‌فرماید: ... در طلب گذر از صراط بودم، پس آن را در صدقه دادن یافتم.^۲

مایه ضمانت بهشت: امیرمؤمنان ع می‌فرماید: برای شش گروه بهشت را ضمانت می‌کنم. یکی مردی است که صدقه‌ای را کنار بگذارد [که بدهد] و بمیرد، پس او اهل بهشت است. پنج گروه دیگر عبارت‌اند از عیادت کننده از بیمار، جهادگر، حج گزار، راهی نماز جمعه و راهی تشییع جنازه که بمیرند و به خانه باز نگردند.^۳

حرمت صدقه بر خاندان پیامبر ص

پیامبر ص فرمود: صدقه بر محمد ص و آل محمد ع حلال نیست و خدا برای آنان در خمس به قدر کفایت آنان قرار داده و خمس جایگزین صدقه است.^۴

۱. كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَذَكَرُوا الْأَوْجَاعَ [الْوَجَعُ]، فَقَالَ ع دَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ مَا عَلَى أَحَدِكُمْ أَنْ يَتَّصِدَّقَ بِقُوَّتِ يَوْمِهِ، إِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ يُدْفَعُ إِلَيْهِ الصَّكُّ بِقَبْضِ رُوحِ الْعَبْدِ، فَيَتَّصِدَّقُ، فَيُقَالُ لَهُ: رُدَّ عَلَيْهِ الصَّكُّ (مكارم الأخلاق، ص ۳۸۸؛ الدعوات، ص ۱۸۱).

۲. طَلَبْتُ الْجَوَارِزَ عَلَى الصَّرَاطِ فَوَجَدْتُهُ فِي الصَّدَقَةِ (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۳).

۳. ضَمِنْتُ لِسِتَّةِ الْجَنَّةِ: رَجُلٌ خَرَجَ بِصَدَقَةٍ فَمَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ رَجُلٌ خَرَجَ يَعُودُ مَرِيضاً فَمَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ رَجُلٌ خَرَجَ مُجَاهِداً فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ رَجُلٌ خَرَجَ حَاجِباً فَمَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ رَجُلٌ خَرَجَ إِلَى الْجُمُعَةِ فَمَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ رَجُلٌ خَرَجَ فِي جِنَاةِ رَجُلٍ مُسْلِمٍ فَمَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ (الفتاوى، ج ۱، ص ۱۴۰).

۴. الصَّدَقَةُ لَا تَجِلُّ لِمُحَمَّدٍ وَلَا لِآلِ مُحَمَّدٍ؛ إِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ لَهُمْ فِي الْخُمْسِ مَا فِيهِ كِفَايَتُهُمْ، فَجَعَلَهُ عِوَضاً عَنْهَا (عوالي اللئالي، ج ۳، ص ۱۳۰).

ب. وقف

وقف، پشتوانه خدمات گوناگونی است که فرد و جامعه بدان نیاز دارند. متدینان برای جلب رضای خدا در زمان حیات خود بخشی از اموال خود را برای کارهای خیر و ماندگار از مالکیت خود جدا و آن را برای خدمات عمومی وقف می‌کنند؛ چنان‌که از دیرباز تاکنون بیشتر اماکن رفاهی و خدماتی، مانند: کاروان‌سراها، استراحتگاه‌های بین راهی، آب انبارها، قنات‌ها و مراکز عبادی، مانند: مساجد، حسینیه‌ها و مراکز علمی، مانند مدارس علمی و کتابخانه‌ها و مراکز بهداشتی مانند بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها از طریق سنت وقف تأسیس و نگهداری شده است و بخشی از تمدن اسلامی مرهون این پدیده مبارک است و جوامع بشری همواره نیازمند این گونه کمک‌های ثابت و ماندگارند. در منابع اسلامی و روایات اهل بیت ع به خیر ماندگار و صدقه جاری سفارش شده و اجر و پاداش وقف یادآوری شده است.

پیامبر ص فرمود: انسانی که از دنیا می‌رود، جز از ناحیه سه چیز پیوندش با دنیا قطع می‌شود: دانشی که از آن سود برده شود، یا صدقه جاری (وقف) یا فرزند صالحی که برایش دعا کند [خیر و مغفرت بخواهد].^۱

نکته: امور سه‌گانه، نمونه‌اند و بهره‌مندی مرده از عمل نیک ماندگار خود منحصر در این سه مورد نیست؛ برای همین در روایات دیگر، امور متعددی غیر از سه چیز یاد شده، بیان شده است.

ج. حل تکدی‌گری (گدایی)

مسلمان باید عزت نفس خود را حفظ کند و به هیچ روی تن به ذلت و

۱. إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: عِلْمٌ يُتَّقَعُ بِهِ أَوْ صَدَقَةٌ تَجْرِي لَهُ أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ (روضة الواعظین، ص ۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۳).

خواری ندهد. اسلام، گدایی را خواری آشکار می‌شناساند و شدیداً مسلمانان را از آن نهی می‌کند. مسلمان باید همواره با دست خود، نیازش را برطرف سازد و از کسی درخواست نکند و در فقر را روی خود نگشاید.

البته اگر کسانی بر اثر رخدادهای طبیعی قهری یا ضعف عقلی معیشت و مانند آن تهیدست شده باشند، حفظ کرامت و شخصیت اجتماعی آنان بر همگان لازم است و عموم مسلمانان باید چهره شهر اسلامی را از این پدیده نامیمون پاک کنند. نظام اسلامی نیز وظیفه دارد، نیاز آنان را برآورد.

زدودن فقر و نداری از چهره شهر اسلامی وظیفه عمومی مسلمانان است که اسلام بر آن تأکید فراوان دارد و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام خود شخصاً در این عرصه پیشگام بوده‌اند. به گوشه‌ای از روایات و سیره عملی آنان اشاره می‌شود:

فضیلت بی‌نیازی

امام صادق علیه‌السلام فرمود: شرف مؤمن به قیام [برای نماز] در شب است و عزت او به بی‌نیازی از مردم.^۱

به نقل امام رضا علیه‌السلام، مردی به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گفت: ای رسول خدا! کاری به من بیاموز که میان آن و بهشت حایل و فاصله‌ای نباشد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: خشمگین مشو و از مردم چیزی نخواه.^۲

نیازمندان بی‌نیاز

به نقل امام صادق علیه‌السلام، امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌فرمود: باید در قلب تو نیازمندی به مردم و بی‌نیازی از ایشان هر دو با هم گرد آیند: نیازمندی در قالب

۱. شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِيَامُ اللَّيْلِ وَ عِزُّهُ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ (الكافي، ج ۲، ص ۱۴۸).

۲. قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: يَا رَسُولَ اللَّهِ! عَلِّمْنِي عَمَلًا لَا يُحَالُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ. قَالَ: لَا تَغْضَبْ وَ لَا تَسْأَلِ النَّاسَ شَيْئًا... (الأمالي، طوسي، ص ۵۰۸).

نرم‌گویی و گشاده‌رویی در برخورد با آنان و بی‌نیازی در قالب آبروداری و عزتمندی [از هیچ‌کس چیزی نخواهی].^۱

نکوهش تکدی‌گری و محبوبیت عزت نفس

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: خدا انسان با حیای عقیف را دوست می‌دارد و گدای بدزبان سمج را دشمن دارد.^۲

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فرمود: شیعه من از مردم درخواست نمی‌کند، اگرچه از گرسنگی بمیرد.^۳

امام باقر علیه‌السلام فرمود: اگر سائل بداند در تکدی‌گری چه خسارت [سنگینی] هست، احدی از دیگری چیزی نمی‌خواهد و اگر انفاق‌گر دستاورد انفاق را بداند، احدی را بدون کمک، رد نمی‌کند.^۴

امام صادق علیه‌السلام فرمود: اگر گدا پیامد گدایی را می‌دانست، هیچ‌کس از دیگری سؤال نمی‌کرد.^۵

شخصی نزد امام صادق علیه‌السلام برخی حالات و [گرفتاری‌های] خود را باز گفت. امام علیه‌السلام به کنیزش فرمان داد تا کیسه پولی را آورد و به آن شخص

۱. كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام يَقُولُ: لِيَجْتَمِعَ فِي قَلْبِكَ الْاِفْتِقَارُ إِلَى النَّاسِ وَ الْاِسْتِغْنَاءُ عَنْهُمْ: فَيَكُونُ اِفْتِقَارُكَ إِلَيْهِمْ فِي لَيْلِنِ كَلَامِكَ وَ حُسْنِ بَشْرِكَ وَ يَكُونُ اسْتِغْنَاؤُكَ عَنْهُمْ فِي نَزَاهَةِ عِرْضِكَ وَ بَقَاءِ عِرْكَ (الكافي، ج ۲، ص ۱۴۹).

۲. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَيَّ الْمُتَعَفِّفَ وَ يُبْغِضُ الْبُدِّيَّ السَّائِلَ الْمُلْحِفَ (الأمالي، طوسي، ص ۳۹).

۳. شَيْعَتِي مَنْ ... لَمْ يَسْأَلِ النَّاسَ وَ لَوْ مَاتَ جُوعًا (كنز الفوائد، ج ۱، ص ۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۸).

۴. لَوْ يَعْلَمُ السَّائِلُ مَا فِي الْمَسْأَلَةِ مَا سَأَلَ أَحَدٌ أَحَدًا وَ لَوْ يَعْلَمُ الْمُعْطِي مَا فِي الْعَطِيَّةِ مَا رَدَّ أَحَدٌ أَحَدًا (الكافي، ج ۴، ص ۲۰).

۵. لَوْ يَعْلَمُ السَّائِلُ مَا عَلَيْهِ مِنَ الْوِزْرِ مَا سَأَلَ أَحَدٌ أَحَدًا (عدة الداعي، ص ۹۹؛ وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۴۴۳).

فرمود: این چهارصد دینار را - که ابوجعفر به من داده - بگیر و مشکل خود را با آن حل کن. آن شخص گفت: گرفتاری مورد نظرم این نیست؛ لکن دوست دارم برای من دعا کنید. امام صادق علیه السلام فرمود: حتماً برای تو دعا می‌کنم؛ ولی پرهیز از اینکه وضع خود را به طور کامل برای مردم بازگو کنی که نزد آنان خوار می‌شوی.^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ... تا آنجا که می‌توانید از درخواست، عفت بورزید؛ همچنین فرمود: چنانچه مرد بر پشت خود هیزم حمل کند و با فروش آن بی‌نیاز گردد و از مازاد درآمدش صدقه دهد، بهتر است از اینکه از مال‌داری چیزی بخواهد که آیا به او چیزی بدهد یا نه؛ زیرا دست‌فرازین [دهنده] از دست‌فرو دین [گیرنده] برتر است.^۲

پیامدهای تکدی‌گری

فقر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به خدایی که جانم در قبضه قدرت اوست، سوگند یاد می‌کنم... هیچ مردی راه‌گدایی را بر روی خود نمی‌گشاید، مگر اینکه خدا در تنگ‌دستی را بر رویش می‌گشاید؛^۳ همچنین به امیرمؤمنان علیه السلام:

۱. عَنْ مُضَلِّ بْنِ قَيْسِ بْنِ رُمَانَةَ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَذَكَرْتُ لَهُ بَعْضَ حَالِي، فَقَالَ: يَا جَارِيَةَ! هَاتِ ذَلِكَ الْكَيْسَ، هَذِهِ أَرْبَعُمِائَةٍ دِينَارٍ وَصَلَنِي بِهَا أَبُو جَعْفَرٍ فَخَذَهَا وَتَفَرَّجَ بِهَا. قَالَ: فَقُلْتُ: لَا وَاللَّهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا هَذَا دَهْرِي وَلَكِنْ أَحْبَبْتُ أَنْ تَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لِي. قَالَ فَقَالَ: إِنِّي سَأَفْعَلُ وَلَكِنْ إِيَّاكَ أَنْ تُخْبِرَ النَّاسَ بِكُلِّ حَالِكَ فَتَهُونَ عَلَيْهِمْ (الكافي، ج ۴، ص ۲۱ - ۲۲).

۲. ... فَاسْتَعْفُوا عَنِ السُّؤَالِ مَا اسْتَطَعْتُمْ (الكافي، ج ۴، ص ۲۰).

۳. لِأَنَّ يَحْتَطِبَ الرَّجُلَ عَلَى ظَهْرِهِ فَيَبِيعُهُ وَيَسْتَعْنِي بِهِ وَيَتَصَدَّقُ بِفَضْلِهِ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ رَجُلًا أَنَاهُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَيُعْطِيَهُ أَوْ يَمْنَعَهُ؛ إِنَّ الْيَدَ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۲، ص ۲۲۹).

۴. ثَلَاثٌ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنْ كُنْتُ لِحَالِفًا عَلَيْهِنَّ... وَلَا فَتَحَ رَجُلٌ بَابَ مَسْأَلَةٍ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَقْرٍ (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۲۵ - ۱۲۶).

فرمود: ای علی! کم خواستن از مردم بی‌نیازی موجود و حاضر و زیاد خواستن مایه ذلت و فقری موجود است.^۱

حضرت امام زین العابدین علیه السلام گفتند: از جانب خدایم تضمین می‌کنم که هر کس از دیگری بدون نیاز سؤال کند، روزی نیاز، او را به سؤال وا می‌دارد.^۲

حقارت و ذلت: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: تکدی‌گری یوغ ذلتی است که عزت و سربلندی را از انسان می‌ستاند و حسب او را از بین می‌برد.^۳

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که در سؤال را بر روی خود بگشاید، خدا هفتاد در فقر و نداری را بر روی او می‌گشاید که کوچک‌ترین آنها را چیزی نخواهد بست.^۴

طولانی شدن حسابرسی قیامت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابوذر! مبادا از مردم چیزی بخواهی؛ زیرا درخواست کردن [به لحاظ روانی] ذلتی حاضر است و [به لحاظ مالی] فقری را در پی دارد که تو به سوی آن می‌شتابی و [به لحاظ اخروی] حساب طولانی روز قیامت را در پی دارد.^۵

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: از سؤال از مردم پرهیزید، چرا که آن در دنیا

۱. يَا عَلِيُّ، قَلَّةٌ طَلَبِ الْحَوَائِجِ مِنَ النَّاسِ هُوَ الْغِنَى الْحَاضِرُ وَكَثْرَةُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ مَذَلَّةٌ وَهُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ (تحف العقول، ص ۹).

۲. ضَمِنْتُ عَلَى رَبِّي أَنَّهُ لَا يَسْأَلُ أَحَدًا مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ إِلَّا اضْطَرَّتْهُ الْمَسْأَلَةُ يَوْمًا إِلَى أَنْ يَسْأَلَ مِنْ حَاجَةٍ (الكافي، ج ۴، ص ۱۹).

۳. الْمَسْأَلَةُ طَوُّقُ الْمَذَلَّةِ تَسْلُبُ الْعَزِيزَ عِزَّهُ وَالْحَسِيبَ حَسَبَهُ (غرر الحکم، ص ۳۶۱).

۴. مَنْ فَتَحَ عَلَى نَفْسِهِ بَابَ مَسْأَلَةٍ فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَبْعِينَ بَابًا مِنَ الْفَقْرِ لَا يَسُدُّ أَذْنَاهَا شَيْءٌ (الخرائج والجرائح، ص ۸۹؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۳۸).

۵. يَا أَبَا ذَرٍّ! إِيَّاكَ وَالسُّؤَالَ، فَإِنَّهُ ذُلٌّ حَاضِرٌ وَفَقْرٌ تَتَعَجَّلُهُ وَفِيهِ حِسَابٌ طَوِيلٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (الفتیه، ج ۴، ص ۳۷۵).

مایه ذلت و فقری است که به سوی آن می‌شتابید و در قیامت حسابی طولانی دارد.^۱

کیفر تکدی بدون نیاز در قیامت

امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود: ... ای محمد! بی‌نیازی که گدایی کند، در قیامت با چهره‌ای خراشیده و زخمی به دیدار خدا خواهد رفت.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده‌ای که بدون نیازمندی سؤال کند، پیش از مرگ خدا او را به سؤال نیازمند کند و از این راه آتش دوزخ را برای او مقرر دارد؛ همچنین فرمود: آن که بدون نیاز دست گدایی دراز کند، مانند آن است که پاره آتش می‌خورد.^۳

تهیه ابزار کار برای متکدیان

مردی از انصار را حاجتی پیش آمد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از آن اطلاع یافت و به او فرمود: هر چه در خانه داری، نزد من بیاور و چیزی را بی‌ارزش بشمار. آن مرد یک زیرانداز زین اسب و یک کاسه آب‌خوری نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید: چه کسی خریدار این‌هاست؟ مردی عرض کرد: به یک درهم خریدارم. پیامبر پرسید: چه کسی بیشتر می‌خرد؟ مردی گفت: دو درهم.

۱. إِيَّاكُمْ وَ سَوَّالِ النَّاسِ، فَإِنَّهُ ذُلٌّ فِي الدُّنْيَا وَ فَقْرٌ تَعَجَّلُونَهُ وَ حِسَابٌ طَوِيلٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (الكافي، ج ۴، ص ۲۰).
۲. يَا مُحَمَّدُ! إِنَّهُ مَنْ سَأَلَ وَ هُوَ يَظْهَرُ غِنَى لِقَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَحْمُوشًا وَجْهَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (كتاب السرائر، ج ۳، ص ۶۳۷).
۳. مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْأَلُ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ فَيَمُوتُ حَتَّى يُحَوِّجَهُ اللَّهُ إِلَيْهَا وَ يُنَبِّتَ اللَّهُ لَهُ بِهَا النَّارَ (الكافي، ج ۴، ص ۱۹).
۴. مَنْ يَسْأَلُ مِنْ غَيْرِ فَقَرًّا فَكَأَنَّمَا يَأْكُلُ الْجَمْرَ (عدة الداعي، ص ۹۹؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۳۷).



پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آنها برای توست؛ سپس به آن مرد انصاری فرمود: با یک درهم غذایی برای خانواده‌ات تهیه کن و با درهمی دیگر تبری بخر. آن مرد تبری خرید و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورد. آن حضرت پرسید: چه کسی دسته‌ای برای این تبر دارد؟ یکی از اصحاب گفت: من دارم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دسته تبر را از آن مرد گرفت و با دست خود تبر را برای آن مرد انصاری آماده کرد و به وی داد و فرمود: برو و هیزم جمع کن و هیچ خار و کُنده خشک و تری را ناچیز مپندار. آن مرد تا پانزده شب کار کرد. پس از آن در حالی که وضع او خوب شده بود، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این حال تو بهتر از آن است که روز قیامت با چهره‌ای بیایی که خراش صدقه بر آن است.^۱

د. آب‌رسانی

آب مایه اصلی حیات و زندگی است و رساندن آن به موجودات زنده موجب بقای آنهاست؛ از همین رو در آیات و روایات بر آب‌رسانی برای کارهای مختلف، مانند سیراب کردن انسان، حیوان و گیاه تأکید شده و برای آن آثار و برکات و پاداش‌های دنیوی و اخروی در نظر گرفته شده که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. أَصَابَتْ أَنْصَارِيًّا حَاجَةً فَأَخْبَرَ بِهَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، فَقَالَ: أَتَيْتَنِي بِمَا فِي مَنْزِلِكَ وَ لَا تَحْقِرُ شَيْئًا، فَأَتَاهُ بِحَلْسٍ وَ قَدَحٍ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ يَشْتَرِيهِمَا؟ فَقَالَ رَجُلٌ: هُمَا عَلَيَّ بِدِرْهَمٍ. فَقَالَ: مَنْ يَزِيدُ؟ فَقَالَ رَجُلٌ: هُمَا بِدِرْهَمَيْنِ، فَقَالَ: هُمَا لَكَ، إِنْ تَعَّ بِأَحَدِهِمَا طَعَامًا لِأَهْلِكَ وَ اتَّبَع بِالْآخَرِ فَأَسَأَ، فَأَتَاهُ بِفَأَسٍ، فَقَالَ صلی الله علیه و آله مَنْ عِنْدَهُ نَصَابٌ لِهَذَا الْفَأَسِ؟ فَقَالَ أَحَدُهُمْ: عِنْدِي، فَأَخَذَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَأَتَيْتَهُ بِيَدِهِ فَقَالَ: إِذْهَبْ وَ احْتَطِبْ وَ لَا تَحْقِرَنَّ شَوْكًا وَ لَا رَطْبًا وَ لَا يَابِسًا. فَفَعَلَ ذَلِكَ خَمْسَ عَشْرَةَ لَيْلَةً فَأَتَاهُ وَ قَدْ حَسُنَتْ حَالُهُ. فَقَالَ صلی الله علیه و آله: هَذَا خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَجِيءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ فِي وَجْهِكَ كُدُوحُ الصَّدَقَةِ (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، ج ۱، ص ۴۵ - ۴۶).

فضیلت سیراب کردن تشنگان

پیوستن به ولایت الهی: امام صادق علیه السلام فرمود: یکی از حقوق مؤمن بر مؤمن این است که نباید او سیراب و برادر مؤمنش تشنه باشد که اگر چنین کند از ولایت الهی خارج می‌شود و اگر حق او را ادا کرد، ولایت او را به ولایت خود و ولایت خود را به ولایت الهی پیوند داده است.^۱

با فضیلت‌ترین کار: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: از جمله برترین کارها نزد خدای بزرگ سرد کردن جگر تفتیده [تشنه] است.^۲

عبادت مورد علاقه جبرئیل: جبرئیل گفت: ای محمد! اگر عبادت ما بر روی زمین بود، سه کار می‌کردیم: به مسلمانان آب می‌رساندیم، به عیالمندان رسیدگی می‌کردیم و گناهان را می‌پوشاندیم.^۳

نخستین پاداش اخروی: از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده است که در قیامت، نخستین چیزی که پاداش آن داده می‌شود، صدقه آب است.^۴

در سایه عرش الهی بودن: امام باقر علیه السلام می‌فرماید: خدای متعالی خنک کردن جگر تشنه را دوست دارد و کسی که به جگری تشنه از چارپا یا غیر آن آب رساند، در روزی که سایه‌ای جز سایه عنایت خدا نیست، زیر سایه عنایت

۱. حَقُّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ... سَبَعَةُ حُقُوقٍ وَإِحْبَابٍ مَا فِيهَا حَقٌّ إِلَّا وَهُوَ وَاجِبٌ عَلَيْهِ إِنْ خَالَفَهُ خَرَجَ مِنْ وِلَايَةِ اللَّهِ وَتَرَكَ طَاعَتَهُ وَلَمْ يَكُنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ نَصِيبٌ... وَلَا تَرَوَى وَ يَظْمَأ... فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ وَصَلْتَ وَوَلَايَتِكَ بِوَلَايَتِهِ وَوَلَايَتِهِ بِوَلَايَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (کتاب الخصال، ص ۳۵۰ - ۳۵۱).

۲. مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِبْرَادُ الْأَكْبَادِ الْحَارَّةِ (الأمالي، طوسي، ۵۹۵).

۳. يَا مُحَمَّدُ! لَوْ كَانَتْ عِبَادَتُنَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَعَمَلْنَا ثَلَاثَ خِصَالٍ: سَقَى الْمَاءِ لِلْمُسْلِمِينَ وَ إِعَانَةَ أَصْحَابِ الْعِيَالِ وَ سَتْرَ الذُّنُوبِ (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، ج ۱، ص ۳۹).

۴. أَوَّلُ مَا يُبَدَأُ بِهِ فِي الْآخِرَةِ صَدَقَةُ الْمَاءِ يَعْنِي فِي الْأَجْرِ (الكافي، ج ۴، ص ۵۷).

خدا خواهد بود.^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: برترین صدقه، خنک کردن جگر تشنه است و کسی که به جگر تشنه چارپا یا غیر آن آب رساند در روزی که سایه‌ای جز سایه عنایت خدا نیست، در سایه عنایت خدا به سر خواهد برد.^۲

زنده کردن انسان‌ها: امام صادق علیه السلام فرمود: در جایی که دسترس به آب هست، اگر کسی به دیگری آب دهد، مانند کسی است که بنده‌ای را آزاد کرده است و در جایی که به آب دسترس نیست، کسی که به دیگری آب دهد، مانند کسی است که انسانی را زنده کرده است و کسی که يك نفر را زنده کند [از مرگ نجات دهد]، گویا همه مردم را زنده کرده است.^۳

پاداش آب‌رسانی

دست‌یابی به عمل بهشتی: شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: با چه کاری می‌توانم به بهشت درآیم؟ آن حضرت فرمود: مشکى نو بخر و با آن آب‌رسانی کن تا کهنه و مندرس گردد. هنوز آن مشک از بین نرفته، تو با این کار به عمل بهشتی دست یافته‌ای.^۴

۱. إِنْ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - يُحِبُّ إِبْرَادَ الْكَبِيدِ الْحَرِّى وَ مَنْ سَقَى كَبِدًا حَرِّى مِنْ بَهِيمَةٍ أَوْ غَيْرِهَا أَظَلَّهُ اللَّهُ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ (الكافي، ج ۴، ص ۵۸).

۲. أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِبْرَادُ الْكَبِيدِ الْحَرِّى وَ مَنْ سَقَى كَبِدَ أَحَدٍ مِنْ بَهِيمَةٍ أَوْ غَيْرِهَا أَظَلَّهُ اللَّهُ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ (عدة الداعي، ص ۱۰۲؛ رك: الكافي، ج ۴، ص ۵۷).

۳. مَنْ سَقَى الْمَاءَ فِي مَوْضِعٍ يُوجَدُ فِيهِ الْمَاءُ كَانَ كَمَنْ أَعْتَقَ رَقَبَةً وَ مَنْ سَقَى الْمَاءَ فِي مَوْضِعٍ لَا يُوجَدُ فِيهِ الْمَاءُ كَانَ كَمَنْ أَحْيَا نَفْسًا وَ مَنْ أَحْيَا نَفْسًا فَكَأَنَّهَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (الكافي، ج ۴، ص ۵۷).

۴. أَنَّى رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ فَقَالَ: مَا عَمَلٌ إِنْ عَمِلْتُ بِهِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ؟ قَالَ: اشْتَرَّ سِقَاءً جَدِيدًا ثُمَّ اسْتَقَى فِيهِ حَتَّى تَحْرِقَهُ، فَإِنَّكَ لَا تَحْرِقُهُ حَتَّى تَبْلُغَ بِهِ عَمَلَ الْجَنَّةِ (الأمالي، طوسي، ص ۳۱۰؛ وسائل الشيعه، ج ۹، ص ۴۷۴).

باز بودن دیوان حسنات: حضرت پیامبر ﷺ گفتند: پنج دسته از مردم در حالی که در گورها هستند، به نامه اعمال آنان ثواب جاری می‌شود: کسی که نخلی بنشانند، آن که چاه آبی بکند، کسی که برای خدا مسجدی بسازد، آن که قرآنی بنویسد و کسی که فرزندی صالح بر جای گذارد.^۱

حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتند: مؤمن از چند چیز پس از مرگش بهره می‌برد: فرزند نیکوکاری که برایش آموزش طلبد، قرآنی بر جای گذارد (به چاپ و نشر برساند) که مورد استفاده قرار گیرد، چاه آبی حفر کند، نهالی بکارد، آبی جاری سازد (که مردم از آن بهره گیرند) یا روش نیکویی پایه‌گذاری کند که پس از او از آن پیروی شود.^۲

نکته: چنان‌که قبلاً بیان شد، هر عمل سودمند و ماندنی از کسی صادر شود تا آن اثر موجود است ثواب آن به صاحب عمل می‌رسد، هرچند آن شخص مرده باشد.

برخی مصادیق آب‌رسانی

مؤمنان تشنه: پیامبر ﷺ فرمود: کسی به مؤمنی که به آب دسترس دارد جرعه‌ای آب بنوشاند، خدا برای هر شربت آب هفتاد هزار حسنه به او عطا می‌کند^۳؛ نیز فرمود: کسی که مؤمن تشنه‌ای را سیراب کند، خدا او را از رحیق

۱. حَمْسَةٌ فِي قُبُورِهِمْ وَ تَوَابُهُمْ يَجْرِي إِلَى دِيْوَانِهِمْ: مَنْ عَرَسَ نَخْلًا وَ مَنْ حَفَرَ بَيْتًا وَ مَنْ بَنَى لِلَّهِ مَسْجِدًا وَ مَنْ كَتَبَ مِصْحَفًا وَ مَنْ خَلَفَ ابْنًا صَالِحًا (جامع الأخبار، ص ۱۰۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۷).

۲. خِصَالٌ يَنْتَفِعُ بِهَا الْمُؤْمِنُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ: وَلَدٌ صَالِحٌ يَسْتَعْفِرُ لَهُ وَ مِصْحَفٌ يُقْرَأُ مِنْهُ وَ قَلِيبٌ يَحْفَرُهُ وَ عَرَسٌ يُعْرِشُهُ وَ صَدَقَةٌ مَاءٍ يُجْرِيهِ وَ سُنَّةٌ حَسَنَةٌ يُؤْخَذُ بِهَا بَعْدَهُ (الأمالی، صدوق، ص ۱۶۹).

۳. مَنْ سَقَى مُؤْمِنًا شَرِبَهُ مِنْ مَاءٍ مِنْ حَيْثُ يَقْدِرُ عَلَى الْمَاءِ أَعْطَاهُ اللَّهُ [عَزَّ وَجَلَّ] بِكُلِّ شَرْبَةٍ سَبْعِينَ أَلْفَ حَسَنَةٍ (الكافي، ج ۲، ص ۲۰۱).

مختوم [شراب سر به مهر بهشتی] سیراب کند.^۱

برادران دینی: پیامبر ﷺ فرمود: کسی که برادر دینی‌اش را از غذا سیر و از آب سیراب کند، خدا به اندازه هفت خندق که میان دو خندق پانصد سال فاصله باشد، او را از آتش دور سازد.^۲

آب‌رسانی به موجود زنده در همه جا: پیامبر ﷺ فرمود: کسی که چاه آبی حفر کند یا در بیابان برای استفاده مردم آب انباری آماده سازد، فرشتگان آسمان بر او درود می‌فرستند و به پاداش هر انسان یا پرنده یا چارپایی که از آن آب بنوشد، هزار حسنه قبول شده و آزادی هزار بنده از فرزندان حضرت اسماعیل و هزار قربانی شتر برای او نوشته می‌شود و بر خداست که او را در حظیره قدس (بهشت) مأوا دهد.^۳

آب‌رسانی برای امور عبادی: حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتند: روز قیامت بنده‌ای را می‌آورند که هیچ کار نیکی ندارد؛ پس به او می‌گویند: به یاد بیاور، آیا حسنه‌ای را داری که از آن نام ببری؟ می‌گوید: پروردگارا! حسنه و کار نیکی ندارم، مگر اینکه فلان بنده مؤمن تو بر من گذشت و از من آبی خواست تا با آن وضو بگیرد و نماز بگزارد، پس به او آبی دادم؛ آنگاه آن بنده مؤمن را می‌آورند و از او می‌پرسند و او هم تصدیق می‌کند؛ پس پروردگار می‌فرماید: تو را آمرزیدم، بنده‌ام را به بهشت درآورد.^۴

۱. وَ مَنْ سَقَاهُ مِنْ ظَمًا سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيْقِ الْمَخْتُومِ (قرب الإسناد، ص ۵۷).

۲. مَنْ أَطْعَمَ أَخَاهُ حَتَّى يُشْبِعَهُ وَ سَقَاهُ حَتَّى يَرْوِيَهُ بَعْدَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ سَبْعَةَ خَنَادِقٍ مَا بَيْنَ خَنَادِقَيْنِ مَسِيرَةٌ حَمْسِمِائَةِ عَامٍ (جامع الأخبار، ص ۸۶).

۳. مَنْ حَفَرَ بَيْتًا أَوْ حَوْضًا فِي صَحْرَاءٍ، صَلَّتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ، وَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ مِنْ إِنْسَانٍ أَوْ طَيْرٍ أَوْ بَهِيمَةٍ أَلْفُ حَسَنَةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَ أَلْفُ رَقَبَةٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ وَ أَلْفُ بَدَنَةٍ، وَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُسْكِنَهُ حَظِيرَةَ الْقُدْسِ (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۸۶).

۴. يُؤْتَى بِعَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَيْسَتْ لَهُ حَسَنَةٌ، فَيَقَالُ لَهُ: اذْكُرْ تَذَكَّرَ هَلْ لَكَ مِنْ حَسَنَةٍ؟ قَالَ: فَيَذْكُرُ فَيَقُولُ: يَا رَبِّ! مَا لِي مِنْ حَسَنَةٍ إِلَّا أَنْ فَلَانًا عَبْدَكَ الْمُؤْمِنَ مَرَّبِي فَطَلَبَ مَاءً يَتَوَضَّأُ بِهِ

هـ. مراکز فرهنگی و عبادی

اسلام به ساختن اماکن فرهنگی و عبادی به ویژه مسجد عنایت خاص دارد. نخستین آیاتی که بر پیامبر ﷺ نازل شده درباره دانش و ابزار فراگیری آن است که زیربنای تمدن و فرهنگ اسلامی بوده است. نخستین گامی که پیامبر ﷺ در آماده‌سازی زیرساخت مدینه نبوی برداشت، تأسیس مسجد به عنوان پایگاه ارتباط خدا و خلق و مرکز رسیدگی به امور دنیا و آخرت مردم بود. آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام، مسلمانان را به ایجاد پایگاه‌های فرهنگی و ساختن مراکز عبادی و تعمیر آن ترغیب کرده و به بیان آداب بهره‌گیری از مسجد و برکات و آثار سازنده دنیوی و اخروی آن پرداخته‌اند. به گوشه‌ای از روایات ترغیب کننده به بنا و آبادانی اماکن فرهنگی و در رأس آنها مسجد پرداخته می‌شود:

۱. تأسیس مسجد

تأسیس مسجد از مصادیق روشن باقیات صالحات است. پیامبر ﷺ در این باره فرمود: آنچه از کارها و نیکی‌های مؤمن پس از مرگش به او می‌رسد، دانشی است که آن را منتشر کرده و فرزند صالح و نیز مصحف [قرآنی] است که از خود بر جای گذاشته یا مسجدی است که ساخته است^۱ و باز گفتند: هفت چیز است که پس از مرگ، ثوابش برای بنده نوشته می‌شود که از جمله

← لِيُصَلِّيَ فَأَعْطِيَتْهُ. قَالَ: فَيَدْعَى بِذَلِكَ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ فَيَذَكِّرُ ذَلِكَ، فَيَقُولُ: نَعَمْ يَا رَبِّ! مَرَرْتُ بِهِ فَطَلَبْتُ مِنْهُ فَأَعْطَانِي فَتَوَضَّأْتُ فَصَلَّيْتُ لَكَ، فَيَقُولُ الرَّبُّ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى -: قَدْ غَفَرْتُ لَكَ، أَدْخِلُوا عَبْدِي الْجَنَّةَ (مصادقة الإخوان، ص ۵۴).

۱. إِنْ مِمَّا يَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ مِنْ عَمَلِهِ وَحَسَنَاتِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ عِلْمًا عَمِلَهُ وَنَشْرَهُ وَوَلَدًا صَالِحًا تَرَكَهُ أَوْ مُصْحَفًا وَرَّثَهُ أَوْ مَسْجِدًا بَنَاهُ... (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۳۸۲).

مسجدسازی است.^۱

پاداش مسجدسازی

امام باقر علیه‌السلام فرمود: هر کس مسجدی بسازد، هرچند به اندازه لانه مرغ سنگ خوار^۲ باشد، خدا در بهشت برایش خانه‌ای می‌سازد.^۳

رعایت سادگی در بنای مسجد

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: مساجد خود را بی‌ایوان و کنگره و بالکن بسازید [کنایه از ساده بودن و نداشتن زمینه مزاحمت برای همسایگان] و شهرهایتان را به لحاظ مکان و نمای زیبا به گونه‌ای بسازید که چشم‌نواز بوده و چشم‌انداز داشته باشد.^۴

امیرمؤمنان علیه‌السلام مسجدی را در کوفه دید که با ایوان و بالکن ساخته شده است، فرمود: گویی کنیسه و کلیسا است، مسجد باید ساده و بی‌پیرایه باشد.^۵ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: مساجدتان را به زر و زینت نیارایید؛ آن‌گونه که یهود و نصارا کنیسه‌های خود را آراستند.^۶

۱. سَبْعَةُ أَشْيَاءَ يُكْتَبُ لِلْعَبْدِ ثَوَابُهَا بَعْدَ وَفَاتِهِ: رَجُلٌ عَرَسَ نَخْلًا، وَحَفَرَ بَيْرًا، وَأَجْرَى نَهْرًا، وَبَنَى مَسْجِدًا، وَكَتَبَ مُصْحَفًا، وَوَرَّثَ عِلْمًا، وَخَلَّفَ وَوَلَدًا صَالِحًا يَسْتَعْفِرُ لَهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ (معدن الجواهر، ص ۵۹؛ تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۲، ص ۱۱۰).

۲. پرنده‌ای است به اندازه کبوتر که غالباً در بیابان زندگی می‌کند (رك: مجمع البحرين، ج ۱، ص ۳۴۷، «ق ط ۱۱»).

۳. مَنْ بَنَى مَسْجِدًا كَمَفْخَصِ قَطَاةِ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ (الفتیة، ج ۱، ص ۲۳۵).

۴. ابْنُوا مَسَاجِدَكُمْ جُمًّا، وَابْنُوا مَدَائِنَكُمْ مُشْرِفَةً (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۱۳).

۵. رَأَى عَلِيٌّ مَسْجِدًا بِالْكُوفَةِ قَدْ شُرِفَ، قَالَ: كَأَنَّهُ بَيْعَةٌ إِنْ الْمَسَاجِدَ لَا تُشْرَفُ تُبْنَى جُمًّا (الفتیة، ج ۱، ص ۲۳۶؛ تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۲۵۳).

۶. لَا تُزَخْرِفُوا مَسَاجِدَكُمْ كَمَا زَخَّرَفَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى بِيَعَهُمْ (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۱-۳۷۲).

نکته: خانه خدا مهد یادآوری او و فراموشی غیر اوست. مناسب است در ساختن آن از هرچه که موجب توجه به غیر معبود و گرایش به آن است، پرهیز شود.

مسجدسازی در مسیرها

پیامبر ﷺ فرمود: مسجد بسازید و خاک و خاشاک آن را بیرون ببرید. هرکس برای خدا مسجدی بسازد، خدا در بهشت برایش خانه‌ای می‌سازد. مردی عرض کرد: ای رسول خدا! مساجدی که در مسیرها و میان راه‌ها ساخته می‌شوند نیز این‌گونه است؟ پاسخ داد: آری و بیرون بردن خاکروبه از آنها، مهریه حوریان بهشتی است.^۱

۲. توسعه بنای مسجد

رسول خدا ﷺ بر گروهی گذشت که به پی‌ریزی برای ساختن مسجدی مشغول بودند [و گویا چون برای مسجد محدوده اندکی در نظر گرفته بودند] فرمود: آن را گسترش دهید و [با اجتماع در آن] آن را پُر کنید. آنان بر اساس فرمان پیامبر ﷺ مسجد را گسترش دادند.^۲

نکته: نموداری از ملاحظه کردن جمعیت و ساختار مسجد را می‌توان در بازسازی مکرر مسجد مدینه بررسی کرد که چند بار بر اثر کثرت مسلمانان گسترش یافت.

۱. ابْنُو الْمَسَاجِدِ وَ أَخْرَجُوا الْقِمَامَةَ مِنْهَا، فَمَنْ بَنَى اللَّهُ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ هَذِهِ الْمَسَاجِدُ الَّتِي تُبْنَى فِي الطَّرِيقِ؟ قَالَ: نَعَمْ وَ إِخْرَاجُ الْقِمَامَةِ مِنْهَا مُهُورُ الْحُورِ الْعَيْنِ (کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۵).

۲. ... أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَرَّ بِقَوْمٍ قَدْ أَسَّسُوا مَسْجِدًا لِيَبْنُوهُ، فَقَالَ: أَوْسَعُوهُ تَمَلَّكُوهُ، قَالَ: فَأَوْسَعُوهُ (السنن الكبرى، ج ۲، ص ۴۳۹).

۳. آبادانی مسجد

آثار دنیوی و اخروی آبادانی مسجد

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هرگاه خدا اراده کند که اهل زمین را به عذابی گرفتار کند، می‌گوید: اگر نبودند کسانی که در بزرگی و عظمت من یکدیگر را دوست می‌دارند و مسجدهایم را آباد می‌سازند و در سحرگاهان به استغفار و طلب آمرزش می‌پردازند، حتماً عذابم را نازل می‌کردم.^۱

آبادانی مساجد نشانه جوانمردی است؛ حضرت امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتند: مروت و جوانمردی در شش چیز است: سه چیز در حضر (وطن) و آنها تلاوت قرآن، آبادسازی مساجد برای خدا و دوست‌گزینی در راه خدایند و سه چیز در سفر و آنها بذل زاد و توشه به دیگران و حسن خلق با همسفران و نیکو معاشرت کردن [با مردم] اند.^۲

پاداش احترام به مسجد

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: کسی که مسجد را گرامی دارد، خدا را در قیامت با شادمانی و بشارت ملاقات کند و نامه اعمالش به دست راست او داده شود. پیامبر ﷺ فرمود: کسی که آب دهانش را برای احترام به حق مسجد فرو برد، خدا آن را قوت بدنش قرار دهد و برایش حسنه‌ای نوشته شود و گناهی از او

۱. إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - إِذَا أَرَادَ أَنْ يُصِيبَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِعَذَابٍ قَالَ: لَوْلَا الَّذِينَ يَتَحَابُّونَ بِيَجَلَالِي وَ يَعْجُرُونَ مَسَاجِدِي وَ يَسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ لَوْلَاهُمْ لَأَنْزَلْتُ عَذَابِي (الفضیه، ج ۱، ص ۴۷۳-۴۷۴).

۲. الْمَرْوَةُ سِتٌّ: ثَلَاثٌ فِي السَّفَرِ وَ ثَلَاثٌ فِي الْحَضَرِ فَالَّتِي فِي الْحَضَرِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ وَ عِمَارَةُ الْمَسَاجِدِ وَ اتِّخَاذُ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ وَ أَمَّا الَّتِي فِي السَّفَرِ بَدَلُ الزَّادِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ الْمَعَاشِرَةُ بِالْمَعْرُوفِ (ارشاد القلوب، ص ۷۷).

محو گردد و دردمندی از درونش برطرف گردد.^۱

پرهیز از تحقیر مسجد

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: مرد مسلمان را مردك [خانم مسلمان را زنك]، قرآن را قرآنك و مسجد را مسجدك نخوانند.^۲

سفارش به حضور در اجتماع مسجد

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: شیطان گرگ انسان است؛ همانند گرگ گوسفند که گوسفند جدا شده از گله را می برد؛ پس، از جدایی و تفرقه پرهیزید و بر شما باد به پیوستن به جماعت و عموم مسلمانان و حضور در مسجد.^۳

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: بزرگ منشی دو گونه است: در وطن و در سفر؛ ... و آنچه در وطن [مایه یا جلوه گاه] بزرگ منشی و سرفرازی است چند چیز است؛ از جمله حضور در مساجد.^۴

پاداش روشن کردن و فرش کردن مسجد

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: کسی که در یکی از مساجد خدا چراغی بیفزود تا

۱. مَنْ وَقَّرَ مَسْجِدًا لِقِيَّ اللَّهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ صَاحِبًا مُسْتَبْشِرًا وَأَعْطَاهُ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ رَدَّ رِيقَهُ تَعْظِيمًا لِحَقِّ الْمَسْجِدِ جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ قُوَّةً فِي بَدَنِهِ وَكَتَبَ لَهُ بِهَا حَسَنَةً وَحَطَّ عَنْهُ بِهَا سَيِّئَةٌ وَقَالَ: لَا تَمُرُّ بِدَاءٍ فِي جَوْفِهِ إِلَّا أُبْرَأَتْهُ (المحاسن، ص ۵۴).
۲. لَا يُسْمَى الْمُسْلِمُ رَجِيلاً وَ لَا يُسْمَى الْمُصْحَفُ مُصْحِيفاً وَ لَا الْمَسْجِدُ مُسَيِّجِداً (النوادر، ص ۴۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۵۸).
۳. إِنَّ الشَّيْطَانَ ذَنْبُ الْإِنْسَانِ، كَذَبِ الْغَنَمِ، يَأْخُذُ الشَّاةَ الْقَاصِيَةَ وَالنَّاجِيَةَ، فَإِيَّاكُمْ وَالشُّعَابَ وَعَلَيْكُمْ، بِالْجَمَاعَةِ، وَالْعَامَّةِ وَالْمَسْجِدِ (مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۳۳).
۴. الْمَرْوَةُ مَرْوَتَانِ: مَرْوَةُ الْحَضَرِ وَ مَرْوَةُ السَّفَرِ، فَأَمَّا مَرْوَةُ الْحَضَرِ فَيَلَاوَةُ الْقُرْآنِ وَ حُضُورُ الْمَسَاجِدِ وَ صُحْبَةُ أَهْلِ الْخَيْرِ وَ النَّظَرُ فِي الْفِقْهِ وَ أَمَّا مَرْوَةُ السَّفَرِ فَبَدَلُ الزَّادِ وَ تَرْكُ الْخِلَافِ عَلَى الْأَصْحَابِ وَ الرَّوَايَةُ عَنْهُمْ إِذَا افْتَرَقُوا (دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۴۶-۳۴۷).

زمانی که نوری از آن چراغ در مسجد می تابد، فرشتگان و حاملان عرش خدا، پیوسته برای او استغفار می کنند؛^۱ نیز فرمود: کسی که در مسجد فرشی پهن کند تا آن فرش باقی است، هفتاد هزار فرشته بر او درود می فرستند.^۲

۴. بهداشت و نظافت مسجد

اهمیت پاکیزگی مسجد: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: کسی که اخلاط سر و سینه خود را به احترام مسجد در مسجد نیندازد، بر دردی گذر نکند، مگر آنکه خدا آن درد را از او برمی دارد.^۳

پاداش غبارروبی از مسجد: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: کسی که مسجدی را بروید، خدا در برابر آن برایش ثواب آزاد کردن بنده ای را می نویسد و کسی که خاشاکی اندک - به اندازه ای که در چشم فرورود - از مسجد بیرون برد، خدا برایش رحمت دنیا و آخرت می نویسد^۴ و نیز فرمود: کسی که روز پنجشنبه (شب جمعه) مسجد را بروید و از آن به اندازه خاک و غباری که در چشم رود، بیرون برد، بخشوده می شود.^۵

دفن آلودگی های مسجد: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ... آب بینی اگر در مسجد بود، همگان بأمور دفن آن هستند...^۶

۱. مَنْ أَسْرَجَ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ سِرَاجًا لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ وَ حَمَلَةُ الْعَرْشِ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ مَا دَامَ فِي ذَلِكَ الْمَسْجِدِ ضَوْءٌ مِنَ السَّرَاجِ (الفقيه، ج ۱، ص ۲۳۷).
۲. وَ مَنْ بَسَطَ فِيهِ حَصِيرًا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى يَنْقَطِعَ ذَلِكَ الْحَصِيرُ... (کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۶).
۳. مَنْ تَنَحَّمَ فِي الْمَسْجِدِ ثُمَّ رَدَّهَا فِي جَوْفِهِ لَمْ تَمُرَّ بِدَاءٍ إِلَّا أُبْرَأَتْهُ (الفقيه، ج ۱، ص ۲۳۳).
۴. مَنْ قَمَّ مَسْجِداً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِتْقَ رَقَبَةٍ وَ مَنْ أَخْرَجَ مِنْهُ مَا يَقْذِي عَيْنًا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ (المحاسن، ص ۵۶؛ الأمالي، صدوق، ص ۱۸۰).
۵. مَنْ كَنَسَ الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْخَمِيسِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرَجَ مِنْهُ التُّرَابَ قَدَرَ مَا يُدْرَى فِي الْعَيْنِ عُفِّرَ لَهُ (ثواب الأعمال، ص ۳۱).
۶. ... النَّخَاعَةَ فِي الْمَسْجِدِ تَدْفِنُهَا... (مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۳۵۴).

تأکید پیامبر ﷺ بر دفن آلودگی‌های مسجد در این روایت، افزون بر لازم دانستن حفظ حرمت مسجد می‌تواند معیاری عام برای همه اماکن عمومی باشد؛ در نتیجه مسلمانان وظیفه دارند محیط‌های عمومی، مانند: کوچه‌ها، خیابان‌ها، بوستان‌ها و فضاهای همگانی را از آلودگی‌ها حفظ کنند.

سرزنش آلوده کنندگان محیط مسجد: رسول اکرم ﷺ از... انداختن خلط (سر و سینه) در مسجد نهی کرد...^۱؛ امام کاظم ع هم فرمود: از قضای حاجت در کناره نهرها، زیر درختان میوه [جایی که میوه‌ها بر زمین می‌ریزند]، آستانه مسجدها و میان راه‌ها دوری کن.^۲

نهی از بردن بوی سیر به مسجد: پیامبر ﷺ برای آنکه اهل مسجد آزرده نشوند، فرمود: هر کس سیر خورده است، به مسجد ما نیاید.^۳

امیرمؤمنان ع فرمود: هر کس غذای بد بو (آزار دهنده) خورده است به مسجد نرود.^۴

پرهیز از آوردن دیوانگان به مسجد: پیامبر ﷺ فرمود: دیوانگان و کودکان را به مسجد نیاورید.^۵ مراد، کودکانی است که مسجد را آلوده و نجس می‌کنند.

۱ . نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنِ ... وَ التَّنَحُّعِ فِي الْمَسَاجِدِ ... (الفقيه، ج ۴، ص ۳-۴).

۲ تَوَقَّ شُطُوطَ الْأَنْهَارِ وَ مَسَاقِطَ الثَّمَارِ وَ أَفْنِيَةَ الْمَسَاجِدِ وَ قَارِعَةَ الطَّرِيقِ ... وَ صَعَّ حَيْثُ شَبَّتْ (تحف العقول، ص ۴۱۱).

۳ . أَنَّهُ نَهَى عَنِ أَكْلِ الثُّومِ أَنْ يُؤَدِّيَ بِرَائِحَتِهِ أَهْلَ الْمَسْجِدِ وَ قَالَ: مَنْ أَكَلَ هَذِهِ الْبَقْلَةَ فَلَا يَقْرَبَنَّ مَسْجِدَنَا (دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۸۲).

۴ . مَنْ أَكَلَ شَيْئًا مِنَ الْمُؤَذِّيَاتِ رِيحَهَا فَلَا يَقْرَبَنَّ الْمَسْجِدَ (تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۲۵۵).

۵ جَنَّبُوا مَسَاجِدَكُمْ مَجَانِينَكُمْ وَ صَبِيَانَكُمْ ... (تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۲۵۴).



فصل ۲۴ امور اقتصادی

۱. اهمیت مال و ثروت

اسلام، مال و ثروت (هرگونه نعمت مادی) را مایه استواری جامعه و به مثابه ستون فقرات جامعه انسانی می‌داند و فرد یا گروهی که فاقد مال هستند، از آن جهت فقیرند که ستون فقرات اقتصادی آنها شکسته و قوام و مقاومت ندارند؛ زیرا فقیر کسی است که مهره کمرش شکسته و قدرت ایستادن و ایستادگی را از دست داده است.^۱ چنین فرد و جامعه‌ای استقلال خود را از دست می‌دهند. تحریم اقتصادی برخی کشورها از سوی مستکبران جهانی نیز از این روست که مردم تهی دست قدرت مقاومت ندارند؛ از همین رو قرآن کریم به مال اهمیت داده و آن را مایه و پایه قوام و قیام انسان‌ها دانسته است: ﴿أَمْوَالِكُمْ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾.^۲ این تعبیر، از تأثیر مال در حیات و پایداری فرد و جامعه حکایت دارد و بیانگر این حقیقت است که با نابودی اقتصاد، جامعه به خطر انقراض می‌افتد؛ به دیگر سخن: مال به منزله خون در عروق جامعه است و نباید در آن هرگونه تصرف ناصواب را روا داشت و نباید آن را در اختیار سبیهان و بی‌خردان قرار داد تا در آن مسرفانه یا مترفانه تصرف کنند:

۱ . رك: اسلام و محیط زیست، ص ۴۹.

۲ . سورة نساء، آیه ۵.

﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا...﴾^۱ این آیه کریم، هم مال را به عموم جامعه نسبت داد و هم آن را سبب قیام دانسته و هم از قرار دادن آن در اختیار سفیه، مانند کودک نابالغ یا بالغ بی خرد نهی فرموده است.^۲

خیر و فضیلت بودن مال: قرآن، مالی را که عامل رشد و بالندگی باشد، ارزش می‌شمارد و از آن به خیر و نیکی یاد کرده، می‌فرماید: اگر کسی خیری (مالی) از خود بر جای گذاشت، نسبت به پدر و مادر و خویشاوندان سفارش به معروف کند: ﴿إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ﴾^۳.

چیزی را که خدا خیر بداند، خیر واقعی است؛ از این رو تحصیل خردمندانه مال نیز خیر و فضیلت و اسراف و تبذیر آن شر و بد است.

خدا مال و ثروت را نعمت خود به بندگان و سبب شکرگزاری می‌شمارد و می‌گوید: ما شما را در زمین سکونت دادیم، و برای شما در آن اسباب زندگی نهادیم. شما اندک سپاسگزاری می‌کنید.^۴

حضرت امیرمؤمنان علیه السلام گفتند: بهترین پشتیبان برای تقوای الهی مال است.^۵

حضرت امام صادق علیه السلام گفتند: دنیا [حلال] بهترین کمک برای تحصیل سعادت آخرت است.^۶

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: کسی که گردآوری مال برای حفظ آبرو، پرداخت بدهی و صلۀ رحم از راه حلال را نمی‌پسندد، خیری در او نیست.^۷

۱. سوره نساء، آیه ۵.

۲. رك: اسلام و محیط زیست، ص ۴۹.

۳. سوره بقره، آیه ۱۸۰.

۴. ﴿وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ﴾ (سوره اعراف، آیه ۱۰).

۵. نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ الْمَالِ (شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱۹، ص ۲۲۷).

۶. نِعْمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ (الكافي، ج ۵، ص ۷۲).

۷. لَا خَيْرَ فِي مَنْ لَا يُحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ يَكْفُ بِهِ وَجْهَهُ وَيَقْضِي بِهِ دَيْنَهُ وَيَصِلُ بِهِ رَحْمَةً (الكافي، ج ۵، ص ۷۲).

اسلام دین کاملی است که هم به آخرت توجه دارد و هم به دنیا: ﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ...﴾^۱.

گفته‌اند که مراد آیه - به استناد روایات - این است که در دنیا برای آخرت خویش کار کن و داشتن اقتصاد جامع و سالم که زمینه ساز استقلال دینی است، می‌تواند مصداق حسنه دنیا در برابر حسنه آخرت باشد: ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً﴾^{۲، ۳}.

بهترین مال: حضرت امیرمؤمنان علیه السلام گفتند: بهترین مال و دارایی آن است که بدان آبرو حفظ شود و حقوق پرداخت گردد.^۴

محافظت از مال و برخی عوامل آن

نگهداری مال چنان مهم است که بر پایه برخی روایات، اگر کسی در دفاع از مال خود کشته شود از لحاظ ثواب به منزله شهید به شمار می‌آید.^۵ در اینجا به برخی عوامل نگهداری آن اشاره می‌شود:

تدبیر در نگهداری: امام کاظم علیه السلام نقل کرده‌اند: مردی نزد پدرم آمد و همچون خیرخواهان گفت: چرا اموالت را پاره پاره و پراکنده کرده‌ای؟ اگر در

۱. با این ثروتی که خدا به تو ارزانی کرده است، در پی دستیابی به سرای آخرت باش و بهره‌مندی از دنیا را از کف مده که بهره واقعی انسان از دنیا آن چیزی است که برای آخرت او سودمند باشد! نیکی کن؛ همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده است (سوره قصص، آیه ۷۷).

۲. پروردگارا، در دنیا به ما بهره‌ای نیکو که خوشایند توست و در آخرت نیز بهره‌ای نیکو که خود می‌پسندی عطا فرما (سوره بقره، آیه ۲۰۱).

۳. رك: جامعه در قرآن، ص ۵۳ - ۵۵.

۴. ... أَفْضَلُ الْمَالِ مَا وَقِيَ بِهِ الْعِرْضُ وَقُضِيَتْ بِهِ الْحُقُوقُ (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۷؛ رك: غرر الحکم، ص ۳۶۷).

۵. مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ (الفتیه، ج ۴، ص ۹۵).

یک جا گرد آید، هزینه نگهداری آنها کمتر و سودشان افزون تر خواهد بود. امام صادق علیه السلام پاسخ داد: آنها را پراکنده ام تا اگر به شاخه ای از آن آسیبی رسد، دیگری سالم بماند و این کیسه پول همه را یکجا گرد می آورد.^۱
قناعت: امام کاظم علیه السلام می فرماید: هرکس میانه روی و قناعت پیشه کند، نعمتش پایدار شود.^۲

زکات و انفاق: امیرمؤمنان علی علیه السلام به جابر فرمود: ... ای جابر! کسی که نعمت های خدا بر او فراوان شود، نیاز مردم به او افزون شود؛ پس اگر به وظیفه الهی خود عمل کند، بقا و دوام نعمت را تضمین کرده است و اگر در انجام دادن واجب الهی خود کوتاهی کند، نعمت را در معرض نابودی و فنا قرار داده است.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: اموالتان را با زکات حفظ کنید... هیچ مالی در خشکی و دریا تلف نشده، مگر به سبب ممانعت از زکات.^۴
رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: ای علی! مالی که در آن جود و بخشش نباشد، خیری ندارد.^۵

۱. إِنْ رَجُلًا أَتَى جَعْفَرًا علیه السلام شَبِيهَا بِالْمُسْتَنْصِحِ لَهُ، فَقَالَ لَهُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! كَيْفَ صِرْتَ اتَّخَذْتَ الْأَمْوَالَ قِطْعًا مُتَفَرِّقَةً وَ لَوْ كَانَتْ فِي مَوْضِعٍ [وَاحِدٍ] كَانَتْ أَيْسَرَ لِمُؤْمِنِيهَا وَ أَعْظَمَ لِمَنْفَعَتِهَا؟ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: اتَّخَذْتُهَا مُتَفَرِّقَةً، فَإِنْ أَصَابَ هَذَا الْمَالُ شَيْءٌ سَلِمَ هَذَا الْمَالُ وَ الصَّرَّةُ تَجْمَعُ بِهَذَا كُلِّهِ (الكافي، ج ۵، ص ۹۱).
۲. مَنْ اقْتَصَدَ وَ قَنَعَ بَقِيَّتِ عَلَيْهِ النِّعْمَةُ... (تحف العقول، ص ۴۰۳).
۳. دَخَلَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام، فَقَالَ لَهُ: ... يَا جَابِرُ! مَنْ كَثُرَتْ نِعْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَثُرَتْ حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْهِ، فَإِنْ فَعَلَ مَا يَجِبُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَضَهَا لِلدَّوَامِ وَ الْبَقَاءِ وَ إِنْ قَصَرَ فِيمَا يَجِبُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَضَهَا لِلزَّوَالِ وَ الْفَنَاءِ (التفسير المنسوب الى الإمام العسكري علیه السلام، ص ۴۰۲ - ۴۰۳؛ رك: نهج البلاغه، حكمت ۳۷۲).
۴. حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ ... مَا تَلَفَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَ لَا بَحْرٍ إِلَّا بِمَنْعِ الزَّكَاةِ (ثواب الأعمال، ص ۴۶).
۵. يَا عَلِيُّ! لَا خَيْرَ... فِي الْمَالِ إِلَّا مَعَ الْجُودِ... (الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۹ - ۳۷۰).

نهی از تضييع مال و برخی عوامل آن

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بر شما نمی پسندم که مال را تباه کنید؛ پس خدا رحمت کند مؤمنی را که در انفاق میانه رو باشد^۱ و همان گرامی از تباه کردن مال نهی کرد.^۲

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: هیچ نعمتی از نعمت های خدا را که نزد توست، ضایع نکن.^۳

امام صادق علیه السلام هم فرمود: کسی که مالش را ضایع و تباه کند، دعایش مستجاب نمی شود.^۴ در اینجا به برخی عوامل ضایع شدن مال اشاره می شود:
سوگند دروغ: امیرمؤمنان علیه السلام به بازرگانان فرمود: از سوگند دروغ بپرهیزید؛ چرا که از مال می کاهد و برکت را می برد.^۵

اسراف: امام صادق علیه السلام فرمود: اسراف، فقرآور است.^۶
امام کاظم علیه السلام فرمود: هرکس تبذیر و اسراف کند، نعمت از او زایل می شود.^۷

تجاوز به مال دیگران: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس مال را به ناحق بجوید، به حق از آن محروم گردد.^۸

۱. إِيَّتِي أَكْرَهَ لَكُمْ عَنْ... إِضَاعَةِ الْمَالِ... فَرَحِمَ اللَّهُ مُؤْمِنًا... أَنْفَقَ قَصْدًا... (دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۶۶).
۲. نَهَى النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله عَنْ إِضَاعَةِ الْمَالِ (أحكام القرآن، ج ۴، ص ۱۰؛ رك: معاني الأخبار، ص ۲۷۹).
۳. ... وَ لَا تُضَيِّعَنَّ نِعْمَةً مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدَكَ... (نهج البلاغه، نامه ۶۹).
۴. أَرْبَعَةٌ لَا تُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ: ... رَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَفْسَدَهُ، فَيَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي... (الكافي، ج ۲، ص ۵۱۱).
۵. يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ! إِيَّاكُمْ وَ الْيَمِينَ الْفَاجِرَةَ، فَإِنَّهَا تُنْفِقُ السَّلْعَةَ وَ تَمَحِّقُ الْبَرْكََةَ (الغارات، ص ۶۵).
۶. ... إِنْ السَّرْفُ يُورِثُ الْفَقْرَ... (الكافي، ج ۴، ص ۵۳).
۷. ... مَنْ بَدَّرَ وَ اسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ النِّعْمَةُ (تحف العقول، ص ۴۰۳).
۸. ... مَنْ طَلَبَ الْمَالَ بِغَيْرِ حَقٍّ حُرِمَ بَقَاءُهُ لَهُ بِحَقِّ (تحف العقول، ص ۳۲۱).

آثار تباه کردن مال

رسول خدا ﷺ می فرماید: هرگاه مردم فقیرانشان را دشمن دارند (و به آنان چیزی نپردازند)، ولی ساختمان بازارهایشان را آباد کنند و برای مال اندوزی به همدیگر تبریک گویند، خدا با چهار چیز آنان را هدف می گیرد: قحط سالی، ستمشاهی، خیانت کارگزاران و یورش دشمنان.^۱

خطر مال اندوزی

دارایی و ثروت گرچه در تأمین زندگی و رشد و تعالی انسان سهم دارد، اگر نگاه به آن ابزاری نباشد و هدف قرار گیرد مایه سقوط آدمی و محرومیت او از کمال و سعادت می شود؛ زیرا آسایش و آرامش و جمال زندگی انسان در تجمل مادی نهفته نیست. او با نیروی عقل زیستن خردمندانه را برگزیده و خرد حکم می کند که انسان به گونه ای زندگی کند که آبرو و حیثیت او نزد خدا و اولیای او محفوظ بماند. رفاه و راحت واقعی در بی نیازی و عدم وابستگی به مال و دیگران است؛ چنان که قرآن احساس بی نیازی آدمی به سبب برخورداری از مال را مذمت کرده، می گوید: انسان مرز خود را نمی شناسد و طغیان می کند؛ چرا که خود را از پروردگار خویش بی نیاز می بیند: ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ﴾ * أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْنَى^۲.

حضرت رسول خدا ﷺ گفتند: بر پیروانم پس از خود از سه چیز بیمناکم: ... از جمله اینکه ثروت در میانشان فزونی یابد تا آنکه به طغیان و

۱. ... إِذَا أَبْغَضَ النَّاسُ فُقَرَاءَهُمْ وَأَطْهَرُوا عِمَارَةَ أَسْوَاقِهِمْ وَتَبَارَكُوا عَلَى جَمْعِ الدَّرَاهِمِ رَمَاهُمْ اللَّهُ بِأَزْبَعِ خِصَالٍ بِالْقَحْطِ مِنَ الزَّمَانِ وَالْجَوْرِ مِنَ السُّلْطَانِ وَالْخِيَانَةِ مِنْ وِلَاةِ الْحُكَّامِ وَالشُّوْكَةِ مِنَ الْعُدُوَانِ (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۰).

۲. سورة علق، آیات ۶-۷.

ناسپاسی گرایند؛ همچنین آن حضرت فرمود: عوامل نابودی زنان امتم در دو سرخ فام است: طلا و لباس بدن نما و نابودی مردان امتم در گریز از دانش اندوزی و گرایش به مال اندوزی است.^۲

حضرت امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام گفتند: سه چیز فتنه اند... از جمله دوستی درهم و دینار که تیر شیطان است^۳؛ همچنین آن حضرت فرمود: خردمند را سزا است که خود را از مستی مال (دلبستگی شدید به آن) نگه دارد؛ زیرا شمیم ناپاک آن عقل را می زداید و از وقار و سنگینی آدمی می کاهد^۴ و همچنین فرمود: بدانید فراوانی و انباشتگی ثروت مایه تباهی دین و قساوت دل ها می شود.^۵

در این روایات، مال دوستی و دنیا طلبی سرزنش شده است، نه اصل مال؛ پس باید به مال و ثروت به عنوان وسیله تأمین زندگی نگریست، نه هدف آن و با آن نیازهای خود و دیگران را برطرف ساخت.

۲. تولید (بهره ور ساختن مال)

رفاه اقتصادی جامعه در گرو دو عنصر محوری است: کوشش در تولید؛ قناعت در مصرف.^۶ مقصود از تولید در اینجا هر نوع اشتغال به کار

۱. إِنَّمَا اتَّخَوْفُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي ثَلَاثَ خِصَالٍ: ... أَوْ يَظْهَرُ فِيهِمُ الْمَالُ حَتَّى يَطْفَعُوا وَ يَبْطَرُوا (کتاب الخصال، ص ۱۶۴).

۲. هَلَاكُ نِسَاءِ أُمَّتِي فِي الْأَحْمَرَيْنِ الذَّهَبِ وَ الثِّيَابِ الرَّقَاقِ وَ هَلَاكُ رِجَالِ أُمَّتِي فِي تَرْكِ الْعِلْمِ وَ جَمْعِ الْمَالِ (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۱، ص ۳).

۳. الْفِتْنُ ثَلَاثٌ: ... حُبُّ الدِّينَارِ وَ الدَّرْهَمِ وَ هُوَ سَهْمُ الشَّيْطَانِ (وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۲۵-۲۶).

۴. يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَحْتَرِسَ مِنْ سُكْرِ الْمَالِ...، فَإِنَّ لِكُلِّ ذَلِكَ رِيحاً خَبِيثَةً تَسْلُبُ الْعَقْلَ وَ تَسْتَخْفُ الرِّقَابَ (غرر الحكم، ص ۶۶).

۵. وَ اعْلَمُوا أَنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ مَفْسَدَةٌ لِلدِّينِ مَفْسَدَةٌ لِلْقُلُوبِ (تحف العقول، ص ۱۹۹).

۶. تسنيم، ج ۱۷، ص ۳۴۴.

مشروع برای تأمین زندگی و پیشرفت اقتصادی فرد و جامعه است و شامل کشاورزی، دامداری، تجارت، صنعت و مانند آنها می‌شود و در آیات و روایات بر آن تأکید شده است.

کار و کوشش برای کسب مال حلال، به گونه عام و تولید به طور خاص مورد توجه و تشویق پیشوایان دین است. در مقابل، معطل گذاشتن مال نکوهش شده است. امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: ملتی که آب و زمین کشاورزی به اندازه کافی دارد، ولی آب‌ها را مهار و زمین را اصلاح نکند و از آنها بهره‌برداری نکند و بر اثر کم‌کاری یا بدکاری محتاج گردد، از رحمت حق دور باد.^۱

سفارشی به تولید

پیشوایان اسلام مسلمانان را به تجارت و صدقات جاری، مانند وقف باغ، مزرعه، مرتع و مانند آن تشویق می‌کنند و کار و تولید را مایه عزت آنان می‌خوانند. معلی بن خنیس می‌گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام مرا دید که دیرتر از دیگران به بازار (محل کار) می‌روم؛ به من فرمود: بامدادان به سوی عزت خود (محل کسب) روان شو.^۲ تعبیر از محل کسب به «عزت» بدین معناست که کار، تولید و به بهره‌رسانی ثروت عزت است.^۳

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هر نعمتی که خدا بر تو ارزانی داشت، بهره‌آور ساز...^۴

۱. مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ (قرب الإسناد، ص ۵۵).

۲. ... رَأَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام وَ قَدْ تَأَخَّرْتُ عَنِ السُّوقِ، فَقَالَ لِي: اغْدُ إِلَى عِرْكَ (الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۲).

۳. ر.ك: جامعه در قرآن، ص ۲۷۱-۲۷۲.

۴. ... وَ اسْتَصْلِحْ كُلَّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَهَا اللَّهُ عَلَيْكَ ... (نهج البلاغه، نامه ۶۹).

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: اصلاح و بهره‌آور ساختن مال جوانمردی است.^۱ امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: جوانمردی کامل به بهره‌رسانی ثروت است.^۲ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: بهره‌آور ساختن مال از ایمان است^۳؛ همچنین فرمود: بر تو باد به بهره‌آور ساختن مال؛ زیرا مایه شرافت برای کریم و بی‌نیازی از فرومایه است.^۴

زراره از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند: انسان از خود چیزی در دنیا کمتر از مال صامت (پول نقد یا طلا و نقره) بر جای نگذاشت. راوی پرسید: پس چه کند؟ فرمود: آن را در تولید باغ و مزرعه و خانه به کار گیرد.^۵

هدف تولید

تولید از دیدگاه اسلام دارای اهداف الهی است: ۱. حفظ عزت و بی‌نیازی از فرومایگان. ۲. گسترش رفاه معقول و عزتمندان برای خانواده. ۳. تکریم خویشاوندان و همسایگان. ۴. انفاق در راه خدا و رفع نیازهای فردی و اجتماعی.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هر کس در دنیا برای بی‌نیازی خود از مردم و گشایش بر خانواده خویش و ابراز محبت به همسایه‌اش در جست‌وجوی روزی باشد، خدای بزرگ را روز قیامت در حالی دیدار می‌کند که چهره‌اش همانند ماه شب چهاردهم می‌درخشد.^۶

۱. مِنَ الْمُرُوءَةِ اسْتِصْلَاحُ الْمَالِ (الفقيه، ج ۳، ص ۱۶۶).

۲. ... اسْتِثْمَارُ الْمَالِ تَمَامُ الْمُرُوءَةِ... (الكافي، ج ۱، ص ۲۰).

۳. ... إِصْلَاحُ الْمَالِ مِنَ الْإِيْمَانِ (الكافي، ج ۵، ص ۸۷).

۴. عَلَيْكَ بِإِصْلَاحِ الْمَالِ، فَإِنَّ فِيهِ مَنبَهَةً لِلْكَرِيمِ وَ اسْتِغْنَاءً عَنِ اللَّئِيمِ (الكافي، ج ۵، ص ۸۸).

۵. مَا يُخْلَفُ الرَّجُلُ شَيْئًا أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَالِ الصَّامِتِ. قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ يَصْنَعُ؟ قَالَ: يَصْنَعُهُ فِي الْحَائِطِ وَ الْبُسْتَانِ وَ الدَّارِ (الفقيه، ج ۳، ص ۱۷۰؛ ر.ك: الكافي، ج ۵، ص ۹۱).

۶. مَنْ طَلَبَ [الرِّزْقَ فِي] الدُّنْيَا اسْتِغْفَافًا عَنِ النَّاسِ وَ تَوْسِيْعًا عَلَى أَهْلِهِ وَ تَعَطُّفًا عَلَى جَارِهِ لَقِيَ

اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهُهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ (الكافي، ج ۵، ص ۷۸).

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به خدا سوگند ما در پی دنیا هستیم و دستیابی به آن را دوست داریم. آن حضرت پرسید: می‌خواهی با آن چه کنی؟ گفت: می‌خواهم زندگی خود و خانواده‌ام را تأمین و صلۀ رحم کنم و صدقه دهم و حج و عمره بگذارم. امام علیه السلام فرمود: این، دنیاطلبی نیست، این آخرت‌طلبی است.^۱

به نقل امام صادق علیه السلام، امیرمؤمنان علیه السلام هزار برده را از حاصل تولید و دست‌رنج خود آزاد کرد.^۲

از این روایات به خوبی برمی‌آید که هدف اسلام از سفارش به کار و تولید انباشتن ثروت نیست؛ بلکه ایجاد فرصت برای بهره‌برداری از مواهب الهی در رشد و تعالی خود و تأمین نیاز دیگر هم‌نوعان و نیز قرار دادن دارایی و ثروت (نعمت) در مسیری است که برای آن آفریده شده است.

عوامل معنوی بهره‌آور سازی مال

غیر از عوامل طبیعی (کار و تولید) که برای بهره‌آور ساختن مال مؤثر است، به عوامل دیگری هم در روایات اشاره شده که در رشد آن اثر دارند و به برخی از آنها اشاره می‌شود.

صدقہ: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: صدقه دهید که صدقه مال را افزایش می‌دهد.^۳

۱. قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: وَاللَّهِ إِنِّي لَتَطْلُبُ الدُّنْيَا وَتُحِبُّ أَنْ نُؤْتَاهَا، فَقَالَ: تُحِبُّ أَنْ تَصْنَعَ بِهَا مَاذَا؟ قَالَ: أَعُوذُ بِهَا عَلَى نَفْسِي وَعِيَالِي وَأَصْلُ بِهَا وَأَتَصَدَّقُ بِهَا وَأُحْسِنُ وَأَعْتَمِرُ، فَقَالَ علیه السلام: لَيْسَ هَذَا طَلَبَ الدُّنْيَا، هَذَا طَلَبُ الْآخِرَةِ (الكافي، ج ۵، ص ۷۲).
۲. أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكٍ مِنْ كَدِّ يَدِهِ (الكافي، ج ۵، ص ۷۴).
۳. تَصَدَّقُوا، فَإِنَّ الصَّدَقَةَ تَزِيدُ فِي الْمَالِ كَثْرَةً... (الكافي، ج ۴، ص ۹).

امانت‌داری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: امانت‌داری، بی‌نیازی می‌آورد و خیانت، فقر.^۱

ازدواج: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ازدواج کنید؛ زیرا زنان برایتان مال آورند.^۲
سخن نیکو: حضرت امام سجّاد علیه السلام گفتند: سخن نیکو مال و روزی را افزایش می‌دهد.^۳

طهارت: مردی از تنگ‌دستی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت کرد. آن حضرت فرمود: همواره با وضو باش تا روزی و برکت خدا برایت ادامه یابد؛ پس آن مرد [همراه با کار و تلاش] به این رهنمود عمل کرد و روزی‌اش گسترش یافت.^۴

امام صادق علیه السلام هم فرمود: آن که بی‌وضو در پی حاجت خود برود و نیازش برآورده نشود، جز خویشتن را سرزنش نکند.^۵ از این حدیث چند نکته مهم به دست می‌آید: ۱. پیوند ناگسستنی دین و دنیا؛ بدین معنا که مناسب است در امور دنیوی با وضو بود تا خدا از یاد انسان نرود، ۲. توجّه به روح توحیدی و الهی در کارهای دنیوی؛ ۳. احساس عدم استقلال انسان در فعالیت‌های زندگی؛ چون بخشی از کارها با توفیق الهی به دست خود انسان انجام می‌گیرد و بخش دیگر، اثر توجّه و عنایت غیبی خدا است. توجّه خدا به آدمی نیز مایه برکت کار است؛ یعنی تمام نعمت‌ها به اراده الهی است؛ ولی

۱. الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الْغِنَى وَالْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ (قرب الإسناد، ص ۵۵؛ رك: الكافي، ج ۵، ص ۱۳۳).

۲. تَزَوَّجُوا النِّسَاءَ، فَإِنَّهُنَّ يَأْتِينَ بِالْمَالِ (مكارم الأخلاق، ص ۱۹۶).

۳. الْقَوْلُ الْحَسَنُ يَثْرِي الْمَالَ وَيُنْمِي الرِّزْقَ... (الأمالی، صدوق، ص ۲).

۴. شَكَأَ إِلَيْهِ رَجُلٌ قَلَّةَ الرِّزْقِ، فَقَالَ صلی الله علیه و آله: أَدِمِ الطَّهَارَةَ يَدْمُ عَلَيْكَ الرِّزْقُ، فَعَمَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ فَوَسَّعَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ (عوالي اللئالی، ج ۱، ص ۲۶۸).

۵. مَنْ ذَهَبَ فِي حَاجَةٍ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ فَلَمْ تُقْضَ حَاجَتُهُ فَلَا يُلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ (الفتیة، ج ۳، ص ۱۵۷).

گاهی مشهود و به دست خود انسان موجود می شود و زمانی غیر مشهود و از راه های پیش بینی نشده به دست می آید.

کسب یا عامل مادی تولید

اشتغال و کسب از عوامل مادی تولید ثروت است و در اسلام کسب حلال واجب شده و از حرام آن باید پرهیز کرد. در اینجا به روایاتی درباره اهمیت و فضیلت کسب حلال و شروط و آثار آن، درآمدهای حرام و انواع کسب اشاره می شود:

اهمیت تلاش و کسب

به نقل امام صادق علیه السلام، وقتی آیه **وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ**^۱ فرود آمد، گروهی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله با برداشتی نادرست از آیه، از کار دست کشیده، به عبادت و دعا پرداختند. چون این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، آن حضرت فرمود: من دشمن دارم کسی را که دهانش را به دعا بگشاید و بگوید: روزی ام ده؛ ولی کار و کسب را رها کند.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گروهی از امت من دعایشان پذیرفته نمی شود؛ از جمله مزدی که در خانه اش بنشیند و بگوید: پروردگارا! روزی ام ده و در پی کسب روزی نرود.^۳

۱. هر کس از خدا پروا کند، برایش راه رهایی قرار دهد و از جایی که گمان نمی برد، روزی اش دهد (سوره طلاق، آیات ۲ - ۳).
۲. ... إِنِّي لأُبْعِضُ الرَّجُلَ فَأَعْرَأَ فَأَهْ إِلَى رَبِّي يَقُولُ: ارْزُقْنِي وَيَتْرُكُ الطَّلَبَ (الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۲).
۳. ... إِنَّ أَصْنَافًا مِنْ أُمَّتِي لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعَاؤُهُمْ... وَرَجُلٌ يَقْعُدُ فِي بَيْتِهِ وَيَقُولُ: يَا رَبِّ! ارْزُقْنِي وَلَا يَخْرُجْ وَلَا يَطْلُبُ الرِّزْقَ... (الكافي، ج ۵، ص ۶۷).

امام صادق علیه السلام می فرماید: خدا دشمن دارد مردی را که دهانش را به دعا گشوده، بگوید: خدایا! روزی ام ده؛ ولی کسب را ترك کند.^۱

امام صادق علیه السلام درباره کار و شغل عمر بن مسلم پرسید. گفتند: تجارت را رها کرده و به عبادت و دعا روی آورده است. آن حضرت فرمود: وای بر او! مگر نمی داند دعای بیکار پذیرفته نمی شود...^۲

راوی گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم و امام درباره مردی پرسیدند. عرض شد: نیازمند شده است. پرسیدند: امروز چه می کند؟ عرض شد: در خانه، خدا را عبادت می کند. حضرت پرسیدند: هزینه زندگی اش از کجا تأمین می شود؟ عرض شد: از ناحیه برخی از برادران. فرمود: به خدا سوگند! کسی که هزینه زندگی او را می دهد، از او عابدتر است.^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که برای تأمین هزینه زندگی پدر و مادر و بی نیازی آنان از مردم و برای تأمین معاش همسر و فرزندان و بی نیازی آنان از مردم و برای تأمین معاش خود و بی نیازی از مردم بکوشد، کارش در راه خداست و کسی که برای مال اندوزی بکوشد، کارش در راه شیطان است.^۴

۱. إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْعَبْدَ فَأَعْرَأَ فَأَهْ وَيَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي وَيَتْرُكُ الطَّلَبَ (عوالي اللئالی، ج ۴، ص ۲۲).
۲. ... مَا فَعَلَ عُمَرُ بْنُ مُسْلِمٍ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَقْبَلَ عَلَى الْعِبَادَةِ وَتَرَكَ التَّجَارَةَ، فَقَالَ: وَيْحَهُ، أَمَا عَلِمَ أَنَّ تَارِكَ الطَّلَبِ لَا يُسْتَجَابُ لَهُ... (الكافي، ج ۵، ص ۸۴).
۳. سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ وَآنَا عِنْدَهُ، فَقِيلَ لَهُ: أَصَابَتْهُ الْحَاجَةُ. قَالَ: فَمَا يَصْنَعُ الْيَوْمَ؟ قِيلَ فِي الْبَيْتِ يَعْجُدُ رَبَّهُ. قَالَ: فَمِنْ أَيْنَ قُوَّتُهُ؟ قِيلَ: مِنْ عِنْدِ بَعْضِ إِخْوَانِهِ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: وَاللَّهِ لِلَّذِي يَقُوَّتُهُ أَشَدُّ عِبَادَةً مِنْهُ (الكافي، ج ۵، ص ۷۸).
۴. السَّاعِي عَلَى وَالِدَيْهِ لِيَكْفَهُمَا وَيُعْنِيَهُمَا عَنِ النَّاسِ، فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَنْ سَعَى عَلَى رَوْحِ أَوْ وَلَدٍ لِيَكْفَهُمْ وَيُعْنِيَهُمْ عَنِ النَّاسِ، فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالسَّاعِي عَلَى نَفْسِهِ لِيُعْنِيَهَا وَيَكْفَهَا عَنِ النَّاسِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالسَّاعِي مُكَاثِرَةٌ فِي سَبِيلِ الشَّيْطَانِ (المعجم الأوسط، ج ۸، ص ۲۷۷ - ۲۷۸).

امام رضا علیه السلام فرمود: کسی که از فضل خدا برای تأمین معاش خانواده‌اش بجوید، پاداش او از مجاهد در راه خدای بزرگ بیشتر است.^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه بنده برای تأمین نیاز خانواده بیرون رود، خدا برای هر گام او یک درجه می‌نویسد؛ همچنین فرمود: هرکس در یکی از شهرها در سختی و آسانی برای تأمین هزینه خانواده‌اش بکوشد، روز قیامت با پیامبران محشور می‌شود؛^۲ نیز فرمود: هر که از دست‌رنج خویش بخورد، روز قیامت در شمار پیامبران باشد و پاداش آنان را دریافت کند.^۳

همان حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: در سفر معراج وارد بهشت شدم و در آنجا قصری از یاقوت سرخ دیدم که درونش بر اثر نورانیتش از بیرونش پیدا بود. از جبرئیل پرسیدم: این قصر از آن کیست؟ گفت: ... و برای کسی که اطعام کند. امیرمؤمنان علیه السلام پرسید: آیا در میان امت تو کسی توان آن را دارد؟ فرمود: ... آیا می‌دانی اطعام کردن چیست؟ عرض کردم: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. فرمود: کسی که برای معاش خانواده‌اش بکوشد تا آبروی آنان را در برابر مردم نگه دارد.^۴

۱ . الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا يَكْفِي بِهِ عِيَالَهُ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (الكافي، ج ۵، ص ۸۸).

۲ . إِذَا خَرَجَ الْعَبْدُ فِي حَاجَةٍ أَهْلِهِ كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ دَرَجَةً ... (كنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۸۲).

۳ . مَنْ كَانَ فِي مِصْرٍ مِنَ الْأَمْصَارِ يَسْعَى عَلَى عِيَالِهِ فِي عُسْرِهِ وَيُسْرِهِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ النَّبِيِّينَ ... (تاريخ مدينة دمشق، ج ۳۳، ص ۳۴۸).

۴ . مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدَيْهِ كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي عِدَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَيَأْخُذُ ثَوَابَ الْأَنْبِيَاءِ (جامع الأخبار، ص ۱۳۹).

۵ . لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ، فَرَأَيْتُ فِيهَا قَصْرًا مِنْ يَأْقُوتٍ أَحْمَرَ يُرَى بَاطِنُهُ مِنْ ظَاهِرِهِ لِضِيَاءِهِ وَنُورِهِ... فَقُلْتُ: يَا جَبْرَائِيلُ! لِمَنْ هَذَا الْقَصْرُ؟ قَالَ لِمَنْ... أَطْعَمَ الطَّعَامَ... قَالَ عَلِيٌّ علیه السلام: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَفِي أُمَّتِكَ مَنْ يُطِيقُ هَذَا؟ قَالَ: أَتَدْرِي مَا إِطْعَامُ الطَّعَامِ؟ قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: مَنْ طَلَبَ لِعِيَالِهِ مَا يَكْفِي بِهِ وَجُوهَهُمْ عَنِ النَّاسِ... (الألمالي، طوسي، ص ۴۵۸ - ۴۵۹).



امام صادق علیه السلام فرمود: اگر دانستی یا به تو گفتند که روزی ات فراهم است، از تلاش برای روزی دست بردار و تا می‌توانی بکوش تا سربار دیگران نباشی.^۱

محمد بن منکدر می‌گوید: روزی یکی از بزرگان قریش (امام محمد بن علی بن الحسین علیه السلام) را دیدم که در پی کسب مال دنیا بود. به او گفتم: اگر هم اکنون اجل تو فرا رسد، چه می‌کنی؟ گفت: من در حال اطاعت خدا هستم؛ زیرا به این وسیله نیاز خود و خانواده‌ام را تأمین می‌کنم و از تو و مردم بی‌نیاز می‌شوم.^۲

پاکترین کسب‌ها

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره مؤمنی که در پی کسب پاک باشد، چنین دعا کرد: خدا رحمت کند مؤمنی را که پاکیزه کسب کند؛^۳ همچنین گفتند: بهترین کسب‌ها، کسب دست کارگر است؛ اگر درست و خیرخواهانه باشد؛^۴ نیز گفتند: پاکیزه‌ترین مالی که انسان صرف می‌کند، آن است که از دست‌رنج خودش باشد.^۵

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خردمند را نشاید که جز به سه کار اشتغال ورزد: اصلاح امور معاش یا گام برداشتن برای آخرت یا لذت بردن از کاری که حرام

۱ . إِنْ ظَنَنْتَ أَوْ بَلَغَكَ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ كَائِنٌ فِي عَدِيدٍ فَلَا تَدَعَنَّ طَلَبَ الرِّزْقِ وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تَكُونَ كَلًّا فَافْعَلْ (الكافي، ج ۵، ص ۷۹).

۲ فَقُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ شَيْخٌ مِنْ أَشْيَاحِ قُرَيْشٍ... أَرَأَيْتَ لَوْ جَاءَ أَجْلُكَ وَأَنْتَ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ مَا كُنْتَ تَصْنَعُ؟ فَقَالَ: لَوْ جَاءَنِي الْمَوْتُ وَأَنَا عَلَى هَذِهِ الْحَالِ جَاءَنِي وَأَنَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَكْفُ بِهَا نَفْسِي وَعِيَالِي عَنْكَ وَعَنِ النَّاسِ... (الكافي، ج ۵، ص ۷۳-۷۴).

۳ فَرَجِمَ اللَّهُ مُؤْمِنًا كَسَبَ طَيِّبًا... (الفتاوى، ج ۳، ص ۱۶۷).

۴ . خَيْرُ الْكَسْبِ كَسْبُ يَدِ الْعَامِلِ إِذَا نَصَحَ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۶۲۱).

۵ . أَطْيَبُ مَا أَكَلَ الرَّجُلُ مِنْ كَسْبِهِ... (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۹).

نیست^۱؛ نیز گفتند: بهترین درآمدها سود حاصل از معامله نیکو و پاک است.^۲

زمان مناسب کسب

رسول خدا ﷺ فرمود: بامدادان به کار پرداختن برکت آوراست و همه نعمت‌ها به ویژه روزی را بیفزاید^۳؛ همچنین فرمود: صبحگاهان در پی نیازمندی‌هایتان بروید؛ چرا که آسان به دست می‌آید... و خیر را نزد خوب‌رویان بجویید.^۴

امیرمؤمنان ﷺ فرمود: صبحگاهان در پی روزی رفتن روزی را افزون کند.^۵ امام صادق ﷺ فرمود: جدیت و تلاش کنید! هرگاه نماز صبح گزاردید، صبحگاهان در پی روزی روید و حلال کسب کنید، تا خدای بزرگ روزیتان دهد و در کسب آن یاریتان رساند.^۶

امام رضا ﷺ فرمود: هرکس روز عاشورا را مبارک بنامد و در آن برای نیاز خانه‌اش ذخیره‌ای کند، آن ذخیره برکت نخواهد داشت و روز قیامت با یزید، عبیدالله بن زیاد و عمر بن سعد محشور شود.^۷

۱. لَيْسَ يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: مَرْمَةٌ لِمَعَاشٍ أَوْ خُطْوَةٌ لِمَعَادٍ أَوْ لَذَّةٌ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ (تحف العقول، ص ۱)؛ وَ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ لَا يَكُونَ ظَاعِنًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: تَزْوُدٌ لِمَعَادٍ أَوْ مَرْمَةٌ لِمَعَاشٍ أَوْ لَذَّةٌ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ (الأمالي، طوسي، ص ۵۴۰).

۲. أَطْيَبُ الْكَسْبِ ... كُلُّ بَيْعٍ مَبْرُورٍ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۱۷۰).

۳. الْبُكُورُ مُبَارَكٌ يَزِيدُ فِي جَمِيعِ النَّعْمِ خُصُوصًا فِي الرَّزْقِ ... (بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۱۸).

۴. بَاكِرُوا بِالْحَوَائِجِ، فَإِنَّهَا مُبَسَّرَةٌ... وَ اطْلُبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حَسَانِ الْوُجُوهِ (كتاب الخصال، ص ۳۹۴).

۵. ... أَلَا أُبَيِّنُكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ؟... الْبُكُورُ فِي طَلَبِ الرَّزْقِ يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ... (كتاب الخصال، ص ۵۰۵).

۶. فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَالْاجْتِهَادِ وَإِذَا صَلَّيْتُمْ الصُّبْحَ وَ انصَرَفْتُمْ فَبَكِّرُوا فِي طَلَبِ الرَّزْقِ وَ اطْلُبُوا الْحَلَالَ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ سَيَرْزُقُكُمْ وَيُعِينُكُمْ عَلَيْهِ (الكافي، ج ۵، ص ۷۸-۷۹).

۷. ... وَ مَنْ سَمَى يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ بَرَكَتِهِ وَ ادَّخَرَ فِيهِ لِمَنْزِلِهِ سَيَأْتِيَهُ لَمْ يُبَارَكْ لَهُ فِيهَا ادَّخَرَ وَ حَشِرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ يَزِيدَ وَ عَبِيدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَمَرَ بْنَ سَعْدٍ... (الأمالي، صدوق، ص ۱۲۹).

امام رضا ﷺ فرمود: هرکس در روز عاشورا به تأمین نیازمندی‌هایش نپردازد، خدا نیازهای دنیا و آخرت وی را برآورده سازد.^۱

لزوم کسب حلال و فضیلت آن

رسول خدا ﷺ فرمود: کسب حلال بر هر آقا و خانم مسلمانی واجب است^۲؛ همچنین گفتند: عبادت ده جزء دارد که نه جزء آن در کسب حلال است^۳ و نیز گفتند: تحمل سختی در راه کسب حلال برای خانم و فرزند پرده‌نشین، نزد خدا از یک سال ضربت پیوسته شمشیر در رکاب امام عادل برتر است.^۴

به نقل امام صادق ﷺ، امیرمؤمنان ﷺ در شدت گرما در روز برای انجام کارهایش از خانه بیرون می‌رفت و با اینکه خدمت‌کارانی برای رفع نیاز داشت، می‌خواست خدا او را در حالی ببیند که برای درآمد حلال، خود را به زحمت افکنده است.^۵

حضرت امام صادق ﷺ گفتند: می‌خواهم خدا مرا در حالی ببیند که روزم را در پی کسب حلال به سر می‌برم. آیا نشنیده‌ای سخن خدا را که فرموده است: هرگاه نماز به فرجام خود رسید، در زمین پراکنده شوید و از فضل و

۱. مَنْ تَرَكَ السَّعْيَ فِي حَوَائِجِهِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ... (الأمالي، صدوق، ص ۱۲۹).

۲. طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ (جامع الأخبار، ص ۱۳۹).

۳. الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٍ تَسَعَةٌ أَجْزَاءٌ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ (جامع الأخبار، ص ۱۳۹).

۴. لَعَثْرَةٌ فِي كَدِّ حَلَالٍ عَلَى عَيْلٍ مَحْجُوبٍ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ ضَرْبٍ بِسَيْفٍ حَوْلًا كَامِلًا لَا يَجُفُّ دَمًا مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ (تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۴، ص ۳۱۲).

۵. كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ يَخْرُجُ فِي الْهَاجِرَةِ فِي الْحَاجَةِ قَدْ كَفَيْهَا يُرِيدُ أَنْ يَرَاهُ اللَّهُ تَعَالَى يَتَعَبُ نَفْسَهُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ (الفتاوى، ج ۳، ص ۱۶۳).

احسان خدا بجوید؛ همچنین گفت: دوست دارم خدای بزرگ مرا در حالی ببیند که با دستان خودم کار می‌کنم و با زحمت روزی حلال می‌طلبم.^۱
رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که در راه کسب روزی حلال برای خانواده‌اش بکوشد، مانند مجاهد در راه خداست.^۲

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هرگاه مرد برای رفع تنگ‌دستی و تأمین هزینه خود و خانواده‌اش کار کند و در پی حرام نباشد، مانند مجاهد در راه خداست.^۳
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام مصادف را که از خادمان او بود، خواست و هزار دینار به او داد و فرمود: برای رفتن به سفر تجاری به مصر آماده شو؛ زیرا هزینه زندگی فراوان شده است. او نیز متاعی را آماده و همراه بازرگانان به سمت مصر حرکت کرد. نزدیک شهر با گروهی که از مصر بیرون آمده بودند روبه‌رو شده و از وضع بازار متاع خویش پرسیدند. آنان گفتند که در مصر نیاز فراوانی به این متاع (کالای مورد نیاز همگان) هست. آنان با شنیدن این سخن هم‌سوگند و هم‌پیمان شدند که به کمتر از یک دینار سود برای هر دینار داد و ستد نکنند. مصادف پس از فروش متاع و بازگشت به مدینه به محضر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام رسید و دو کیسه همراه خود (هریک حاوی هزار دینار) را تقدیم داشت و گفت: این، سرمایه و آن نیز، سود آن است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام:

۱. إِنِّي لَأَرْكَبُ فِي الْحَاجَةِ الَّتِي كَفَّاهَا اللَّهُ، مَا أَرْكَبُ فِيهَا إِلَّا التَّمَّاسَ أَنْ يَرَانِي اللَّهُ أَضْحِي فِي طَلَبِ الْحَلَالِ. أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ؟﴾ [سوره جمعه، آیه ۱۰] (عده الداعي، ص ۹۱).
۲. ... فَإِنِّي أَشْتَهِي أَنْ يَرَانِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَعْمَلُ بِيَدِي وَأَطْلُبُ الْحَلَالَ فِي أَدَى نَفْسِي (الفقيه، ج ۳، ص ۱۶۳).
۳. الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (الفقيه، ج ۳، ص ۱۶۸).
۴. إِذَا كَانَ الرَّجُلُ مُعْمِراً فَيَعْمَلُ بِقَدْرِ مَا يَقُوتُ بِهِ نَفْسَهُ وَ أَهْلَهُ وَ لَا يَطْلُبُ حَرَاماً فَهُوَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (الكافي، ج ۵، ص ۸۸).



پرسیدند: چه سود بسیاری! چه کرده‌ای؟ او نیز از سوگند و پیمان همراهان خویش خبر داد. امام عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: سبحان الله! به زیان مسلمانان سوگند یاد می‌کنید که در برابر هر دینار یک دینار سود ببرید؟! سپس یکی از کیسه‌ها را برداشت و فرمود: این، سرمایه من است. ما نیازی به این گونه سودها نداریم؛ سپس فرمود: ای مصادف چکاچک شمشیرها از کسب روزی حلال آسان‌تر است.^۱

شروط کسب حلال

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: هرکس [در داد و ستد] چهار چیز را رعایت کند، کسبش پاک باشد: هنگام خرید عیب نگذارد، هنگام فروش نستاید، فریب ندهد و در میان داد و ستد سوگند یاد نکند.^۲

۱. دَعَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام مُؤَلَّى لَهُ يُقَالُ لَهُ مُصَادِفٌ، فَأَعْطَاهُ أَلْفَ دِينَارٍ وَ قَالَ لَهُ: تَجَهَّزْ حَتَّى تَخْرُجَ إِلَى مِصْرَ، فَإِنَّ عِيَالِي قَدْ كَثُرُوا. قَالَ: فَتَجَهَّزَ بِمَتَاعٍ وَ خَرَجَ مَعَ التُّجَّارِ إِلَى مِصْرَ، فَلَمَّا دَنَوْا مِنْ مِصْرَ اسْتَقْبَلَتْهُمْ قَافِلَةٌ خَارِجَةٌ مِنْ مِصْرَ فَسَأَلُوهُمْ عَنِ الْمَتَاعِ الَّذِي مَعَهُمْ مَا حَالُهُ فِي الْمَدِينَةِ وَ كَانَ مَتَاعَ الْعَامَةِ، فَأَخْبَرُوهُمْ أَنَّهُ لَيْسَ بِمِصْرَ مِنْهُ شَيْءٌ، فَتَحَالَفُوا وَ تَعَاقَدُوا عَلَى أَنْ لَا يَنْقُضُوا مَتَاعَهُمْ مِنْ رِيحِ الدِّينَارِ دِينَاراً، فَلَمَّا قَبَضُوا أَمْوَالَهُمْ وَ انصَرَفُوا إِلَى الْمَدِينَةِ فَدَخَلَ مُصَادِفٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام وَ مَعَهُ كَيْسَانِ فِي كُلِّ وَاحِدٍ أَلْفُ دِينَارٍ، فَقَالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا رَأْسُ الْمَالِ وَ هَذَا الْآخِرُ رِيحٌ، فَقَالَ: إِنَّ هَذَا الرَّيْحَ كَثِيرٌ وَ لَكِنْ مَا صَنَعْتَهُ فِي الْمَتَاعِ؟ فَحَدَّثَهُ كَيْفَ صَنَعُوا وَ كَيْفَ تَحَالَفُوا، فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ! تَحْلِفُونَ عَلَى قَوْمِ مُسْلِمِينَ أَلَّا تَبِيعُوهُمْ إِلَّا رِيحَ الدِّينَارِ دِينَاراً، ثُمَّ أَخَذَ أَحَدَ الْكَيْسَيْنِ، فَقَالَ: هَذَا رَأْسُ مَالِي وَ لَا حَاجَةَ لَنَا فِي هَذَا الرَّيْحِ، ثُمَّ قَالَ: يَا مُصَادِفُ! مُجَادَلَةُ السُّيُوفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ (الكافي، ج ۵، ص ۱۶۱ - ۱۶۲).

۲. أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ طَابَ مَكْسَبُهُ: إِذَا اشْتَرَى لَمْ يَعْيبْ وَ إِذَا بَاعَ لَمْ يَحْمَدْ وَ لَا يُدَلِّسْ وَ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ لَا يَخْلِفُ (الكافي، ج ۵، ص ۱۵۳).

آثار کسب حلال

محافظت الهی: در حدیث معراج آمده است: ای احمد! ... اگر خوردنی و نوشیدنی تو پاک و حلال باشد، در حفظ و پناه من خواهی بود.^۱

قبولی عبادات: رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که از راه حرام مالی کسب کند، خدا صدقه، برده آزاد کردن، حج و عمره او را نمی پذیرد.^۲

اجابت دعا: مردی از رسول خدا ﷺ تقاضا کرد تا از خدا بخواهد دعایش پذیرفته شود. آن حضرت فرمود: اگر خواستی دعای تو مستجاب شود (هرچند به وسیله دعای پیامبر ﷺ)، کسب خود را پاک و حلال کن.^۳

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هر که می خواهد با پذیرش دعایش شادمان شود، راه کسب خویش را پاکیزه سازد.^۴

صدقه بودن: همان بزرگوار می فرماید: امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام هنگام صبح در پی روزی بیرون می رفت. پرسیدند: ای فرزند رسول خدا! کجا می روی؟ پاسخ دادند: می روم تا برای خانواده ام صدقه گرد آورم. پرسیدند: آیا به خانواده ات صدقه می دهی؟ فرمود: هر که حلال کسب کند، از سوی خدای بزرگ صدقه به شمار می آید.^۵

۱. يَا أَحْمَدُ! ... فَإِنَّ أُطِيبَ مَطْعَمُكَ وَ مَشْرَبُكَ فَأَنْتَ فِي حِفْظِي وَ كَفْيِي (ارشاد القلوب، ص ۲۰۳).

۲. وَ مَنْ اِكْتَسَبَ مَالاً حَرَاماً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صَدَقَةً وَ لَا عِتْقاً وَ لَا حَجّاً وَ لَا اعْتِمَاراً (ثواب الأعمال، ص ۲۸۳).

۳. رُوِيَ أَنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! ادْعُ اللَّهُ أَنْ يَسْتَجِيبَ دُعَائِي، فَقَالَ ﷺ: إِنْ أَرَدْتَ ذَلِكَ فَأُطِيبْ كَسْبَكَ (الدعوات، ص ۲۴).

۴. مَنْ سَرَهُ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ فَلْيُطِيبْ مَكْسَبَهُ (الكافي، ج ۲، ص ۴۸۶).

۵. كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَام إِذَا أَصْحَحَ خَرَجَ غَادِباً فِي طَلَبِ الرِّزْقِ، فَيَقِيلُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَيْنَ تَذْهَبُ؟ فَقَالَ: أَتَصَدَّقُ لِعِيَالِي. قِيلَ لَهُ: أَمْ تَتَصَدَّقُ؟ قَالَ: مَنْ طَلَبَ الْحَلَالَ فَهُوَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ صَدَقَةٌ عَلَيْهِ (الكافي، ج ۴، ص ۱۲).

همراهی با پیامبران در قیامت: رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس از راه حلال کسب کند و با آن خویشان را از مردم بی نیاز و خانواده و فرزندان را تأمین کند، روز قیامت با پیامبران و صدیقان محشور گردد.^۱

درخشش چهره در قیامت: رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که در پی کسب حلال باشد تا آبرویش را حفظ کند و به دیگران نیازی نداشته باشد، روز قیامت در حالی می آید که چهره اش بسان ماه شب چهاردهم می درخشد.^۲

کفاره گناهان: رسول خدا ﷺ فرمود: برخی گناهان را نماز و روزه کفاره نباشد. پرسیدند: ای رسول خدا! پس کفاره آنها چیست؟ فرمود: تحمل رنج و اندوه در راه کسب معاش.^۳

راوی گوید: روزی در گرمای شدید تابستان در یکی از کوچه های مدینه با امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روبه رو شدم و عرض کردم: فدایت شوم! تو در حالی که نزد خدا چنان مقامی داری و از خویشان رسول خدایی، چرا در چنین روزی این گونه خود را به زحمت افکنده ای؟ فرمود: ای عبدالاعلی! برای کسب روزی بیرون آمدم تا از کسانی مانند تو بی نیاز شوم.^۴

اثر آلودن کسب حلال

رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که از راه حلال بر مالش بیفزاید تا با آن فخر

۱. مَنْ طَلَبَ مَكْسَبَهُ مِنْ بَابِ الْحَلَالِ، يَكْفُفُ بِهَا وَجْهَهُ عَنِ مَسْأَلَةِ النَّاسِ وَ وُلْدِهِ وَ عِيَالِهِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ النَّبِيِّنَ وَ الصِّدِّيقِينَ (تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۱۶۴).

۲. مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالاً... اسْتَعْفَافاً عَنِ الْمَسْأَلَةِ وَ صِيَانَةً لِنَفْسِهِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۵۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۸).

۳. إِنَّ مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوباً لَا يَكْفُرُهَا صَلَاةٌ وَ لَا صَوْمٌ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَمَا يَكْفُرُهَا؟ قَالَ: الْهُمُومُ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ (الدعوات، ص ۵۶).

۴. يَا عَبْدَ الْأَعْلَى! خَرَجْتُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ لِأَسْتَعْنِيَ عَنْ مِثْلِكَ (الكافي، ج ۵، ص ۷۴).

فروشد، در قیامت خدا را در حالی دیدار می کند که از او خشمگین است.^۱

برخی درآمدهای حرام

رسول خدا ﷺ فرمود: هولناکترین رخدادی که پس از خودم درباره امتم از آن می هراسم، درآمدهای حرام و رباخواری است^۲؛ همچنین فرمود: بدترین کسب، رباخواری است^۳؛ نیز فرمود: پلیدترین کسب نامشروع، رشوه خواری حاکم است.^۴

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: درآمدهایی که از راه مردار فروشی، سگ فروشی، روسپیگری، رشوه گیری در داوری و غیبگویی [کهنانت و رمالی] به دست می آیند، حرام اند.^۵

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: خانم آوازه خوان و کسی که از درآمد آن بهره ببرد، ملعون اند.^۶

رسول خدا ﷺ فرمود: روزی را به نیکی طلب کنید و تأخیر روزی شما را به کسب آن از راه حرام وا ندارد؛ زیرا آنچه نزد خداست با نافرمانی به دست نمی آید.^۷

۱. مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا مُكَاثِرًا مُفَاخِرًا لِقَيِّ اللَّهِ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانٌ... (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۵۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۸).

۲. إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي هَذِهِ الْمَكَايِبُ الْحَرَامُ... وَالرِّبَا (الكافي، ج ۵، ص ۱۲۴).

۳. ... وَشَرُّ الْكَسْبِ كَسْبُ الرِّبَا... (الكافي، ج ۸، ص ۸۲).

۴. سِتُّ خِصَالٍ مِنَ السُّحْتِ رِشْوَةُ الْإِمَامِ وَهِيَ أَحَبُّ ذَلِكَ كُلِّهِ... (الجامع الصغير، ج ۲، ص ۴۵).

۵. مِنَ السُّحْتِ ثَمَنُ الْمَيْتَةِ وَثَمَنُ الْكَلْبِ وَمَهْرُ الْبَغِيِّ وَالرِّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ وَأَجْرُ الْكَاهِنِ (تفسير القمي، ج ۱، ص ۱۷۰).

۶. الْمُعْنَبَةُ مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَكَلَ كَسْبَهَا (الكافي، ج ۵، ص ۱۲۰).

۷. وَأَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ وَلَا يَحْمِلْ أَحَدَكُمْ اسْتِيطَاءَ شَيْءٍ مِنَ الرِّزْقِ أَنْ يَطْلُبَهُ بِغَيْرِ حِلِّهِ فَإِنَّهُ لَا يُدْرِكُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِطَاعَتِهِ (الكافي، ج ۲، ص ۷۴).



نکته: در اینجا ممکن است این پرسش پیش آید که اگر در جایی شغل منحصر به فردی (مانند طبابت) باشد که گذران زندگی مردم به آن وابسته باشد و انجام دادن این کار بر صاحب شغل واجب باشد، آیا مزد گرفتن برای صاحب شغل حرام است؟ در پاسخ باید گفت: وجوب کفایی یا عینی برخی از امور جامعه که برقراری نظام آن وابسته به آنهاست، مستلزم رایگان بودن آنها نیست و چون عمل مسلمان محترم است، می تواند در قبال آن اجرت دریافت کند؛ پس اگر در مکانی طیب منحصر به فرد بود، به گونه ای که طبابت بر وی واجب عینی بود، باز می تواند اجرت دریافت کند.

برخی درآمدهای ناپسند

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: خرید مال که از راه دزدی یا خیانت به دست آمده، چنان که معلوم باشد جایز نیست.^۱

به نقل امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام، مردی نزد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! این پسر را نوشتن آموختم. اکنون او را به چه کاری بگمارم؟ فرمود: او را به کفن فروشی، زرگری، قصابی، گندم فروشی و برده فروشی مگمار.^۲

نکته: اولاً، نهی در این گونه موارد تنزیهی^۳ و مفید کراهت است؛ نه تحریمی.

۱. لَا يَصْلُحُ شِرَاءُ السَّرِقَةِ وَالْخِيَانَةِ إِذَا عُرِفَتْ (الكافي، ج ۵، ص ۲۲۸).

۲. جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! عَلَّمْتُ ابْنِي هَذَا الْكِتَابَ فَوَيْ أَيِّ شَيْءٍ أَسْلَمْتُهُ؟ فَقَالَ: أَسْلَمْتُهُ لِلَّهِ أَبُوكَ وَلَا تَسْلَمْتُهُ فِي خَمْسٍ: لَا تَسْلَمْتُهُ سِبَاءً وَلَا صَائِغًا وَلَا قَصَابًا وَلَا حَنَاطًا وَلَا نَخَاسًا (الفقيه، ج ۳، ص ۱۵۸).

۳. تنزیه، از ماده نزه به معنای پرهیز از کار ناپسند و پاک ماندن از خطاست و مقصود از آن در اینجا مکروه و ناخوشایند بودن کاری است؛ نه حرام بودن آن.

ثانیاً، نهی از کفن فروشی مربوط به صورتی است که شخص شغلش را ویژه آن قرار دهد، نه اینکه در ضمن فروش کالای دیگر، کفن هم بفروشد.

ثالثاً، ظاهر دلیل نهی از این شغلها آن است که فروشندگان این کالاها منتظر گران شدن آنها و دریافت سود بیشتری، در حالی که برخی از این کالاها غذای روزانه مردم است و بعضی از آنها نیز بر اثر ظریف و دقیق بودن یا مایه تجمل ناروا شدن، رعایت آداب شرعی خرید و فروش آنها دشوار خواهد بود.

آثار درآمدهای فاسد

کاهش روزی حلال: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: روزی هرکس از جانب خدا قسمت شده است [و مقدار معینی دارد]؛ پس آن که روزی خود را از راه حرام به دست آورد، هم مؤاخذه می شود و هم از حساب او کسر می گردد.^۱

قحط و کمبود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ... پس از من هرگاه کمفروشی شود، خدا مردم را به قحط و کمبود گرفتار سازد.^۲

عدم پذیرش عبادات: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: مالی که از راه دروغ، ربا، خیانت و دزدی به دست آید، صرف آن برای زکات، صدقه، حج و عمره پذیرفته نمی شود.^۳

دوری از رحمت الهی: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: خانم آوازه خوان و کسی که از درآمد آن بهره ببرد، ملعون اند.^۴ در حدیث دیگر از آن حضرت آمده است:

۱. الرِّزْقُ مَقْسُومٌ... فَإِنْ طَلَبَهُ مِنْ جِهَةِ الْحَرَامِ فَوَجَدَهُ حُسْبَ عَلَيْهِ بَرِّزِقِهِ وَ حُسْبَ بِهِ (المقنعة، ص ۵۸۶ - ۵۸۷).

۲. ... وَإِذَا طُفِّفَ الْمِكْيَالُ وَالْمِيزَانُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَالنَّقْصِ (الكافي، ج ۲، ص ۳۷۴).

۳. مَنْ أَصَابَ مَالاً مِنْ غُلُولٍ أَوْ رِبَاً أَوْ خِيَانَةٍ أَوْ سَرِقَةٍ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فِي زَكَاةٍ وَلَا فِي صَدَقَةٍ وَلَا فِي حَجٍّ وَلَا فِي عَمْرَةٍ (الأمالی، صدوق، ص ۴۴۲).

۴. الْمُعْنِيَةُ مُلْعُونَةٌ مُلْعُونٌ مَنْ أَكَلَ كَسْبَهَا (الكافي، ج ۵، ص ۱۲۰).

درآمد خانم آوازه خوانی که در عروسی‌های زنانه و جایی که مردی صدای وی را نمی شنود] می خواند، اشکالی ندارد؛ البته در صورتی که هیچ مفسده‌ای بر آن بار نشود.

ورود به دوزخ: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: آن که راه کسب [حلال و حرام آن] برایش مهم نباشد، برای خدا [نیز] مهم نیست که از کجا او را به دوزخ درآورد.^۱

انواع کسب (راههای تولید)

أ. کشاورزی

کشاورزی به سبب تأثیر اساسی آن در زندگی مردم و رونق اقتصادی جامعه مورد تأکید فراوان آیات و احادیث اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است و به عنوان محبوب‌ترین حرفه نزد خدای بزرگ، بهترین شغل و شغل پیامبران معرفی شده و برای آن آداب، احکام، آثار و فوایدی ذکر شده است.

فضیلت کشاورزی و کشاورزان

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: کشاورزی کنید؛ زیرا کشاورزی برکت دارد و چاه‌های آب فراوانی در آن حفر کنید.^۲

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: یکی از راه‌های تأمین معاش، آبادسازی زمین است؛ چرا که خدای متعالی فرمود: «اوست که شما را از زمین پدید آورده و در آن رشدتان داده و از شما خواسته است که در آن آبادانی کنید» تا به وسیله

۱. الْمُعْنِيَةُ الَّتِي تَرْفُ الْعَرَائِسَ لَا بَأْسَ بِكَسْبِهَا (الكافي، ج ۵، ص ۱۲۰).

۲. مَنْ لَمْ يُبَالِ مِنْ أَيْنَ يَكْتَسِبُ الْمَالَ لَمْ يُبَالِ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَيْنَ أَدْخَلَهُ النَّارَ (مكارم الأخلاق، ص ۴۶۸؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۹۸).

۳. أَحْتَرَبُوا، فَإِنَّ الْحَرَّ مُبَارَكٌ وَأَكْثَرُوا فِيهِ مِنَ الْجَمَاجِمِ (السنن الكبرى، ج ۶، ص ۱۳۸).

دانه‌ها و ثمره‌ها و مانند آنها که از زمین حاصل می‌شوند، امرار معاش کنید (یعنی آبادسازی زمین مایه رفاه مردم و آسایش زندگی است).^۱

مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: فدایت شوم! گروهی می‌گویند: کشاورزی مکروه و ناپسند است. آن حضرت فرمود: کشاورزی و درخت‌کاری کنید؛ به خدا سوگند! کاری حلال‌تر و پاکیزه‌تر از آن نیست.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر مسلمانی درختی بکارد یا دانه‌ای کشت کند و انسان یا پرنده یا حیوانی از آن بخورد، برایش صدقه به شمار می‌آید.^۳

حضرت امام باقر علیه السلام گفتند: بهترین کارها کشاورزی است که نیک و بد از حاصل آن می‌خورند. هرگاه نیکان از آن چیزی بخورند و بیاشامند، برای کشاورز استغفار می‌کنند.^۴

از امیرمؤمنان علیه السلام درباره آیه **﴿وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾**^۵ پرسیدند. فرمود: آنان کشاورزان هستند.^۶

۱. أَنَّ مَعَايِشَ الْخَلْقِ خَمْسَةٌ... وَالْعِمَارَةُ... وَأَمَّا وَجْهُ الْعِمَارَةِ فَقَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ (سوره هود، آیه ۶۱)، فَأَعْلَمْنَا سُبْحَانَهُ أَنَّهُ قَدْ أَمَرَهُمْ بِالْعِمَارَةِ لِيَكُونَ ذَلِكَ سَبَبًا لِمَعَايِشِهِمْ بِمَا يَخْرُجُ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الْحَبِّ وَالْتَّمَرَاتِ وَمَا شَاكَلَ ذَلِكَ مِمَّا جَعَلَهُ اللَّهُ مَعَايِشَ لِلْخَلْقِ (وسائل الشيعة، ج ۱۹، ص ۳۵).

۲. سَأَلَهُ رَجُلٌ، فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَسْمَعُ قَوْمًا يَقُولُونَ: إِنَّ الزَّرَاعَةَ مَكْرُوهَةٌ، فَقَالَ لَهُ: ازْرَعُوا وَاغْرِسُوا فَلَا وَاللَّهِ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَلَا أَطْيَبَ مِنْهُ... (الكافي، ج ۵، ص ۲۶۰).

۳. مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَيْهَمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ (مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۴۶۰؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۲۴۳؛ صحيح البخاري، ج ۳، ص ۶۶).

۴. خَيْرُ الْأَعْمَالِ زَرْعٌ يَزْرَعُهُ فَيَأْكُلُ مِنْهُ الْبُرُّ وَالْفَاجِرُ؛ أَمَّا الْبُرُّ فَمَا أَكَلَ مِنْهُ وَشَرِبَ يَسْتَعْفِرُ لَهُ... (بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۶۹؛ رك: الكافي، ج ۵، ص ۲۶۰).

۵. توکل کنندگان باید بر خدا توکل کنند (سوره ابراهیم، آیه ۱۲).

۶. سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾. قَالَ: الزَّرَاعُونَ (الفتية، ج ۳، ص ۲۵۳).



راوی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره کشاورزان پرسیدم. فرمود: آنان گنج‌های خدا در زمین‌اند، و نزد خدا کاری محبوب‌تر از کشاورزی نیست و خدا همه پیامبران را کشاورز برانگیخت، جز ادریس علیه السلام که او خیاط بود.^۱

تهیه و حفظ منابع کشاورزی

امام صادق علیه السلام به غلامش مصادف فرمود: برای خود باغ یا کشتزاری فراهم کن؛ زیرا هرگاه بلا و مصیبتی نازل شود و مرد بداند پشتوانه‌ای دارد که با آن خانواده‌اش تأمین می‌شوند، تحمل گرفتاری و جان‌کندن برای او آسان می‌گردد.^۲

به نقل امام باقر علیه السلام، در تورات آمده است که هر کس زمین و آبی را بفروشد و پول آن را در زمین و آبی سرمایه‌گذاری نکند، سرمایه‌اش نابود می‌شود.^۳

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: از خدا دور باد آن که آب و خاکی بیابد، آنگاه تهی دست بماند.^۴

برخی آداب کشاورزی

کشت نکردن در شوره‌زار: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: چهار

۱. سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ علیه السلام عَنِ الْفَلَاحِينَ، فَقَالَ: هُمُ الزَّرَاعُونَ كُنُوزُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَمَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنَ الزَّرَاعَةِ وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَارِعًا إِلَّا إِدْرِيسَ علیه السلام فَإِنَّهُ كَانَ خِيَّاطًا (تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۳۸۴).

۲. اتَّخِذْ عُقْدَةً أَوْ صَيْعَةً، فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا تَرَكَتْ بِهِ النَّارِلَةَ أَوْ الْمُصِيبَةَ فَذَكَرَ أَنَّ وِرَاءَ ظَهْرِهِ مَا يُقِيمُ عِيَالَهُ كَانَ أَسْحَى لِنَفْسِهِ (الكافي، ج ۵، ص ۹۲).

۳. مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ أَنَّهُ مَنْ بَاعَ أَرْضًا وَمَاءَ فَلَمْ يَضَعْ ثَمَنَهُ فِي أَرْضٍ وَمَاءٍ ذَهَبَ ثَمَنُهُ مَحْقًا (الفتية، ج ۳، ص ۱۷۰).

۴. مَنْ وَجَدَ مَاءً وَتُرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ (قرب الإسناد، ص ۵۵).



چیز، تباہ است: خوردن پس از سیری، افروختن چراغ در فضای روشن، کشت در شوره‌زار و نیکی به آن‌که اهلیت ندارد.^۱

پرهیز از بذریاشی و میوه‌چینی شبانه: امام صادق علیه السلام فرمود: شبانه میوه مچین و درو مکن؛ سپس فرمود: به هنگام برداشت محصول مشمت مشمت بیخش و شبانه بذر مپاش؛ زیرا در بذریاشی نیز نباید بخشش را فراموش کنی^۲؛ نیز فرمود: شبانه میوه‌چینی و درو و قربانی و بذرافشانی نکن؛ چرا که اگر چنین کنی قانع و معتر نزد تو نیایند. راوی گوید: پرسیدم: قانع و معتر کیان‌اند؟ پاسخ دادند: قانع کسی است که به عطایت راضی می‌شود و معتر رهگذری است که از تو یاری می‌خواهد.^۳

ادای حقوق: امام صادق علیه السلام فرمود: در زراعت دو حق است: حقی که از تو می‌ستانند؛ حقی که تو خود می‌پردازی. راوی پرسید: چه حقی ستانده می‌شود و چه حقی را باید پردازم؟ فرمود: اما حقی که ستانده می‌شود، همان یک دهم و یک بیستم (زکات) است و حقی که می‌پردازی، همان حقی است که خدا می‌فرماید: روز درو کردن، حق زراعت را پردازید.^۴

۱. يَا عَلِيُّ! اَرْبَعَةٌ يَدْهَبْنَ صَيَاعًا: الْاَكْلُ بَعْدَ الشَّبْحِ وَ السَّرَاجُ فِي الْقَمَرِ وَ الزَّرْعُ فِي السَّبْحَةِ وَ الصَّنِيعَةُ عِنْدَ غَيْرِ اَهْلِهَا (الفتية، ج ۴، ص ۳۷۳).

۲. لَا تَجِدُ بِاللَّيْلِ وَلَا تَحْصُدُ بِاللَّيْلِ. قَالَ: وَ تُعْطِي الْحَفَنَةَ بَعْدَ الْحَفَنَةِ وَ الْقُبْضَةَ بَعْدَ الْقُبْضَةِ إِذَا حَصَدْتَهُ وَ كَذَلِكَ عِنْدَ الصَّرَامِ وَ كَذَلِكَ الْبُدْرُ وَ لَا تَبْدُرُ بِاللَّيْلِ، لِأَنَّكَ تُعْطِي فِي الْبُدْرِ كَمَا تُعْطِي فِي الْحَصَادِ (علل الشرائع، ص ۳۷۷).

۳. لَا تَصْرِمُ بِاللَّيْلِ وَلَا تَحْصُدُ بِاللَّيْلِ وَلَا تُصَحِّحُ بِاللَّيْلِ وَ لَا تَبْدُرُ بِاللَّيْلِ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ لَمْ يَأْتِكَ الْقَانِعُ وَ الْمُعْتَرُّ فَقُلْتُ: مَا الْقَانِعُ وَ الْمُعْتَرُّ؟ قَالَ: الْقَانِعُ الَّذِي يَقْتَعُ بِمَا أُعْطِيَهُ وَ الْمُعْتَرُّ الَّذِي يَمُرُّ بِكَ فَيَسْأَلُكَ (الكافي، ج ۳، ص ۵۶۵).

۴. فِي الزَّرْعِ حَقَانٌ: حَقٌّ تُوْخَذُ بِهِ وَ حَقٌّ تُعْطِيهِ. قُلْتُ: وَ مَا الَّذِي أُوْخَذُ بِهِ وَ مَا الَّذِي أُعْطِيهِ؟ قَالَ: أَمَّا الَّذِي تُوْخَذُ بِهِ فَالْعُشْرُ وَ نِصْفُ الْعُشْرِ وَ أَمَّا الَّذِي تُعْطِيهِ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ...﴾ (الكافي، ج ۳، ص ۵۶۴).

شیوه کشاورزی و دعای آن

شیوه نهال‌کاری: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: برادرم عیسی از شهری می‌گذشت در حالی که میوه‌های باغ آنها آفت‌زده شده بود. مردم آن نزد او شکوه بردند. او فرمود: آفت‌زدایی اینها به دست خودتان انجام می‌گیرد که نمی‌دانید؛ شما هنگام درخت‌کاری نخست پای نهال خاک می‌ریزید، در حالی که باید ابتدا آب بر ریشه‌های نهال بریزید، سپس خاک بریزید تا کرم‌زده نشود؛ پس آنان نهال‌کاری را به این سبک آغاز کردند و آفت‌زدایی شد.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه درخت خرما کسی به نیکی باردار نمی‌شود، ماهی‌های ریز خشک شده را بکوبید؛ سپس کمی از آن را بر شکوفه‌های نخل بپاشد و مازاد آن را در کیسه (پارچه) ای پاکیزه نهاده و بر قسمت میانی نخل قرار دهد. به اذن الهی به آن سود می‌بخشد.^۲

صالح بن عقبه می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: باغت را دیدم؛ آیا نهالی در آن کاشته‌ای؟ گفتم: می‌خواستم از باغ‌های شما نهال بردارم. امام علیه السلام فرمود: آیا به چیزی راهنمایی‌ات نکنم که برای تو بهتر باشد و زودتر ثمر دهد؟ گفتم: آری. فرمود: زمانی که ثمر نخل در حال رسیدن و به سمت رطب شدن می‌رود، آن را بکار، همانند نهالی که من کاشته‌ام به تو ثمر خواهد

۱. مَرَّ أَخِي عَيْسَى بِمَدِينَةِ بَمْدِينَةَ وَإِذَا فِي ثَمَارِهَا الدُّودَ، فَسَكَوَا إِلَيْهِ مَا بِهِمْ، فَقَالَ: دَوَاءُ هَذَا مَعَكُمْ وَ لَيْسَ تَعْلَمُونَ؛ أَنْتُمْ قَوْمٌ إِذَا عَرَسْتُمْ الْأَشْجَارَ صَبَبْتُمْ التُّرَابَ وَ لَيْسَ هَكَذَا يَجِبُ؛ بَلْ يَنْبَغِي أَنْ تَصَبُّوا الْمَاءَ فِي أَصْوَالِ الشَّجَرِ ثُمَّ تَصَبُّوا التُّرَابَ لِكَيْلَا يَقَعَ فِيهِ الدُّودُ، فَاسْتَأْنَفُوا كَمَا وَصَفَ، فَذَهَبَ ذَلِكَ عَنْهُمْ (وسائل الشيعة، ج ۱۹، ص ۳۲).

۲. مَنْ أَرَادَ أَنْ يُلْفَحَ النَّخِيلَ إِذَا كَانَتْ لَا يَجُودُ حَمْلُهَا وَ لَا يَتَبَعَلُ النَّخْلُ، فَلْيَأْخُذْ حَيْثَانًا صَغَارًا يَابِسَةً؛ فَلْيَدْفَعْهَا بَيْنَ الدَّقِينِ؛ ثُمَّ يَدْرُ فِي كُلِّ طَلْعَةٍ مِنْهَا قَلِيلًا وَ يَصْرُ الْبَاقِي فِي صُرَّةٍ نَظِيفَةٍ ثُمَّ يَجْعَلُ فِي قَلْبِ النَّخْلَةِ؛ يَنْفَعُ بِإِذْنِ اللَّهِ (الكافي، ج ۵، ص ۲۶۳؛ وسائل الشيعة، ج ۱۹، ص ۳۸).

داد؛ پس چنین کردم و همان‌گونه رشد کرد.^۱

گفتنی است که مرحوم سید محمد کاظم یزدی این روایات را در کتاب فقهی مساقات «العروة الوثقی» آورده است.^۲

دعای هنگام کشاورزی: امام باقر علیه السلام فرمود: هرگاه خواستی کشاورزی کنی، یک مشت بذر بردار، سپس رو به قبله سه بار بگو: **«إِنَّمَا تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ؟»**، آیا شما آن را می‌رویاندید و به ثمر می‌نشانید یا ما رویاننده و به ثمر نشاننده آنیم؟! آن‌گاه سه بار بگو: **بِإِلَهِ الزَّارِعِ**. بلکه خدا رویاننده و به ثمر نشاننده آن است؛ سپس بگو: **اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَرْثًا مُبَارَكًا وَارْزُقْنَا فِيهِ السَّلَامَةَ وَالتَّمَامَ وَاجْعَلْهُ حَبًّا مُتْرَاكِبًا وَلَا تَحْرِمْنِي مِنْ خَيْرِ مَا أَبْتَغِي وَلَا تَفْتِنْنِي بِمَا مَنَعْتَنِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ؛** بارها! این بذر افشانی را کشت مبارک قرار بده و سلامت و به پایان بردن آن را روزی ما کن و آن را دانه‌های به هم انباشته و پر محصول قرار بده و از خیر آنچه می‌طلبم محروم مکن و مرا به آنچه از من بازداشتی آزمایش مکن، به حق محمد و آل پاک و پاکیزه‌اش. سپس با تکیه بر خواست و اراده خدا بذری را که در مشت داری، بیفشان.^۵

۱. قَدْ رَأَيْتُ حَائِطَكَ فَعَرَسْتَ فِيهِ شَيْئًا بَعْدُ؟ قَالَ: قُلْتُ: قَدْ أَرَدْتُ أَنْ أَخَذَ مِنْ حَيْطَانِكَ وَدِيًّا، قَالَ: أَوْ فَلَا أُخْبِرُكَ بِمَا هُوَ خَيْرٌ لَكَ مِنْهُ وَأَسْرَعُ؟ قُلْتُ: بَلَى. قَالَ: إِذَا أَيْتَعَتِ الْبُسْرَةَ وَهَمَّتْ أَنْ تُرْطَبَ فَأَعْرِسْهَا؛ فَإِنَّهَا تُؤَدِّي إِلَيْكَ مِثْلَ الَّذِي عَرَسْتَهَا سَوَاءً، فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَتَبَّتْ مِثْلَهُ سَوَاءً (الكافي، ج ۵، ص ۲۶۳).

۲. العروة الوثقی، ج ۵، ص ۳۹۰.
 ۳. سوره واقعه، آیه ۶۴.
 ۴. الكافي، ج ۵، ص ۲۶۲ - ۲۶۳. در این منبع این روایت تا همین جا از امام صادق علیه السلام نقل شده است.
 ۵. إِذَا أَرَدْتُ أَنْ تَزْرَعَ زَرْعًا فَخُذْ قَبْضَةً مِنَ الْبُذْرِ بِيَدِكَ ثُمَّ اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ وَقُلْ: ... ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ قُلْ: ... ثُمَّ ابْدُرِ الْقَبْضَةَ الَّتِي فِي يَدِكَ - إِنَّ شَاءَ اللَّهُ - (مكارم الأخلاق، ص ۳۵۳).

شعیب عقرقوفی از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است: هرگاه خواستی بذر بیفشانی، این دعا را بخوان: **اللَّهُمَّ قَدْ بَدَرْتُ وَ أَنْتَ الزَّارِعُ فَاجْعَلْهُ حَبًّا مُتْرَاكِمًا؛** بارها! من بذر افشاندیم در حالی که تو رویاننده و به ثمر نشاننده‌ای؛ پس آن را دانه‌های انبوه و پر محصول قرار بده.

راوی می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه خواستی نهالی یا گیاهی بکاری، پس بر آن نهال یا دانه این [ذکر] را بخوان: **سُبْحَانَ الْبَاعِثِ الْوَارِثِ؛** منزّه است خدایی که برمی‌انگیزاند و وارث است؛ به راستی این کشت به خطا نمی‌رود.^۲

راوی می‌گوید: امام باقر یا امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگام درخت کاری یا زراعت این [ذکر] را بخوان: **وَمِثْلُ كَلِمَةِ طَيِّبَةٍ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا؛** مثل سخن پاک را به درختی پاک که ریشه‌اش در زمین استوار و شاخه‌هایش در آسمان است، تشبیه کرده که میوه‌اش را در هر زمان به اذن پروردگارش می‌دهد.

ب. دام‌داری

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بر شماست که دام‌داری و کشاورزی کنید. چرا که آن دو، (بامداد و شامگاه خیر رسانند درآمد و رشد نیکویی دارند).^۴

۱. قَالَ لِي: إِذَا بَدَرْتُ فَقُلْ: ... (الكافي، ج ۵، ص ۲۶۳).
 ۲. إِذَا عَرَسْتَ عَرَسًا أَوْ نَبْتًا فَاقْرَأْ عَلَى كُلِّ عُوْدٍ أَوْ حَيَّةٍ: ...؛ فَإِنَّهُ لَا يَكَادُ يُخْطِئُ - إِنْ شَاءَ اللَّهُ - (الكافي، ج ۵، ص ۲۶۳).
 ۳. تَقُولُ: إِذَا عَرَسْتَ أَوْ زَرَعْتَ: ... (الكافي، ج ۵، ص ۲۶۳).
 ۴. عَلَيْكُمْ بِالْغَنَمِ وَالْحَرْثِ، فَإِنَّهُمَا يَرْوِحَانِ بِخَيْرٍ وَيَعْدُوَانِ بِخَيْرٍ... (كتاب الخصال، ص ۴۶؛ رك: المحاسن، ص ۶۴۳).

حضرت امام صادق علیه السلام گفتند: خدا هرگز پیامبری را برنمیگيخت، مگر اینکه چوپانی را از او خواست تا بدین وسیله مردم‌داری را به او بیاموزد.^۱
از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: پس از زراعت، درآمد چه کاری نیکوتر است؟ پاسخ دادند: [مال] دام‌داری که درباره چارپایانش اوضاع باران را رعایت می‌کند [سرزمین‌های پر باران و علوفه‌زار را می‌پیماید] و نماز را برپا می‌دارد و زکات می‌پردازد...^۲؛ یعنی بهترین کار پس از کشاورزی، دام‌داری است.

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی دیگر گفتند: «شترداری مایه عزت و برکت در گوسفند است و نیکی تا روز قیامت به پیشانی اسبان گره خورده است.»^۳

توضیح: شترداری از آن رو که سرمایه‌ای کم‌زحمت و کم‌هزینه است، مایه عزت است، گرچه در گذشته غالباً از شتر برای حمل و نقل استفاده می‌شده و به همین جهت مایه زحمت و رنج بود و از این رو بر پایه حدیثی، رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آن فرمود: در آن بدبختی، حق‌کشی، رنج و دوری از خانه و خانواده است... سودش نیز تنها از همین راه دشوار و نامبارک است.^۴

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای متعالی سه‌گونه برکت نازل کرد: گوسفند، نخل و آتش.^۵

۱. مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ حَتَّى يَسْتَرْعِيَهُ الْغَنَمَ يَعْلَمُهُ بِذَلِكَ رِعْيَةَ النَّاسِ (علل الشرائع، ص ۳۲).
۲. سُئِلَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله ... فَأَيُّ الْمَالِ بَعْدَ الزَّرْعِ خَيْرٌ؟ قَالَ: رَجُلٌ فِي غَنَمٍ لَهُ قَدْ تَبِعَ بِهَا مَوَاضِعَ الْقَطْرِ يُقِيمُ الصَّلَاةَ وَيُؤْتِي الزَّكَاةَ... (الكافي، ج ۵، ص ۲۶۰ - ۲۶۱).
۳. الْإِبِلُ عَزٌّ لِأَهْلِهَا وَالْغَنَمُ بَرَكَةٌ وَالْخَيْرُ مَعْقُودٌ فِي نَوَاصِي الْخَيْلِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۱۰).
۴. ... فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ، فَقَالَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَأَيْنَ الْإِبِلُ؟ قَالَ: فِيهِ الشَّقَاءُ وَالْجَفَاءُ وَالْعَنَاءُ وَبُعْدُ الدَّارِ... لَا يَأْتِي خَيْرَهَا إِلَّا مِنْ جَانِبِهَا الْأَشْأَمِ... (الكافي، ج ۵، ص ۲۶۱).
۵. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنْزَلَ بَرَكَاتٍ ثَلَاثًا: الشَّاةَ وَالتَّخْلَةَ وَالنَّارَ (المعجم الكبير، ج ۲۴، ص ۴۳۶).

ج. تجارت

تجارت و داد و ستد در گذشته از راه‌های مهم تأمین هزینه زندگی انسان بود و امروز نیز از سودآورترین حرفه‌هاست.

در متون حدیثی بر تجارت برای تأمین روزی تأکید شده است و از این رو که فواید بسیاری دارد، مورد تشویق و سفارش قرار گرفته است. برخی بزرگان دین نیز به تجارت می‌پرداختند؛ نظیر حضرت هود علیه السلام که پیشه‌اش تجارت بود^۱ و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله که با سرمایه حضرت خدیجه به تجارت می‌پرداخت و امام صادق علیه السلام که با دادن سرمایه، دیگران را به آن تشویق می‌کرد.^۲

لغزش‌ها نیز در باب داد و ستد کم نیست؛ در روایات از کسانی که به احکام شرعی داد و ستد ملتزم نباشند و در آن حلال و حرام را رعایت نکنند با عنوان فاسق و فاجر یاد شده است.^۳ در اینجا به احادیث مربوط به اهمیت تجارت و آداب، شروط، آثار و فواید آن و داد و ستدهای حرام، اشاره می‌شود:

فضیلت و اهمیت تجارت

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برکت ده جزء دارد: نه دهم آن در تجارت و یک دهم در دام است^۴؛ همچنین فرمود: نه دهم روزی در تجارت و یک دهم آن در دامداری است.^۵

۱. ر.ك: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: ... كَانَ هُوْدُ تَاجِرًا... (بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۵۶).
۲. ر.ك: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَدَّافٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: أَعْطَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَبِي الْفَأَا وَ سَبْعِمِائَةَ دِينَارٍ، فَقَالَ لَهُ: اتَّجِرْ بِهَا... (الكافي، ج ۵، ص ۷۶).
۳. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: الْفَقْهُ ثُمَّ الْمَتَجَرُّ... التَّاجِرُ فَاجِرٌ وَ الْفَاجِرُ فِي النَّارِ إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَ أَعْطَى الْحَقَّ (الكافي، ج ۵، ص ۱۵۰).
۴. الْبَرَكَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ أَعْشَارُهَا فِي التَّجَارَةِ وَالْعَشْرُ الْبَاقِي فِي الْجُلُودِ (كتاب الخصال، ص ۴۴۵).
۵. تِسْعَةٌ أَعْشَارِ الرُّزْقِ فِي التَّجَارَةِ وَالْعَشْرُ فِي الْمَوَاشِي (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۵۰۶).

توضیح: احتمال دارد این حدیث ناظر به اقتصاد ویژه حجاز باشد که منطقه‌ای خشک و استوایی است و زمینه کشاورزی و دامداری در آن اندک است.

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: تجارت کنید تا خدا برکتان دهد. من از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که می‌فرمود: روزی ده جزء دارد که نه جزء آن در تجارت است؛^۱ نیز گفتند: درآمد مردم از پنج راه است: ... یکی از آنها تجارت است.^۲

راوی گفت: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام عرض کردم: مردی تجارت می‌کند و چنانچه اجیر شود، درآمدش بیشتر است. فرمود: اجیر نشود؛ ولی با طلب روزی از خدا به تجارت پردازد؛ زیرا اگر اجیر شود، خود را [از سود بیشتر] محروم کرده است.^۳

محمد بن عذافر می‌گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام هزار و هفتصد دینار سرمایه در اختیار پدرم گذاشت و فرمود: با این سرمایه تجارت کن؛ سپس فرمود: گرچه سود مادی مورد توجه [مردم] است، من به سود آن رغبتی ندارم؛ لکن دوست دارم خدای بزرگ مرا در حالی ببیند که در جست‌وجوی برکات او هستم.^۴

۱ . اَتَّجِرُوا بَارَكَ اللهُ لَكُمْ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِنَّ الرُّزْقَ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٍ تَسَعُّ فِي التِّجَارَةِ... (الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۲).

۲ . أَنَّ مَعَايِشَ الْخَلْقِ خَمْسَةٌ... التِّجَارَةُ... (وسائل الشيعة، ج ۱۹، ص ۳۵).

۳ . قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَام: الرَّجُلُ يَتَّجِرُ وَإِنْ هُوَ آجَرَ نَفْسَهُ أُعْطِيَ أَكْثَرَ مِمَّا يُصِيبُ فِي تِجَارَتِهِ. قَالَ: لَا يُؤَاجِرُ نَفْسَهُ وَلَكِنْ يَسْتَرْزُقُ اللهُ تَعَالَى وَيَتَّجِرُ، فَإِنَّهُ إِذَا آجَرَ نَفْسَهُ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرُّزْقَ (الفقيه، ج ۳، ص ۱۷۴).

۴ . أُعْطِيَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَام أَبِي أَلْفًا وَسَبْعِمِائَةَ دِينَارٍ، فَقَالَ لَهُ: اتَّجِرْ بِهَا، ثُمَّ قَالَ: أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ لِي رَغْبَةٌ فِي رِبْحِهَا وَإِنْ كَانَ الرُّبْحُ مَرْغُوبًا فِيهِ وَلَكِنِّي أَحْبَبْتُ أَنْ يَرَانِي اللهُ - جَلَّ وَعَزَّ - مُتَعَرِّضًا لِقَوَائِدِهِ (الكافي، ج ۵، ص ۷۶).

آثار تجارت

رفع اندوه: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرگاه به سختی و تنگنای زندگی دچار شدید، برای تجارت بیرون روید و خویشتن و خانواده را غمگین نکنید.^۱

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام هم فرمود: هرگاه یکی از شما تنگ‌دست شود، در زمین برای جست‌وجوی فضل خدا قدم بردارد و خود و خانواده را اندوهگین نسازد.^۲

بی‌نیازی از دارایی مردم: امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: به تجارت رو آورید؛ چرا که تجارت مایه بی‌نیازی شما از دستاورد مردم است و خدای بزرگ بنده صاحب حرفه امانتدار را دوست دارد.^۳

افزایش خرد: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: تجارت مایه افزایش خرد است.^۴ همراهی با شهیدان در قیامت: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: بازرگان امانت‌دار راست‌گوی مسلمان در قیامت همراه شهیدان است.^۵

آداب تجارت حلال

فقه تجارت: امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: ای گروه تاجران! ابتدا فقه، سپس تجارت، ابتدا فقه، سپس تجارت، ابتدا فقه، سپس تجارت. به خدا سوگند

- ۱ . قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا أَعْسَرَ أَحَدُكُمْ فَلْيُخْرِجْ وَلَا يَغْمَ نَفْسَهُ وَأَهْلَهُ (تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۳۲۹).
- ۲ . إِذَا أَعْسَرَ أَحَدُكُمْ فَلْيَضْرِبْ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغِي مِنْ فَضْلِ اللهِ وَلَا يَغْمَ نَفْسَهُ وَأَهْلَهُ (عوالي اللئالي، ج ۳، ص ۱۹۳؛ رك: دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۳).
- ۳ . تَعَرَّضُوا لِلتِّجَارَةِ؛ فَإِنَّ فِيهَا غِنَى لَكُمْ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَإِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْعَبْدَ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينُ (كتاب الخصال، ص ۶۲۱).
- ۴ . التِّجَارَةُ تَزِيدُ فِي الْعَقْلِ (الكافي، ج ۵، ص ۱۴۸).
- ۵ . التَّاجِرُ الْأَمِينُ الصَّدُوقُ الْمُسْلِمُ مَعَ الشَّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۵۲۰).

[نفوذ] ربا در میان این امت از راه رفتن مورچه بر سنگ صاف نامحسوس تر است.^۱

شخصی به امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام گفت: می‌خواهم تجارت کنم. آن حضرت پرسید: آیا احکام الهی را آموخته‌ای؟ پاسخ داد: برخی از آنها را آموختم. حضرت فرمود: وای بر تو؛ کسی که می‌خواهد تجارت کند، ابتدا باید دانش و احکام آن را بیاموزد و اگر از حلال و حرام نپرسد، در ربا می‌افتد.^۲

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: نخست فقه بیاموزید، سپس تجارت کنید. تاجر فاجر است و فاجر در آتش، مگر اینکه به حق بدهد و به حق بستاند.^۳

خدایمحموری در خرید و فروش: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: کسی که در کار خرید و فروش است، باید از پنج خصلت دوری گزیند وگرنه داد و ستد نکند: ربا، سوگند، کتمان عیب کالا، ستایش از کالا هنگام فروش و بدگویی از آن هنگام خرید.^۴

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام هر روز صبح در بازارهای کوفه می‌گشت... و در هر بازار می‌ایستاد و می‌فرمود: ای گروه تاجران! تقوای الهی پیشه کنید... در داد و ستد

۱. يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ! الْفَقْهَ ثُمَّ الْمَتَجَرَ، الْفَقْهَ ثُمَّ الْمَتَجَرَ، الْفَقْهَ ثُمَّ الْمَتَجَرَ. وَاللَّهُ لَرَبَّنَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا... (الكافي، ج ۵، ص ۱۵۰).

۲. أَنَّ رَجُلًا قَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنِّي أُرِيدُ التَّجَارَةَ. قَالَ: أَفَقِهْتَ فِي دِينِ اللَّهِ؟ قَالَ: يَكُونُ بَعْضُ ذَلِكَ. قَالَ: وَحَكَ الْفَقْهَ ثُمَّ الْمَتَجَرَ، فَإِنَّهُ مَنْ بَاعَ وَاشْتَرَى وَلَمْ يَسْأَلْ عَنِ حَرَامٍ وَلَا حَلَالٍ ارْتَبَطَ فِي الرَّبَا ثُمَّ ارْتَبَطَ (دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶).

۳. يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ! الْفَقْهَ ثُمَّ الْمَتَجَرَ... التَّاجِرُ فَاجِرٌ وَالْفَاجِرُ فِي النَّارِ إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَ أَعْطَى الْحَقَّ (الكافي، ج ۵، ص ۱۵۰).

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ بَاعَ وَاشْتَرَى فَلْيَجْتَنِبْ خَمْسَ خِصَالٍ وَإِلَّا فَلَا يَبِيعَنَّ وَلَا يَشْتَرَنَّ: الرَّبَا وَالْحَلْفَ وَكِتْمَانَ الْعَيْبِ وَالْحَمْدَ إِذَا بَاعَ وَالدَّمَّ إِذَا اشْتَرَى (بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۵؛ رك: الكافي، ج ۵، ص ۱۵۰-۱۵۱).

پیشاپیش [از خدا] طلب خیر کنید و با آسان‌گیری، از او برکت بطلبید و به خریداران نزدیک شوید [دوستانه برخورد کنید]، خود را با بردباری بیارایید، از سوگند و دروغ‌گویی و ستم کردن دوری کنید و با ستم شده‌ها [ی در معامله] به انصاف رفتار کنید و به ربا نزدیک نشوید و در سنجش متاع رعایت عدالت کنید و متاع مردم را کم‌ارزش نشمارید و در زمین فساد را گسترش ندهید...^۱

آسان‌گیری در تجارت: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خدای متعالی آسان خریدن و آسان فروختن را دوست دارد^۲؛ همچنین فرمود: خدا رحمت کند کسی را که در خرید و فروش آسان‌گیر باشد.^۳

پذیرش پشیمانی خریدار: رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حکیم بن حزام اجازه تجارت نداد، مگر پس از آنکه تعهد گرفت که پشیمانی طرف معامله را بپذیرد و به تنگ‌دست مهلت دهد و حق را رعایت کند، چه به سود او باشد یا نباشد.^۴

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هر بنده‌ای که در خرید و فروش، مسلمانی را اقاله^۵ کند، خدا روز قیامت از لغزش او درگذرد.^۶

صداقت: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: پاکیزه‌ترین درآمد، کسب تاجرانی است که در داد و ستد دروغ نمی‌گویند، در امانت خیانت نمی‌کنند، خلف وعده

۱. يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ! اتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ... قَدِّمُوا الْأَسِيحَارَةَ وَتَبَرَّكُوا بِالسُّهُولَةِ وَاقْتَرِبُوا مِنَ الْمُتَبَاعِينَ وَتَرْتَبُوا بِالْحِلْمِ وَتَنَاهَوْا عَنِ الْيَمِينِ وَجَانِبُوا الْكُذْبَ وَتَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ وَأَنْصَفُوا الْمَظْلُومِينَ وَلَا تَقْرَبُوا الرَّبَا وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (الكافي، ج ۵، ص ۱۵۱).

۲. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ سَمَحَ الْبَيْعِ وَ سَمَحَ الشِّرَاءِ... (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۲۸۷).

۳. رَحِمَ اللَّهُ سَهْلَ الْقَضَاءِ، سَهْلَ الْأَقْضَاءِ بَائِعًا وَمُشْتَرِيًا (التبيان، ج ۵، ص ۶۲).

۴. إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمْ يَأْذَنْ لِحَكِيمِ بْنِ حِرَامٍ بِالتَّجَارَةِ حَتَّى ضَمِنَ لَهُ إِقَالََةَ النَّادِمِ وَإِنْظَارَ الْمُعْسِرِ وَأَخَذَ الْحَقَّ وَافِيًا وَغَيْرَ وَافٍ (الكافي، ج ۵، ص ۱۵۱).

۵. اقاله یعنی پذیرش فسخ معامله به درخواست طرف پشیمان.

۶. أَيُّمَا عَبْدٍ أَقَالَ مُسْلِمًا فِي بَيْعٍ أَقَالَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَثْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (الكافي، ج ۵، ص ۱۵۳).

نمی‌کنند، به هنگام خرید بدگویی و به هنگام فروش ستایش نمی‌کنند، به هنگام سودمند نبودن معامله در فروش کالا امروز و فردا نمی‌کنند و به هنگام سودآوری در دریافت سخت‌گیری ندارند.^۱

تجارت در وطن: حضرت امام سجاد علیه السلام گفتند: تجارت در وطن مایهٔ سعادت‌مندی مرد است.^۲

حفظ منبع درآمد: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه روزی تو از پیشه‌ای تأمین می‌شود، آن را حفظ کن [شغلت را تغییر مده] و نیز فرمود: اگر بازرگان از تجارتی سودی نمی‌برد، به تجارتی دیگر روی آورد.^۳

دعا به هنگام داد و ستد

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مسلمان هنگام معامله با مسلمانی دیگر بگوید: **اللَّهُمَّ خِرْ لِي وَكَلِّهِ**؛ خدایا! خیر خواه من و او باش.^۴

در حدیث حرّیز به نقل از امام صادق علیه السلام چنین آمده است: هرگاه خواستی کالایی بخری، سه بار بگو: **اللَّهُمَّ اكْبِرْ**؛ آن‌گاه این دعا را بخوان: **اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ أَلْتَمِسُ فِيهِ مِنْ فَضْلِكَ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ لِي فِيهِ رِزْقًا**. **اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ أَلْتَمِسُ فِيهِ مِنْ رِزْقِكَ [اللَّهُمَّ]** فَاجْعَلْ لِي فِيهِ رِزْقًا؛ بارها! من این را خریدم و در آن، فضل و احسان تو را می‌طلبم؛ پس بر محمد

۱. **إِنَّ أَطْيَبَ الْكَسْبِ كَسْبُ التَّجَارِ الَّذِينَ إِذَا حَدَّثُوا لَمْ يَكْذِبُوا، وَإِذَا اتَّمَعُوا لَمْ يَخُونُوا، وَإِذَا وَعَدُوا لَمْ يُخْلِفُوا، وَإِذَا اشْتَرَوْا لَمْ يَدْمُوا، وَإِذَا بَاعُوا لَمْ يُطْرُوا، فَإِذَا كَانَ عَلَيْهِمْ لَمْ يَمْطَلُوا، وَإِذَا كَانَ لَهُمْ لَمْ يُعْسِرُوا** (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۳۳۶).

۲. **مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ مَتَجِرُهُ فِي بِلَادِهِ** (الفتاوى، ج ۳، ص ۱۶۴).

۳. **إِذَا رَزِقْتَ مِنْ شَيْءٍ فَالْزِمَهُ** (الفتاوى، ج ۳، ص ۱۶۹).

۴. **إِذَا نَظَرَ الرَّجُلُ فِي تِجَارَةٍ فَلَمْ يَرِ فِيهَا شَيْئًا فَلْيَتَحَوَّلْ إِلَى غَيْرِهَا** (الكافي، ج ۵، ص ۱۶۸).

۵. **إِذَا بَايَعَ الْمُسْلِمَ فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ خِرْ لِي وَكَلِّهِ** (تحف العقول، ص ۴۳).

۶. **إِذَا اشْتَرَيْتَ شَيْئًا مِنْ مَتَاعٍ أَوْ غَيْرِهِ فَكَبِّرْ ثُمَّ قُلْ: ... ثُمَّ أَعِدْ كُلَّ وَاحِدَةٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ** (الكافي، ج ۵، ص ۱۵۶).

و آل محمد درود فرست و برای من در آن، برکت و فضل قرار بده. بار خدایا! من این را خریدم و در آن، روزی تو را می‌طلبم، [خدایا] در آن برای من روزی و معاش قرار بده.

در روایت معاویه بن عمّار از آن حضرت این گونه آمده است: هرگاه خواستی چیزی بخری پس بگو: **يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا دَائِمُ يَا رُوْفُ يَا رَحِيْمُ أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ أَنْ تَقْسِمَ لِي مِنَ التَّجَارَةِ الْيَوْمَ أَعْظَمَهَا رِزْقًا وَ أَوْسَعَهَا فَضْلًا وَ خَيْرَهَا عَاقِبَةً، فَإِنَّهُ لَا خَيْرَ فِيمَا لَا عَاقِبَةَ لَهُ؛** ای همیشه زنده، ای برپا دارنده، ای پاینده، ای مهربان و ای بخشنده! تو را به عزت و قدرتت و به آنچه علمت بر آن احاطه دارد، سوگند می‌دهم و می‌خواهم که امروز تجارتی قسمت من کنی که از همهٔ تجارت‌ها روزی بیشتر، برکت بیشتر و عاقبت بهتری داشته باشد؛ زیرا هیچ خیری در آنچه عاقبت و فرجام [نیکی] ندارد، وجود نخواهد داشت.

رفتارهای ناپسند در داد و ستد

ناجوانمردی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سود بردن از برادران [دینی] در داد و ستد از جوانمردی نیست.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: سود گرفتن مؤمن از مؤمن رباست، مگر اینکه قیمت جنس بیش از صد درهم باشد. در آن صورت می‌تواند هزینهٔ روزش را سود بگیرد و اگر قصد خریدار تجارت باشد، می‌تواند با ارفاق سود بگیرد.^۲

نکته: پیام اینگونه احادیث این است: برای مؤمن پسندیده نیست که در داد و ستدهای کمی که برادران دینی، برای گذران زندگی با او دارند، از آنان سود بگیرد؛ مگر آنکه مبلغ داد و ستد بالا باشد و یا اصل معامله تجاری باشد که در این فرض، سود گرفتن منصفانه خوشایند است.

۱. الكافي، ص ۱۵۷.

۲. **لَيْسَ مِنَ الْمُرُوَّةِ الرَّبْحُ عَلَى الْإِخْوَانِ** (تاریخ مدینه دمشق، ج ۶۱، ص ۳۲۵).

۳. **رِبْحُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ رِبًا إِلَّا أَنْ يَشْتَرِيَ بِأَكْثَرِ مِنْ مِائَةِ دِرْهَمٍ فَارْبَحَ عَلَيْهِ قُوْتَ يَوْمِكَ أَوْ يَشْتَرِيَهُ لِلتَّجَارَةِ فَارْبَحُوا عَلَيْهِمْ وَ ارْفُقُوا بِهِمْ** (الكافي، ج ۵، ص ۱۵۴).

بازارگردی: امام صادق علیه السلام فرمود: از بازارگردی بپرهیز و عهده‌دار خرید بیایی چیزهای جزئی و ریز مشو؛ چرا که تصدی تهیه آنها برای فرد با شخصیت و دینمدار ناپسند است.^۱

سوگند در داد و ستد: از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که سوگند در معامله رونق‌دهنده متاع و سپس نابودکننده برکت آن است.^۲

در حدیثی دیگر پرهیز از سوگند از شروط کسب حلال شمرده شده است.^۳

در حدیثی دیگر فرمود: چهار گروه را خدا دشمن دارد: یکی از آنها فروشنده پرسوگند است؛^۴ همچنین فرمود: خدا در قیامت به سه کس نظر نیفکند و پاکشان نگرداند و برایشان عذابی دردناک است: یکی از آنها مردی است که خدافروشی می‌کند؛ جز با سوگند به خدا نمی‌خرد و جز با سوگند به او نمی‌فروشد...^۵؛ نیز فرمود: کسی که با سوگند، مال مسلمانی را به دست آورد، از بهشت محروم می‌گردد. پرسیدند: حتی اگر اندک باشد؟ فرمود: حتی اگر شاخه‌ای از چوب مسواک باشد.^۶

۱ . لَا تَكُونَنَّ دَوَّارًا فِي الْأَسْوَاقِ وَلَا تَكُنْ شَرَاءَ دَقَائِقِ الْأَشْيَاءِ بِنَفْسِكَ، فَإِنَّهُ يُكْرَهُ لِلْمَرْءِ ذِي الْحَسَبِ وَالِدِينَ أَنْ يَلِي دَقَائِقِ الْأَشْيَاءِ بِنَفْسِهِ... (تحف العقول، ص ۳۷۹؛ رك: الكافي، ج ۵، ص ۹۱).

۲ . إِيَّاكُمْ وَكَثْرَةَ الْحَلْفِ فِي الْبَيْعِ، فَإِنَّهُ يُنْفَقُ ثُمَّ يَمَحَقُ (مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۹۷)، الْحَلْفُ مُنْفَقٌ لِلسَّلْعَةِ مُمَحَقَةٌ لِلْبَرَكَةِ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۵۹۱).

۳ . رك: ذيل عنوان لزوم كسب حلال و فضيلت آن، ص ۵۹۱.

۴ . أَرْبَعَةٌ يَبْغِضُهُمُ اللَّهُ: الْبَيْعُ الْحَلَّافُ... (عوالي اللثالي، ج ۱، ص ۲۶۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۷۳).

۵ . ثَلَاثَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَا يُهَمُّ عَذَابُ أَلِيمٍ... رَجُلٌ جَعَلَ اللَّهُ بِضَاعَتَهُ لَا يَشْتَرِي إِلَّا بِبَيْمِينِهِ وَلَا يَبِيعُ إِلَّا بِبَيْمِينِهِ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۵۴۸).

۶ . مَنْ اقْتَطَعَ شَيْئًا مِنْ مَالِ امْرِئٍ مُسْلِمٍ بِبَيْمِينِهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَإِنْ كَانَ شَيْئًا يَسِيرًا؟ قَالَ: وَإِنْ كَانَ قَضِيًّا مِنْ أَرَاكِ (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۱، ص ۵۳).



امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: ای تاجران! از سوگند دروغ در معامله بپرهیزید، چرا که سوگند دروغ بازار متاع را گرم می‌کند و برکت آن را می‌برد.^۱

در حدیث مصادف گذشت که حضرت امام صادق علیه السلام سود به دست آمده بر اثر سوگند را نپذیرفت.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله در احادیثی فرمود: کسی که می‌خواهد کسبش پاک باشد، در داد و ستد فریب ندهد؛^۳ هرکس در خرید یا فروش به مسلمانی خیانت کند، از ما نیست؛^۴ وای بر تاجران امت من از «لا والله» و «بلی والله» [سوگند بسیار] گفتن؛^۵ یکی از کسانی که خدا در روز قیامت به او نظر رحمت نمی‌افکند، کسی است که با سوگند دروغ برای کالایش بازارگرمی کند. این جمله را سه بار فرمود؛^۶ و همچنین فرمود: صاحب کالا برای عرضه و فروش آن اولویت دارد.^۷

حضرت امام صادق علیه السلام گفتند: همراه متاع خوب دو دعا و همراه متاع نامرغوب نیز دو دعاست: به صاحب متاع خوب گفته می‌شود: خدا به تو و نیز به کسی که آن را به تو فروخته است برکت دهد و به صاحب متاع بد گفته می‌شود: خدا به تو و نیز به کسی که آن را به تو فروخته است برکت ندهد^۸ و نیز

۱ . يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ! إِيَّاكُمْ وَالْيَمِينِ الْفَاجِرَةَ فَإِنَّهَا تُنْفِقُ السَّلْعَةَ وَتَمَحَقُ الْبَرَكَةَ... (الغارات، ص ۶۵).

۲ . رك: ذيل عنوان «لزوم و فضيلت كسب حلال» ص ۵۹۰.

۳ . أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ طَابَ مَكْسَبُهُ... لَا يُدَلِّسُ... (الكافي، ج ۵، ص ۱۵۳).

۴ . مَنْ عَشَّ مُسْلِمًا فِي شِرَاءٍ أَوْ بَيْعٍ فَلَيْسَ مِنَّا... (الفقيه، ج ۴، ص ۱۴).

۵ . وَبَلَّ لِلتُّجَّارِ أُمَّتِي مِنْ لَا وَ اللَّهِ وَ بَلَى وَ اللَّهِ... (الفقيه، ج ۳، ص ۱۶۰).

۶ . ثَلَاثَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَا يُهَمُّ عَذَابُ أَلِيمٍ... الْمُتَنَفِّقُ سِلْعَتَهُ بِالْحَلْفِ الْكَاذِبِ أَعَادَهَا ثَلَاثًا (وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۴۲۱؛ رك: تفسير العياشي، ج ۱، ص ۱۷۹).

۷ . صَاحِبُ السَّلْعَةِ أَحَقُّ بِالسُّؤْمِ (الكافي، ج ۵، ص ۱۵۲).

۸ . فِي الْجَيِّدِ دَعْوَتَانِ وَ فِي الرَّدِيِّ دَعْوَتَانِ: يُقَالُ لِصَاحِبِ الْجَيِّدِ: بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ وَ فِيْمَنْ بَاعَكَ وَ يُقَالُ لِصَاحِبِ الرَّدِيِّ: لَا بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ وَ لَا فِيْمَنْ بَاعَكَ (الكافي، ج ۵، ص ۲۰۱ - ۲۰۲).



فرمود: سه گروه را خدا بی حساب به بهشت درمی آورد: زمامدار دادگر، بازرگان راست گو و سالمندی که عمر خود را در راه فرمانبری از خدا سپری کرده است و سه گروه را بی حساب روانه جهنم می کند: زمامدار ستمگر، بازرگان دروغ گو و سالمند آلوده دامن.^۱

فریب در معامله: آرد فروشی نزد امام صادق علیه السلام آمد. آن حضرت به او فرمود: از آمیختن جنس و فریب دادن پرهیز؛ زیرا هرکه بفریبد، در مالش فریب خورد و اگر مالی نداشته باشد، در خاندانش فریب خورد^۲ و نیز فرمود: از ما نیست، کسی که در داد و ستد ما را بفریبد.^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که مسلمانی را در داد و ستد بفریبد از ما نیست و در قیامت با یهودیان محشور می شود؛ زیرا یهود نسبت به مسلمانان فریبکارترین مردمانند^۴؛ همچنین فرمود: هرگاه خواستی شیر بفروشی آن را با آب در نیامیز؛ زیرا غش در معامله به شمار می آید.^۵

پرهیز از برخی معاملات

رسول خدا صلی الله علیه و آله از فروش سلاح در فتنه نهی فرموده است.^۶

۱. ثَلَاثَةٌ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَ ثَلَاثَةٌ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ النَّارَ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ فَأَمَّا الَّذِينَ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، فإِمَامٌ عَادِلٌ وَ تَاجِرٌ صَدُوقٌ وَ شَيْخٌ أَفْنَى عُمُرِهِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا الثَّلَاثَةُ الَّذِينَ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ النَّارَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، فإِمَامٌ جَائِرٌ وَ تَاجِرٌ كَذُوبٌ وَ شَيْخٌ زَانٍ (کتاب الخصال، ص ۸۰).

۲. دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ يَبِيعُ الدَّقِيقَ، فَقَالَ: إِيَّاكَ وَ الْعِشَّ، فَإِنَّ مَنْ عَشَّ غَشَّ فِي مَالِهِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ غَشَّ فِي أَهْلِهِ (الكافي، ج ۵، ص ۱۶۰).

۳. لَيْسَ مِنَّا مَنْ عَشَّنَا (الكافي، ج ۵، ص ۱۶۰).

۴. مَنْ عَشَّ مُسْلِمًا فِي شِرَاءٍ أَوْ بَيْعٍ فَلَيْسَ مِنَّا وَ يُحَشَّرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الْيَهُودِ، لِأَنَّهُمْ أَعَشَّ الْخَلْقَ لِلْمُسْلِمِينَ (الفتية، ج ۴، ص ۱۴).

۵. نَهَى عَنْ شُوبِ اللَّيْنِ بِالْمَاءِ إِذَا أُرِيدَ بِهِ الْبَيْعُ لِأَنَّهُ يَكُونُ غَشًّا... (دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۹).

۶. نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَنْ بَيْعِ السَّلَاحِ فِي الْفِتْنَةِ (السنن الكبرى، ج ۵، ص ۳۲۷).



امام صادق علیه السلام درباره فروش سلاح به دو گروهی که در راه باطل با هم می جنگند، فرمود: می توان چیزهایی را فروخت که جنبه دفاعی دارد؛ مانند زره، پوتین و کلاهخود.^۱

به نقل امام رضا علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله از معامله غری (زیانبار) و داد و ستد با مضطر نهی کرد^۲؛ همچنین آن حضرت در حدیثی فرمود: کم فروشی عامل پیدایش قحطی و کمبود از سوی خداست.^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله از معامله سگ جز سگ شکاری نهی کرده است^۴؛ نیز از فروش آب زاید [بیش از حد نیاز]^۵ و همچنین از ورود در داد و ستد دیگران نهی کرد^۶ و نیز فرمود: در گفت و گوی معامله برادر مؤمن وارد نشو.^۷

د. صنعت (حرفه)

اهمیت صنعت

برخی از نیازهای بشر تنها از راه صنعت تأمین می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: خدا اسباب روزی مردمان را در کارهای مختلف

۱. سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الْفَتَيْنِ يَلْتَقِيَانِ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ أَيْعُهُمَا السَّلَاحُ؟ فَقَالَ علیه السلام: بَعْهُمَا مَا يَكْنُهُمَا: الدَّرْعُ وَ الْخَفَتَانُ وَ الْبَيْضَةُ وَ تَحْوُ ذَلِكَ (تحف العقول، ص ۳۷۴؛ رك: الكافي، ج ۵، ص ۱۱۳).

۲. نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَنْ بَيْعِ الْمُضْطَّرِّ وَعَنْ بَيْعِ الْعَرْرِ... (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۵).

۳. ... إِذَا طَفَقَتِ الْمَكَائِلُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَ النَّقْصِ (علل الشرائع، ص ۵۸۴).

۴. نَهَى عَنْ تَمَنِ الْكَلْبِ إِلَّا كَلَبَ الصَّيْدِ (الجامع الصغير، ج ۲، ص ۶۸۶).

۵. نَهَى عَنْ بَيْعِ فَضْلِ الْمَاءِ (مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۳۸).

۶. نَهَى عَنْ تَلْقَى الْبُيُوعِ... (مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۴۳۰).

۷. نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ... أَنْ يَدْخُلَ الرَّجُلُ فِي سَوْمِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ (الفتية، ج ۴، ص ۵).

و صنایع گوناگون قرار داد و این برای بقای بشر پایدارتر و برای تدبیر امور درست‌تر است.^۱

در قرآن به برخی صنعت‌ها که به دست پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام انجام گرفته، اشاره شده است. خدا می‌گوید: پس هنگامی که خواستیم عذاب بفرستیم، به او وحی کردیم که آن کشتی را زیر نظر ما و بر طبق آنچه به تو وحی می‌کنیم، بساز، و چون حکم ما در مورد نابودی کفرپیشگان در رسید، و به نشانه عذاب، آب از آن تنور جوشید، از هر حیوانی، دو تا، یک نر و یک ماده، با کسانت (مؤمنان و خانواده‌ات) جز کسانی از آنان که پیش‌تر وعده عذاب در حقشان ثابت شده است، در آن کشتی سوار کن^۲؛ همچنین فرمود: و به سود شما ساختن زره را بدو (داود پیامبر) آموختیم تا در جنگ شما را حفظ کند. آیا سپاس (این نعمت‌ها) می‌دارید!^۳

به نقل امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام، داود عَلَيْهِ السَّلَام هر روز زرهی می‌ساخت و آن را به هزار درهم می‌فروخت و [بدین طریق] از بیت المال بی‌نیاز شد.^۴

آداب صنعتگری

صنعتگران باید افزون بر مهارت و دانایی، در پی تأمین نیاز مردم عصر خود باشند تا از این رهگذر هم مشتری جلب کنند و هم خدمتی به بندگان خدا و عبادت او کنند.

۱. ... لَكِنْ جَعَلَ بَعْضَهُمْ لِبَعْضٍ عَوْنًا وَ جَعَلَ أَسْبَابَ أَرْزَاقِهِمْ فِي ضُرُوبِ الْأَعْمَالِ وَ أَنْوَاعِ الصَّنَاعَاتِ وَ ذَلِكَ أَدْوَمٌ فِي الْبَقَاءِ وَ أَصَحُّ فِي التَّدْبِيرِ (الإحتجاج، ص ۳۴۱).
۲. ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَ وَحِينَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَ فَازَ النَّوْرُ فَاسْأَلْكَ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَ أَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ...﴾ (سوره مؤمنون، آیه ۲۷).
۳. ﴿وَ عَلَّمْنَاهُ صِنْعَةَ بُيُوسٍ لَكُمْ لِيُخْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ﴾ (سوره انبیاء، آیه ۸۰).
۴. ... فَكَانَ يَعْمَلُ كُلُّ يَوْمٍ دِرْعًا فَيَبِيعُهَا بِأَلْفِ دِرْهَمٍ فَعَمِلَ ثَلَاثِمِائَةَ وَ سِتِّينَ دِرْعًا فَبَاعَهَا بِثَلَاثِمِائَةِ وَ سِتِّينَ أَلْفًا وَ اسْتَعْنَى عَنِ بَيْتِ الْمَالِ (الكافي، ج ۵، ص ۷۴).



امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هر صنعتگری برای درآمدزایی نیازمند سه ویژگی است: مهارت و تخصص در کار، ادای امانت در کار و علاقه‌مندی به صاحب کار [و کسی که برایش کار می‌کند].^۱

حضرت امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام گفتند: خدا صاحب حرفه امانت‌دار را دوست دارد.^۲

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: وای بر صنعتگران امت من از امروز و فردا کردن! [دور سردوانی مردم و خلف وعده با آنان و به تأخیر انداختن کارشان که مایه هلاکت است].^۳

اقسام صنعت

صنعت حلال: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: صنعت‌هایی که مردم خود می‌آموزند یا به دیگران می‌آموزند، مانند: نوشتن و حساب‌داری و بازرگانی و زرگری و زین‌سازی و عملیات ساختمانی و بافندگی و گازری و دوزندگی و تصویرسازی غیر جاندار و انواع وسائل و ابزاری که مردمان به آنها نیاز دارند و از آنها بهره می‌برند و سامان یافتن زندگیشان به آنهاست و نیازهای گوناگونشان با آنها برآورده می‌شود، همه اینها فعل و تعلیمش برای خود یا دیگری جایز است.^۴



۱. كُلُّ ذِي صِنَاعَةٍ مُضْطَرٌّ إِلَى ثَلَاثٍ خِلَالٍ يَجْتَلِبُ بِهَا الْمَكْسَبَ وَ هُوَ أَنْ يَكُونَ حَادِقًا يَعْمَلِهِ مُؤَدِّيًا لِلْأَمَانَةِ فِيهِ مُسْتَمِيلًا لِمَنْ اسْتَعْمَلَهُ (تحف العقول، ص ۳۲۲).
۲. إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينِ (الكافي، ج ۵، ص ۱۱۳).
۳. ... وَ نَبَلَ لِصِنَاعِ أُمَّتِي مِنَ الْيَوْمِ وَ عَدَدِ (الفقيه، ج ۳، ص ۱۶۰).
۴. كُلُّ مَا يَتَعَلَّمُ الْعِبَادُ أَوْ يَعْلَمُونَ غَيْرَهُمْ مِنْ صُنُوفِ الصَّنَاعَاتِ مِثْلَ الْكِتَابَةِ وَ الْحِسَابِ وَ التَّجَارَةِ وَ الصِّيَاغَةِ وَ السَّرَاجَةِ وَ الْبِنَاءِ وَ الْحِيَاكَةِ وَ الْقَصَارَةِ وَ الْخِيَاطَةِ وَ صِنْعَةِ صُنُوفِ التَّصَاوِيرِ مَا لَمْ يَكُنْ مِثْلَ الرُّوحَانِيِّ وَ أَنْوَاعِ صُنُوفِ الْأَلَاتِ الَّتِي يَحْتَاجُ إِلَيْهَا الْعِبَادُ الَّتِي مِنْهَا مَنَافِعُهُمْ وَ بَهَا قِوَامُهُمْ وَ فِيهَا بُلْغَةُ جَمِيعِ حَوَائِجِهِمْ فَحَلَالٌ فِعْلُهُ وَ تَعْلِيمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ فِيهِ، لِنَفْسِهِ أَوْ لِغَيْرِهِ (تحف العقول ص ۳۳۵).

صنعت حرام: صنعت حرام دو قسم دارد: ۱. صنعت حلالی که در جهت حرام به کار گرفته شود؛ ۲. صنعتی که تنها کاربرد حرام دارد. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: صنعتی که تنها برای حرام کاربرد دارد و رهاوردش تباهی محض است و هیچ صلاحی (فایده‌ای) در آن نیست، خدا آن را حرام کرده است [مانند: ابزار سخت افزاری و نرم افزاری لهو و لعب، بت سازی، تولید نوشابه‌های حرام و هر چیزی که موجب تباهی محض افراد و جامعه است]؛ پس آموختن و آموزش دادن آن، عمل به آن، گرفتن مزد برای آن و هرگونه اقدامی برای آن همه‌اش حرام است، مگر اینکه صنعتی باشد که گاهی در جهت منفعت (حلال) به کار می‌رود و از آن جهت که در آن صلاحی وجود دارد، یاد گرفتنش و عمل به آن حلال است؛ ولی بر کسی که آن را در جهت حرام و غیر حق به کار گیرد، حرام است.^۱

۳. توزیع ثروت

گرچه مسؤولیت اصلی توزیع ثروت بر عهده دولت‌ها است، ثروتمندان نیز به گونه مستقیم مورد خطاب الهی قرار گرفته‌اند تا با پرداخت حقوق خویشاوندان، مستمندان و دولت اسلامی که به صورت امانت الهی و با عنوان صدقات واجب (زکات) و خمس غنیمت و غیر آن در مال آنان وجود دارد، در

۱. إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّنَاعَةَ الَّتِي حَرَّمَ هِيَ كُلُّهَا الَّتِي يَجِيءُ مِنْهَا الْفَسَادُ مَحْضًا، تَطْيِيرَ الْبِرَابِطِ وَ الْمَزَامِيرِ وَ الشُّطْرُوجِ وَ كُلِّ مَلْهُوٍّ بِهِ وَ الصُّلْبَانِ وَ الْأَصْنَامِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنْ صِنَاعَاتِ الْأَشْرِيَّةِ الْحَرَامِ وَ مَا يَكُونُ مِنْهُ وَ فِيهِ الْفَسَادُ مَحْضًا وَ لَا يَكُونُ فِيهِ وَ لَا مِنْهُ شَيْءٌ مِنْ وَجْوهِ الصَّلَاحِ فَحَرَامٌ تَعْلِيمُهُ وَ تَعَلُّمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ أَحْذُ الْأَجْرَ عَلَيْهِ وَ جَمِيعَ التَّقَلُّبِ فِيهِ مِنْ جَمِيعِ وَجْوهِ الْحَرَكَاتِ كُلِّهَا إِلَّا أَنْ تَكُونَ صِنَاعَةً قَدْ تَصَرَّفَ إِلَى جِهَاتِ الصَّنَائِعِ وَ إِنْ كَانَ قَدْ تَصَرَّفَ بِهَا وَ يَتَنَاوَلُ بِهَا وَجْهٌ مِنْ وَجْوهِ الْمَعَاصِي فَلَعَلَّهُ لِمَا فِيهِ مِنَ الصَّلَاحِ حَلَّ تَعَلُّمُهُ وَ تَعْلِيمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ يَحْرُمُ عَلَى مَنْ صَرَفَهُ إِلَى غَيْرِ وَجْهِ الْحَقِّ وَ الصَّلَاحِ فَهَذَا تَفْسِيرُ بَيَانِ وَجْهِ اكْتِسَابِ مَعَائِشِ الْعِبَادِ وَ تَعْلِيمِهِمْ فِي جَمِيعِ وَجْوهِ اكْتِسَابِهِمْ (تحف العقول، ص ۳۳۵-۳۳۶).

رفع مشکلات جامعه سهیم گردند و زمینه رشد و تعالی خود و دیگران را فراهم سازند.

خدا در قرآن می‌گوید: آنچه خدا از اموال مردم آن آبادی‌ها، بدون پیکار مجاهدان به پیامبرش باز گردانید، سهمی از آن به خدا اختصاص دارد که باید در راه او هزینه شود و سهمی از آن برای پیامبر و سهمی برای خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است. این تقسیم بدان جهت است که این اموال میان توانگران شما دست به دست نگردد. آنچه را که رسول خدا به شما پرداخت (و نیز آموخت) آن را بگیرید و آنچه شما را از آن بازداشت، از آن دست بردارید و از خدا پروا کنید و با پیامبر او مخالفت نکنید که خدا سخت کیفر است.^۱

چند نکته از المیزان مرحوم علامه طباطبایی:

۱. هر ثروتی که به دست می‌آید، در حال پیدایش، سهمی از آن، ملک اجتماع است؛ آن‌گاه سهم دیگری از آن به فردی که ما او را سرمایه‌گذار یا عامل (تولید کننده) می‌نامیم، اختصاص می‌یابد. پس حقوق مالی اجتماع مانند خمس و زکات حقوقی است که اسلام آن را در حین پیدایش هر ثروتی لحاظ کرده، و اجتماع را شریک قرار داده است؛ آنگاه فرد را نسبت به سهمی که مختص به اوست، مالک و آزاد دانسته تا در نیازهای مشروع خود صرف کند و هیچ‌کس حق هیچ‌گونه اعتراضی به او ندارد؛ مگر در وضع اضطراری که اجتماع مورد تهدید واقع شود، در این صورت بر افراد توانگر نیز لازم است برای حفظ حیات خود با پرداختن بخشی از اموال خود از خطر و تهدید جلوگیری کنند.

۱. ﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلرَّسُولِ وَ لِلذَّيِّ الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَىٰ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (سوره حشر، آیه ۷).

۲. اسلام مصالح افراد را در اموال بیت المال کاملاً مورد توجه قرار داد؛ چون زکات را هشت سهم کرده و از آن سهام هشت‌گانه تنها يك سهم را به سبیل الله اختصاص داده و بقیه را برای تهی‌دستان و مسکینان و کارمندان جمع‌آوری صدقات و مؤلفه قلوبهم و دیگران تعیین کرده است و همچنین خمس را شش سهم کرده و از آن سهام شش‌گانه بیش از يك سهم برای خدا نگذاشته و باقی را برای رسول، خویشاوندان او، یتیمان، مسکینان و در راه ماندگان تعیین کرده است. این بدان جهت است که فرد، یگانه عنصر تشکیل دهنده اجتماع است و جز با اصلاح حال افراد، اجتماع نیرومند پدید نمی‌آید.

۳. به افراد مسلمانی که باید زکات پرداخت کنند، این اختیار داده شده که زکات را به مصرف برخی از صاحبان سهام مثل تهی‌دستان و مسکینان برسانند. این يك نوع احترام به استقلال [افراد] است که اسلام آن را لحاظ کرده است مگر در مواردی که ولی امر و زمامدار اسلامی، مصلحت اسلام و مسلمانان را در خلاف آن ببیند و از آن نهی کند، در این صورت به دلیل وجوب اطاعتش، واجب است از پرداخت [مستقیم] به افراد مصرف کننده، خودداری گردد.^۱

هدف توزیع

یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام رعایت عدالت در توزیع منابع و درآمد و ثروت است تا از انباشت مال و مصرف بی‌رویه آنها جلوگیری شود و همگان از مواهب الهی بهره‌مند گردند و دستیابی افراد به منابع و درآمد هم بر مبنای حقوقی است که خاستگاهی دارند و این حقوق و خاستگاه آنها را به صورت‌های زیر می‌توان بیان کرد:

۱. رك: المیزان، ج ۹، ص ۳۸۶ - ۳۸۸.

۱. حقوق عامّ افراد؛ یعنی تمام افراد يك جامعه در استفاده کردن از امکانات و منابع و ثروت‌های عمومی یکسان‌اند و همگان بر اساس «اصل اباحه» می‌توانند در جهت افزایش عمران و آبادانی از این ثروت‌ها بهره بگیرند؛ چنان‌که آیات ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾^۱، ﴿وَ لَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعْيِشَ قَلِيلاً مَا تَشْكُرُونَ﴾^۲ و ﴿وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾^۳ به این مطلب اشاره دارند.

۲. حقوقی که از کار و تلاش افراد برمی‌خیزد و هر کسی که بیشتر کار کرد سهم بیشتری از ارزش افزوده می‌برد و دو آیه ﴿وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ﴾^۴ و ﴿وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾^۵ می‌توانند به این مطلب اشاره داشته باشند.

۳. حقوقی که از نیاز آدمیان برمی‌خیزد؛ یعنی کسانی که به علتی غیر از تنبلی و تن‌پروری نتوانستند خود را مستحق دریافت درآمد از راه تلاش و کوشش کنند. اینان یا معلولان و ناتوانان ذهنی و بدنی، سال‌خوردگان، یتیمان و یا بیماران جامعه یا کسانی‌اند که به رغم فعالیت و تلاش، به مزد واقعی کار خود دست نیافتند.

اسلام برای اینان در میان اموال توانمندان جامعه سهم لازم و واجبی قرار داده، حتی بخشی از اموال توانمندان (مانند زکات و...) را مستقیماً حق این

۱. اوست که شما را از زمین پدید آورده و در آن رشدتان داده و از شما خواسته است که در آن آبادانی کنید (سوره هود، آیه ۶۱).
۲. به راستی ما شما را در زمین سکونت دادیم و برای شما در آن اسباب زندگی نهادیم. شما اندک سپاسگزاری می‌کنید (سوره اعراف، آیه ۱۰).
۳. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است همه را برای شما رام ساخت (سوره جاثیه، آیه ۱۳).
۴. و هنگام وزن کردن و پیمانه نمودن کالاهای مردم از مقدار آن نگاهید (سوره اعراف، آیه ۸۵).
۵. که برای انسان؛ جز آنچه برای به دست آوردنش تلاش کرده است چیزی نیست (سوره نجم، آیه ۳۹).

محرومان قرار داده و توانمندان را در این قسمت که سهم نیازمندان است، مالک به حساب نیاورده است: ﴿وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ﴾^۱. امام صادق علیه السلام هم فرمود: خدا در میان اموال توانگران برای تهی‌دستان حقوقی را به اندازه کفایت آنان واجب کرده است...^۲ با رعایت این معیارها می‌توان به توزیع عادلانه ثروت پرداخت و به هدف نظام اقتصادی اسلام دست یافت.

موارد توزیع

۱. توزیع منابع: امام باقر علیه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام یافتیم که هر مسلمانی زمینی را احیاء کند، باید در آبادانی آن بکوشد و خراج آن را به امامی از اهل بیت علیهم السلام [حاکم عادل] پردازد...؛ پس اگر آن را رها یا ویران کند و مسلمانی دیگر پس از او به آبادانی آن پردازد، به آن زمین سزاوارتر از کسی است که آن را رها کرده است...^۳

۲. توزیع مالی (مثل کالا، پول و...): اسلام برای تحقق توزیع عادلانه ثروت نیز سه راه پیشنهاد کرده است:

تشویق به انفاق: خدا در قرآن فرمود: ای مؤمنان! هر مالی را که انفاق می‌کنید، به سود خودتان است؛ بدین شرط که آن را جز برای دستیابی به خشنودی خدا انفاق نکنید و هر مالی را که می‌بخشید، به طور کامل به شما

۱. و در اموالشان برای نیازمند سائل و بینوایی که از درخواست پرهیز می‌کند حقی است (سوره ذاریات، آیه ۱۹).

۲. ... أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِلْفُقَرَاءِ مَا يَكْتَفُونَ بِهِ الْفُقَرَاءُ... (الکافی، ج ۳، ص ۴۹۸).

۳. ... فَمَنْ أَحْيَا أَرْضًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَلْيَعْمُرْهَا وَ لِيُؤَدِّ خَرَجَهَا إِلَى الْإِمَامِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَ لَهُ مَا أَكَلَ مِنْهَا، فَإِنْ تَرَكَهَا أَوْ أَخْرَبَهَا فَأَخَذَهَا رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِهِ فَعَمَرَهَا وَ أَحْيَاهَا فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا مِنَ الَّذِي تَرَكَهَا (الکافی، ج ۵، ص ۲۷۹).

بازگردانده می‌شود و بر شما ستم نمی‌رود.^۱

به نقل امام سجّاد علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله در پایان خطبه‌هایش می‌فرمود: خوشا به حال آن که... زیادی ثروتش را انفاق کند و از زیادی سخنش خودداری کند و به انصاف رفتار کند [حق مردم را از خویش بستاند].^۲ تهدید به کیفر: خدا کسانی را که از روی حرص و دنیاطلبی در پرداخت حقوق مالی کوتاهی کنند به کیفر تهدید کرده است:

کسانی که زر و سیم می‌اندوزند و آنها را در راه خدا هزینه (توزیع) نمی‌کنند، به عذابی دردناک بشارت ده.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: انفاق کن و به جایگزینی آن یقین داشته باش و بدان که هرکس در راه طاعت خدا انفاق نکند، به انفاق در معصیت خدای بزرگ گرفتار می‌شود.^۴

اقدام دولت: وظیفه دولت اسلامی است که از انباشت ثروت (تکباثر) و مصرف بی‌رویه مالکان جلوگیری کند تا از این رهگذر هم از اتلاف سرمایه مانع شود و هم زمینه بهره‌مندی دیگران را فراهم کند. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره به مالک اشتر می‌نویسد: در کارهایشان نظر کن؛ خواه نزد تو باشند یا در شهرهای دور؛ با این همه بدان که در بسیاری از ایشان، تنگ‌نظری آشکار و بخلی زشت و احتکار منافع و زورگویی در داد و ستد است و این برای همگان

۱. ﴿وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا نُفْسِكُمْ وَ مَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ﴾ (سوره بقره، آیه ۲۷۲).

۲. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ فِي آخِرِ خُطْبَتِهِ: طُوبَى لِمَنْ.... أَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ وَ أَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ وَ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ (الکافی، ج ۲، ص ۱۴۴).

۳. ﴿الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ...﴾ (سوره توبه، آیه ۳۴).

۴. أَنْفَقْ وَ أَيْقِنْ بِالْخَلْفِ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ مَنْ لَمْ يُنْفِقْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ ابْتِلَىٰ بِأَنْ يُنْفَقَ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (الفتیحه، ج ۴، ص ۴۱۲).

زیانبار و عیب کارگزاران است؛ پس از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا ﷺ از آن منع کرده است.^۱

در ادامه فرمود: خدا را، خدا را درباره طَبَقَةُ فَرُودَسْت در نظر گیر؛ آنان که بیچاره‌اند: مسکینان، نیازمندان، گرفتار شدگان و زمین‌گیر شدگان. در این گروه افرادی قانع و سزاوار عطایند که روی سؤال ندارند و رعایت کن برای خدا حقی را که برای ایشان قرار داد و برایشان در تمام شهرها از خزانه دولت سهمی قرار ده و نیز سهمی از غلات زمین‌های مملکت اسلامی؛ زیرا برای دورترینشان همان حقی است که برای نزدیک‌ترینشان است و تو باید حق همگان را رعایت کنی.^۲

۳. توزیع خدمات: از موارد توزیع عادلانه، توزیع امکانات رفاهی و خدمات میان همه مردم است؛ مانند احداث راه‌ها، بیمارستان‌ها و مراکز آموزشی، فرهنگی و تفریحی.

برای زکات هشت مصرف معین شده است و افزون بر دولت، ثروتمندان می‌توانند جهت پرداخت زکات واجب در این بخش تحت عنوان «فی سبیل الله» هزینه کنند تا در آبادانی شهر و کشور و خدمت به هموعان خود سهیم شوند.

۱ . تَفَقَّدْ أُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِكَ وَ فِي حَوَاشِي بِلَادِكَ وَ اعْلَمْ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا وَ شَحَاً قَبِيحًا وَ احْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَ تَحَكُّمًا فِي الْبِيَاعَاتِ وَ ذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوبٌ لِلْعَامَّةِ وَ عَيْبٌ عَلَى الْوَلَاةِ فَاْتَمَعُ مِنَ الْاِحْتِكَارِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَنَعَ مِنْهُ (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۲ ... ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُحْتَاجِينَ وَ أَهْلِ الْبُؤْسَى وَ الرِّمْتَى فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَ مُعْتَرًا وَ احْفَظِ اللَّهُ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ وَ اجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ وَ قِسْمًا مِنْ غَلَّاتِ صَوَافِي الْإِسْلَامِ فِي كُلِّ بَلَدٍ فَإِنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى وَ كُلُّ قَدٍ اسْتُرْعِيَتْ حَقَّهُ (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

خدا در قرآن می‌فرماید: [بر همه مسلمانان روا نیست که از زکات واجب بهره‌مند شوند تا اگر به عده‌ای داده نشد، شکایت کنند]؛ زکات تنها به مستمندان و درماندگان و عاملان گمارده شده بر آن و مخالفانی که با هدف گرایش به اسلام یا یاری دادن مسلمانان از آنان دلجویی می‌شود، اختصاص دارد و نیز در راه آزادی بردگان و پرداخت وام کسانی که از پرداخت آن ناتوان‌اند و در راه خدا و [تأمین توشه و مرکب] مسافری که در راه مانده است، هزینه می‌شود. این موارد هشت‌گانه برای مصرف زکات از جانب خدا مقرر شده و قابل تغییر نیست...^۱

راهکارهای توزیع عادلانه

راهکارهای توزیع عادلانه عبارت‌اند از انفاق (اعم از زکات واجب و صدقات مستحب و دیگر وجوه شرعی)، وقف، نذر، هبه و بخشش و توزیع دولتی که بحث تفصیلی آن در مباحث دیگر این کتاب آمده است.

انواع توزیع

واجب: مانند پرداخت خمس و زکات و زکات فطره و دیگر واجبات مالی و پرداخت حقوق افرادی که برای ما خدمتی ارائه داده‌اند یا افرادی که نفقه (هزینه) آنان برعهده ماست.

حرام: مانند پرداخت وجوه واجب به افراد ناشایست. در روایتی از امام صادق ع درباره هزینه کردن صدقات چنین آمده است: نباید آن را به سه گروه پرداخت: کسانی که با رفتار جاهلی و با شعار قومگرایی میان افراد و قبایل

۱ . ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ قَرِيبَةً مِنَ اللَّهِ...﴾ (سوره توبه، آیه ۶۰).

خونریزی می‌کنند که از سهم غارمان [بدهکاران] دیه مقتولان پرداخت نمی‌شود؛ همچنین بدهی کسانی که مهریه همسرانشان را [با تقصیر و اجحاف] بدهکارند و نیز بدهی کسانی که در تصرف اموال مردم باکی ندارند؛ اینها از صدقات پرداخت نمی‌شود.^۱

۴. مصرف (بهره برداری)

همان‌گونه که آدمیان در سایر رشته‌های علمی و عملی یکسان نیستند، در مسائل اقتصادی نیز همسان نیستند؛ مانند تفاوت گردش خون در رگ‌های بدن که در برخی از آنها خون بیشتر و در بعضی خون کمتری به تناسب همان رگ‌ها جریان دارد و این تفاوت بر اساس نظم طبیعی و تفاوت استعدادهاست. در نیازهای جامعه نیز همین‌گونه تفاوت هست. در برخی اقتضای هزینه کردن بیشتر است و در بعضی به ثروت و هزینه‌های کلان نیاز نیست و این تفاوت، برخاسته از نیازهای طبیعی جامعه است؛ بنابراین اگر در قسمت پرهزینه، ثروت کمتر صرف گردد یا در بخش کم‌هزینه، ثروت بیشتری خرج شود، تعادل جامعه بر هم خواهد خورد.^۲

در قرآن به بهره‌برداری از نعمت‌های الهی سفارش شده و همه سفارش‌ها درباره کار و تولید و اهمیت آن برای ایجاد زمینه مصرف درست در جهت رشد و تعالی انسان است. مصرف یاد شده نیز یا برای تأمین نیازهای فردی یا اجتماعی است.

۱ ... وَلَا تُعْطِينَ مِنْ سَهْمِ الْغَارِمِينَ الَّذِينَ ينادُونَ بِنِدَاءِ الْجَاهِلِيَّةِ سَيِّئًا. قُلْتُ: وَمَا نِدَاءُ الْجَاهِلِيَّةِ؟ قَالَ: هُوَ الرَّجُلُ يَقُولُ: يَا لَيْبِي فُلَانٍ، فَيَقَعُ بَيْنَهُمَا الْقَتْلُ وَالدَّمَاءُ فَلَا يُؤَدُّوْا ذَلِكَ مِنْ سَهْمِ الْغَارِمِينَ وَلَا الَّذِينَ يُغْرَمُونَ مِنْ مُهُورِ النِّسَاءِ وَلَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ: وَلَا الَّذِينَ لَا يُبَالُونَ مَا صَنَعُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ (وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۲۹۸؛ رك: تفسير العياشي، ج ۲، ص ۹۴).

۲. تسنيم، ج ۱۷، ص ۳۴۴.



خداي سبحان مي‌فرمايد: اي كساني كه ايمان آورده‌ايد! از نعمت‌هاي پاكيزه‌اي كه به شما روزي داده‌ايم، بخوريد و شكر خدا را به جا آوريد، اگر او را پرستش مي‌كنيد!^۱ و مي‌فرمايد: اي كساني كه ايمان آورده‌ايد! چيزهاي پاكيزه را كه خدا براي شما حلال کرده است، حرام نكنيد و از حد نگذريد؛ زيرا خدا متجاوزان را دوست نمي‌دارد.^۲

قرآن مال را امانت الهی می‌داند و می‌فرماید: و از مالی که خدا به شما ارزانی کرده است به عنوان زکات به ایشان بدهید [تا بتوانند بهای خود را بپردازند] ﴿وَاتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ﴾^۳، ای مؤمنان! ايمان به خدا و رسول را در خود تقويت كنيد و از امواتان كه خدا شما را در آنها جانشين [خود يا] ديگران قرار داده است، در راه خدا انفاق كنيد: ﴿ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ﴾^۴؛ بر اين اساس امام صادق عليه السلام فرمود: مالت را همچون عاريه‌اي قرار ده كه بايد آن را بازگرداني.^۵

در سخني ديگر فرمود: خدا اموال را براي اينكه در جهت الهی هزینه كنيد به شما عطا کرده است؛ نه اينكه آن را ببندوزيد.^۶

امام سجّاد عليه السلام فرمود: جوانمردی كامل در بهره‌برداری از ثروت است.^۷

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ (سوره بقره، آیه ۱۷۲).

۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ (سوره مائده، آیه ۸۷).

۳. سوره نوره، آیه ۳۳.

۴. سوره حدید، آیه ۷.

۵. ... اجْعَلْ مَالَكَ كَعَارِيَةٍ تَرُدُّهَا... (الفتیه، ج ۴، ص ۴۱۰).

۶. إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ اللَّهُ هَذِهِ الْفُضُولَ مِنَ الْأَمْوَالِ لِتُوجِّهُوهَا حَيْثُ وَجَّهَهَا اللَّهُ وَلَمْ يُعْطِكُمْوهَا لِتَكْتَبِرُوهَا (الكافي، ج ۴، ص ۳۲).

۷. ... اسْتَيْمَارُ الْمَالِ تَمَامُ الْمُرُوءَةِ... (الكافي، ج ۱، ص ۲۰).

هدف مصرف

خدا در قرآن مال و ثروت را نعمت خود به بندگان و زمینه شکرگزاری آنان می‌شمارد و می‌فرماید: و بی‌تردید ما شما را در زمین سکونت دادیم و برای شما در آن اسباب زندگی نهادیم، شما اندک سپاسگزاری می‌کنید.^۱

در آیه دیگر در پاسخ کسانی که دستورهای دین را به امور اخروی محدود کرده، تلاش می‌کنند معارف و احکام اقتصادی را از دین حذف کنند و دین را صرفاً امری معنوی جلوه دهند، می‌فرماید: ای اهل ایمان! طعام‌های پاکیزه‌ای را که خدا برای شما حلال کرده است، حرام نکنید و از محدوده قانون خدا تجاوز نکنید که خدا متجاوزان را دوست ندارد.^۲

در اسلام، «اعتقاد» اصل است نه «اقتصاد»؛ ولی توده مردم تاب و توان سختی و فقر را ندارند و ممکن است بر اثر دشواری معیشت، قدرت حفظ دین از آنها گرفته شود؛ از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره امر اقتصاد و لزوم تأمین و تعدیل ثروت، با اشاره به نان که سمبل نعمت‌های دنیوی است از خدا چنین می‌خواهد: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ فَلَوْلَا الْخُبْزُ مَا صُمْنَا وَ لَا صَلَّيْنَا وَ لَا أَدَّيْنَا فَرَائِضَ رَبِّنَا عَزَّ وَ جَلَّ؛ بارخدا یا! نان ما (اقتصاد سالم و جامع) را برکت ده و میان ما و نان ما جدایی نینداز؛ زیرا اگر نان نباشد، روزه‌داری و نمازگزاری و انجام دادن واجبات دینی دشوار است.^۳

مراد از «نان»، اقتصاد سالم و جامع جامعه است که هزینه مسکن، پوشاک، درمان، تحصیل و مانند آنها را شامل می‌شود؛ چنان‌که جمله «چند نفر نان خور داری» بدین معناست که هزینه زندگی چند نفر بر عهده توست.^۴

۱. «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَةً قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ» (سوره اعراف، آیه ۱۰).
 ۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَتَّبِعُوا إِلَّا اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِلِينَ» (سوره مائده، آیه ۸۷).
 ۳. الکافی، ج ۶، ص ۲۸۷.
 ۴. تسنیم، ج ۱۷، ص ۳۵۵.

انواع مصرف

مصرف در نگرش الهی حدودی دارد که انسان را در رشد و تعالی فردی و جمعی یاری می‌دهد و اگر از حدود آن کاسته یا بر آن افزوده شود، نظام معیشت آسیب می‌بیند. امساک در هزینه کردن و نیز محروم کردن دیگران از نعمت‌های الهی، بخل است و زیاده‌روی در هزینه کردن، اسراف شمرده می‌شود؛ بنابراین مصرف از هر دو سو محدودیت دارد و تجاوز از آن نکوهیده است و تنها به اعتدال و میانه‌روی در آن سفارش شده و بر اساس آیات و روایات می‌توان مصرف را به سه نوع قسمت کرد:

۱. مصرف بخیلانه

ملاك بخل: طبق سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله، بخیل کسی است که می‌خورد و نمی‌بخشد^۱ و طبق تعبیر امام حسن عسکری علیه السلام، میانه‌روی اندازه‌ای دارد که اگر از حد [به طرف کاهش] بگذرد، بخل به شمار می‌آید.^۲

پرهیز از بخل: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بخورید، بیاشامید، بپوشید و صدقه دهید، بی‌آنکه اسراف کنید و بخل بورزید، زیرا خدا دوست دارد اثر نعمتش را بر بنده‌اش ببیند.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس از بخل دوری کند، به شرف نایل آید.^۴

زیان بخل: حضرت امام صادق علیه السلام گفتند: بخیل آسایش ندارد.^۵

۱. ... الْبَخِيلُ الَّذِي يَأْكُلُ وَ لَا يُعْطِي... (جامع الأخبار، ص ۱۱۳).
 ۲. ... لِلْإِقْتِسَادِ مَقْدَارًا، فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ بَخِيلٌ... (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۷).
 ۳. كَلُوا وَ اشْرَبُوا وَ ابْسُوا وَ تَصَدَّقُوا فِي غَيْرِ سَرْفٍ وَ لَا بَخْلِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَيَّ عَبْدِهِ (بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۰۷).
 ۴. ... مَنْ بَرِيَ مِنَ الْبُخْلِ نَالَ الشَّرْفَ... (تحف العقول، ص ۳۱۶).
 ۵. ... كَيْسَتْ لِبَخِيلٍ رَاحَةً... (الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۴).

حضرت امیرمؤمنان علیه السلام گفتند: بخشندگی آدمی، وی را محبوب دشمنانش و بخل ورزی وی را مبعوض فرزندانش می‌کند.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس بخل ورزد و به اختیار مالش را از نیکان باز دارد، خدا به اضطرار، مالش را در اختیار بدان قرار دهد.^۲

حضرت امیرمؤمنان علیه السلام گفتند: یکی از عوامل بازگشت به قهقرا و عقب ماندگی، بخل توانگران است.^۳

کیفر بخل: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بخیل از خدا، بهشت و مردم دور و به آتش دوزخ نزدیک است؛^۴ باز فرمود: هیچ بخیلی وارد بهشت نگردد.^۵

امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه مؤمنی خانه‌ای داشته باشد و مؤمن دیگری به سکونت در آن نیازمند باشد و او مؤمن را از آن باز دارد، خدای بزرگ می‌فرماید: فرشتگان من! بنده من در زمینه سکونت دنیوی بخل ورزید، به عزت و جلالم سوگند! او هرگز در بهشت من ساکن نشود.^۶

پرهیز از بخیلان: امام سجّاد علیه السلام فرمود: پسر! از رفاقت و همراهی با بخیل پرهیز؛ چرا که وی شدیدترین نیازت به مال او را برآورده نمی‌کند و در آن حال خوارت می‌کند.^۷

- ۱ . جُودُ الرَّجُلِ يُحِبُّهُ إِلَى أَضْدَادِهِ وَ بَخْلُهُ يَبْغُضُهُ إِلَى أَوْلَادِهِ (غررالحکم، ص ۳۷۸).
- ۲ . مَنْ مَنَعَ مَالَهُ مِنَ الْأَخْيَارِ اخْتِياراً صَرَفَ اللَّهُ مَالَهُ إِلَى الْأَشْرَارِ اضْطِراراً (جامع الأخبار، ص ۱۷۸).
- ۳ فَإِذَا... بِخَلِّ الْعَنِيِّ بِفَضْلِهِ... رَجَعَتِ الدُّنْيَا عَلَى تَرَاتِيهَا فَهَقْرَى (روضه الواعظین، ص ۶).
- ۴ الْبَخِيلُ بَعِيدٌ مِنَ اللَّهِ بَعِيدٌ مِنَ الْجَنَّةِ بَعِيدٌ مِنَ النَّاسِ قَرِيبٌ مِنَ النَّارِ (مشكاة الأنوار، ص ۲۳۲).
- ۵ . لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ... بِخَيْلٍ... (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۹۸).
- ۶ . أَيُّمَا مُؤْمِنٍ كَانَتْ لَهُ دَارٌ فَاحْتِاجَ مُؤْمِنٍ إِلَى سُكْنَاهَا فَمَنَعَهُ إِيَّاهَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَلَائِكَتِي! بَخِلَ عَبْدِي عَلَى عَبْدِي بِسُكْنَى الدُّنْيَا وَعَزَّتِي لَا يَسْكُنُ جَنَانِي أَبَدًا (المحاسن، ص ۱۰۱).
- ۷ . يَا بَنِي!... إِيَّاكَ وَ مُصَاحَبَةَ الْبَخِيلِ، فَإِنَّهُ يَخْذُلُكَ فِي مَالِهِ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ (الكافي، ج ۲، ص ۶۴۱).



ب. مصرف سرفانه

مورد اسراف: امام صادق علیه السلام فرمود: اسراف آن است که برای مال فسادآور و برای بدن زیان‌آور باشد؛^۱ در چیزی که برای بدن مفید است، اسراف نیست؛^۲ خروج از اعتدال و میانه‌روی اسراف است. اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست ندارد؛^۳ هرکس در خوردن، آشامیدن، پوشیدن، آمیزش و سواری اقتصاد و میانه‌روی را رعایت کند [و اسراف نکند] استفاده‌اش حلال و گرنه حرام خواهد بود.^۴

نهی از اسراف: قرآن در نهی از زیاده‌روی در مصرف می‌فرماید: ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد.^۵

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بخورید، بیاشامید، پوشید و صدقه دهید؛ ولی اسراف نکنید.^۶

بدترین امت من مرفهان خوشگذرانی‌اند که جسم‌هایشان بر اسراف می‌روید.^۷

- ۱ . إِنَّمَا الْإِسْرَافُ فِيمَا أَفْسَدَ الْمَالُ وَ أَضَرَّ بِالْبَدَنِ (الكافي، ج ۴، ص ۵۴).
- ۲ . لَيْسَ فِيمَا أَضْلَحَ الْبَدَنُ إِسْرَافًا (الكافي، ج ۴، ص ۵۴).
- ۳ مَنْ عَدَا ذَلِكَ كَانَ عَلَيْهِ حَرَامًا، ثُمَّ قَالَ: لَا تُسْرِفُوا، إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ... (تفسير العياشي، ج ۲، ص ۱۳).
- ۴ لَكِنَّ الْمَالَ مَالُ اللَّهِ يَضَعُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَدَائِعَ وَ جَوَرَ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصْدًا وَ يَشْرَبُوا قَصْدًا وَ يَلْبَسُوا قَصْدًا وَ يَنْكَحُوا قَصْدًا وَ يَرْكَبُوا قَصْدًا... فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مَا يَأْكُلُ حَلَالًا وَ يَشْرَبُ حَلَالًا وَ يَرْكَبُ وَ يَنْكَحُ حَلَالًا وَ مَنْ عَدَا ذَلِكَ كَانَ عَلَيْهِ حَرَامًا... (تفسير العياشي، ج ۲، ص ۱۳).
- ۵ . يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (سورة اعراف، آیه ۳۱).
- ۶ . كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ السُّوْأَ وَ تَصَدَّقُوا فِي غَيْرِ سَرْفٍ... (بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۰۷).
- ۷ . أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: شَرَّارُ أُمَّتِي الَّذِينَ غَدُوا بِالنَّعِيمِ وَ نَبَتَتْ عَلَيْهِمْ أَجْسَامُهُمْ (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۷۸).

امام رضا علیه السلام فرمود: در هزینه خانواده اسراف نکنید که خدای بزرگ اسراف را نمی‌پسندد و می‌گوید: و(مؤمنان) کسانی هستند که هرگاه انفاق کنند، اسراف نمی‌کنند.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: خدا اسراف را دشمن دارد، هرچند به دور انداختن هسته خرمایی باشد که برای چیزی مفید است و حتی اگر دور ریختن مانده آبی باشد [که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد].^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه لقمه‌ای از شما افتاد، آن را پاک کنید و بخورید و برای شیطان نگذارید.^۳

نشانه‌های اسراف

نشانه اسرافگر: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: اسرافگر سه نشانه دارد: می‌خورد چیزی را که برای او نیست، می‌پوشد چیزی را که برای وی نیست و می‌خرد چیزی را که برای او نیست.^۴

نشانه موارد اسراف: امام صادق علیه السلام فرمود: اسراف در سه چیز است: فرسودن [بهره‌گیری نابجا] لباس مهمانی و آبروداری، دور انداختن هسته خرما به چپ و راست و دور ریختن مانده آب؛ آنگاه فرمود: در خوراک [وقتی خورده

۱ . سَمِعْتُ الْعِيَّاشِيَّ وَهُوَ يَقُولُ: اسْتَأْذَنْتُ الرَّضَا علیه السلام فِي النَّفَقَةِ عَلَى الْعِيَالِ... فَقَالَ: بَلَى يَرَحِمُكَ اللَّهُ، أَمَا تَعْرِفُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِهَ الْإِسْرَافَ... فَقَالَ: ﴿وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا﴾ [سوره فرقان، آیه ۶۷]... (کتاب الخصال، ص ۵۴).

۲ إِنَّ السَّرْفَ أَمْرٌ يُبْغِضُهُ اللَّهُ حَتَّى طَرَحَكَ النَّوَاءُ، فَإِنَّهَا تَصْلُحُ لِشَيْءٍ وَ حَتَّى صَبَبَكَ فَضَلَ سَرَابِكُ (کتاب الخصال، ص ۱۱).

۳ . إِذَا سَقَطَتْ لَقْمَةٌ أَحَدِكُمْ فَلْيُمِطْ مَا بِهَا مِنَ الْأَذَى وَلْيَأْكُلْهَا وَلَا يَدَعُهَا لِلشَّيْطَانِ... (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۱۵۰).

۴ . لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ: يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ وَيَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ وَيَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ (کتاب الخصال، ص ۹۸).



شود] اسرافی نیست.^۱

نشانه کمترین اسراف: طبق حدیث امام صادق علیه السلام، کمترین اسراف، دور ریختن مانده آب و استفاده نابجا از لباس مهمانی و دور افکندن هسته خرماست.^۲

زیان اسراف

فقر و محرومیت از روزی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس تبذیر [ریخت و پاش و اسراف] کند، خدا او را [از روزی] محروم کند.^۳

وهمچنین فرمود: هرکس تبذیر [ریخت و پاش و اسراف] کند، خدا او را فقیر کند.^۴

منع از خودسازی: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: وای بر اسرافگر! چه قدر از اصلاح خود و جبران کارش دور است.^۵

عدم استجاب دعا: امام صادق علیه السلام فرمود: دعای کسی که مال خود را تباه و فاسد کند و از خدا روزی بطلبد، پذیرفته نمی‌شود.^۶

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز فرمود: خدا دعای گروه‌هایی از امت مرا نمی‌پذیرد: یکی از آنها کسی است که خدا به او روزی فراوان می‌دهد و او همه را انفاق می‌کند؛ سپس از خدا روزی می‌طلبد و می‌گوید: خدایا! به من روزی ده. خدای بزرگ

۱ . السَّرْفُ فِي ثَلَاثٍ: ابْتِدَالُكَ ثَوْبَ صَوْنِكَ وَ الْفَأْوُكَ النَّوَى يَمِيناً وَ شِمَالاً وَ إِهْرَاقَكَ فَضْلَةَ الْمَاءِ وَ قَالَ: لَيْسَ فِي الطَّعَامِ سَرْفٌ (کتاب الخصال، ص ۹۳).

۲ . أَذْنِي الْإِسْرَافِ هِرَاقَةُ فَضْلِ الْإِنَاءِ وَ ابْتِدَالُ ثَوْبِ الصَّوْنِ وَ الْفَاءُ النَّوَى (الکافی، ج ۶، ص ۴۶۰).

۳ وَ مَنْ بَذَرَ حَرَمَهُ اللَّهُ... (الکافی، ج ۲، ص ۱۲۲).

۴ مَنْ بَذَرَ أَفْقَرَهُ اللَّهُ... (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۱، ص ۲۰۰).

۵ . وَبِحَ الْمُسْرِفِ مَا أَبْعَدَهُ عَنْ صَلَاحِ نَفْسِهِ وَ اسْتِدْرَاكِ أَمْرِهِ (غرر الحکم، ص ۳۵۹).

۶ . أَرْبَعَةٌ لَا تُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ: ... رَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَفْسَدَهُ، فَيَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي... (الکافی، ج ۲، ص ۵۱۱).

می گوید: آیا روزی وسیع و فراوان به تو ندامت! چرا در آن (هزینه کردن و انفاق آن) آن گونه که دستور دادم، عمل نکردی؟ چرا اسراف کردی، حال آنکه تو را از اسراف برحذر داشته بودم.^۱

زیانبارترین مصرف: ابومخنف ازادی گوید: گروهی از شیعیان نزد امیرمؤمنان علیه السلام آمدند و گفتند: ای امیرمؤمنان! ای کاش این اموال [بیت المال] را برمی داشتی و با توزیع آن میان این سران و اشراف، آنان را بر ما برتری می دادی؛ آن گاه با سامان یابی کارها به برترین چیز که خدا تو را به آن عادت داده است، یعنی تقسیم یکسان و عادلانه میان مردم باز می گشتی! امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: وای بر شما آیا مرا وای می دارید که پیروزی را با ستم و بیداد بر مسلمانان تحت ولایتم بجویم! نه به خدا سوگند تا روزگار باقی است و در آسمان ستاره ای می بینم، چنین نخواهد شد. به خدا سوگند اگر این اموال از آن من [هم] بود، یقیناً بینشان به تساوی قسمت می کردم، در حالی که این دارایی مال مسلمانان است؛ آن گاه با درنگی عمیق و طولانی سر برداشت و فرمود: هر کس در میان شما مالی دارد از تباهی آن برحذر باشد، به راستی بخشش نابجای آن بی تدبیری و اسراف است که موجب سربلندی صاحبش میان مردم و خواری او نزد خدا می گردد و هرگز کسی ثروتش را نابجا و برای ناهلان هزینه نکرده، مگر اینکه خدا وی را از سپاسگزاری آنان محروم کرده و دوستی آنها برای دیگری است و اگر کسی از آنان مانده باشد که برای وی ابراز قدردانی و خیرخواهی می کند، قطعاً این کارش چاپلوسی و دروغ است. نشانه اش این است که اگر پایش بلغزد و به یاری و دست گیری آنان نیازمند شود، پست ترین دوست و بدترین همدم است. هیچ کس ثروتش را نابجا و نزد

۱... إِنَّ أَصْنَافاً مِنْ أُمَّتِي لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعَاؤُهُمْ: ... وَرَجُلٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالاً كَثِيراً فَأَنْفَقَهُ ثُمَّ أَقْبَلَ يَدْعُو: يَا رَبِّ! ارْزُقْنِي. فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَلَمْ أَرْزُقْكَ رِزْقاً وَاسِعاً فَهَلَّا أَفْتَضَدْتَ فِيهِ كَمَا أَمَرْتُكَ وَ لِمَ تُسْرِفُ وَقَدْ نَهَيْتُكَ عَنِ الْإِسْرَافِ.... (الكافي، ج ۵، ص ۶۷).



ناهلان هزینه نکرده، جز اینکه بهره اش ستایش افراد پست و تعریف بدان است؛ آن هم تا زمانی که بر آنها می بخشد و می افزاید و سخن نادان این است که وی چقدر بخشنده است در حالی که او نزد خدا بخیل است. پس چه بهره ای کسادتر و زیانبارتر از این نصیب است...^۱

پرهیز از اسراف

امام صادق علیه السلام فرمود: یکی از نشانه های مؤمن پرهیز از اسراف است.^۲ امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: هرگاه خدا خیر بنده ای را بخواهد، او را از سوء تدبیر و اسراف دور می کند.^۳ از بزرگ ترین مصادیق شرف و شخصیت، خودداری از ریخت و پاش و اسراف است.^۴

۱. قَالَ: أَتَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ - رَهْطٌ مِنَ الشَّيْعَةِ؛ فَقَالُوا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! لَوْ أَخْرَجْتَ هَذِهِ الْأَمْوَالَ فَفَرَقْتَهَا فِي هَؤُلَاءِ الرُّؤَسَاءِ وَ الْأَشْرَافِ وَ فَضَلْتَهُمْ عَلَيْنَا حَتَّى إِذَا اسْتَوْسَقَتِ الْأُمُورُ عُدْتِ إِلَى أَفْضَلِ مَا عَوَدَكَ اللَّهُ مِنَ الْقَسَمِ بِالسَّوِيَّةِ وَ الْعَدْلِ فِي الرَّعِيَّةِ. فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: أَتَأْمُرُونِي وَنَحْيَكُمْ أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ فِيْمَنْ وُلِّيتُ عَلَيْهِ مِنْ أَهْلِ الْإِسْلَامِ؟ لَا وَ اللَّهُ، لَا يَكُونُ ذَلِكَ مَا سَمَرَ السَّمِيرُ وَ مَا رَأَيْتُ فِي السَّمَاءِ نَجْماً. وَ اللَّهُ لَوْ كَانَتْ أَمْوَالُهُمْ مَالِي لَسَاوَيْتُ بَيْنَهُمْ، فَكَيْفَ وَ إِنَّمَا هِيَ أَمْوَالُهُمْ. قَالَ: ثُمَّ أَرَمَ سَاكِئاً طَوِيلًا، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ، فَقَالَ: مَنْ كَانَ فِيكُمْ لَهُ مَالٌ فَإِيَّاهُ وَ الْفَسَادَ، فَإِنَّ إِعْطَاءَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْدِيرٌ وَ إِسْرَافٌ وَ هُوَ يَرْفَعُ ذِكْرَ صَاحِبِهِ فِي النَّاسِ وَ يَضَعُهُ عِنْدَ اللَّهِ وَ لَمْ يَضَعْ امْرُؤٌ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ وَ كَانَ لَغَيْرِهِ وَ دُهُمُ، فَإِنْ بَقِيَ مَعَهُ مِنْهُمْ بَقِيَّةٌ مِمَّنْ يُظْهَرُ الشُّكْرُ لَهُ وَ يَرِيهِ النَّصْحُ فَإِنَّمَا ذَلِكَ مَلَقٌ مِنْهُ وَ كِذْبٌ - [ص ۳۲] فَإِنْ رَلَّتْ بِصَاحِبِهِمُ النَّعْلُ ثُمَّ احْتَجَّ إِلَى مَعُونَتِهِمْ وَ مَكَافَأَتِهِمْ فَأَلَامُ خَلِيلٍ وَ شَرُّ خَلِيبٍ، وَ لَمْ يَضَعْ امْرُؤٌ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنَ الْحِظِّ فِيْمَا أُتِيَ إِلَّا مَحْمَدَةُ اللَّتَامِ وَ نَسَاءُ الْأَشْرَارِ مَا دَامَ عَلَيْهِ مُعْبِئاً مُفْضِلاً وَ مَقَالَةً الْجَاهِلِ مَا أَحْوَدَهُ وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ بِخَيْلٍ فَأَيُّ حِظٍّ أَبْوَرُّ وَ أَخْسَرُ مِنْ هَذَا الْحِظِّ... (الكافي، ج ۴، ص ۳۰).

۲... وَ لَا يُسْرِفُ... (الكافي، ج ۲، ص ۲۳۱).

۳. إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ... جَنَّبَهُ سُوءَ التَّدْبِيرِ وَ الْإِسْرَافِ (غرر الحكم، ص ۳۵۳).

۴. مِنْ أَشْرَفِ الشَّرَفِ الْكَفُّ عَنِ التَّبْدِيرِ وَ السَّرْفِ (غرر الحكم، ص ۳۶۰).

امام کاظم علیه السلام فرمود: هزینه زندگی باید مطابق طاعت خدا و به دور از اسراف باشد.^۱

ج. معیشت معتدلانه

در تعالیم آسمانی اسلام بر «تشویق به تولید و اعتدال و قناعت در مصرف» تأکید شده است. آیات و روایات فراوانی بر این اصل دلالت دارند؛ رفاه و آسایش واقعی آدمی در مصرف بی‌رویه نیست؛ بلکه در بی‌نیازی و عدم وابستگی به دیگران است. اگر انسان بتواند خود را از تعلقات دنیایی برهاند و بی‌نیاز سازد، راحت‌تر زندگی خواهد کرد تا اینکه با مصرف بی‌حساب آن امور، خود را بی‌نیاز کند.^۲ برخی خود را از مسکن مجلل، مرکب پیشرفته و بسیاری از زواید زندگی بی‌نیاز می‌بینند؛ اما گروهی دیگر با بهره‌مندی از این امور خود را بی‌نیاز می‌پندارند.

سفارش به اعتدال: به روایت امام رضا علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله به گروهی از مؤمنان فرمود: آنچه در آن سکونت نمی‌کنید، مسازید و آنچه را نمی‌خورید، انباشته نکنید و از خدایی که به سوی او محسور می‌شوید، بترسید.^۳

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: ای پسر! در معیشت و عبادت میانه‌رو باش.^۴

امام سجاد علیه السلام گفتند: آخرین توصیه‌ی خضر به موسی بن عمران علیه السلام این بود که از محبوب‌ترین کارها نزد خدای بزرگ، میانه‌روی هنگام توانگری است.^۵

۱. الْعَارِمُونَ قَوْمٌ قَدْ وَقَعَتْ عَلَيْهِمْ دُيُونٌ قَدْ أَنْفَقُوهَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ إِسْرَافٍ (عوالي اللئالی، ج ۳، ص ۱۲۱).

۲. اسْتَعْنَاؤُكَ عَنِ الشَّيْءِ خَيْرٌ مِنْ اسْتِعْنَانِكَ بِهِ (مستدرک سفینه البحار، ج ۸، ص ۶۱۶).

۳. لَا تَبْنُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ وَلَا تَجْمَعُوا مَا لَا تَأْكُلُونَ وَأَتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (الكافي، ج ۲، ص ۴۸).

۴. فَقَالَ... اقْتَصِدْ يَا بُنَيَّ! فِي مَعِيشَتِكَ وَاقْتَصِدْ فِي عِبَادَتِكَ... (الأمالی، مفید، ص ۲۲۲).

۵. كَانَ آخِرَ مَا أَوْصَى بِهِ الْحَضْرَةُ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ علیه السلام أَنْ قَالَ: ... أَحَبُّ الْأُمُورِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثَلَاثَةٌ: الْقَصْدُ فِي الْجِدَّةِ... (كتاب الخصال، ص ۱۱۱).



طبق حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله، میانه‌روی در نفقه و هزینه زندگی نیمی از معیشت است.^۱

شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: شنیدم میانه‌روی و تدبیر در معیشت نیمی از کسب است. آن حضرت فرمود: نه، بلکه همه کسب است و تدبیر در معیشت جزو دین است.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: خدا دارایی و مال را نزد افراد به امانت گذاشته و به آنان اجازه داده است که با میانه‌روی بخورند و بیاشامند و بپوشند و آمیزش کنند و از مرکب بهره گیرند؛^۳ نیز فرمود: در طلب روزی نه چنان کند باش که عمر را تباہ کنی و نه چنان حریص باش که به دنیا اطمینان کنی؛ بلکه در زندگی عقیف و معتدل باش.^۴

امام رضا علیه السلام فرمود: باید هزینه خود و خانواده‌ات بر پایه میانه‌روی باشد.^۵

برخی آثار اعتدال

رزق الهی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس در معیشت میانه‌روی کند، خدا او را روزی بخشد و هرکس اسراف کند، خدا او را محروم گرداند.^۶

۱. الْأَقْتِصَادُ فِي النَّفَقَةِ نِصْفُ الْمَعِيشَةِ... (المعجم الأوسط، ج ۷، ص ۲۵).

۲. سَمِعْتُ رَجُلًا يَقُولُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: بَلَّغْنِي أَنَّ الْأَقْتِصَادَ وَالتَّدْبِيرَ فِي الْمَعِيشَةِ نِصْفُ الْكَسْبِ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: لَا بَلَّ هُوَ الْكَسْبُ كُلُّهُ وَ مِنَ الدِّينِ التَّدْبِيرُ فِي الْمَعِيشَةِ (الأمالی، طوسی، ص ۶۷۱).

۳. الْمَالُ مَالُ اللَّهِ يَضَعُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَذَائِعٌ وَجَوَزٌ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصْدًا وَيَشْرَبُوا قَصْدًا وَيَلْبَسُوا قَصْدًا وَيَنْكَحُوا قَصْدًا وَيَرْكَبُوا قَصْدًا (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۳).

۴. لِيَكُنْ طَلَبُكَ الْمَعِيشَةَ فَوْقَ كَسْبِ الْمُضْطَّعِ وَدُونَ طَلَبِ الْحَرِيصِ الرَّاضِي بِدُنْيَاهُ الْمُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا وَ لَكِنْ أَنْزَلَ نَفْسَكَ مِنْ ذَلِكَ بِمَنْزِلَةِ النَّصْفِ الْمُتَعَفِّفِ... (تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۳۲۲).

۵. وَ لِيَكُنْ نَفَقَتُكَ عَلَى نَفْسِكَ وَ عِيَالِكَ قَصْدًا (فقه الرضا علیه السلام، ص ۲۵۵).

۶. مَنْ اقْتَصَدَ فِي مَعِيشَتِهِ رَزَقَهُ اللَّهُ وَ مَنْ بَدَّرَ حَرَمَهُ اللَّهُ... (الكافي، ج ۲، ص ۱۲۲).

صیانت از فقر: طبق حدیث رسول خدا ﷺ، کسی که اعتدال و میانه‌روی داشته باشد، فقیر نمی‌شود.^۱

طبق حدیث امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام هم، میانه‌روی مایه بی‌نیازی است.^۲ ابراهیم بن میمون می‌گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام شنیدم که فرمود: فقیر نشدن را برای کسی که اعتدال و میانه‌روی داشته باشد، ضمانت می‌کنم.^۳

استجاب دعا: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: کسی که مالش را تباه و فاسد کند و بگوید: خدایا! روزی‌ام ده، دعایش مستجاب نمی‌شود و به او گفته می‌شود: آیا به تو فرمان ندادم که (در مصرف) اعتدال و میانه‌روی داشته باش.^۴ نشانه کمال: امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام تقدیر و اندازه‌گیری در معیشت نشانه کمال آدمی است.^۵

صیانت از عذاب: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: تقوا پیشه کن و از اسراف و خست بپرهیز؛ بلکه میان آن دو، راه صحیح و پایدار را برگزین که خدای متعالی کسی را به سبب میانه‌روی کیفر ندهد.^۶

قناعت در مصرف

قناعت، ثروت بزرگ‌تر: رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که به روزی خدا قانع باشد، از توانگرترین مردم است.^۷

۱. مَا عَالَ مَنْ اقْتَصَدَ (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۶۷).

۲. ... إِنَّ الْقَصْدَ يُورِثُ الْغِنَى (الكافي، ج ۴، ص ۵۳).

۳. صَمِنْتُ لِمَنْ اقْتَصَدَ أَنْ لَا يَفْتَقِرَ (كتاب الخصال، ص ۹).

۴. أَرْبَعَةٌ لَا تُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ: ... رَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَفْسَدَهُ، فَيَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي، فَيَقَالَ لَهُ: أَلَمْ أَمُرْكَ بِالْإِقْتِسَادِ (الكافي، ج ۲، ص ۵۱۱).

۵. الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ... التَّقْدِيرُ فِي الْمَعِيشَةِ (دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۵۵).

۶. آتَى اللَّهُ وَلَا تُسْرِفْ وَلَا تُقْتَرُ وَكُنْ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا... إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَذِّبُ عَلَى الْقَصْدِ (تفسير العياشي، ج ۲، ص ۲۸۸).

۷. مَنْ قَنِعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ (تحف العقول، ص ۷).



طبق حدیث امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام، گنجی بی‌نیاز کننده‌تر از قناعت نیست.^۱ حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام گفتند: قناعت به آنچه به آدمی عطا شده، ثروت بزرگ‌تر است.^۲

سفارش به قناعت: رسول خدا ﷺ فرمود: خوشا به حال کسی که به دین اسلام هدایت یافته و عیش کفافی [دارایی در حد نیاز و مایه آبرومندی] دارد و ساده‌زیست و قانع است.^۳

باز فرمود: هرگاه گرسنگی (و تنگ‌دستی) بر تو فشار آورد، به گرده نانی و سبوی آبی بسنده کن.^۴

ابوذر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گوید: رسول خدا ﷺ به من سفارش فرمود که [در مسائل مادی و مال دنیا] به فرودست‌تر از خود نگاه کنم و به فرادست خود ننگرم.^۵

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام به حمران بن اعین فرمود: ای حمران! به پایین‌تر از خود بنگر و به کسی که از نظر دارایی و توانگری برتر از تو است، نگاه نکن؛ زیرا این کار تو را به آنچه روزیت شده قانع‌تر می‌کند و از سوی پروردگارت سزایمند افزایش می‌گردد.^۶

۱. لَا كَثْرَ أَعْنَى مِنَ الْقُنُوعِ (الكافي، ج ۸، ص ۱۹).

۲. الْغِنَى الْأَكْبَرُ: الْقَنَاعَةُ بِمَا أُعْطِيَ... (تحف العقول، ص ۳۱۸).

۳. طُوبَى لِمَنْ هَدِيَ لِلْإِسْلَامِ وَكَانَ عَيْشُهُ كَفَافًا وَ قَنِعَ (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۶۳).

۴. ... إِذَا اشْتَدَّ بِكَ الْجُوعُ فَعَلَيْكَ بِرَغِيفٍ وَ كُوْزٍ مِنْ مَاءٍ... (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۶۳).

۵. عَنْ أَبِي ذَرٍّ - رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ - قَالَ: أَوْصَانِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ دُونِي وَ لَا أَنْظُرَ إِلَيَّ مَنْ هُوَ فَوْقِي (كتاب الخصال، ص ۳۴۵).

۶. يَا حَمْرَانُ! انظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَفْنَعُ لَكَ بِمَا قُسِمَ لَكَ وَ آخَرَى أَنْ تَسْتَوْجِبَ الزِّيَادَةَ مِنْ رَبِّكَ (علل الشرائع، ص ۵۶۹).



باز فرمود: به آنچه خدا روزی‌ات کرده، قناعت کن و نگاهت جز به مال خودت نباشد و چیزی را که بدان نمی‌رسی، آرزو نکن؛ زیرا آن که قناعت پیشه کند، سیر شود و کسی که قناعت نکند، سیر نگردد.^۱

برخی آثار قناعت

بقای نعمت: امام کاظم علیه السلام فرمود: هرکس میانه‌روی و قناعت پیشه کند، نعمت برایش پایدار ماند.^۲

بی‌نیازی: طبق حدیث امیرمؤمنان علیه السلام، خدای سبحان ثروت و بی‌نیازی را در قناعت قرار داده است.^۳

آسایش و راحتی: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: هرکس به اندازه نیاز بسنده کند آسایش و راحتی منظم دارد^۴؛ و نیز فرمود: کسی که خدای سبحان بدو قناعت بخشیده، خوش‌زیست‌ترین مردم است.^۵

نشانه ایمان: امام صادق علیه السلام فرمود: سزاوار است که مؤمن دارای هشت خصلت باشد که یکی از آنها قانع بودن به روزی خداداد است.^۶

۱ . . . وَ افْتَعِ بِمَا قَسَمَهُ اللهُ لَكَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَّا إِلَى مَا عِنْدَكَ وَ لَا تَتَمَنَّ مَا لَسْتَ تَنَالُهُ، فَإِنَّ مَنْ قَنِعَ سَبِعَ وَ مَنْ لَمْ يَقْنَعْ لَمْ يَشْبَعْ ... (تحف العقول، ص ۳۰۴).

۲ . . . مَنْ اقْتَصَدَ وَ قَنِعَ بَقِيَّتِ عَلَيْهِ النِّعْمَةُ ... (تحف العقول، ص ۴۰۳).

۳ . . . إِنَّ اللهَ سُبْحَانَهُ وَضَعَ خَمْسَةَ فِي خَمْسَةِ: ... الْغِنَى فِي الْقَنَاعَةِ (ارشاد القلوب، ص ۱۱۹).

۴ . . . قَالَ: ... مَنْ اقْتَصَرَ عَلَى بُلْغَةِ الْكَفَافِ فَقَدِ انْتَضَمَ الرَّاحَةَ (الكافي، ج ۸، ص ۱۹).

۵ . . . أَنْعَمَ النَّاسُ عَيْشاً مَنْ مَنَحَهُ اللهُ سُبْحَانَهُ الْقَنَاعَةَ ... (غرر الحکم، ص ۲۱۲).

۶ . . . يَبْغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَمَانِي خِصَالٍ: ... قَانِعاً بِمَا رَزَقَهُ اللهُ ... (الكافي، ج ۲، ص ۴۷).